که مجمل تفصیل آنها انشاء الله در تضاعیف این مجموعه بیان شود و نیز اخبار بسیار

از ائمهٔ اطهار روایت شده که صفات حسنه را علامات اسلام و ایمان

وصفات ذمیمه را بعضی علامت نفاق و بعضی علامت ضلال شمرده‌اند و هم

از ایشان علیهم السلام مرویست که ایمان سه قسمست تمام و ناقص و زائد ایمان

تمام آنست که از جمیع محرمات و معاصی اجتناب نماید و جمیع فرائض و واجبات را

بعمل آورد بحیثیتی که هیچ معصیتی صادر نشود و هیچ فریضه ترک نکرده ایمان

ناقص آنکه بعضی معاصی بصدور آید یا بعضی واجبات ترک شود و بقدر آنکه

واجبات کمتر و معاصی بیشتر باشد نقصان ایمان بیشتر بود و ایمان زاید

آنکه زیاده بر واجبات مستحبات و مندوبات نیز صادر شود و زیاده بر محرمات

مکروهات و مذمومات نیز صادر نشود و هر قدر مستحبات بیشتر و مکروهات

کمتر ایمان زیاده‌تر باشد و هم از ایشان ع مرویست که چون مرتکب معصیتی

شود یا ترک فریضه نماید و آنرا حلال نداند از ایمان بیرون رود و اسم مومن

بر و صادق نباشد امّا از اسلام بیرون نرود و اگر حلال نیز داند از اسلام

نیز بیرون رود و کافر باشد و هم از ایشان ع اخبار بسیار آمده که اگر کسی ترک

فریضه نماید که دران لذتی و شهوتی نبود مانند ترک نماز کافر شود زیراکه

سبب ترک درینصورت بغیر استخفاف و بیحرمتی بآن فریضه چیزی دیگر نباشد

و هر کس استخفاف بفریضه نماید کافر باشد و از امام همام محمد بن علی الباقر علیهما السلام

وبعضی علامات [illegible]

مرویست که فرمود ای جابر آیا بس است کسی را که دعوی تشیع ما می کند و تشیع را
بر خود می بندد همین که گوید من دوستدار اهل بیتم والله که شیعه ما نیست
مگر کسیکه از معصیت خدای پرهیزد و اطاعت خدای نماید و این جماعت را نتوان
شناخت مگر بتواضع و خشوع و امانت و ذکر خدای عز و جل بسیار و داشتن
خدای در مجاری احوال و سوانح اعمال و نماز گزارند و روزه گیرند و اطاعت
والدین نمایند و رضای ایشان جویند و تعهد احوال همسایگان و فقرا
و مساکین و قرضداران و ایتام نمایند و اعانت ایشان کنند و دین ایشان
ادا نمایند و حاجات ایشان برآرند و راست گوی باشند و تلاوت قرآن
نمایند و زبان از مردمان باز دارند مگر بخیر و امین قبیله خود باشند پس جابر
گفت یا ابن رسول الله باین صفات کسیکه می فرمائی درین روزگار
نمی شناسیم پس آنحضرت صلوات الله علیه فرمود ای جابر خیالهای فاسده
مکن و راههای بی منفعت مرو آیا بس است همین که کسی گوید علی را دوست
میدارم و تولا با و می نمایم و حال انکه اطاعت او نکند و فرمان او نبرد
پس اگر گوید رسول الله را دوست میدارم و حال انکه رسول بهتر از
علی بود و پیروی او نکند و طریقه او نه پیماید و عمل بسنت او ننماید محبت او
انکس را هیچ سود ندهد پس از خدای تعالی بپرهیزید و اطاعت خدای
نمائید تا بکرامت فضل و ثواب او فائز شوید میان خدای تعالی و هیچیک از

بدکانش

بندگانش خویشی و قرابتی نیست که اعتماد بران کند و توسل بان جوید دوست
ترین مردمان نزد خدای تعالی آنانند که پرهیزکارتر باشند و عمل بطاعت
او بیشتر نمایند ای جابر والله که نزدیکی بخدای حاصل نشود مگر بطاعت او
برات کسی از آتش با ما نیست و کسی را بر خدا حجتی نه هر کس مطیع خدا است
دوست ماست و هر کس عاصی خدا باشد دشمن ما و هیچکس را بدوستی ما دست
رس نبود مگر بطاعت خدا و فرمانبرداری ما و ورع از معصیت خدا و نا
فرمانی ما و از امام جعفر بن محمد الصادق ع مرویست که فرمود ما اهل
خیریم و فرع ماست هر نیکوئی و از انجمله است توحید خدای عز و جل و نماز
و روزه و خشم فرو خوردن و عفو نمودن از کسیکه بدی نسبت باو کرده
باشد و ترحم بر فقرا و تعهد احوال همسایگان و اقرار نمودن برای صاحب
فضلی و حقی بفضل او و دشمنان ما اند اصل هر شری و فرع ایشانست
هر قبیحی و از انجمله است دروغ گوئی و بخیلی و سخن چینی و ارتکاب فواحش
و معاصی ظاهر او پنهانی و زنا و دزدی و هر چه مانند این باشد از قبایح
و مناهی پس کسیکه دعوی محبت و ولایت ما کند و متعلق بفروع اعدای
ما باشد در دعوی خویش کاذب باشد پس از مجموع این احادیث و اخبار
و مانند این روایات بسیار که ذکر آن همه در حوصله این مقدمه نگنجد
واضح و محقق و ظاهر و مبین است که هر کسی بقدر انکه ورع و طاعت و تقوی

وطهارتش بیشتر باشد نسبتش با اهل بیت طهارت و عصمت بیشتر و درجه اش
با ایشان نزدیکتر بود و هر کس بقدر آنکه معصیت و فجور و رداءت و شرورش
بیشتر و از ایشان بیگانه تر و دورتر و بدشمنان ایشان مناسبتش بیشتر
و مرتبه اش نزدیکتر بود پس چون روز قیامت عدل الهی خیر و شر و خبیث
و طیب را از یکدیگر جدا و تمیز فرماید و نعوذ بالله و بفضله اگر رحمت الهی
و شفقت نامتناهی شامل نشد ما واماندگان گمراهی نمایند فرعی با اصل خویش
ملحق گردد ولا عصمة الا بالله وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین ولعن الله
اعداءهم اجمعین وجعلنا معهم ولا فرق بیننا وبینهم بفضله ومنه **باب اول**
در فضائل عقل و علم و مکارم اخلاق و صفات و رذائل مناهی و معاصی
و دوای ذنوب و سیئات و این مجموع انشاء الله در چهارده فصل
بیان میشود **فصل اول** در فضائل عقل و علم از اهل بیت حکمت و نبوت صلوات الله
علیهم **مرویست** که افضل عطایا و اشرف مواهب الهی عقلست اگر عقل نبودی
دین تمام نشدی و اوامر و نواهی که مدار ثواب و عقاب و فضائل و کمالات
و ارتفاع درجات در جنات عالیات و منازل سامی و مراتب گرامی
و کرامات نامتناهی و قرب لقای جناب الهی است متحقق نگشتی جبرئیل ع
برسالت عقل و دین و حیا را نزد حضرت آدم ع آورده گفت هر کدام
خواهی اختیار کن آدم ع عقل را اختیار کرد پس جبرئیل ع بدین و حیا گفت

شما را

شما براه خود بروید گفتند خدای تعالی ما را رخصت مفارقت عقل نداده هر جا
عقل باشد ما ملازم باشیم هر کس را عقل منیع تر مرتبه رفیعتر چون بعمل امثال نماز
و روزه و غیر آن چند کس کنند با آنکه عمل بکمیت فضل و ثواب بقدر تفاوت
عقول متفاوت باشد عابدی مدتها در جزیره عبادت میکرد فرشته را
نظر بر او افتاد از کثرت عبادتش تعجب نموده از جناب الهی خواست که
منزلت و ثوابش را ببیند چون باو نمودند در برابر آن عبادت قلیل پنداشت
پس خطاب رسید که نزول نموده عقلش را امتحان نمای پیش او آمده
صحبت آغاز کرده گفت خوب حالی و خوش مکانی داری عابد گفت بلی
کاش خدا را الاغی بودی تا درین جزیره رعایت کردمی و آب و علف این
لطافت ضایع نگشتی چون ملک این مکالمه شنید رجوع نموده گفت این مرتبه
و فضل نه در حوزه حوصله این عقلست همانست که لطف و رحمت الهی
بمقتضای وسعت خود با عباد معامله کند کسی را بکثرت عبادت ستایش میکردند
حضرت امام فرمود عقلش چونست گفتند آنقدری نیست فرمود از آن
عبادت نیز آنقدر بهره نیست و امثال این احادیث و اخبار بسیارست
و از حضرت امام پرسیدند که عقل کدامست فرمود آنکه در امور دین
امین و در کار عقبی بینا باشد و بآن اکتساب جنان و اجتناب از نیران
حاصل شود گفتند پس آنچه معاویه داشت چه بود فرمود مکر و شیطنت بود ٥

وهم از ایشان علیهم السلام مرویست که طلب علم فرضست بر هر مسلم و عالمی که
مردم از علمش منتفع شوند بهترست از هفتاد هزار عابد و فضل عالم بر عابد مثل
فضل ماه چهارده است بر سائر کواکب روز قیامت مداد علما را با دماء
شهدا وزن کنند مداد علما راجح باشد و چون کسی امری راست و عملی خیر
تعلیم کسی کند اگر آن در تمام عالم منتشر شود و همه خلق تا روز قیامت
بآن عمل کنند مثل ثواب همه ایشان برای او ثبت کرده بی آنکه از ثواب ایشان
چیزی کم شود و همچنین است اگر راهی باطل و عملی شر تعلیم کند و علم راهیست تا بهشت
و مونس است در وحشت و مصاحب در غربت و همنشین صحبت و همزبان خلوت
و زینت احبا و سلاح اعدا و نور چشم و قوت بدن و حیوة دل و فکر در علم برابر است
با صیام و مدارسه اش با قیام و تعلیمش صدقات و تعلمش حسنه و مذاکره اش
تسبیح و عمل بمقتضایش جهاد اکبر و ملائکه با علما محبت نمایند و برای ایشان دعا کنند
و همه خلائق برای ایشان استغفار کنند حتی ماهیان دریا و سباع صحرا
و خواب شان عبادتست و مطالعه علم افضل است از هفتاد ساله عبادت
و دو رکعت نماز عالم افضل است از هفتاد رکعت نماز عابد و یکساعت پیش او نشستن
افضل است از یکسال اعتکاف در مسجد الحرام و زیارتش افضل است از
هفتاد حج و عمره و چون کسی ساعتی با علما نشیند درجه برایش بلند کنند و خدای تعالی
بر او رحمت فرستد و بهشت واجب گرداند و چون کسی بطلب علم رود راهی

تا بهشت برایش گشوده شود و ملائکه بال گشایند تا بران پا گذارد و اهل آسمان
و زمین حتی ماهی دریا برایش دعا و استغفار کنند و اگر عالم یک ورق علم
گذارد آن ورق میان او و آتش پرده حجابی باشد و بعدد هر حرف از آن
خدای تعالی در بهشت مدینه عطا کند هفت مرتبه وسیع تر از تمام دنیا
و چون عالمی بمیرد فرشتگان و بقاع زمین که در آن عبادت میکرد
و درهای آسمان که اعمالش بالا می رفت همه بر او بگریند و رخنه در دین
پیدا شود که هیچ چیز علاج آن نکند و علم را لوازم و علامات چندست
از انجمله تقوی و ورع و صلاح و طاعت و عمل کردن بمقتضای آن که
علم بی عمل وزر و وبالست همچنانکه عمل بی علم حیرت و ضلال عظیم ترین حسرتها
در روز قیامت حسرت عالمی است که دیگران بعلم او عمل نموده و او
خود محروم مانده شد و هفتاد گناه از جاهل آمرزیده شود تا یک گناه از
عالم آمرزیده شود و از حضرت امام جعفر صادق ع تفسیر آیه فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ
الْبَالِغَةُ پرسیدند فرمود روز قیامت خدای تعالی از بندگان
سوال کند که خیر و حق را میدانستید یا نه اگر گویند نمیدانستیم گوید چرا
تحصیل علم نکردید تا عمل کنید پس ایشان را ملزم گرداند و از انجمله خضوع
و خشوع و خشیة و زهد در دنیا و رغبت بآخرت و حلم و وقار و کلام بحق
و سکوت از باطل و تحلی بمکارم و تخلی از رذائل مرویست که عالم آنست که

فعلش تصدیق و تلش کند و کسیکه چنین نباشد عالم نباشد و از انجمله هست شکستگی
نفس و تواضع هرچند علم بیشتر آثار و علامات وی بیشتر حضرت عیسی روزی
با حواریین گفت مرا با شما حاجتیست گفتند یا روح الله حاجتت اجابت
مقرونست پس برخاسته پای ایشانرا شست و بروایت دیگر بوسید گفتند
یا روح الله این کار بما انسب بود فرمود سزاوارترین مردم بخدمت
و تواضع علما یند و این نهایت مرتبهٔ تواضع بود چنین کردم تا بدانید
که با مردم تا چه حد تواضع باید کرد و علم را حقوق چند نیز هست اما حق
خدای تعالی بر عالم آنکه هرچه نداند نگوید که اگر ندانسته بگوید ملائکه رحمت
و عذاب همه بر و لعنت کنند و هرکس بقولش عمل کند در وزرش شریک
باشد و آنچه داند در مقام لائق و از اهل دریغ ندارد و اگر نه ظلم کرده
باشد و چون کسی دوای جراحتی تواند و نکند چنانست که همه ناس را زنده
کرده باشد و زنده کردن بعلم افضل است از هر زنده کردنی چه علم حیوة
دل و جان و بقای جاوید در جنان و رواج دین و قوت مؤمنین است
و از غیر اهل پنهان دارد که هرکس حفظ سر از بیگانه نکند مستحق حرمان زیادی
شود و موجب فساد عظیم و ضلالت ضعفا باشد و هرکس یکنفس را بکشد
چنانست که همه ناس را کشته باشد و کشتن بضلالت عظیمتر است از هر کشتن
و کسی از حضرت امام پرسید که بر ما واجبست که هرچه ندانیم سوال کنیم فرمود

بلی

بلی گفت بر شما واجبست که هرچه سوال کنیم جواب گوئید فرمودند هرچه مصلحت
دانیم گوئیم عالم مثل طبیب حاذق است دوا را در موضع مناسب استعمال کند
و از غیر آن نگاه دارد و حق عالم بر مردم آنست که چون کسی در مجلسی که جمعی
باشند داخل شود بر همه سلام کند و عالم را بزیادتی تحیت و اکرام اختصاص
دهد و برابر رویش نشیند که عالم محتاج روگردانیدن نشود و دامنش نگیرد و اشارة
بجانبش نکند و سوال بسیار ننماید و خلاف قول او نگوید که فلان و فلان چنین گفته اند
و مجملا از هرچه خلاف ادب باشد احتراز کند و حق متعلم بر عالم آنکه با او مهربان باشد
و هرچه مناسب او داند از و دریغ ندارد و از حوائج و مسائلش اعراض نکند و در
تعلیم میان تلامذه تفاوت نگذارد و مجملا هرچه مقتضای شفقت باشد رعایت
کند فصل دوم در صفات مؤمن بر سبیل اجمال مرویست از اهل بیت ۵
طاهرین علیهم السلام که مومن کسی است که در دین خدا بینا و بر احکام
آن دانا باشد و در دین صلب تر از کوه گران و در طاعت خدا سخت تر
از سنگ و سندان باشد کوه را با تیشه توان شکافت و دست در دین
مومن نتوان یافت رویش شکفته و خندان و دلش محزون و گریان
راغب بمحاسن و از قبائح گریزان خاطرش منزه از حسد و کینه با خلق
صاف دل همچو آئینه نه عیب جوی عیب جمالش و نه غیبت گوی عار کمالش طالب
شهرت و نام و نه خواهان صیت و نشان زبان از فضول بسته و در غم خویش

نشسته در نعمت شکور و در مصیبت صبور نه نعمتا ورا مورث فرح و غفلت مه مصیبت باعث جزع و وحشت در فکر خود مغموم و بفقر خود مسرور خلقش موافق طبعش

ملایم و فایش تا بت مجلس جفا از آن زائل نه در کلامش کذب را کذری و نه از رشک عرض در او اثری اگر بخندد غافل نشود و اگر بر نجد طیش نکند ضحکش تبسم

و سوالش برای تعلم کثیر العلم عظیم الحلم نه در کارها شتاب و استعجال و مقام حق دلگیری و ملال حکمش از حیف و میل مبرا و علمش از جور و جهل معرا نفسش در دین

سخت تر از سنگ و معامله اش شیرین تر از شهد نه در نعمت حریص و نه در فقر جزوع نه مدعی لاف و نه دعوی گزاف نه عهدش را ننگ قصور و نه شرطش را

گرد فتور با مردم وصول و مهربان و متحمل مکاره از ایشان رحمتش کثیر و فضولش قلیل راضی بقضای خدا مخالف نفس و هوا از غلظت و درشتی

منزه و از خوض در مالایعنی مقدس ناصر دین و حامی مومنین و پناه مسلمین نه مدح و ثنا را در نظرش عیاری و نه از طمع دنیا دلش را افکاری و نه لهو را

در حکمش اثری و نه جاهل را از علمش خبری قولش دلیل فعل و فعلش مصدق قول علمش وافر و رسا و دلش آگاه و بینا با مومنان وصول و با فقرا بذول

نه در وصلش عنف و خلاف و نه در بذلش بخل و اسراف نه معامله اش را عیب خدعه و غدر و نه مخالطه اش را ننگ حیله و مکر نه پی ر عیوب مومنان نه راضی

بمضرت ایشان معین ضعفا و دستگیر و رماندگان شیوه اش وسعت خلق

دلیرش

و پیشه اش سعی در حوائج خلق نه هتک ستر عیب فعالش نه کشف سر قصور کالش بانواع بلا مبتلا و زبان از شکایت در قفا حفظ غیب بلیه اش و ستر غیب

اندیشه اش عذر خواهانرا عذر پذیر و از عفو و بخشش ناگزیر خیرخواهی مومنان کارش بر اصلاح میان ایشان مدارش با مردم خوش کام و نیکو کردار دکر

ایشان امین قوم و قبیله و آراسته باخلاق حمیده و منزه از صفات رذیله دوستیش برای خدا از روی دانش و دشمنیش برای او از راه

بینش مذکر عالم و معلم جاهل نه کسی را از و بیم آزار و شدت و نه اندیشه تعب و مشقت همه کس در نظرش از و بهتر و او در پیش خود از همه بدتر

همنشین فقرا و مصادق اهل صدق معین غربا و مددکار اهل حق یتیمانرا پدر و بیوه کانرا شوهر مهربان با مساکین و غمخوار مومنین در هر بلیه امیدوار

در هر حادثه توقع از و با مردمان خندان و شکفته و غم و اندوه در دلش نهفته فارغ از جستجوی عیب کسی و مشغول بعیب خود در هر نفسی با مردم

پاکیزه اختلاط و در کارها بحزم و احتیاط بقسمت خود قانع و از خلق مستغنی حیایش غالب بر شهوت و مودتش زاید بر حسد و عفوش بیشتر از حقد

سخن نگوید مگر بخیر و چشم پوشد از معایب غیر رفتارش بتواضع و در طاعت حق خاشع و خاضع از خدا راضی در همه احوال و برضای خداوند

همه افعال نظرش عبرت و سکوتش فکرت و کلامش حکمت در سر و علانیه

خیرخواه و از غش و خدعه در پناه نه از مومنان هجرت کند و نه ایشان را غیبت
کند نه او را از نعمت دنیا فرح و سرور و نه از فقدان آن تأسف و فتور محزون
از شداید ایام و نه او را رغبتی بحرام علمش ممزوج بحلم و عقلش مقرون بصبر بعید
الکسل قریب الامل دائم النشاط قلیل الزلل همیشه منتظر اجل دلش دایم در ذکر
خدا خاشع نفسش بقلیلی قانع کار دنیایش سهل و خفیف و از بیم گناهان محزون
و نحیف لذت و شهوتش مرده دلش بطاعت خدا زنده مردم از او در امان
و او در تعب از ایشان نه در دلش شایبهٔ کبر و نه بمحاسن خود عجب و فخر کارهایش
محکم و متین نه مانعی او را از معالم دین کلامش نه از روی تجبر و سکوتش نه برای
تکبر دوریش از مردم نه برای نزاهت و نزدیکیش از روی رحمت
نه در دوریش جبروت کبر و نه در نزدیکیش حیله و مکر پی روی نیکان
گذشته و مقتدای خوبان آینده نفسش از او در تعب و مردم از او در راحت
علم خلیلش و حلم وزیرش صبر امیر عسکرش و لین و رفق پدر و برادرش
نه داعیش بر فعل سمعه و ریا و نه مانعش از خیر شرم و حیا اگر بخیر مذکور شود
بذکر ایشان مغرور نشود اگر چنانست که ایشان گویند خدا را بران
شکر گزارند و اگر نه چنانست استغفار کند و از خجلت آن سر برنیارد
و اگر بشر مذکور گردد از گفتهٔ ایشان آشفته نگردد اگر چنانست استغفار
کند و اگر نه چنانست شاکر باشد **فصل سوم در مکارم اخلاق و صفات**

دولت

۷

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که راس هر طاعت صبر و رضاست
در قضای الهی و حکم او خواه موافق خواهش بنده باشد و خواه نه چون سر از
بدن برخیزد بدن بمیرد همچنین چون صبر از ایمان برخیزد ایمان زایل گردد
و صبر سه قسمت یکی در بلیه و محنت دوم در مشقت طاعت سیم در ترک
معصیت هر کس در بلیه صبر کند خدای تعالی برایش سیصد درجه بلند گرداند
که مابین هر دو درجه مثل مابین آسمان و زمین باشد و هر کس در طاعت صبر کند
ششصد درجه بلند کند که مابین هر دو درجه از اطراف زمین باشد
تا ابتدای عرش و هر کس در ترک معصیت صبر کند نهصد درجه بلند کند
مابین هر دو درجه از اطراف زمین باشد تا منتهای عرش و بهشت محفوفست
بمکاره و صبر و دوزخ محفوفست بلذات و شهوات هر کس بر مکاره صبر کند
داخل بهشت شود و هر کس پیروی شهوات نماید لایق دوزخ بوده باشد
چون مومن داخل قبر شود نماز در دست راست او ایستد و زکوة
در دست چپ او و بر سرش سایه کند و صبر در کناری ایستاده گوید
شما در جواب منکر و نکیر اعانت صاحب خود کنید اگر عاجز آیید من
او را دریابم و هر کس صبر کند بقضای خدا در نفع و ضر و خیر و شر شاد باشد
و غیر از رضا و تسلیم چیزی بخاطرش خطور نکند خدای تعالی برای او بغیر
خیر راضی نشود و هیچ چیز از خدا نخواهد مگر آنکه مستجاب شود خدای تعالی

دیگر

برای عباد خود نخواهد مگر خیر اگر یکیرا بانواع بلیّات مبتلا سازد خیرش در آن
باشد و اگر دیگریرا پادشاه مشرق و مغرب سازد مصلحتش در آن بود فرموده
هرکس بقضای من رضا دهد و بر بلای من صبر کند و نعمای مرا شکر گزارد در نزد من
از جملهٔ صدیقین باشد و هرکس بقضای خدا رضا دهد قضا بر و بگذرد و اجرش عظیم بود
و اگر بقضا راضی نشود قضا خود بر و بگذرد و اجرش باطل شود و فرموده هرکس
از همهٔ خلق قطع امید کند و طمع برگیرد و توکّل و اعتماد بر من کند و پناه بمن آورد
و درین امر نیتش صادق باشد اگر تمام سموات و ارض و اهل آن درصدد
کید و مکر و ضرر او باشند من او را از ایشان حفظ کنم و هیچ ضرر باو نرسند
و اگر اعتماد بر خلق کند و تکیه بر ایشان نماید اسباب رحمت از و قطع کنم
و هرچه بر سرش آید پروا نکنم و حضرت صادق ع فرموده هرکس خواهد که
هیچ چیز از خدا سوال نکند مگر آنکه عطا کند باید قطع امید از هرکس نماید
و امیدی بغیر خدا ندارد و چون خدای تعالی دلش را درین صادق
یابد هرچه سوال کند عطا فرماید و معنی توکّل اینست که کسی ترک سعی
و کسب و کارها کند که چنین کسی اگر دعا کند مستجاب نشود چنانکه انشاء الله
بیاید بلکه اینست که مکاسب و معاملات و هرچه معقدور باشد از طریقهٔ
حلال میکرده باشد امّا اعتماد بر انها و بر هیچ چیز غیر خدا نداشته و غیر
از و هیچ چیز و هیچ کس را کارساز نداند و سعی معاملات و غیر آن را همه

واسطه و وسیلهٔ چند داند که خدای تعالی برای مصلحت حال نظام خلق مقدّر کرده
تا هرکس حکم و رضای او را دران رعایت کند و بامر او عمل نماید مستحق فضل
و ثواب و نعیم بیحساب شود و هرکس مخالفت آن کند و متابعت نفس و هوا
و اطاعت شیطان نماید و بحلال اکتفا ننموده دست در حرام زند مستوجب
زجر و عقاب گردد حضرت امام ع بکسی گفت همیشه دعا کن خدای تعالی
ترا از جملهٔ معارین نگرداند و از حد تقصیر بیرون نیارد آنکس گفت معارین
میدانم آنانند که ایمان مدّتی در بلشان ایشان عاریه است بعد از ان سلب شود
امّا معنی خروج از حد تقصیر چیست فرمود آنکه هرچند عبادت بیشتر کنی خود را
دران مقصّر دانی که حقّ عبادت خدا را هیچکس نتواند گزارد و خدای تعالی
فرموده تکیه بر عبادت و عمل نکنید که اگر کسی تمام عمر در عبادت من گذراند
و لمحهٔ فارغ نباشد هنوز مقصّر باشد و حق بندگی بجا نیاورده باشد بلکه
اعتماد بر رحمت من کنید و امید بفضل من دارید و بحسن ظن با من معامله
نمائید که من بپیش ظن بندگان خودم بهر نحو که بمن گمان و از من امید داشته
باشند با ایشان چنان معامله نمایم آنقدر امید برحمت خدا باید
داشت که اگر با ذنوب ثقلین بمحشر آئی او ترا رحم نماید و آنقدر خوف نیز
باید داشت از عقوبتش که اگر با حسنات ثقلین آئی قبول نفرماید در دل
مومن دو سطر از نور نوشته یکی خوف و دیگری رجا که اگر با هم سنجیده

شوند هیچکدام بقدر ذرّه زیادتی نکنند بحضرت امام جعفر صادق ع گفتند که جمعی از
موالی شما معاصی میکنند و می گویند ما امید برحمت خدا داریم فرمود دروغ
میگویند نه موالی ما یند و نه رجا دارند هرکرا امید بچیزی باشد طالب آن میبود باشد
هرکرا خوف از چیزی باشد از ان بگریزد و الله که شیعهٔ ما نیست مگر کسیکه
طاعت خدا کند و از معصیت او اجتناب نماید حضرت پیغمبر ص روزی فرمود
ای بنی عبد المطلب مگوئید محمّد از ماست هر جا او باشد ما نیز باشیم و الله
که اولیای ما نیستند مگر متقیان من عذر شما خواسته و از عهدهٔ آن
بیرون آمده ام چون روز قیامت شما دنیا و دیگران آخرت بر دوش
بار کرده آئید شما را نشناسم و خویشی شما سود ندهد و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه روزی خطبه خوانده فرمود که ای مردمان و الله
من نگذارم از حق شما نقصان بکنم عقیل برادر آنحضرت بر خاسته گفت
تو مرا و سیاه حبشی را برابر میدهی فرمود خاموش باش چه امتیاز
ترا بر سیاه حبشی هر کس تقوایش بیشتر درجه اش رفیعتر از حضرت صادق ع
سوال کردند از تفسیر آیهٔ وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا
یعنی روز قیامت متوجه اعمال ایشان شویم و چون غبار بر باد دهیم
فرمود و الله که ایشان جمعی اند که اعمال ایشان و عبادتشان در کمال
خوبی رسیده اما چون مانع از میان ایشان و معصیت بر خیزد اجتناب ننمایند پس اعمال ایشان

شومعاش از

سود

سود ندهد و از ایشان علیهم السلام مرویست که از ما نیست کسیکه هر روز محاسبهٔ
نفس خود نکند و ملاحظه اعمال خود ننماید و نه بیند که چه کرده و چه می کند
روز قیامت پنجاه موقف برای حساب مقرّر است که هر کدام مقام
هزار سالست هر کس در دنیا محاسبهٔ خود کند بقدر آن از مواقف حساب
قیامت خلاص باشد و هر چند بیشتر بغفلت گذراند در انروز برای حساب
بیشتر توقفش باید پس محاسبهٔ خود کنید پیش از انکه برای حساب توقف
فرمایند و معنی محاسبهٔ نفس آنست که چنانکه با شریک و تحویلدار در هر دانگ
و دینار معامله کنی حساب هر ساعت و هر دقیقهٔ عمر خود از خود طلب نمائی
و هر لحظه را ملاحظه نمائی اگر در طاعت و خیر گذرانیده خدا را شکر کنی
و توفیق زیادتی طلب نمائی و اگر در باطل و معصیت گذشته خود را
بر ان توبیخ و عتاب کنی و استغفار نمائی و در صدد تلافی و تدارک
آن باشی و نگذاری که شرّی در دیوان عملت ثابت ماند یا حقی از ان فوت
شود و هر کاری که خواهی اوّل تأمل کنی اگر نفع آخرت باشد یا دنیا
بشرطیکه باخرت مضرت نکند در و باشد متوجه آن شوی و اگر باخرت
مضرت کند بلکه همین که نفع نکند از ان بگذری و عمر را مشغول آن نسازی
که شغل بمنفعت اگرچه در و عذاب نباشد همین مضرّت آنرا بس است
که مانع خیر و منفعت شود که روز قیامت هیچکس از حسرت و ندامت

خالی نباشد خوبانرا حسرت انکه چرا بیشتر نکرده اند و بدانرا حسرت انکه چرا بد
کرده اند مگر کسیکه بفضل و توفیق الهی ضبط ساعات عمر عزیز کرده و آنرا
از صرف در باطل و بیفائده محافظت نموده در طاعت و عبادت گذرانیده
باشند پس خودرا از امثال این امور باید فارغ سازی و مشغول عبادت
و طاعت و مجملا از هرچه رضای خدا دران نبینی گردانی هرکسی خودرا
از باطل و بیفائده برای عبادت و طاعت خدا فارغ گرداند و این را
مانع هرکاری داند خدای تعالی دلش را از خوف خود لبریز و بغنی از
خلق مملو گرداند و متکفل حوائج و مطالب او شود و کار او را بدیگری
نگذارد و هرکس برای طلب باطل و شغل بیحاصل ترک عبادت و طاعت کند
و آنرا مانع داند خدای تعالی دلش را مشغول دنیا و محبت آن گرداند و اورا
از کفالت رحمت خود بجود و اگذارد و نعوذ بالله چون کسی را خدا بغیر
خود و اگذارد از جمیع خیرات و کرامات بی نصیب شود و اگر در آنحال
باند عاقبت در دوزخ مخلد گردد مرویست که حضرت یونس ع را
بقدر یک چشم زدن واگذاشت طعمه ماهی گشت و نیت عبادت و هر
کاری که کنی باید که از ریا و غرضهای باطل دنیا برای خدا و رضای او
و توقع رحمت و ثواب او خالص گردانی که جزای هر عمل بمقتضای نیت آن
باشد اگر نیت خیر و حق بوده باشد اطاعت خدا بوده و جزایش خیر

و رضای خدا

خدا کسی را [illegible]

و رضای خدا بوده و اگر نیت شر و باطل باشد اطاعت شیطان و جزایش مثل
آن بوده هرکس عملی برای غیر خدا کند خدای تعالی او را بانکه عمل برایش کرده واگذارد
و از فضل و رحمت خود محروم گرداند حضرت پیغمبر ص فرموده زمانی بیاید که
مردم عبادت و طاعت را برای ریا و اغراض دنیا کنند پس خدای تعالی ایشانرا
بعقوبت و بلا مبتلا گرداند و هرچند مثل غریق دست و پا زنند
و تضرع و دعا کنند مستجاب نشود مرویست که نگاهداشتن عمل مشکلتر است
از اصل کردن که چون کسی عمل صالحی مثل تصدق و صله رحم و غیر آن
پنهانی برای خدا کند ثوابش را پنهانی یعنی هفتاد مرتبه مضاعف
نویسند و اگر بعد ازان ذکر آن کند محو کنند و علانیه یعنی یکمرتبه
نویسند و چون مرتبه دیگر مذکور گرداند محو کنند و ریا نویسند
و هرکس عمل خودرا برای خدا کند و کارهای خودرا برای او خالص گرداند
خدا هم برای او باشد و او را برای خود خالص دارد و دلش را از معرفت
و حکمت لبریز سازد و چون اراده عمل خیری کنی دران تعجیل نمای که
نمیدانی که بعد ازان چه رو دهد و هرکار که دران تاخیر شود شیطانرا
دران فرصتی باشد که شاید حیله کند و مانع آن شود و بسا باشد که بنده
دو رکعت نماز کند یا یکروز روزه بگیرد یا تصدق کند مجملا عملی
صالح کند که خدای را ازان خوش آید و بسبب آن همه گناهانش بیامرزد

وگوید بعد ازین هرگز گناه بر تو ننویسم و اگر عملی غیر خیر بخاطر رسد ترک
کن و از آن احتراز نمای که شیطان کام خود گیرد و بسا باشد که بنده
عملی کند که خدای تعالی را از آن بد آید و فرماید بعزت و جلال خودم که
بعد ازین هرگز ترا نیامرزم و خدای تعالی فرموده هر بنده که اطاعت
من کند و رضای من جوید من او را بدیگری نگذارم و رضای او جویم و هر بنده
که مرا معصیت کند و مخالفت رضای من نماید او را بخودش واگذارم
و پروا نکنم هر جا که هلاک شود و حضرت امام محمد باقر ع فرموده ای
مدّعیان محبّت و ولایت ما فریفته مشوید و طاعت خدا کنید والله
که میان ما و خدای قرابتی نیست و ما را بر خدا حجّتی نه و تقرّب خدا حاصل
نشود مگر بطاعت او پس هر که مطیع خدا باشد ولایت ما او را نافع بود
و هر کس معصیت خدا کند ولایت ما او را سود ندهد کسی از حضرت صادق ع
پرسید که از شما حدیثی روایت کنند که هر کس شیعهٔ ما باشد هر چه خواهد
بکند فرمودند بلی چنین است گفت اگرچه زنا و دزدی و شرب خمر کند
فرمود اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُوْنَ مردم انصاف ندارند ما خود
بطاعت و عبادت امید نجات و بهشت داریم چون دیگرانرا رخصت
معصیت دهیم که بی طاعت بمحض محبّت ما نجات یابند بلکه معنی آن حدیث
اینست که هر کس مومن باشد اعمال خیر خواه بسیار کند و خواه کم که داخل

بهشت

بهشت شود و نیز فرموده خدای تعالی ابا دارد از آنکه جمعی که دعوی محبت
و ولایت جمعی کنند و در عمل خلاف ایشان باشند روز قیامت ایشانرا
باهم در یک منزل نزول فرماید بخدای کعبه قسم که هرگز نشود و نیز یکی از ایشان
علیهم السلام مرویست که فرمود اگر شیعیان را غربال کنم و نیک و بد ایشان
از هم جدا سازم از هزار کس یکی خالص نباشد که اکثر ایشان اهل قول اند و اهل
فعل در میان ایشان بسیار نادر است همه بر مسندها تکیه کنند و راحت
و تن پروری بر آیند و گویند ما شیعهٔ علیّیم شیعهٔ علی نیست مگر کسیکه اطاعت
علی نماید و فعلش تصدیق قولش کند و هم از ایشان ع مرویست که فرمود
افضل عبادات تفکّر است و تفکّر دو قسمت یکی تفکّر در معرفت خدا
و علم و فضائل این قسم از حدّ شرح بیرونست و شمّهٔ از آن در فصل اوّل
گذشت دوم تفکّر در احوال دنیا و بی اعتباری آن و بیحاصلی لذّات
آن و یکساعت این تفکّر افضل است از یکشب عبادت که سبب زهد
در دنیا و بی رغبتی بآن شود و عیوب و قصور آنرا ظاهر کند و محبت
آنرا از دل بیرون برد و دل را مشتاق آخرت گرداند و موجب
طاعت و عبادت و ترک متابعت هوا و هوس و شهوت و معصیت
باشد و هر کس از دنیا بی رغبت شود خدای تعالی دلش را از نور حکمت
و معرفت مملو گرداند و از دنیا بسلامت بیرون رفته بدار السلام

که منزل امن و امان و محل نعمت و راحت جاودانیست رود و حرامست
بر هر دل که حلاوت ایمان دریابد تا محبت دنیا از او بیرون رود
و حضرت صادق ع فرموده کسیکه از هیچ در طلب حق نکند افضل از زهد
در دنیا و ترک محبت آن و هیچ چیز بعد از معرفت خدا و رسول و اهلبیت
او علیهم السلام افضل از بغض دنیا نبود که چون مومن از محبت دنیا خالی
شود از محبت خدا پر شود و التفات بهیچ چیز غیر خدا و هرچه رضای خدا
در آن نباشد نکند تا حدی که اهل دنیا گویند دیوانه گشته و جن در او
اثر کرده و حال آنکه محبت خدا در او اثر کرده باشد و هم آنحضرت ع
فرموده که از جملهٔ مواعظ لقمن با پسرش این بود که تو در دنیا بندهٔ
اجیری و عملی بتو فرموده اند و اجری وعده نموده بعمل خود وفا کن تا اجر
تو وفا کنند و در دنیا مثل گوسفندی مباش که در مزرعه چرا کند و همین که
فربه شود وقت کشتنش باشد بلکه دنیا را مثل پلی دان بر سر نهری که از آن
بگذری و هرگز بآن رجوع نکنی و بدانکه روز قیامت در پیش خدا
ایستاده باشی و چهار چیز از تو سوال کنند جوانی که بچه عمل بسر
رسانیدی و عمر بچه چیز گذرانیدی و مال از کجا کسب کردی و کجا صرف
نمودی پس مهیای جواب باش و از غم دنیا فارغ باش و کمال زهد
آنست که ترک حرام کنند از خوف عذاب و ترک حلال از بیم حساب

مگر بقدر

مگر بقدر ضرورت و از آن یک مرتبه پست تر آنکه دست از حرام باز دارد و هر یک را
بقدر عمل درجات بلند شود و با هر کس بقدر عمل معامله نمایند هر کس از خدا
بقلیلی روزی راضی شود خدا نیز از و بقلیلی عمل راضی شود و هر کس را
جاه و مال بسیار باید اعمال و عبادت بسیار باید و فرموده شیعیان
خالص ما را در زمان دولت باطل هر چند مشرق و مغرب و ند زیاده
از قوتی نصیب نباشد و هر چند کسی را ایمان زیاده تر معیشت بر او تنگتر
که اگر تمام دنیا در پیش خدای تعالی اعتبار بال مگسی میداشت شربتی
آب از آن بکافر نمیچشانید فقرای مومنان چهل خریف پیشتر از اغنیای
ایشان در ریاض جنت مشغول صحبت و نعمت باشند و اغنیای ایشان
در موقف گرفتار حساب باشند مرویست که یک خریف هزار سالست و یک عام
یعنی یک هزار سال، و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که دو مومن با هم بحساب
آیند یکی غنی و یکی فقیر فقیر گوید خداوندا تو میدانی که نه منصبی بمن دادی
و نه مهمی که عدل یا جور کرده باشم و نه مالی دادی که جود یا بخل ورزیده
باشم فرماید راست میگوید دست از و بدارید پس خلاص گشته داخل
بهشت شود و غنی مشغول حساب گردد و آنقدر توقف کند که از عرق
چهل شتر سیراب توانند شد پس چون داخل بهشت شود رفیق فقیرش او را ببیند
گوید این همه چرا دیر کردی گوید طول حساب گرفتارم داشت خدای تعالی

هر یک عمل مرا می بخشید عمل دیگر پیش می آمد تا آخر همه را بخشید و رحمت فرمود
که نجات یافتم و هم روایت که چون فضل و درجات فقرا مشاهده شود هر کس صبح روز قیامت
آرزو کند که کاش در دنیا زیاده از قوتی نمیداشتیم و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که فقرا امانتیست از خدا در پیش بندگان هر کس آنرا پنهان دارد
مثل اجر صائم قائم یابد و هر کس اظهار آن بمخالفین و ظالمین کند شکایت
خدا بدشمن او کرده باشد و اگر مومنی اظهار کند که قادر بر قضای
حاجتش باشد و نکند چنانست که او را کشته باشد و روز قیامت
خدای تعالی مثل کسیکه از دوستی عذرخواهی کند بفقرای مومنین گوید
بعزت خودم که من در دنیا شما را از روی حقارت فقیر نکردم بلکه
برای فضل و ثواب و درجات بهشت کردم امروز ببینید که چون تلافی آن
بکنم هر یک از شما را شفاعت دهم مثل آن که از ابتدای دنیا تا انقضای آن
باهل دنیا داده ام عطا فرمایم و هر کس در دنیا بشما مهربانی و احسان کرده
دستش را گرفته بهر جای بهشت خواهید ببرید و هم از ایشان مرویست
که کاملترین مومنان در ایمان کسی است که خلقش بهتر باشد و بعد از فرایض
هیچ عمل بهتر از خلق خوب نیست و صاحب خلق خوش درجه صائم و قائم
و اجر مجاهد یابد و اکثر امت بدو خصلت داخل بهشت شوند تقوی و حسن
خلق خطیئه را بگدازد چنانکه آفتاب یخ را و حسن خلق و بر موجب درازی عمر

وبجوای

و معموری بلاد باشد و چهار صفتست که در هر کس باشد اسلامش کامل
و از گناه خالص گردد و اگرچه سر تا پا گناه باشد و خدا از او راضی باشد
آنکه بوعده وفا کند و راست گوی باشد و از قبایح در پیش خدا و مردم حیا
کند و با اهل خود و سایر ناس خوش خلق باشد و خلق بد عمل بد را فاسد کند
چنانکه سرکه عسل را و هیچ جرعه پیش خدا دوست تر از دو جرعه نباشد
یکی جرعه خشمی که بحلم رد کنی و دیگر جرعه جزعی که بصبر دفع نمائی و هیچکس
خشم فرو نبرد مگر آنکه خدای تعالی در دنیا و آخرت عزتش بیفزاید و چون
قادر بر انتقام باشد و خشم فرو برد خدای تعالی اجر شهیدی عطا فرماید
و روز قیامت دلش را از امن و امان و رضا مملو گرداند و هر کس غضب
خود را حفظ کند خدای تعالی عذاب روز قیامت از او بر گیرد و عیوبش
بپوشد و خدای تعالی در مناجات بحضرت موسی فرمود که در حال
غضب مرا یاد کن تا من نیز در حال غضب ترا یاد کنم و غضب کلید هر
شریست و ایمان را فاسد کند چنانکه سرکه عسل را و چون دو کس با هم
منازعه کنند دو ملک نازل شوند و هر کدام از ایشان که سفاهت
و ناخوشی بیشتر کند باو گویند هر چه گفتی خود سزاوار و لایق آنی و زود
باشد که جزای آن بیابی و بآن دیگر که صبر و حلم ورزد گویند زود باشد
که گناهانت آمرزیده شود اگر حلم خود را تمام کنی و تو نیز مثل او سفاهت

نکنی و دشمنان و جهال را هیچ مکافات بهتر ازین نباشد که ایشان معصیت
کنند و تو صبر و طاعت نمائی و بهترین اخلاق دنیا و آخرت اینست
که چون کسی بر تو ظلم کند تو عفو نمائی و اگر از تو قطع کند و دوری نماید
تو وصل و نزدیکی نمائی و اگر از خیر و نعمتی محروم سازد و بخل کند تو جود
و عطا کنی و اگر با تو بدی کند تو نیکی و احسان فرمائی و چون باین صفات
آراسته باشی خدای تعالی عزتت زیاده کند و سه خصلت که در کسی
نباشد عمل و طاعتش تمام نبود ورعی که او را از معصیت باز دارد و خلقی
که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل جاهلان را دفع نماید و مدارا با مردم نصف
ایمانست و ملائمت با ایشان نصف زندگانی و هر کس را ملائمت نصیب گشت
ایمان نصیب گشت و هیچکس را ملائمت نصیب نباشد مگر آنکه خار و خس بود — زینتش باشد و هیچکس از آن محروم نگردد مگر آنکه
و جمعی را که ملائمت روزی شود روزی شان وسیع شود
و چون از آن بی نصیب باشند چیز از ایشان بی نصیب باشد و چون دو کس
باهم مصاحبت کنند آنکه مدارا و ملائمتش بیشتر بود اجرش عظیم‌تر بود
و مرویست که اگر ملائمت خلقی می‌بود که دیده میشد هیچ خلقی احسن از آن
نمیبود و هر کس درشتی نصیب شود ایمان از او محجوب گردد و اگر مخلوقی — درشتی
می‌بود که دیده میشد هیچ چیز از او قبیح‌تر نمیبود و هر کس برای خدا تواضع کند
خدا او را بلند گرداند و هر کس تکبر کند او را پست گرداند و نزدیکترین

مردم بخدا

مردم بخدا متواضعانند و دورترین متکبران پرسیدند که حد تواضع
چیست امام فرمود درجات بسیار است از انجمله این که کسی قدر خود
بشناسد و زیاده از مرتبه خود توقع نکند و با مردم چنان کند که میخواهد
با او چنان کنند و چون با او بد کنند به نیکی دفع کند و خشم فرو برد
و عفو کننده باشد مرویست که از جمله تواضع اینست که در مجلس
پائین تر از مرتبه خود نشینی و بهر کس رسی سلام کنی و ترک خصومت
کنی اگر چه حق با تو باشد و نخواهی که ترا مدح و ثنا کنند مرویست که
روزی حضرت امام رضا ع طعام طلبید و ملازمان و غلامان
سیاه و سفید را جمع فرمود و باهم بر یک خوان نشستند کسی گفت
کاش بفرمائی تا برای ایشان طعام جدا کنند فرمود نه خدا یکی است
و دین یکی و پدر و مادر یکی و جزای هر کس بقدر عملش باشد و حضرت
امام جعفر صادق ع فرمود کیست که چهار صفت از من ضامن شود تا من برای
او چهار خانه در بهشت ضامن شوم عطا کند و از فقر نترسد و افشای سلام
کند در عالم و ترک خصومت کند اگر چه محق باشد و از انصاف نگذرد
و هر کس با انصاف باشد و با فقرا در مال مواسات کند بحقیقت مومن
باشد و خدای تعالی عزیزش گرداند و نیز فرمود سید اعمال سه خصلت
انصاف و مواسات و ذکر خدا در همه حال نه همین تنها سبحان الله و الحمد لله

ولا اله الا الله والله اکبر بلکه در افعال و احوال خدا را یاد آرد و اگر رضای خدا
دران باشد کند و گرنه ازان بگذرد و هر کس منصف باشد و عیب مردم نکند
در چیزی تا آنرا اوّل از خود سلب نماید و کسی را در پیشوائی تقدیم و تاخیر نکند
تا رضای خدا دران نداند در سایهٔ عرش خدا باشد روزی که هیچکس را
پناهی نبود و سه کس نزدیکترین مردمند بخدا در روز قیامت کسیکه در
حال غضب بی اختیار نشود تا بر زیر دست ظلم کند و کسیکه چون در معامله
میان دو کس داخل شود بیکطرف میل نکند و کسیکه در معامله و منازعه
از انصاف و حق نگذرد و خدا را بهشتیست که داخل نشوند مگر سه کس
یکی آنکه بر نفس خود حکم بحق کند که وعدهٔ مومن نذریست که هیچ کفاره ندارد
مگر وفا بآن هر کس خلف وعده کند اوّل با خدا خلف کرده و متعرض
سخط او گشته باشد و حضرت پیغمبر ص فرموده از ما نیست کسیکه امانت را
خلاف کند و امانت جلب رزق و خیانت جلب فقر نماید و حضرت
سجاد ع فرموده اگر قاتل پدرم شمشیری که آنحضرت را بآن شهید کرد
بمن بامانت بسپارد هر آینه آنرا ادا کنم و حضرت صادق ع فرموده
اگر قاتل علی بن ابی طالب ع با من مشورت کند و خیر جوید و شمشیر بمن امانت
دهد و من قبول کرده باشم هر آینه ادای امانتش کنم و چهار صفت که
در هر مومن که باشد خدای تعالی او را در اعلا علیین در بالاترین غرفهای

و هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید بوعده وفا کند

وکرامت

وکرامت ساکن گرداند کسیکه یتیم را در پناه خود آرد و برای او بمنزلهٔ
پدر باشد و بر ضعفا ترحم کند و اعانت حوائج ایشان نماید و والدین را
نفقه دهد و با ایشان ملایمت و ملاطفت کند و خدمتی که بمملوک خود رجوع
نماید خود نیز مدد و اعانتش کند **فصل چهارم در برّ والدین** مرویست
از اهل بیت طاهرین ع که برّ والدین و صلهٔ رحم سکرات موت آسان
کند و در تمام عمر پریشانی رفع کند و برّ والدین روز قیامت
آید بقوت و قدرت تمام فرزند صاحب برّ را بر داشته داخل
بهشت کند روزی جوانی بخدمت حضرت پیغمبر آمده گفت جوان
و توانایم و شوق جهاد دارم فرمود جهاد کن که اگر کشته شوی در پیش
خدا زنده و از نعمتهای بهشت متنعم باشی و اگر بمیری اجر و ثواب تو ثابت
باشد و اگر باز گردی از گناهان پاک گردی همچنانکه از مادر متولد گشته
بودی پس گفت یا رسول الله اما والدین من انس دارند و میخواهند
در پیش ایشان باشم فرمود باش که یکشب انس ایشان با تو بهتر است
از یکسال جهاد در راه خدا و نیز آنحضرت ص را همشیره بود رضاعی
روزی بخدمت آنحضرت آمد چون او را دید شگفته گشت و لحاف
خود را انداخت تا بران بنشیند پس متوجه او گشته ملاطفت و شگفتگی
میفرمود و چون او رفت برادرش آمد آنحضرت آن مهربانی با او

نفرمود از سبب آن سؤال کردند فرمود آن زن پرستار والدین خود نیست ازین ا
وکسی بحضرت امام جعفر صادق ع معروض داشت که پدرم بسیار پیر شده
وچون قضای حاجت خواهد کسی باید بر دوشش گیرد فرمود اگر توانی
خود مباشر این خدمت باش که فردای قیامت برای تو حجابی باشد
از آتش و دیگری از آنحضرت ع سؤال کرد که والدین من مخالف مذهب اند
با ایشان چون کنم فرمود نیکی همچنانچه با دوستان وموالی می کنی هر کس بار
بوالدین باشد از دوزخ ایمن باشد و در بهشت مسکن کند و هر کس عاق
باشد از بهشت نومید شود و در دوزخ ماوی نماید و هر کس نگاه خشمناک
بوالدین کند و حال آنکه ایشان بر وظالم باشند نمازش مقبول نشود
وچهار کس بوی بهشت نشنوند و با آنکه بوی بهشت را از هزار ساله راه
توان شنید عاق و قاطع رحم و پیری که زنا کند و متکبر و حضرت سجاد ع
مردی را دید که بر پدر خود تکیه کرده راه میرفت بر و غضب فرمود
و با او حرف نزد تا از دنیا رفت و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که از جمله حقوق والدین آنست که مصاحبت ایشان نیکو کنی و نگذاری
که ایشان از تو چیزی سؤال کنند اگر مستغنی باشند بلکه مترصد احوال
ایشان باشی و همین که گمان کنی که چیزی می خواهند پیش از سؤال مهیا گردانی
و اگر ترا برنجانند اف نگوئی و اگر بزنند نرنجانی بلکه دعا کنی و برای

ایشان

ایشان آمرزش طلبی و بسیار نگاه بر روی ایشان نکنی مگر از روی رحمت
و مهربانی و آواز بر ایشان بلند نکنی و دست بالای دست ایشان نداری
و پیش روی شان راه نروی و ننشینی و ایشان را بنام نخوانی و برای ایشان
دشنام حاصل نکنی و در همه حال اطاعت شان کنی مگر در معصیت خدا
و درین حال نیز مدارا و ملایمت کنی و اگر ترا امر کنند که از اهل و مال بیرون
روی بکنی و اگر از دنیا رفته باشند نماز و روزه و حج و صدقه و غیر آن
از وجوه خیرات برای ایشان بکنی و ثوابش را با ایشان هدیه کنی و هر چه کنی
مثل آن نیز برای تو ثبت شود و کسی از حضرت امام محمد باقر ع پرسید که
آیا هیچ چیز جزای حق والد باشد فرمود هیچ چیز جزای آن نباشد مگر
آنکه اگر بنده باشد بخری و آزاد کنی و اگر دین داشته باشد ادا
نمائی و هم آنحضرت علیه السلام فرمود گاه باشد که کسی در ایام حیوة
والدین با ایشان بار باشد و بعد از مردن دین ایشان را ادا کند و برای
ایشان استغفار نماید خدای تعالی ورا عاق بنویسد و گاه باشد
که در حیوة ایشان عاق باشد چون بعد از وفات دین ایشان ادا
کند و استغفار نماید بار نوشته شود و کسی بحضرت پیغمبر ص معروض
داشت که پیش از آنکه باسلام مشرف شوم دختری داشتم چون بحد بلوغ
رسید روزی او را زینت کرده بسر چاهی بردم و در چاهش افکندم

آیا کفاره داشته باشد فرمود مادرش زنده است گفتم نی فرمود خاله اش
زنده است گفت بلی فرمود با او نیکوئی کن که بمنزلهٔ مادر است تا کفارهٔ
آن شود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هرچه از برّ والدین بر
ولد لازمست بر ایشان نیز لازمست باید که با فرزند چنان سلوک کنند که
باعث برّ او باشد با ایشان و چنان نکنند که سبب عقوق شود و رحمت
خدای بر والدین که فرزند خود را بر برّ خود دارند و لعنت خدای بر والدین
که فرزند را بر عقوق و نافرمانی خود دارند والله اعلم بالصواب فصل
پنجم در صلهٔ رحم مرویست از اهل بیت طاهرین ع که از جملهٔ حقوق صلهٔ
رحم است اگرچه یکساله راه باید رفت و اگرچه بسلامی باشد و هرکس بتربت آن امام
چیزی برداشته برود تا صله رحم کند بهر گام چهل هزار حسنه بنویسند
و چهل هزار درجه بلند کردهند و اجر صد شهید نویسند و چنان باشد وچهل هزار سیئه محو کنند
که صد سال عبادت کرده باشد و صلهٔ رحم دفع بلاها کند و حساب
قیامت آسان گرداند و خلق نیک کند و بخیل را سخی کند و روزی
بیفزاید و مال را زیاده کند و اعمال را پاکیزه کند و سبب معموری دیار
و زیادتی عمر باشد تا آنکه گاه باشد که عمر کسی سه سال باشد چون صلهٔ رحم
کند سی سال شود و گاه باشد که سی سال باشد چون قطع صلهٔ رحم کند سه سال
شود و رحم بعرش آویخته می گوید خدایا وصل کن برحمت خود هرکس مرا وصل

کند

کند و قطع کن از رحمت خود هرکس مرا قطع کند و روز قیامت رحم و امانت
در دو جانب صراط ایستند چون واصل رحم و مؤدّی امانت بگذرند
داخل بهشتش کنند و چون قاطع رحم و خائن امانت بگذرند مرا زیرشش در
جهنم افکنند و بسا باشد که جمعی همه فاجر باشند چون با هم مواسات
کنند و مواصلت نمایند مالشان بسیار و رزق شان وسیع شود
و اگر همه نیکان باشند چون از هم مفارقت کنند و قطع یکدیگر
نمایند پریشان گردند و بلا در میان شان شایع شود و کسی بخدمت
حضرت پیغمبر ص رفته گفت خویشان من با من بسیار بدی و مخالفت
می کنند و دشنام می دهند و من میخواهم که ترک ایشان کنم فرمود
اگر این کار کنی خدای تعالی همه شما را ترک کند و از رحمت خود قطع نماید
و کسی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع آمده از اقربای خود شکایت
کرد فرمود تو مدارا و مواصلت کن گفت هرچند مدارا و مهربانی می کنم و مواصلت [illegible]
ایشان همان بدی میکنند فرمود پس میخواهی تو هم مثل ایشان باشی
تا خدای تعالی بر هیچکدام نظر نکند و دیگری بخدمت آنحضرت رفته
از برادران و عم زادگان شکایت کرد و گفت خانه را بر من تنگ
کرده اند فرمود صبر کن که خدای تعالی ترا از ایشان نجات دهد راوی
گوید که وبائی حادث شد که همهٔ ایشان هلاک گشتند پس بخدمت حضرت

رفته حکایت واقعه نمودم فرمود جزای آنست که با تو میکردند حالا راضی
هستی که زنده می بودند و همان سلوک می کردند گفتم بلی والله و نیز مرویست
که هیچ گامی بر داشته نشود در دوستی بهتر پیش خدا از دو گام یکی بصفی که
در راه خدا آراسته باشند و یکی برحمی که قطع کرده باشند فصل ششم در حق جوار
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که از ما نیست کسیکه همسایگی را
خوب نکند و خوب کردن همسایگی عمر را زیاد کند و رزق بیفزاید و سبب
معموری دیار باشد و هر کس ایمان بخدا و آخرت دارد باید همسایه را
نرنجاند و مهمان را گرامی دارد و چون تکلم کند خیر گوید یا ساکت باشد
و هر کس همسایه را نرنجاند و نیازارد خدای تعالی روز قیامت عثرات
و خطاهای او را عفو فرماید و حضرت پیغمبر ص فرموده که جبرئیل ع آنقدر مرا
بحق همسایه وصیت نمود که گمان کردم مگر او را وارث من خواهند کرد و نیز
فرموده که ایمان بمن ندارد کسیکه شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه
باشد روز قیامت خدای تعالی نظر نکند باهل قریه که در میان ایشان
اهل خانه گرسنه باشند و حضرت یعقوب ع مناجات کرد و گفت خدایا
بر من رحم نمیکنی چشمم را گرفتی و دو پسرم را بردی خدای تعالی فرمود
اگر پسرهایت مرده می بودند برای تو زنده می کردم اما تو بیاد نمی آری
که فلان روز گوسفندی ذبح کردی و بریان کرده تناول کردی و فلان

همسایات

همسایات صائم بود باو بخش ندادی بعد ازین هر چاشت و شام منادی
حضرت یعقوب تا یک فرسخ راه ندا میکرد که هر کس گرسنه باشد بخانه یعقوب
بیاید و حضرت امام موسی کاظم ع فرمود خوبی همسایگی همین نیست که همسایه را
آزار نکنی بلکه تحمل آزار ایشان کنی و هر کس یک وجب زمین با همسایه خیانت
کند خدای تعالی آنرا تا زمین هفتم در روز قیامت طوق گردنش فکند و هر کس

گرداند ودر

همسایه را برنجاند بوی بهشت بر او حرام شود و هر کس در مایحتاج خانه با همسایه
مضایقه کند خدای تعالی خیر و فضل خود در روز قیامت از او منع کند و او را
بخودش واگذارد و هیچ عذر از او قبول نکند مگر آنکه همسایه چیزی که
بعاریت میگیرد ضایع کند که در اینوقت توان از او منع نمود فصل هفتم
در الفت و محبت و زیارت مومنان مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که ای معاشر مومنان با یکدیگر الفت و محبت کنید که خیر نیست در کسیکه
الفت نکند و با او الفت نکنند جمعی که برای خدا با هم محبت و دوستی
کنند روز قیامت در زمینی از زبرجد سبز در سایه عرش از جانب
راست بر منابر نور بنشینند و روی ایشان از آفتاب روشن تر باشد
و هر کس محبت و بغض و عطا و منعش برای خدا باشد از جمله اصفیای او باشد
روزی حضرت پیغمبر ص از اصحاب پرسید که محکم ترین عروه های ایمان
کدامست بعضی گفتند نماز و بعضی صوم و بعضی زکوة و بعضی حج و عمره

وبعضی جهاد فرمود هریک ازینها را فضلی عظیم است اما نه آنست که پرسیدم
بلکه محبت و بغض نیست برای خدا و تولا با ولیاء الله و تبرا از اعداء الله
وچون دو مومن باهم ملاقات کنند آنکه محبتش بیشتر قدرش عظیمتر بود وهم
ایشانرا فرمودند که ای مومنان باهم الفت و محبت کنید و یکدیگر را
زیارت کنید و ذکر خدا و ذکر فضائل ما کنید و با احادیث ما صحبت
دارید که موجب حیوة دلهاست و دل شما و هیچ چیز دل ابلیس و جنودش را
آنقدر جراحت نکند که زیارت مومنان چون سه مومن یا بیشتر باهم اجتماع
کنند با آنعدد ملائکه با ایشان حاضر شوند پس اگر دعا کنند آمین
گویند و اگر از شری استعاذه کنند دعا کنند و اگر حاجتی مسئلت نمایند
شفیع باشند وچون مومنی برای خدا نه برای غرض دنیا برای زیارت
مومنی از خانه بیرون رود و حق و حرمت او بشناسد بهر گام که
بردارد خدای تعالی برایش حسنه بنویسد و سیئه محو فرماید و درجه
بلند گرداند و هفتاد هزار ملک بر او موکل گردانند تا بخانهٔ خود مراجعت
کند اگرچه یکساله راه باشد و گویند خوش باشی و خوش باشد ترا بهشت
وچون در خانه بکوبد درهای آسمان برایش گشوده شود وچون ملاقات
و مصافحه و معانقه کنند خدای تعالی متوجه ایشان شود و با ایشان
بر ملائکه مباهات کند و گوید ای ملائکه ببینید این دو بندهٔ مرا که برای

من چون

من چون باهم محبت می کنند لازم شد بر من که بعد ازین ایشانرا باتش عذاب
نکنم وچون بخانه داخل شود فرماید ای بندهٔ من تعظیم حق و متابعت سنت
پیغمبر من کردی اگر سوال کنی عطا نمایم و اگر دعا کنی اجابت فرمایم و اگر
ساکت باشی خود ابتدا کنم وچون مراجعت کند بعدد هر نفسی که کشیده
و گامی که برداشته و کلمهٔ که گفته ملائکه با او متابعت کنند و تا آن روز از
سال آینده از بلاهای دنیا و آخرت محافظتش نمایند و اگر درین سال
بمیرد از حساب فارغ باشد وچون داخل خانهٔ خود شود خدای تعالی
فرماید ای بندهٔ من که تعظیم حق من کردی بهشت بر تو واجب گردانیدم
و ترا شفیع بندگان خود کردم و اگر آنکس نیز حق این را چنین بشناسد
برای او نیز مثل این اجر ثبت شود و خدای تعالی را بهشتیست که هیچکس
داخل آن نشود مگر سه کس یکی آنکه از خود انصاف دهد و کسیکه
زیارت برادر مومن خود کند برای خدا و کسیکه برادر مومن را در خیر بر خود
اختیار کند و زیارت یک مومن برای خدای تعالی بهتر است از آنکه ده
بندهٔ مومن آزاد کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از کسی پرسید
که میان شما و بصره چند روز راهست گفت از دریا اگر باد موافق
باشد پنجروز و از خشکی هشت روز راهست فرمود چه نزدیک بود برا
دران مومن یکدیگر را ببینید و عهدها تازه کنید که روز قیامت هر کس را

گواهی در کار است که شهادت بر دینش دهد و اگر مومنی بقصد زیارت یا برای حاجتی
بخانهٔ کسی رود و او در خانه باشد و اذن ندهد در لعنت خدا باشد تا وقتی
که باهم ملاقات کنند و هر کس میان خود و مومنی حجاب و مانعی گذارد
خدای تعالی میان او و بهشت هفتاد هزار باره نصب کند و میان هر دو
باره هزار ساله راه باشد و حضرت امام محمد باقر ع فرمود شیطان میان
مؤمنان نزاع و فسادی کند پس خدا رحمت کند بر کسیکه میان دو دوست ما
الفت و اصلاح کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود میان دو کس
اصلاح کنم دوست تر دارم که دو دینار طلا تصدق کنم و فرمود چون
دو کس از هم برنجش مفارقت و هجرت کنند یکی از ایشان دگاه باشد
هر دو مستوجب لعنت و براءة از دین شوند کسی گفت جعلنی الله فداک
شاید یکی مظلوم باشد فرمود باید تقصیر را بخود نسبت دهد و عذرخواهی
کند و نگذارد که مهاجرت واقع شود هر هفته دو روز مقرر است که
اعمال ایشانرا واگذارند تا وقتیکه صلح کنند چون دو کس از هم سه روز
هجرت کنند و صلح نکنند ولایت اسلام در میان شان منقطع شود
در روایت دیگر آمده که هر کس بیشتر از سه روز هجرت کند دوزخ
باو اولی باشد و هر کس سبقت بصلح کنند سبقت بجنت کنند و هر کس در اصلاح
میان مرد و زن سعی کند اجر هزار شهید یابد و بهر گامی که بر دارد کلمهٔ

عباد را بر خدای تعالی
عرض کنند جز میان دو
کس که بغض و عداوت باشد
اعمال م
کدام ر

که گوید یکساله عبادت نویسند با روزهٔ روزها و قیام شبها **فصل هشتم**
در آداب ملاقات و مجالست مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که شما بوسعت مال امردم بر نیایید بشگفتگی و طلاقت وجه ملاقات کنید
سه صفتست که هر کس بیکی از آن متصف باشد بهشت برو واجب شود طلاقت
وجه و انصاف و جود در پریشانی و نیز مرویست که اصطناع معروف
و حسن بشر موجب دخول بهشت و محبت و بخل و عبوس موجب دخول نار
و دوری از خداست و اول ملاقات سلامست مرویست که اگر کسی
پیش از سلام حرف زند جوابش مگوئید و چون دو کس بر هم سلام کنند
میان ایشان هفتاد حسنه قسمت شود شصت و نه حسنه از آنکه ابتدا کند
و یکی از آنکه جواب گوید و اگر کسی بر ده کس از مسلمین سلام کند چنانست
که بنده آزاد کند و سنتست افشای سلام یعنی بهر کس رسد سلام
کند اگرچه ظالم باشند که سلام خدای بظالمان نرسد و بخیل ترین مردم
کسیست که در سلام بخل کند مرویست که شبها که مردم در خوابند
برخاسته نماز کنید و با مردم بملایمت گفتگو کنید و افشای سلام کنید
تا بسلامت بهشت روید و هر کس در سلام غنی را بر فقیر امتیاز دهد
مستوجب غضب خدا باشد و سلام را بلند باید گفت تا بشنوند
و مگوئید که سلام کردم جواب نگفتی شاید نشنوانیده باشید و چون

سلام
جواب گویند بلند بگوید تا بگویند که جواب نگفتی و هرکس بگوید سلام
علیکم ده حسنه باشد اگر و رحمة الله نیز اضافه کند بیست حسنه اگر و برکاته
نیز اضافه کند سی حسنه مرویست که سلام و دعای عطسه و دعائی که
کسی کند بصیغهٔ جمع بگوید اگر چه یک کس باشد که با هر کس جمعی از ملائکه
باشند مثلا سلام علیکم و یرحمکم الله و عافاکم الله بگوید و ادب
اینست که سواره بر پیاده و اسپ سوار بر استر سوار و استر سوار
بر الاغ سوار و ایستاده بر نشسته و صغیر بر کبیر و قلیل بر کثیر سلام کنند
و بر چند کس سلام نباید کرد اول شراب خوار دوم صاحب شطرنج و نرد
سیوم مجاهر بفسق چهارم مخنث پنجم شاعری که زنان عفیفه را هجو کند ششم
ربا خوار هفتم کسیکه مشغول قضای حاجت باشد هشتم زنان نهم کسیکه
در نماز باشد دهم کسیکه در حمام باشد و چون سلام یا تحیتی دیگر
کنند مستحب است که تلافی آن احسن از آن باشد و اقلش این که هم بقدر
تلافی کند و چون کسی سلام علیکم گوید احسن از آن آنست که و رحمة الله اضافه کند
و اگر آنرا نیز گفته باشد و برکاته اضافه کند و اگر این را نیز بگوید همین را
تمام بگوید در روایتی دیگر آمده که درین صورت و علیک تنها تواند گفت اکتفا
اما زیاده ازین مخالف سنت است مرویست که کسی بحضرت امیر المؤمنین ع
سلام کرد لفظ و مغفرته و رضوانه افزود حضرت او را نهی فرمود و گفت

کسی سلام رساند جواب بگوید و علیک و علیه السلام و اکتفا بعلیه السلام
نیز مجزی بود و مرویست که جواب کتابت نیز مثل جواب سلام واجب
و معنی سلام و جوابش اینست که تو از من بسلامتی و با خدای تعالی عهد
کردم که غیبت تو نکنم و عیب تو نگویم و چون دو مومن با هم ملاقات کنند
و مصافحه نمایند گناهان هر دو بریزد مثل برگ از درخت تا آنکه هیچ
نماند و خدای تعالی با ایشان نظر کند تا آنکه از هم جدا شوند و صد رحمت
بر ایشان فرستد نود و نه از آن باشد که محبتش بیشتر باشد و خدای
تعالی با او مصافحه نماید و آنکه مکث بیشتر کند و دست بیشتر نگاه دارد
اجرش از آن دیگر بیشتر باشد و حد سلام و مصافحه هر اول ملاقات
بعد از هر غیبتی اگر چه بدور درختی بگردد و یا چند گام از هم جدا
شوند و مرویست که تمام تحیت برای مقیم مصافحه و تمام تسلیم مسافر
معانقه است و چون دو مومن معانقه کنند رحمت ایشان را
فرو گیرد و چون در پیش هم توقف کنند و بنشینند و غرض دنیوی
در میان نباشد ملکی ندا کند که گناهان شما آمرزیده شد اعمال بیت الله
از سر گیرید و چون شروع در گفتگو کنند ملائکه حفظه با هم گویند بیائید
بکناری رویم که شاید ایشان را با هم سری باشد و اگر خویشان و مومنان
یکدیگر را بوسه کنند باید روی هم را ببوسند و بوسه بر لب نشاید

مکر زوجه وطفل صغیر را و دست بوسیدن نشاید مکر پیغمبر یا وصی اورا
روایتی دیکر آمده که دست کسی ابوسیدن چنانست که نماز برای او
کرده باشد یعنی بندکی اوکرده باشد و هرکس در مجلس بمکانی کمتر از
رتبهٔ شرف خود راضی شود خدا و ملائکه بر وصلوة فرستند تا وقتیکه
برخیزد مرویست که چون بخانهٔ کسی روید هر اکرامی که کند قبول کنید
مکر بالانشستن و روایت دیکر آمده که هرجا صاحب خانه بکوید بنشیند که او
عیوب خانهٔ خود را بهتر میداند و توفیق میان این دو حدیث
والله اعلم ثم الراسخون فی العلم باین توان کرد که اکر معلوم باشد که
غرض صاحب خانه محض تکلف است قبول نباید کرد وکرنه اطاعت باید نمود
چنانکه بلفظ اکرام وعیوب مشعر است براین و بهترین مجالس آنست که
روی بقبله باشد مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
سه هیأت می نشست یکی دو زانو دوم انکه ساقها از زمین بردارد
و دستها را از پیش ساق کذرانیده بر ساعد کیرد سیم انکه یکپا بر سر
پای دیکر کذارد و احادیث متعدد آمده که بعضی ائمه طاهرین باین
هیأت نشسته بودند کسی کفت این وضع نشستن مکروهست فرمودند
این قول یهود است که میکویند خدای تعالی چون از خلق سموات وارض
فارغ شد چنین نشست که استراحت کند من برای ملالت چنین نشسته ام

وخدای تعالی را

وخدای تعالی را ملالت نمیباشد مرویست که اکر با یهودی بنشیند
همنشینی او را نیکو کنید وچون کسی داخل مجلس شود تعظیم کنید و جا بکشایید
که تعظیم در مجلس کبت است و در وقت رفتن تعظیم مکنید مثل عجم و در تابستان
میان هر دو کس در نشستن مقدار یک ذراع فاصله باید کذاشت که کرما
آزار نکند واکر در اثنای حرف مومنی در اید چنانست که روی او حیرا نشسته
باشد و هرکس در وقت نشستن بکوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خدای تعالی ملکی بر او موکل فرماید که در انمجلس او را از غیبت
کردن حفظ کند واکر وقت برخاستن بکوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ
عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ کفارهٔ
آن مجلس باشد و بعد و هر مسلمی و راحسنه باشد و خدای تعالی پیشترین
کیلها نواب او را کیل کند فصل نهم در سکوت و کلام مرویست از ائمهٔ
طاهرین علیهم السلام که سکوت بابیست از ابواب حکمت و جلب محبت کند
و دلیل هر خیر است و شیعیان ما بیدلان باشند و کسی حقیقت ایمان را
نشناخت تا زبان از لغو نه بند و نجات مومن در حفظ زبان است و زبان
کلید هر خیر و شر است پس زبان را مهر کنید همچنانکه زر و مال را مهر می کنید
و مومن تا ساکت است محسن نوشته شود و چون تکلم کند محسن باشد یا مسیء
و هرکس کلام را از جملهٔ اعمال خود نشمرد در اعمالش خطا باشد و عذابش مهیا

بسیار

بود و هرکس کلام خود را از جملهٔ اعمال شناسد تکلم نکند مگر با آنچه نافع باشد
و حضرت امیرالمؤمنین عم بمردی گذشت که حرفهای لغو و بیفائده میگفت
فرمود ای مرد هرچه میگوئی ملکین می نویسند و بر خدای تعالی عرض میکنند
ترک بیهوده گوئی کن و سخنی گو که نفع در آن باشد و شرم دار از این که
چون نامهٔ اعمال تو بر خدای تعالی معروض شود این نوع سخنان در و باشد و حضرت
پیغمبر ص بکسی گفت میخواهی چیزی تعلیمت کنم که بآن داخل بهشت شوی گفت
بلی فرمود سخاوت پیشه کن گفت شاید من محتاج تر باشم فرمود مظلوم را نصرت
کن گفت شاید عاجزتر باشم فرمود جاهلان را هدایت کن گفت شاید
جاهلتر باشم فرمود زبان به بند مگر از خیر بعد از آن فرمود میخواهی یکی از این
صفات در تو باشد که ترا بهشت برد و هم آنحضرت فرمود خدای تعالی
زبان را عذابی کند که هیچ عضو را نکند چه بسا باشد که کلمه از زبان بیرون
آید که در مشرق و مغرب پهن شود و خونها بآن ریخته شود و فرجهای
حرام بی حرمت کرده و سخن گفتن بحق افضل است از سکوت در باطل
و هرکس زبانش راست گو باشد عملش پاکیزه شود و مرویست که بنماز و روزه
و طول رکوع و سجود مردم فریفته مشوید که بسا باشد که آن عادتی باشد
که ترکش موجب وحشت باشد بلکه قدر عقل و صدق کلام و اداء امانتش را
نظر کنید و مرویست که بسا بندهٔ که آنقدر راست گوید که خدای تعالی از جملهٔ
اورا

صدیقین

صدیقین نویسد و بسا بندهٔ که آنقدر دروغ گوید که از جملهٔ کذابین نوشته صدیقان نزد
شود و هیچ بندهٔ لذت ایمان نیابد تا دروغ را مطلقا عمدا و هزلش را ترک
نکند و کذب ایمان را خراب کند خدای تعالی بر هر شری قفلی زده و کلید
همهٔ اینها شراب را گردانیده و کذب بدتر است از شراب و روز قیامت
از هر کذب سوال کنند مگر سه کذب یکی آنکه در معرکه جهاد با خصم گوید
کسی دوم آنکه برای اصلاح میان دو کس گفته شود سوم آنکه با اهل خود وعده
کند و اراده کردن آن نداشته باشد و چون کسی گوید والله که خدا
فلانی را نیامرزد خدای تعالی فرماید کیست که از جانب من قسم میخورد
که او را نیامرزم او را آمرزیدم و عمل این را باطل کردم و اگر کسی را لعنت
کنند یا شهادت بر کفرش دهند اگر چنان باشد راست گفته باشد
و گرنه بگوینده برگردد و اگر مؤمنی را فحش گوید خدا برکت از رزقش
برگیرد و معیشتش را فاسد گرداند و نظر رحمت و تربیت از وی بر دارد
و اگر در روی مؤمنی طعن کند به بدترین وجهی بمیرد و سزاوار آن باشد
که هرگز بخیر باز نگردد و بهشت حرامست بر هر فحاش بیحیا که پروا نکند
از هرچه گوید و با او گویند و مرویست که چنین کسی را اگر تفتیش کنی ولد الزنا
یا شرک شیطان باشد و خدای تعالی دشمن دارد هر فحاش سخت گو را
بدترین مردم کسی است که از ترس زبانش اکرامش کنند و مجالستش را

ناخوش دارند و هر کس از زبانش بترسند منزلش آتش باشد و بدترین مردم
کسی است که طعام خود تنها خورد و عطایش را منع کند و مملوکش را بسیار
بزند و بدتر از و کسیکه بخیرش امید وار و از شرش ایمن نباشی و بدتر
از و فحاش که چون اگر کسی پیش او ظاهر و مذکور شود لعن کند و چون نام او
پیش مردم مذکور شود لعنش کنند و حضرت صادق ع را دوستی بود
که هرگز از خدمتش مفارقت نمی نمود روزی در خدمت آنحضرت
براهی میرفت و غلامی همراه داشت چند مرتبه نگاه کرد او را ندید
مرتبهٔ دیگر نگاه کرد آمده بود گفت یا بن الفاعله کجا بودی پس حضرت
دست بر روی مبارک زده فرمود سبحان الله مادرش را دشنام
دادی تو خود را متورع می نمودی معلوم شد که ورعی نداشته گفت
جعلت فداک مادرش مشرکست فرمود باشد نمیدانی که هر قومی در
میان خود نکاحی دارند که خود را از زنا باز دارند دور شو از من راوی
گوید که دیگر او را در خدمت آنحضرت ندیدم تا از دنیا رفت و خدای تعالی
دوست دارد مزاح را که فحش در میان نباشد و مزاح از حسن خلقست و سبب
سرور مومنان شود و کثرت مزاح یا آنکه متضمن فحش یا کذب یا استهزا
و محال متضمن قبیح و باطلی باشد وقار و آب رو و ایمان ببرد و موجب
استخفاف و ذلت باشد و سبب بغض و کینه شود و گاه باشد که کسی کلمه

کوید

اگر کسی دروغ گوید تا مردم را بخنداند
وای بر آن کس

گوید که مردم را بخنداند بقدر ما بین زمین و آسمان او را از بهشت دور گردانند
و در دوزخ افکنند و حضرت پیغمبر ص فرمود که وای بر تو کثرت ضحک
دین را بگدازد چنانکه آب نمک را بگدازد و ببرد و در روایت دیگر آمده
که هر کس یکمرتبه خنده کند یکدهن از عقلش تلف کند و حضرت امام جعفر
صادق ع فرمود بسا کسیکه خنده کند و بعیش بسیار باشد و روز قیامت
گریه اش بسیار باشد و بسا کسیکه از بیم گناهان گریه اش بسیار بود
و در بهشت خنده و سرورش بسیار باشد و فرمود اصحاب
علمهای رسوا شدم و اثر از خندهٔ دندان نما وای که بسیار کرد سیئات
ایمن مباش از کمین حادثات فصل دهم در اکرام و توقیر مؤمنان مرویست
از اهل بیت طاهرین ع که هر کس مؤمنی را اکرام کند اول خدا را اکرام کرده
باشد و روی شیطان خراشیده بود و دلش جراحت شود و هر کس
بر روی مؤمنی تبسم کند برایش حسنه ثبت شود و اگر کثافتی از
رویش بردارد ده حسنه ثبت شود و اگر بمومنی بگوید مرحبا
خدای تعالی تا روز قیامت برای او رحمت نویسد و اگر با او بخوبی
از آنجا هر
از آنها ملاطفت کند از خدام جنت عطا فرماید و اگر کلمه گوید که موجب
شکفتگی مومنی باشد در سایهٔ رحمت خدا باشد و اگر کثافتی از راه
مؤمنی بردارد اجر قراءت چهار آیه از قرآن باید که هر حرف از آن

ده حسنه است و اگر مومن را بمجلس یا متکا یا طعام یا جامه یا سلام یا غیر آن ملاطفت
و اکرام کند بهشت از جا در آید که مکافات آن کند پس خدای تعالی فرماید
من نعمتهای ترا بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر بر نبی یا وصی و چون روز
قیامت شود فرماید ام وزرا و لیای مرا مکافات کن پس حور و غلمان
از بهشت بیرون آیند در دست طبقهای پر از نعمتهای گوناگون سرهای
آن با بار پوشهای لؤلؤ و جواهر پوشیده چون بهشت و نعمتهای آنرا
ببینند عقلشان پرواز کند و چون جهنم را ببینند از هول آن دست نتوانند
دراز کرد پس از جانب عرش ندا آید که بخورید که هر کس طعام بهشت بخورد
دوزخ بروی حرام شود پس دست دراز کرده تناول فرمایند
و هر کس جمعی از مؤمنان را خدمت کند با آنقدر از جنت عطا فرماید
و خادم مؤمنان در طاعت خدا را وحش او در قبر نگذارند بلکه پیش
خدای تعالی برند و آنجا باشد تا روز قیامت و هر کس مومنی محاسن
سفید را تعظیم و توقیر کند از فزع روز قیامت ایمن گردد و اگر با او
استخفاف کند خدای تعالی کسی را بر و مسلط گرداند که با او استخفاف
کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود از ما نیست کسیکه کبیر ما را توقیر
و بر صغیر ما ترحم نکند و هر کس مومن فقیر[۲] بسبب فقرش تحقیر کند خدای تعالی
روز قیامت او را در میان خلایق رسوا کند فصل یازدهم در سرور مومنان

[۲] یا غیر فقیر را تحقیر کند خدا ایضا او را دشمن دارد

وقضای

وقضای حاجات ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین ع که هیچکس عبادت
خدا نکرده بچیزی افضل از سرور مومنان که ادای دینش کند یا گرسنه اش را
سیر کند یا غیر آن و هر چند عظیمتر بود ثوابش عظیمتر بود و هر کس مومنی را
مسرور کند خدای تعالی روز قیامت او را مسرور گرداند و خدا
و پیغمبر خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم را مسرور کرده باشد و همچنین اگر
مومنی را آزرده کرده باشد ایشان را آزرده کرده باشد سرور
مومن هزار هزار حسنه باشد خدای تعالی در مناجات بحضرت موسی ع
فرمود که هر کس مومن را مسرور کند در بهشت او را حاکم و امیر گردانم
و حضرت پیغمبر فرموده دل مومن عرش خداست هر کس دل مومن را
خوش کند خدای تعالی فرشته خلق کند که هزار بدن داشته باشد
در هر بدن هزار سر و در هر سر هزار رو و در هر رو هزار دهن و در
هر دهن هزار زبان و با هر زبان بهزار لغت برای آنکس خدای تعالی را
تسبیح کند و استغفار نماید تا روز قیامت و مرویست از اهل بیت
طاهرین ع که مومنی در مملکت جباری بود از ظلم و جور او گریخته
بدیار اهل شرک رفت مشرکی او را بخانه برده مهمانی کرد و چون از دنیا
رفت خدای تعالی فرمود اگر تو مشرک نمیبودی ترا در بهشت
جا میدادم اما بهشت بر مشرکان حرام است پس آتش دوزخ امر فرماید

کرا تو را بلرزان و تیر سلان تا موزان و هر صبح و شام ز زفتش را هرستد
برادی که گوید پرسیدم که زرفتش از بهشت آید حضرت امام فرمود از هر جاکه
بخواهد و هر کس دفع مضرت آبی یا آتشی از مؤمنان کند خدای بهشت
برا او واجب گرداند و هر کس غمی یا شدتی از مومن بردارد خدای
تعالی هفتاد و دو رحمت برایش نویسد یکی را در دنیا تعجیل کند که
امر معیشتش را بآن اصلاح نماید و هفتاد و یکی را برای اهوال روز قیامت
ذخیره فرماید و روز قیامت مطمئن خاطر محشور گردد و هر کس عورت
و عیب مؤمنی بپوشد خدای تعالی هفتاد عیب در دنیا و آخرت
برو بپوشد و هر کس قضای حاجت مومنی کند خدای تعالی روز
قیامت هزار حاجتش بر آرد که اول آنها این باشد که او و اقربای
و آشنایان و دوستانش را ببهشت برد اگر ناصبی نباشند
و قضای حاجت مومن بهتر است از آنکه هفتاد بنده آزاد کند و هزار
اسپ در راه خدا بجهاد فرستد و افضلست از بیست حج که در هر
حج هزار درهم صرف کند و در روایات دیگر آمده است که یکطواف خانه
کعبه شش هزار حسنه است و شش هزار سیئه محو شود و شش هزار درجه
بلند گردد و در روایت دیگر آمده که شش هزار حاجتش بر آورده
شود و چون به پیش ملتزم رسد هفت در از درهای بهشت برایش گشوده
هفتاد در
شود

شود و قضای حاجت مومن افضلست از ده چنین طواف و هر کس حاجت
مومنی باو رسد و قادر بر قضای آن نباشد و از نجهة دلگیر شود خدای تعالی
بسبب آن دلگیری او را بهشت عطا فرماید و هر کس سعی در حاجت مومنی
کند هر گاه هزار حسنه برایش نوشته شود که در ان میان اقربا و همسایگان
و احبا و آشنایانش آمرزیده شوند و بهر گام که کسی در حاجت مؤمن
بردارد حسنه نوشته شود و سیئه محو گردد و درجه بلند شود و اگر
آن حاجت در دست او بر آید ثواب یکحج و یکعمره و دو ماه روزه
و اعتکاف در مسجد الحرام داشته باشد و اگر بر نیاید ثواب یکحج و یکعمره
داشته باشد روزی حضرت امام حسن علیه السلام در اعتکاف بود حسین
مردی آمده از کسی شکایت کرد و التماس کرد که درباره من با او گفتگو
کن حضرت برخاسته روانه گشت کسی گفت یا بن رسول الله مگر
فراموش کردی که اعتکاف داری فرمود فراموش نکردم اما کسیکه
سعی در حاجت مومن کند چنانست که نه هزار سال عبادت کرده
که روزها روزه داشته و شبها بنماز برخاسته باشد و هر کس اعانت
مومنی کند خدای تعالی هفتاد و سه غم و غصه از و بر گیرد یکی در دنیا
و هفتاد و دو در روز قیامت که هر کس بحال خود در مانده باشد
و هر کس دست عاجزی گرفته بخانه یا مسجد یا حاجتی دیگر برد بهر گام که

بردارد و بکذارد عتق رقبه نوشته شود و ملائکه بر او صلوات فرستند
و هر کس حاجت عاجزی را کفایت کند خدای تعالی او را برات از نفاق
و از آتش عطا فرماید و هفتاد هزار حاجتش را برآرد و مستغرق رحمت
کرداند تا از آن کار فارغ شود و هر کس قادر بر قضای حاجت مؤمن
باشد و نکند خدای تعالی در قبر ماری عظیم بر او مسلط کرداند که او را
می کزیده باشد تا روز قیامت بعد از آن اکر خواهد ببخشد و اکر نه
عذابش کند و اکر صاحب حاجت او را معذور ندارد حالش دیکر بدتر باشد
و در روایت دیکر آمده که هر کس حاجت مؤمنی را از خود یا از دیکری
منع کند و قادر بر آن باشد روز قیامت روسیاه ازرق
چشم دستها بر کردن بسته محشور شود پس چون او را ببینند کویند اینست
که با خدا و رسول خدا خیانت کرده پس در آتش افکنند و هر کس قادر
بر اعانت مؤمن باشد و نکند مبتلا باعانت دشمنان خدا شود
و روز قیامت بر آن معذب باشد و هر کس را خانه باشد و از مؤمنی
محتاج مضائقه کند خدای تعالی فرماید ای ملائکه ببینید که بنده من
چون در خانه با بنده من بخل ورزید بعزت و جلالم که هرکز در بهشت خودم ه
مسکن نکند **فصل دوازدهم در رذائل بعضی مناهی و معاصی بر سبیل اجمال**
مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس با حکم او[امر]

خند

خدا استخفاف و بی اعتنائی کند خدای تعالی روز قیامت با او استخفاف
و بی اعتنائی نماید و خدای تعالی در هر دل نوری آفریده چون کسی
کناهی کند ظلمتی در دلش بهم رسد اکر توبه کند آن ظلمت زائل شود و همان
نور عود کند و اکر همچنان معصیت می کرده باشد مرتبه مرتبه ظلمت
زیاده شود تا نور را بپوشد و تمام دل سیاه و ظلمانی کردد و چون
نعوذ بالله چنین شود هرکز اصلاح نپذیرد و نجات نیابد و بسا
باشد که بنده کناهی کند که خدای تعالی فرماید بعزت خودم که بعد از این
هرکز ترا نیامرزم و بسا باشد که روز قیامت بنده را به یک کناه
صد سال حبس کنند و اهل و عیال و دوستان خود را ببیند که در
روضات جنات مشغول نعمت و عشرتند و هر کس ترک فریضه یا
ارتکاب کبیره کند اطاعت شیطان کرده باشد و با او در جهنم
باشد و هر کس حکم حلال و حرام قرآن داند و برای محبت و شهوت
دنیا مخالفت آن کند مستوجب سخط الهی کردد و با یهود و نصاری
در یک درجه باشد و خانه که در آن معصیت کنند لازمست بر حق تعالی
که آنرا خراب کند و معاصی مورث فقر و حاجت و حرمان رزق
و زوال نعمت و کوتاهی عمر و خرابی بلاد و زلزله و طاعون و قحط
و انقطاع باران و ظلمت هوا و سائر مکاره و بلایا شود و موجب

علل و امراض و اوجاع و اسقام و حسرت و ندامت و تسلط اعدا و کم آبی رودها و چشمها
و آفات مزارع و باغها و زیان تجارات و معاملات گردد و رد دعا کند
و بسا باشد که بندهٔ دعا کند و خدای تعالی تقدیر اجابت آن فرماید پس
بنده معصیتی کند و خدای تعالی فرماید بندهٔ من متعرض غضب من گشت
و مستوجب حرمان باشد محرومش گردانید و قضای حاجتش مکنید و اگر
معاصی شایع شود ابرار و اخیار دعا کنند و مستجاب نگردد و هر بلیه
و مصیبت و کدورت و مشقت که بآدمی رسد بعقوبت گناهانش
باشد حتی اگر خاری در پا رود و یا رگی در بدن جهد با آنکه اکثر گناهان
بفضل و رحمت الهی عفو شود مگر اولیاء الله که بلای ایشان برای زیادتی
ثواب و درجات است و چون خدای تعالی با بندهٔ ارادهٔ خیر و رحمت
داشته باشد هر گاه گناهی کند در عقب آن او را بعقوبت و بلیه خبردار
کند تا توبه و استغفار نماید و گناهانش بیامرزد و اگر با بندهٔ ارادهٔ
غضب و عذاب داشته باشد او را استدراج کند یعنی نعمتهای بیا
نوازش نماید تا درجه درجه و مرتبه مرتبه گناهانش زیاده شود و مغرور
گردد و استغفار و توبه را فراموش کند کسی بخدمت حضرت صادق ع
معروض داشت که چند مرتبه از خدای تعالی مسئلت نمودم و همهٔ دعایم
مستجاب شد میترسم استدراج باشد فرمود والله که اگر حمد و شکر کنی

استدراج

استدراج نبوده باشد و چون خدای تعالی با بندهٔ نظر رحمت داشته
باشد عقوبات گناهانش در دنیا یا در سکرات موت یا در قبر و عالم
برزخ بحسب تفاوت مراتب گناهانش کند تا روز قیامت از گناه
پاک باشد حتی آنکه غم و هم و کدورت و اندوهی که او را رسد یا خوابی
بیند که از آن غمگین شود گناهش را بیامرزد و اگر با کسی نظر غضب داشته
باشد حسناتی که کرده باشد در دنیا بنعمت و صحت و غیر آن از
نیکی مکافات فرماید و عقوبات گناهش را بقیامت گذارد و بسا
باشد که مؤمنی گناه عظیمی کند که مستوجب عقوبت دنیا و آخرت شود
و خدای تعالی برای مصلحت او عقوبت آخرت را نیز در دنیا کند و گاه
باشد که در دنیا تقدیر مصایب و بلایا نموده باشد بعد از آن
چون کثرت عبادت و طاعتش را بیند بر او رحم فرموده مصایب
و بلایا را بعد از آن که مقدر شده رفع نماید و ثواب بلایا را نیز ذخیرهٔ
روز قیامت کند و هیچ گناه را سهل و حقیر نباید انگاشت مثل اگر
گوید گناه می‌کنم و بعد از آن استغفار خواهم کرد یا گوید کاش غیر
ازین گناه نمیداشتم یا گوید کاش همه گناهان من مثل این بوده باشد
یا غیر آن که گناه حقیر انگاشته شود آمرزیده نشود و هیچ طاعتی مقبول
نشود از کسیکه اصرار بر معصیت کند و هر صغیره که بران اصرار کنند کبیره

شود و خدای تعالی بر هر بندهٔ چهل پرده انداخته پوشیده که کسی

بر گناهان و عیوبش اطلاع نیابد و چون چهل کبیره کند پردها همه برخاسته

شود پس خدای تعالی ملائکه را فرماید که ببالهای خود او را بپوشند

و اگر همان معاصی و قبائح میکرده باشند تا حدی که فعل قبیح کند

و آنرا حسن پندارد و توقع مدح داشته باشد فرماید تا ملائکه بالهای

خود از او بر دارند پس بعد از آن شروع در بغض و عداوت اهل بیت

نماید و گناه سه قسمت یکی آنکه البته آمرزیده شود و آن گناهی است که

خدای تعالی در دنیا عقوبت آن کرده و کریمتر از آنست که یک گناه را

دو مرتبه عقوبت کند پس در آخرت آنرا بیامرزد دوم مظالم عباد

اگر چه بظلم دستی بر کسی زند یا حیوانی شاخ دار بر حیوان بی شاخ

کله زند که خدای تعالی البته انتقام آن بکشد سیم گناهی که کسی کند و از آن

توبه نماید و پشیمان باشد و امید عفو و مغفرت داشته باشد حضرت

امام فرمود ما نیز می ترسیم و امید مغفرت داریم و با اهل معاصی در

مثل خود نشستن [illegible]

مجلس ایشان که قادر بر دفع آن نباشد نباید نشست که مبادا غضب

و عذاب بر ایشان نازل شود و او را نیز در آن میان فرو گیرد حضرت

امام بیکی از اصحاب فرمود ترا در پیش فلانی دیدم آنجا چه میکردی گفت

میکردی در

او خالوی منست فرمود او معصیت خدا می کند یا باید ترک ما کنی و پیش او

بروی یا ترک او نمائی و پیش ما آئی گفت هرگاه آنچه او می کند من نکنم چه ضرر دارد

فرمود نمیترسی که بر او غضبی نازل شود و ترا هم با او بگیرد نمیدانی که مردی از

اصحاب موسی که پدرش از قوم فرعون بود چون فرعونیان بموسی رسیدند

آنمرد ایستاد که پدر خود را موعظه نموده پیش موسی برد چون بدریا

رسیدند آب همه را فرو گرفت و غرق شدند حتی آنکه خدای تعالی

جعل را در سوراخ او عذاب کند که چرا از محلهٔ اهل معاصی بیرون نمیرود فصل

نیز دهم در رذائل بعضی معاصی و مناهی بر سبیل تفصیل مرویست

از اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم اجمعین که هرکس را آخرتی و دنیائی

میسر شود اگر اختیار دنیا کند هیچ حسنهٔ او را نباشد که حجاب او

از آتش شود و اول چیزی که سبب معصیت خدا باشد شش چیز است

اول حب دنیا دوم حب ریاست سوم حب طعام چهارم

حب خواب پنجم حب راحت ششم حب نسا دو گرگ درنده

در گلهٔ بی راعی آنقدر ضرر نکند که محبت دنیا و جاه و شرف و بزرگی

دنیا در دین مؤمن و ملعونست هرکس ریاست دنیا کند و هرکس که

ارادهٔ آن نیز کند و هرکس آنرا بخاطر هم گذراند و هرچه از دنیا

زیاده زیاده بر قدر کفاف باشد ملعونست حضرت عیسی علیه السلم

بقریهٔ گذشت که همه اهل آن و دواب و طیورش هلاک گشته و دفن

[illegible]

بکر ده افتاده بودند بر بلندی بر آمد و ایشانرا آواز کرده یکی از ایشان
جواب گفت فرمود اعمال شما چه بود که چنین مبتلا شدید گفت اعمال
اهل معاصی حب دنیا و طول امل و خوف قلیل و غفلت از خدا و شغل
لهو و لعب فرمود عاقبت شما چون شد گفت در عین نعمت و عافیت بودیم
ناگاه خود را در هاویه دیدیم فرمود هاویه چیست گفت کوههای آتش
که بر ما افروخته اند و هر چند تضرع می کنیم که یکبار دیگر ما را بدنیا برید
تا زهد ورزیم و طاعت کنیم می گویند دروغ میگوئید فرمود چرا
دیگری غیر تو جواب نگفت گفت ایشانرا همه با آتش لجام کرده اند که تکلم
نتوانند کرد و من در میان ایشان بودم اما از ایشان نبودم مرا
بمویی در کنار جهنم آویخته اند نمیدانم که خواهم افتاد یا نجات خواهم یافت
و هر کس مالی حرام کسب کند یا لقمهٔ حرام بخورد یا جامهٔ حرام بپوشد
هیچ طاعت از وی قبول نشود نه فریضه و نه نافله و بقدر آن وزر
بر او نویسند و هرچه از آن مال بعد از او بماند توشهٔ جهنمش باشد
و هر کس را مقدور باشد و از ترس خدا دست بر دارد خدای تعالی
او را دوست دارد و رحمت خود شامل او کند و از اهل بهشت
گرداند و ترک یک لقمهٔ حرام بهتر است از دو هزار رکعت نماز و رد یک
دانگ مال حرام برابر است با هفتاد حج مقبول و خدای تعالی لعن کرده

کسی اکر

کسی را که ربا دهد و کسیکه گیرد و کسیکه آنرا نویسد و کسیکه شاهد بران
باشد و ربا هفتاد جزو است و سهل ترین آن مثل آنست که کسی با مادر
خود در خانه خدا زنا کند و یکدرهم ربا عظیم تر است از هفتاد زنا که همه
با خویشان مثل عمه و خاله باشد و هیچ عبادت افضل از عفت بطن و فرج
نیست که از حرام حفظ کنی و هر کس از مال یتیم چیزی بخورد بدو عقوبت
معذب شود یکی در دنیا که خدای تعالی ظالمی بر او و اولادش مسلط
گرداند دوم در آخرت باتش جهنم و در هیچ خانهٔ خیانت یا دزدی
یا زنا یا شرب خمر راه نیابد مگر آنکه برکت از آن خانه زائل شود و خراب
گردد و هر کس یک شربت مسکری بیاشامد چهل روز نمازش مقبول
نشود و اگر درین ایام ترک نماز کند عذابش مضاعف گردد و درین
ایام توبه اش مقبول نشود و اگر بمیرد کافر باشد و اگر یکبار دیگر
بیاشامد خدای تعالی از چرک و ریمی که در جهنم از فروج زانیان می آید
باو بیاشاماند و اگر مداومت بران کند مثل بت پرست باشد
و شرابخوار روز قیامت رو سیاه ازرق چشم دهنش گشوده
لعاب دهنش روان گشته مینائی بر انگشت آویخته بمحشر آید
بهیأتی که اهل محشر همه از او بترسند و حضرت پیغمبر ص ده کس را
در شراب لعن فرموده است کسیکه تاکش بنشاند و کسیکه محافظتش

در خشش حافظ

وکسی که بپاشاند و کسی که

کند وکسیکه بیفشرد وکسیکه ساقیش باشد وکسیکه برای کسی بردوکسیکه
برایش ببرند وکسیکه بایع ومشتری باشد وکسیکه قیمتش را بخورد و فرموده
باشارب الخمر مخالطت مکنید و دختر باو مدهید و از وی مخواهید و امانت
باو مسپارید و عیادتش مکنید و بر جنازه اش حاضر مشوید کسی از حضرت
امام جعفر صادق ع پرسید که مردی از محبان و موالی شما ست اما شراب
میخورد فرمود اگر بمیرد بر و نماز مگزارید و هرکس شراب یا مسکری دیگر
داخل عرقی از عروقش شود خدای تعالی آن عرق را بسیصد و شصت
نوع عذاب کند و هرکس یکقطره شراب یا مسکری دیگر بکودکی دهد خدای
تعالی او را از حمیم جهنم بیاشاماند و حمیم آبیست در جهنم که چون نزدیک آرند
هنوز بر لب نگذاشته از شدت حرارتش رو و پوستش بیندازد
و هرکس یکمیل سرمه که شراب یا مسکری دیگر در آن باشد در چشم کشد روز
قیامت میلی از آتش در چشمش کشند و هرکس ترک شراب کند نه برای خدا
بلکه همین برای مصلحت خود خدای تعالی او را شکر کند و از رحیق مختوم
بنوشاند که شرابیست خاصه از شرابهای بهشت که خدای تعالی سرش را
با مشک مختوم ساخته و برای خواص خود مقرر فرموده است و از حضرت
امام رضا علیه السلام مرویست که چون سر مبارک حضرت امام حسین ع را
بشام می بردند یزید علیه اللعنه فرمود که آنرا در طشتی گذاشته روپوشی

بران

بران انداخته بر روی آن شطرنج می باخت و فقاع می آشامید و در دو جام را
بیش طشت بر زمین میریخت پس هرکس شیعهٔ ما باشد باید از فقاع و شطرنج
اجتناب کند و هرکس را که نظرش بر فقاع و شطرنج افتد بر یزید و آل زیاد را چرکه
لعنت کند گناهانش آمرزیده شود اگرچه مثل ستارهٔ آسمان باشد
و نیز مرویست که هر شب در ماه مبارک رمضان خدای تعالی جمعی بسیار
از آتش آزاد کند مگر کسیکه افطار بر مسکری کند یا صاحب شطرنج باشد
یا صاحب بدعتی باشد و هرچه بآن قمار کنند مثل آن بود و شیخ
صدوق محمد بن بابویه رحمه الله تعالی در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته
نزد شدید است از شطرنج و داشتن شطرنج کفر است و بازیش شرک
و تعلیمش کبیرهٔ موبقه و سلام بر کسیکه بآن بازی کند معصیت و نظر
بر آلات آن مثل نظر بر فرج مادر و هرچه بآن قمار کنند مثل این باشد
حتی بازی انگشتر و گردکان و غیر آن و هرکس صنج بزند شیطان
با او رفیق شود و ملائکه بگریزند و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست
که وقتی که آدم ع رحلت نمود ابلیس و قابیل بموت او شماتت نمودند
باهم اسباب لهو و لعب اختراع کردند بعد از آن فرمود هرچه از این
قبیل باشد که مردم از آن متلذذ شوند مثل آن بود و در خانهٔ کسیکه بخرام
چهل روز بربط نوازند شیطانی قفندنام برو مسلط کرد که هر عضو

خود را بر عضوی از او گذارد و در او بدمد بعد از آن غیرت و حیا از او زائل
شود تا حدی که اگر زنانش زنا کنند پروا نکند و نواختن عود و امثال
آن نفاق در دل رویاند چنانکه آب گیاه. اما حدیثی دیگر روایت
شده که نکاح را علانیه کنید و در آن دف بزنید و شنیدن لهو و غنا
نیز نفاق می رویاند چنانکه آب گیاه را و اهل آن مجالس از مصیبت ایمن
نباشند و دعاشان مستجاب نشود و خدای تعالی بر ایشان نظر نکند
و فرشته داخل نشود و غنا از جملهٔ چیزهائیست که خدای تعالی فرموده
که برای اهل آن عذاب مهین مهیاست و در بهشت درختیست که خدای تعالی
باد را امر کند که آنرا حرکت دهد پس نغمهٔ که هیچ گوشی مثل آن نشنیده
باشد مترنّم شود برای جمعی که در دنیا از غنا منزّه باشند و کسیکه
از آن اجتناب نکرده باشد از شنیدن آن محروم باشد و نیز مرویست
که کنیزکان مغنّیه ملعونند و ملعونست کسیکه از کسب ایشان بخورد و بیع
شان حرام و شرای شان حرام و تعلیم شان کفر و شنیدن از ایشان
نفاق و قیمت شان سحت است و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که گوش
بهر کس که کنی عبادت او کرده باشی اگر حق گوید و از خدا گوید عبادت پس
خدا کرده باشی و اگر باطل گوید و از شیطان گوید عبادت شیطان و احادیث
بسیار نیز در مدح صوت حسن و ترتیل قرآن بصوت خوش و رخصت ترنّم

وارد شده

وارد شده مثل اینکه خوب بغنیت صوت حسن و هیچ پیغمبری مبعوث نشده مگر
باواز خوش و مثل اینکه ائمه علیهم السلام از همهٔ ناس خوش آوازتر بودند و اگر امام اندکی
از حسن صوت خود اظهار کند هیچکس تاب نمی آرد و حضرت سجاد ع چون تلاوت
قرآن میفرمود مترددین از حسن صوت او بیهوش می افتادند و مثل اینکه
قرآن بحزن نازل گشته بحزن تلاوت کنید و در قراءت قرآن ترجیع
صوت کنید که خدای تعالی دوست میدارد صوت حسن را که ترجیع
کنند و حضرت پیغمبر ص فرموده قرآنرا با لحان عرب بخوانید و بالحان اهل
فسوق و کبائر مخوانید و بعد از من جمعی بیایند که قرآنرا بترجیع غنا و نوحه
ترجیع کنند دلهای ایشان و جمعیکه ایشانرا خوش دارند برگشته است
و کسی از حضرت سجاد علیه السلام سوال نمود از خریدن جاریهٔ خوش آواز
فرمود قصوری ندارد اگر بخری و ترا بیاد بهشت اندازد و نیز اخبار
بسیار وارد شده که باکی نیست در کسب مغنّیه که در عروسیها باشد
و مثل زنا نیست که مردان بر ایشان وارد شوند پس از مجموع این احادیث
معلوم است که نغمه دو قسم است یکی مذموم و حرام که غناست و توعیدات
و عقوبات بر آن وارد شده و دوم ممدوح و حلال که مدایح و رخصت
در شان آن آمده اما در تحقیق معیار حلال و حرام اقوال مختلفه گفته اند و آنچه
این حقیر از ظاهر قرآن مجید و مجموع احادیث وارده درین باب

استنباط نموده اینست که معیار حل و حرمت حق و باطل است اعنی هر نغمه
وصوت و تصنع و تصرف که سبب دوری و غفلت از خدا و رغبت
بدنیا و هیجان شهوات و لذات دنیوی و آرزوهای باطل و خیالهای
فاسده و مجملا سبب باطلی باشد مذموم و حرام است و هر چه منشاء رقت
قلب و اشک چشم و دل سردی از دنیا و شهوات و شوق بآخرت
و باقیات صالحات و مجملا سبب حقی باشد ممدوح و حلال است چنانکه بعضی از
احادیث مذکوره مثل امر بتلاوت قرآن بحزن و بیهوش گشتن
مردم از صوت امام و امر بالحان عرب و نهی از الحان اهل فسوق
و یاد آوردن بهشت و رخصت کسب مغنیه در عرایس و ظاهر قرآن
و سائر اخبار بسیار نیز غیر آنها متغیر است بران از انجمله تعبیر از غنای
حرام بلفظ لهو و لغو و قول زور که در قرآن مجید و احادیث بسیار
واقع شده و از انجمله اخبار بسیار که از ائمه اطهار سوال کردند
از غنا فرمودند روز قیامت که خدای تعالی حق و باطل را از هم
جدا کند غنا در کدام طرف باشد سائل گفت در طرف باطل فرمودند
خود محاکمه نمودی و از انجمله جمعی از امام ع از غنا سوال نمودند فرمود
شما اتقیای کرام باشید شما را با باطل چه کار است والله اعلم ثم
الراسخون فی العلم و چون ۷ زنا شایع شود موت فجأة واقع

غریب

میان

غریب که قبل از آن در میان ایشان نبوده شایع شود و زانی را خدای تعالی
شش عقوبت کند سه در دنیا که نور از رویش برود و بفقر مبتلا
شود و اجلش نزدیک گردد و سه در آخرت غضب خدا و سختی حساب
و خلود در آتش و در روایت که سیصد هزار در از جهنم بقبرش گشوده
شود که شعلهای آتش و عقارب و حیات از دوزخ آیند و عذابش
کنند تا روز قیامت و بعد از آن بدوزخ برند و چون روز قیامت
شود زانیان محشور شوند بوی در غایت عفونت از فرج ایشان
آید که همه اهل محشر متأذی شوند و هیچکس نماند مگر ایشان را لعن کند
و هر کس با زنی نامحرم مکالمه کند بهر یک کلمه که گوید هزار سال در دوزخ
محبوس گردد و اگر زن برغبت خود اطاعت کند هر چه در میان
ایشان گذرد گناهش مثل گناه مرد باشد و اگر مجبور باشد گناه
او نیز بر مرد نوشته شود و هر کس چشم از نگاه حرام پر کند خدای تعالی
آن چشم را از آتش پر کند و هر کس بزنی نامحرم درآویزد او را با شیطانی
در زنجیر آتش کشند پس در آتش اندازند و هر کس با زنان مردم عفیف
نباشد مردم نیز در عقب زنان او روند و بهر نحو با مردم معامله کند ۹
با او چنان معامله کنند و حضرت پیغمبر ص فرمود با عفاف طائفه تزویج
کنید که مردان ایشان عفیفند و زنان ایشان ۷ نیز چنان اند و هر کس نظر

بر زنی نامحرم افتد و چشم از و بگرداند هنوز چشم بر هم نزده باشد که خدای تعالی
او را ایمانی عطا فرماید که لذتش دریابد و از حور العین بر ابیش تزویج
نماید و هر کس لواطه کند با زنی حرام یا با مردی هیچ فریضه و نافله از و مقبول
نشود و از عفونت رائحهٔ او اهل محشر متاذی شوند و کافر باشد و بر استبرق
و حریر بهشت ننشیند کسیکه با او لواطه کند و هر کس یک کس را عمداً بناحق
بکشد چنانست که جمیع نامردم را کشته باشد و جزایش جهنم بود و خدای تعالی
مقتول را از همه گناهانش پاک کند و همه را بر قاتل نویسد و هر کس ترین مردم
از خدای کسیست که کسی را بناحق بکشد یا بزند و اگر اهل سموات و ارض
قتل در قتل مسلمی شریک باشند و بآن راضی باشند خدای تعالی همه را سرازیر
در دوزخ افکند و هر کس بکلمهٔ اعانت قتل مسلمی کند روز قیامت
کند مقتول از و مطالبه خون خود و هر کس با مؤمنی در حاجتش رفاقت کند
و خیر او را در آن ملاحظه نکند با خدا و رسول و ائمه اطهار صلوات الله
علیهم خیانت کرده باشد و ایشان روز قیامت با او مخاصمت کنند
و هر کس مباشر کاری برای مؤمنان شود و آنرا ضایع کند خدای تعالی
او را ضایع کند و هر کس والی و امیر جمعی شود اگر چه همین ده کس باشند
و میان ایشان عدل نکند روز قیامت سر و دست و پا بسته در
قاسر سوراخ ماهی کرده بمحشرش آید و هر والی که از رعیت و حوائج ایشان رو

بپنهان

بپنهان کند خدای تعالی روز قیامت از او و از حوائجش اعراض کند و اگر
در کار سازی ایشان هدیه بگیرد خیانت کرده باشد و اگر در حکم
حق میان ایشان رشوه بگیرد مشرک باشد و اول کسیکه داخل جهنم شود
پادشاه و حاکمیست که با رعیت عدالت نکند و صاحب مالی که حق
مال را ادا نکند و فقیری که فاجر باشد و هر کس بکسی ظلم کند خدای تعالی
او را بران در نفس یا در مال یا در ملک یا در ولد یا در ولد ولدش مؤاخذه
نماید و ظلم در دنیا ظلماتست در آخرت و صراط بلیست که هیچکس با مظلمه
از آن نتواند گذشت و هر کس مال کسی را بظلم و غصب بگیرد خدای تعالی
از و روی رحمت بگرداند و هیچ طاعت و حسنه از و قبول
نفرماید و در نامهٔ عملش ثبت نکند تا آنکه توبه کند و هر کس ظالمی را در ظلم
معذور دارد و حمایت کند خدای تعالی ظالمی را بر او مسلط گرداند
و در آنحال که مظلوم باشد دعایش مستجاب نشود و در آن ظلمیکه بر او میشود
اجر نداشته باشد و هر کس اعانت ظالمی کند در گناهش شریک باشد
و با او محشور شود حتی کسیکه لیقه در دواتش کند یا قلمی برایش
نویسد یا سر کیسه اش را ببندد و کسیکه راضی بظلم باشد مثل ظالم بود
و خدای تعالی در زمان پادشاهی جبار به پیغمبری وحی فرمود که باین
پادشاه بگو که من ترا پادشاه نکرده ام که خون مردم بریزی و مالشان

بگیری بلکه بتو داده‌ام که بداد مظلومان رسی و من از ظلمهٔ ایشان
نخواهم گذشت اگرچه کافر باشند و هرکس سلطانی را بر جور دلالت
کند یا ظالمی را متوجه ظلم کرده باشد در دوزخ قرین هامان باشد و کسی
صبح برخیزد و ظلم کسی در خاطر نداشته باشد گناهان آن روزش
آمرزیده شود و هرکس با مخالفان و ظالمان مقاربت و ملازمت ایشان
نماید از خدای تعالی دور شود و هرچند با ایشان نزدیکتر از خدا دورتر
باشد و خدای تعالی ورع از دلش بیرون برد و حیرانش کرداند
و حضرت صادق ع فرمود حق است بر خدای تعالی که شما را در آخرت
با کسی رفیق کرداند که زندگانی با او کرده‌اید و کسی از آنحضرت پرسید که
شیعیان از بی‌پیسانی گاهی کارها مثل بنای عمارت و حفر نهر و باغبانی
برای مخالفین میکنند فرمود اگر تمام مدینه را بمن دهند که سرکیسهٔ برای
ایشان به بندم و مد قلمی بنویسم که اعوان ظالمین روز قیامت در سرا
پرده‌های آتش باشند تا وقتیکه خدای تعالی میان عباد حکم کند و هرکس
صاحب سلطنتی را برای طمع دنیا مدح کند در جهنم قرین او باشد و کسی
پیش صاحب سلطنتی یا مخالفی در دین برای طمع تذلل و افتادگی کند خدای تعالی
او را ذلیل گرداند و برکت از او بردارد و اگر با آن مال حج یا عتق
رقبه یا سایر وجوه بر کند اجر نیابد اما از ایشان علیهم السلام روایت آمده

که اگر

که اگر از مخالفین و اهل جور مالی بکسی رسد بی آنکه او در آن سعی و تذلل کند حلال باشد
و در روایت دیگر آمده که مالی از ایشان بهر نحو بدست آید خمس آنرا بفقرای شیعه
بدهید تتمه بر شما حلال باشد و کسی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع معروض داشت
که مدتی در دیوان مخالفین حکومت کرده‌ام هیچ کفاره داشته باشد
فرمودند نه تا حق هرکس را بصاحبش برسانی و کسی بحضرت صادق ع
عرض نمود که من در دیوان بنی امیه مدتی نویسنده بودم و مال بسیار
از آن بدستم آمده که چشم از مأخذش پوشیده‌ام فرمود اگر ایشان
نویسنده و خدم و حشم نیابندی بر ما دست نیابند و حق ما را غصب
کنند گفت بلی از آنچه کرده‌ام مخرجی داشته باشم فرمود اگر بگویم میکنی
گفت بلی فرمود از هرچه در آن عمل تحصیل کرده بیرون آی و هرکس را
می‌شناسی حقش را بده و هرکرا نمی‌شناسی از پیش تصدق کن من
برای تو ضامن بهشت شوم پس آمد در رفته چنان کرد حتی لباسی
در بدن داشت بیرون کرد تا آنکه آشنایان در میان خود برایش
قوت و لباس توجیه کرده‌اند و اندک وقتی بعد از آن بیمار شد یکی از
اصحاب آنحضرت گوید بعیادتش رفتم چشم باز کرد و گفت والله که
آنحضرت بوعدهٔ خود وفا نمود و رحلت کرد پس بخدمت آنحضرت
رفتم همین که مرا دید فرمود که والله که بوعدهٔ فلانی وفا کردم و بهشت از ایشان ع

روایات بسیار آمده که اگر کسی بمبارزت مخالفین و ظالمین مبتلا شود کفاره اینس آنست که قضای حوایج مومنین و رفع ظلم از ایشان نماید و ایصال نفع بایشان کند تا حسنه در برابر سیئه باشد و چون ترک امر معروف و نهی منکر شایع شود خدای تعالی با ایشان محاربه کند و چون کیل و وزن نقصان کنند بفقر و قحط و جور سلطان مبتلا شوند و چون زکوة داده قطع کنند زمین منع خیرات و برکات خود کند مثل زرع و ثمار و معادن و چون قطع ارحام کنند اموال بدست اشرار منتقل شود و هر کس صورت حیوانی بسازد در روز قیامت خدای تعالی عذابش فرماید که در الصورت روح بدمد و نتواند و فرقی که میان سایه دار و غیر آن مشهور است اصلش در حدیث معلوم نیست و هر کس غضب بر و مستولی شود که زیور اسلام از او منخلع بود و با اعراب جاهلیه محشور شود و هر کس نگاهی از روی غضب بمومنی کند که او را بترساند خدای تعالی بغضب خود او را بترساند و هر کس بقدر ذره کبر در دلش باشد داخل بهشت نشود متکبران روز قیامت بصورت مور محشور شوند و اهل محشر پا بر ایشان گذارند و پایمال باشند تا خدای تعالی از حساب خلایق فارغ شود و در جهنم موضعیست برای متکبران که سقر نام آنست از شدت حرارت شکایت کرد و اذن خواسته نفسی کشید

و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه مرویست که فرمود [illegible] افضل اعمال بعد از جهاد در راه خدا [illegible] امر معروف و نهی از منکر [illegible]

از نظر حقیقت [illegible]

از نفس

از نفس او تمام جهنم سوخت و بغی و سرکشی صاحب خود را می کشد تا جهنم و ابلیس بجنود خود گفت بغی و حسد در میان انسان افکنید که برابر است با شرک و هیچ بغی و زیادتی بر چیزی نکند مگر آنکه خدای تعالی ذلیلش گرداند و حسد ایمان را بسوزد چنانکه آتش هیمه را و هر کس بقدر خردلی عصبیت در دلش باشد با کفار جاهلیه محشور شود و هر کس تعصب کند ربقه ایمان از گردنش منخلع شود و آفت حسب افتخار است روزی کسی در حضور حضرت امام محمد باقر ع میگفت من فلانم و صاحب حسب عالی و در قوم خود عزیز و بزرگم فرمود چه منت حسب برما می نهی خدای تعالی بایمان بلند کرد بنده هر که مومن باشد و بکفر ذلیل کرد بنده هر که کافر باشد و هیچکس را بر کسی فضلی نبود مگر بتقوی و هر کس با مردم دو رو و دو زبان داشته باشد روز قیامت او را دو زبان از آتش باشد و حضرت امیر المومنین ع فرمود اگر نه مکر و خدعه در جهنم می بود من از همه کس مکارتر می بودم مرویست که همین عیب بس است آدمی را که عیوب مردم را ببیند و از عیوب خود چشم پوشد و عیب کند دیگری را بصفتی که خود ترک آن نتواند و بهمنشین را بی سبب برنجاند و نزدیکترین صفات بکفر آنست که عیوب و خطاهای مومن را حفظ کنی تا روزی بران سرزنش و تعییرش کنی و هر کس در پی عیوب مسلمین باشد

معاشرت کنند

و تعییرش

خدای تعالی در پی عیوب او باشد تا رسوایش کند و حضرت پیغمبر صلعم فرموده
جمعی عیوب بسیار داشتند چون از عیوب مردم خاموش بودند خدای تعالی
مردم را از عیوب ایشان خاموش گردانید تا آنکه مردند و عیبی از ایشان
در میان مردم نبود و جمعی دیگر هیچ عیب نداشتند و عیب گوئی مردم
کردند خدای تعالی عیب چند از ایشان اظهار فرمود که بر زبانهای مردم
افتاد تا از دنیا رفتند و هر کس مومنی را بر عیبی سرزنش کند از دنیا
نرود تا خودش بآن مبتلا نشود و خدای تعالی در دنیا و آخرت او را
سرزنش کند و هر کس بدی و معصیتی از کسی افشا کند چنانست که خود آنرا
کرده باشد مرویست که مومن از نور عظمت و جلال خدا مخلوق گشته
هر کس بر وطعن ورد کند بر خدا کرده باشد و شرک شیطان باشد
و مرویست که اگر کسی غیر مومن را طعن کند ببدترین وجهی بمیرد و هر کس
از مومن چیزی روایت کند که باعث خفت او باشد در نظرها
خدای تعالی او را از ولایت خود بیرون کند بولایت شیطان و شیطان
نیز قبولش نکند و هر کس در مصیبت بمومن شماتت کند از دنیا نرود
تا بآن مبتلا شود و هر کس مومنی را غیبت کند چنانست که گوشت مرده
او را بخورد و در روز قیامت از دهنش بوئی بیرون آید بدتر از بوی جیفه
که اهل محشر همه از آن متاذی شوند و از جمله آنان باشد که خدای تعالی فرموده

جمعی که

جمعی که میخواهند معصیت در میان مومنان شایع شود بعذاب الیم معذب
باشند و هر کس غیبت مومن را بشنود و قادر بر اعانت آن باشد
و نکند خدای تعالی در دنیا و آخرت ذلیلش گرداند و اعانتش نکند
گناهش هفتاد مرتبه مثل کسی باشد که غیبت کرده و اگر اعانتش کند
و غیبت را از و دفع نماید خدای تعالی هزار نوع بدی در دنیا و آخرت
از و دفع نماید و از آتش آزادش گرداند و غیبت آنست که صفتی را
که در او باشد و او خود پنهان دارد و مردم ندانند که ذکر کنند
و اگر خود پنهان ندارد غیبت نیست و اگر آن صفت در و نباشد
بهتان باشد و هر کس مومن یا مومنه را بهتان کند روز قیامت بر سر
تلی از آتش نگاه دارند آنقدر که از گناه پاک شود و بهشت حرامست
بر کسیکه غیبت مومنان گوید و سخن چینی کند تا میان ایشان فتنه انگیزی
کند چهار کس را بجهنم برند و از حمیم جهنم بیاشامند که اهل جهنم از ناله
و فغان ایشان زاری کنند و گویند اینان چه کسانند که ما را با
این همه عذاب آزار می کنند پس با ایشان گویند آنکه در تابوت
آتش آویخته است کسی است که اموال مردم بر گردنش بوده و اگر
و اراده ادا کردن هم نداشته و آنکه در دهانش کند ریزد و آن کشته
از بول اجتناب و مبالات نمیکرده و آنکه چرک و خون از دهنش روانست

سخن مردم حکایت می کرد و میان ایشان فتنه می انگیخت و انکه گوشت خود را
می خورد غیبت و نمامی میکرد و هرکس مومنی را از حاکم بترساند و از ان
حاکم ضرری باو برسد خریشش جهنم باشد و اگر ضرر رسد با فرعون و آل فرعون
در جهنم باشد و اگر تازیانه بر مومنی زند خدای تعالی تازیانهٔ آتش بر و زند
و اگر طپانچه زند روز قیامت اعضایش از هم جدا گشته غل بر دستهایش
نهاده محشور شود تا بجهنم رود مگر انکه توبه کند و هرکس تازیانه یا چوبی
در دست گیرد و پیش حاکم جائر بایستد خدای تعالی آنرا اژدهائی
کند که طولش هفتاد ذراع باشد و روز قیامت بر و مسلط شود
و خدای تعالی فرموده هرکس متعرض قسمها [illegible] شود از رحمت
من بی نصیب باشد و هیچکس را نرسد که قسم بغیر خدای تعالی خورد و قسم
بخدای تعالی نیز برای هر مطلب سهل اگر چه راست باشد نشاید خورد
که موجب استخفاف بعظمت آن جناب تعالی عن ذلک و هرکس حق
مومنی را حبس کند و بی عذر تاخیر کند برکت رزق بر و حرام شود
و هر کیرو زکه تاخیر کند مثل وزر عشاری براو نویسند و روز قیامت
پانصد سال او را بر پای دارند تا رودها از عرقش روان شود
و منادی ندا کند که اینست ظالمی که حق مومن را حبس کرده پس چهل روز
توبیخش کنند پس بآتش اندازند و هرکس نیت ادای [illegible] نداشته

حق مومن

باشد

[illegible]

باشد مثل دزد و حرامی بود و همچنین کسیکه ترک کوتاه کند و کسیکه مهر زنرا
ببرد و کسیکه نیت ادای دین داشته باشد دو ملک از جانب خدا
بر و موکل شوند که محافظتش کنند و اعانتش نمایند و اگر نیتش از ادای
دین کوتاهی کند ملکین نیز بقدر آن در اعانتش کوتاهی کنند و چون کسی
در راه خدا کشته شود قطرهٔ اول که از خونش بریزد کفارهٔ همه گناهانش
باشد مگر دین که کفاره ندارد مگر ادای آن یا انکه صاحب حق حلال کند
یا کسی بعهدهٔ خود گیرد و صاحب حق راضی بآن شود و هر صاحب دینی
که طلبکارش از پیش او راضی برگردد و آب زمین و ماهی دریا بر او صلوة
فرستند و اگر آزرده برگردد و حال انکه قادر باشد هر شبانه
روز که حق او را حبس کند ظلمی بر و نوشته شود و رضای طلبکار
اینست که اگر مقدور باشد حقش را ادا کنند و اگر مقدور نباشد
بملایمت و همواری عذر خواهی کند و هرکس بر اجیر در اجرتش ظلم کند
بوی بهشت بر و حرام شود و هرکس اجیر را از نماز جمعه منع کند
گناهش بر و باشد و اگر مانعش نشود در ثوابش شریک باشد
و در دادن اجرت اجیر تعجیل باید نمود در روایت که هنوز عرقش
خشک نشده باشد که اجرتش را بدهید و پیش از انکه اجرتش را مقاطعه
کنید کار نباید فرمود هر چند گوید هر چه بدهید راضیم و مضائقه

ندارم و تاکید بلیغ درین باب وارد شده و هرکس شهادت ناحق دهد
با منافقین در درک اسفل جهنم بزبانش درآویزند و هرکس کتمان شهادت
کند خدای تعالی در میان اهل محشر گوشتش با وبخوراند و زبان خود را می‌خاید
تا بجهنم رود و خوردن مال مورث حکه است و تهییج سودا کند و قوت
ساق و قدم ببرد و از عباداتی که بیش ازین میکرد هرچه درین وقت
بسبب ضعف نقصان یابد بران حساب و عذاب کنند و هرکس در معصیت
خالق اطاعت مخلوق کند و رضای او جوید از دین خدا بیرون رود
و خدای تعالی چنان کند که هرکس مدحش میکرده مذمتش کند و مومن
گناه کند بهتر است از آنکه بعمل و عبادت عجب ورزد و اگر چنین بودی
خدای تعالی هرگز مومن را بگناه مبتلا نکردی و حضرت امام ع فرمود که
عابدی و فاسقی با هم بمسجد رفتند چون بیرون آمدند عابد فاسق
و فاسق صدیق بود زیرا که عابد بعبادت خود مغرور و معجب و فاسق
از معصیت خود ترسان و پشیمان بود و استغفار می‌نمود و نیز فرمود
عالمی از عابدی پرسید که عبادت تو چون است گفت کسی از مثل منی
سوال عبادت کند من چندین سال است عبادت می‌کنم پرسید
گریه‌ات چون است گفت اشک از چشمم روان است عالم گفت اگر خندان
و ترسان می‌بودی بهتر از آن بود که مشعوف و گریان باشی که چون

بعمل خود مشعوف و از خود راضی باشد هیچ عمل از و مقبول نشود این بود
ذکر بعض معاصی و رذائل آن و بعضی نیز در فصول سابقه گذشت و بعضی
نیز در مباحث خود انشاء الله بیاید نعوذ برحمة الله من جمیعها فصل
چهاردهم در دوای معصیت و ذنوب مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که هر علتی را دوائیست و دوای ذنوب استغفار است
و استغفار بهترین دعاست که گناهان را بریزد مثل برگ از درخت
و هرکس استغفار بسیار کند نامهٔ عملش را نورانی و درخشان بالا برند
خوشا کسیکه روز قیامت در نامهٔ عملش در پای هر گناهی استغفاری
باشد کسی بحضرت امام محمد باقر ع عرض نمود که مرا چیزی تعلیم فرمای که چون
بآن عمل کنم در دنیا و آخرت با شما باشم فرمود اما از گناه بسیار
بحوان و لبت را باستغفار تر و تازه دار و نیز از ایشان ع مرویست
که هیچ شفیعی بهتر از توبه نیست کسیکه از گناه توبه کند چنانست که
گناه نکرده باشد و کسیکه توبه نصوح کند یعنی بعد از توبه دیگر رجوع
بگناه نکند و اگر نادر خطائی صادر شود باز توبه کند و بر گناه مصر
نباشد خدای تعالی او را دوست دارد و برحمت خود بپوشد
گناهش را از یاد ملکین بیرون برد و با عضایش و بمکانی که گناه کرده
امر فرماید تا گناهش را پوشیده دارد تا روز قیامت هیچ چیز

شهادت بر گناه او ندهد و اگر بر گناه مصر شود و ترک نکند و استغفار نکرده
باشد خیانت که بجزای استهزا کند و خدای تعالی سه نعمت بتوبه کنندگان
عطا فرموده که اگر یکی از آنها بتمام اهل آسمان و زمین عطا فرمودی همه نجات
می یافتند یکی آنکه ایشانرا دوست داشته و هر کس را خدا دوست دارد
عذاب نکند دوم آنکه ملائکه و حملهٔ عرش را فرموده برای ایشان استغفار
کنند و دعای ایشانرا البته اجابت فرماید سیم آنکه وعده فرموده که
سیئات ایشانرا بحسنات بدل فرماید و هم از ایشان ع مرویست که هر کس
گناهی مقدور شود پس خدا را بیاد آرد و از ملائکه کرام الکاتبین شرم کند و آنرا
ترک کند گناهش آمرزیده شود و اگر چه مثل گناه تمام جن و انس باشد و هر کس
معصیتی کند پس در دل از خدای بترسد و بداند که خدا قادر است بر عقوبت
گناهش را بیامرزد پیش از آنکه استغفار کند و چون مومن گناه کند
آنرا فراموش نکند اگر چه بعد از بیست سال باشد بیاد آرد و استغفار کند
آمرزیده شود و چون کافر گناه کند پروا از آن نکند و فراموش کند
حضرت صادق ع فرمود گاه باشد که خدای تعالی بگناه بنده را
بهشت برد کسی پرسید یا حضرت چون شود که گناه موجب بهشت شود
فرمود که گناه کند و پشیمان شود و همیشه ترسان باشد و با خود دشمن
شود و خود را توبیخ و عتاب کند پس خدای تعالی بر او ترحم فرماید

وبهشت

و بهشت برد و هم از ایشان ع مرویست که هر چیز کیل و وزنی دارد مگر گریه
که یک قطره اشک دریاهای آتش را فرو نشاند و اگر کسی بر امتی گریه کند خدای
تعالی بگریهٔ او بر آن امت رحم فرماید و اگر اشک در چشم تر شود غبار مذلت
بر آن رو ننشیند و اگر روان شود خدای تعالی بدنش را بر آتش حرام کند
و بهر یکقطره مثل کوه احد اجر کرامت فرماید و بهر قطرهٔ در بهشت چشمهٔ آب
عطا نماید که در اطراف آن شهرها و قصرها باشد که هیچ چشمی ندیده
و هیچ گوشی نشنیده و بخاطر هیچکس نگذشته باشد و هیچ قطرهٔ پیش
خدا دوست تر از دو قطره نیست قطرهٔ خونی که در راه او بریزد
و قطرهٔ اشکی که در شب تاریک از ترس او بچکد هر چشمی روز قیامت
گریان باشد مگر سه چشم چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که در طاعت
او بیخوابی کشیده و چشمی که از حرام پوشیده باشد جمعی که از ترس
خدا گریند مقام شان در رفیع اعلی باشد که هیچکس با ایشان در اینجا
شریک نبود حضرت پیغمبر بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما
و آلهما الطاهرین فرمود یا علی چند چیز ترا وصیت میکنم محافظت نمای
و از آنجمله فرمود از ترس خدا گریه بسیار کن که بهر قطره هزار خانه
در بهشت عطا فرماید و هم از ایشان ع مرویست که اگر کسی شبانه
روزی چهل کبیره از صادر شود و چون پشیمان شود و بگوید استغفر الله

الذی لا اله الا هو الحی القیوم بدیع السموات والارض ذو الجلال والا
کرام واسئله ان یصلی علی محمد وآل محمد وان یتوب علی همه گناهش
آمرزیده شود وخیری نیست در کسیکه یکروز زیاده از چهل کبیره کند واگر کسی
صد مرتبه استغفر الله بگوید هفتصد گناهش آمرزیده شود وکسیکه هر روز
زیاده از هفتصد گناه کند خیری در وی نبود ونیز مرویست که هر کس بگوید
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه گناهش آمرزیده
شود اگرچه فرار از زحف نموده باشد یعنی از جهاد گریخته باشد که از اعظم
کبائرست ونیز مرویست که هر کس بگوید اللهم اغفر لی ذنبی انه لا
یغفر الذنوب الا انت خدای تعالی فرماید ای ملائکه بندهٔ من میداند که
گناهانش را غیر من کسی نیامرزد گواه باشید که او را آمرزیدم وکسی در
خدمت حضرت پیغمبر صلعم از بسیاری گناه شکایت کرد فرمود سجده بسیار
کن که سجده گناه را بریزد چنانکه برگ از درخت وروایت دیگر آمده
که بیک سجده خطیئه محو شود ودرجه بلند گردد ومرویست که کسی در
حضور حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه گفت استغفر الله آنحضرت
فرمود مادرت بر تو بگرید هیچ میدانی استغفار کدامست استغفار
شش شرط دارد اول آنکه از کرده پشیمان باشی دوم آنکه عزم داشته
باشی که دیگر رجوع نکنی سوم آنکه حقوق مردم را ادا نمائی تا هیچ کس را

پیش

پیش تو مظلمه نباشد چهارم آنکه هر فریضه که در آن تقصیر کردهٔ تلافی کنی پنجم آنکه
گوشتی که از حرام در بدنت رسته بغم واندوه بگدازی تا پوست بر استخوان
چسبد در آن میان گوشت تازه بروید ششم آنکه بدن را الم ومشقت
طاعت بچشانی چنانکه لذت وراحت معصیت چشانیدهٔ چون باین شرائط
عمل کنی استغفار کرده باشی وببباید دانست که اگر گناه حق الناس باشد
استغفار وتوبه تنها کافی نبود چنانکه چند حدیث باین معنی در فصل
سابق گذشت فرمودند که اموال مردم کفاره ندارد مگر آنکه هر گاهی
شناسی حقش را برسانی وهر گاه نمی شناسی از جانب او تصدق کنی
ونیز کسی از حضرت صادق ع پرسید که اگر کسی با جاریهٔ دیگری زنا کند
توبه اش چیست فرمود آنکه دیگر این عمل نکند واز صاحب جاریه معذرت
خواهد والتماس کند که او را حلال نماید گفت اگر حلال نکند چون باشد
فرمود زانی وخائن باشد گفت پس بجهنم خواهد رفت فرمود شفاعت
پیغمبر وشفاعت ما همه گناهان شما را فا کند اما تکیه بر شفاعت مکنید
که چون کسی این عمل کند والله که تا الم عذاب وهول جهنم نه بیند شفاعت
او را در نیابد وامثال این احادیث بسیار روایت شده ونیز مرویست
که اگر کسی تلافی ظلمی که کرده نتواند برای مظلوم استغفار وطلب آمرزش
کند کفارهٔ آن باشد واگر کسی را غیبت کرده باشد هر مرتبه که بخاطر رسد

برای او استغفار کند کفارهٔ آن باشد و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود نیا باشد
که کسی طلب توبه کند و دستش بآن نرسد بهتر که ترک گناه کنی و از بیم رد توبه
فارغ باشی وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ باب دوم در تنظیف
بدن و جامه از کثافات و اجناس ظاهری و تطهیر جسد و دل از کدورات
و احداث باطنی و این مجموع ان شاء الله تعالی الکریم در دو فصل بیان شود
فصل اول در نظافت از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه مرویست که
فرمود پاک کنید جامه و بدن را از بوی بد که خدای تعالی دشمن دارد
کثافت و بوی بد را و نیز فرموده شستن جامه دلگیری می برد و جامه را
برای نماز پاک می کند و از اهل بیت طهارت صلوات الله علیهم اجمعین مرویست
که پاک کردن جامه و بدن از کثافت از جملهٔ اخلاق انبیاست فصل دوم
در آداب حمام رفتن و آنچه در آنجا بجا باید آورد از اهل بیت عصمت
علیهم السلام مرویست که چون داخل حمام شوی پای چپ پیش گذار و بسم الله
گو اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجَسِ الْخَبِیثِ الْمُخْبِثِ الشَّیْطانِ الرَّجِیمِ
و هر کاری که در حمام و غیر حمام کنی از نشستن و برخاستن و غیر آن هرچه باشد
بسم الله بگوی تا از شرکت شیطان ایمن شوی و در وقت غروب آفتاب
و میان نماز شام و خفتن بحمام نباید رفت که شیاطین درین دو وقت
در زمین متفرق باشند و چون خواهی جامه بیرون کنی بگوی اَللّهُمَّ انْزِعْ

عنی

عَنِّی رِبْقَةَ النِّفاقِ وَثَبِّتْنِی عَلَی الْاِیمانِ و باید ازار بستن تا عورت پوشیده
باشد از حضرت رسالت پناه مرویست که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد
باید بی ازار داخل حمام نشود و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه روایت شده که چون
برهنه شوید عورت را بپوشید تا نظر نکند و طمع ننماید چون بخانهٔ اول حمام روی
بگوی اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَاَسْتَعِیذُ بِکَ مِنْ اَذاهُ و چون بخانهٔ دوم
روی بگوی اَللّهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الرِّجْسَ النَّجَسَ وَطَهِّرْ جَسَدِی وَقَلْبِی و قدری
آب گرم بر سر ریزد و قدری نیز بر پای ریزد و اگر تواند جرعهٔ بنوشد
که مثانه را پاک سازد و درین خانه اندکی توقف کند و چون بخانهٔ سوم
روی بگوی نَعُوذُ بِاللهِ مِنَ النّارِ وَنَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ و تا هنگامی که
در حمام باشی مکرر همین دعا بگوی و در حمام آب سرد ننوشد که معده را
فاسد گرداند و سفال بر بدن نمالد که پیسی می آرد و بر پای نمالد که مورث
جذام باشد و فوطه در حمام بر روی نمالد که آب رو می برد و گل مصر بر سر
نمالد که بی غیرتی و دیوثی میکند و در حوضی که مظنهٔ آمدن مخالفین
مذهب و زناکنندگان و امثال ایشان باشد نرود که باعث جذام
شود و شانه بر موی نزند که موی تنک شود و بدن را کیسه بمالد و آن
پاک کند و یکروز در میان بحمام رفتن بدن را فربه کند و هر روز رفتن مورث
سل باشد و بی فوطه قرآن نخوانند اما اگر عورت پوشیده باشد قصوری

نذارد و بی فوطه بآب نرود که در آب ملائکه باشند چون خواهد بحمام رود
اندک چیزی تناول کند که صفرا و حرارت غلبه نکند اما شکم پر نباشد که مزاج
و بدن ضعیف شود و گاه باشد که بیم هلاک باشد و نظر بر عورت مسلمانان
نکند و فوطه نگشاید که مردم عورت او را ببینند که این هر دو ملعون باشند
و فرزند با پدر بحمام نرود که مبادا عورت او را ببیند و در حمام مسواک
نکند که دندان ضعیف و بی قوت شود و مستحب است نوره نهادن و تاکید
بسیار در آن وارد شده شیطان را دور کند و آفات و امراض
دفع نماید و بدن از کثافت و چرک و بوی بد پاک شود و از جمله اخلاق
انبیاست و سنت آنست که هر دو هفته نوره بکار برد و یکهفته ونه روز
نیز روایات بسیار شده و اگر بیست روز بگذرد و پول نداشته باشد
قرض کند که ادای آن قرض بر خدای تعالی است و زیاده از یکماه
ترک نوره نباید کرد که فضل و ثواب نماز بسیار کم شود تا آنکه گویا نماز
نکرده باشد و روایت شده که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد
موی ظهار را بیش از چهل روز و زنان زیاده از بیست روز نگذارند
و زیر بغل هم آنشد و اگر نوره نگذارد افضل باشد و کندن آن چشم و شانه را
ضعیف کند و موی بغل را دراز نکند که شیطان در آن پنهان شود و چون
خواهد نوره بکار برد اول انگشت بردارد و ببوید و بر سر بینی گذارد

وبگوید اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنورة تا بدن را نوره اندود و چون
نوره گذارد بگوید اللهم طیب ما طهر منی وطهر ما طاب منی وابدلنی
شعراً لا یعصیک اللهم انی تطهرت ابتغاء سنة المرسلین وابتغاء رضوا طاهرا م
نک ومغفرتک فحرم شعری وبشری علی النار وطهر خلقی وطیب خلقی
وزک عملی واجعلنی ممن یلقاک علی الحنیفیة السمحة ملة ابرهیم خلیلک
ودین محمد صلی الله علیه وآله وسلم حبیبک ورسولک عاملا بشرایعک
تابعا لسنة نبیک اخذا به متادبا بحسن تادیبک وتادیب اولیا
بادبك ئک الذین غذوتهم بادابک وزرعت الحکمة فی صدورهم وجعلتهم
لحكمك معادن لحلمک صلواتک علیهم چون این دعا بخواند پاک گرداند خدای
تعالی او را در دنیا از کدورتها و عیبها و گناهها و بدل کند موی او را
بموئی که گناه نکند و بعد از هر موئی که در بدن او باشد فرشته بیافریند
که خدای را تسبیح کند تا روز قیامت و ثواب آن همه از آن کس باشد
و هر یک تسبیح ملائکه برابر هست با هزار تسبیح اهل زمین و تا مدتی که نوره
در بدن داشته باشد بسیار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله که بدن نسوزد
و روز چهارشنبه نوره نگذارد که روزی نحس است و بیم برص باشد
و روز جمعه نیز در حدیث آمده که نوره گذاشتن موجب پیسی شود اما
حدیثی دیگر آمده که روز جمعه روز طهور است و کدام طهور بهتر از نوره است

و در حدیثی دیگر آمده که بعد از نوره حنا بر بدن بمالد که دفع مضرت آن بکند
و چون نوره در بدن باشد نشاید نشستن که علت فتق بهم رسد و بعد از
نوره بدن را از سر تا پا حنا بمالد و ابتدا از سر نماید که حنا بعد از نوره دفع
پریشانی می کند و دفع دیوانگی و پیسی و جذام بکند و بوی عرق
ببرد و دفع علت اکله نماید و اکله بفتح الف زحمتیست که در هر عضو که
حادث شود گوشت آن عضو را بخورد و بکسر الف خاریدن بدن را
گویند و امام داند که درین مقام کدام مراد باشد و مستحبست در هر هفته
سر تراشیدن و موی را از بیخ باید گرفت که چرک و شپش کم شود
و گردن قوی گردد و چشم جلا یابد و جمال بیفزاید و ابتدا از پیش
سر از جانب راست نماید و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلٰی مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِی بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
و چون فارغ شود بگوید اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّی بِالتَّقْوٰی وَ جَنِّبْنِی الرَّدٰی و هر هفته
با خطمی سر بشوید که امانست از دیوانگی و پیسی و دفع پریشانی کند و روزی
زیاد شود و کثافت پاک کند و در روایت که هر کس در روز جمعه
شارب بگیرد و ناخن بچیند و سر بخطمی بشوید بمنزله آنست که بنده آزاد
کرده باشد و با برگ سدر سر بشوید که دلگیری ببرد و روزی
بیفزاید و خدای تعالی هفتاد روز وسوسه شیطان از و ببرد

وهرکس

و هرکس وسوسه شیطان هفتاد روز از و دور شود گناه نکند و هرکس گناه
نکند بهشت رود و چون از حمام بیرون آید آب سرد بر پای ریزد که کوفت
و ماندگی را ببرد و سر را بپوشد خواه زمستان و خواه تابستان که امانت
از درد سر و چون جامه پوشد بگوید اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنِی التَّقْوٰی وَ جَنِّبْنِی الرَّدٰی
و اول پیراهن بپوشد و چون زیر جامه بپوشد بگوید اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِی
وَ اَعِفَّ فَرْجِی وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِی ذٰلِكَ نَصِيبًا وَ لَا لَهُ اِلٰی ذٰلِكَ
وُصُولًا فَيَصْنَعَ لِیَ الْمَكَائِدَ وَ يُهَيِّجَنِی لِارْتِكَابِ مَحَارِمِكَ و ایستاده
زیر جامه نپوشد که مورث غم باشد و رو بقبله و رو بآدم نپوشد
و چون عمامه بر سر نهد یا انگشتری در دست کند بگوید اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی
بِسِيمَاءِ الْاِيمَانِ وَ تَوِّجْنِی بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَ قَلِّدْنِی حَبْلَ الْاِسْلَامِ
وَ لَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِيمَانِ مِنْ عُنُقِی و چون کسی که از حمام بیرون آمده باشد
تحیت کنی بگویی طَهُرَ مَا طَابَ مِنْكَ وَ طَابَ مَا طَهُرَ مِنْكَ و اگر کسی ترا تحیت کند
بگویی اَنْعَمَ اللّٰهُ بَالَكَ فصل سوم در فضیلت شارب گرفتن و ناخن چیدن
و آداب آن ماثور است از اهل بیت طاهرین که هر جمعه شارب گرفتن
و ناخن چیدن امانست از دیوانگی و پیسی و جذام و دفع پریشانی کند
و روزی بیفزاید و تا جمعه دیگر پاکیزه باشد و اگر ناخن دراز نباشد
بدم کارد بساید روایت شده که شخصی بحضرت امام جعفر صادق ع

گفت مردم روایت میکنند که بعد از نماز صبح بر جای نماز نشستن تا طلوع آفتاب
بهتر است برای زیادی روزی از مسافرت و تجارت نمودن فرمود
ناخن و شارب گرفتن در هر جمعه بهتر ازین است مرویست که چند روزی
وحی بر حضرت رسالت پناه صلعم نمی آمد اصحاب از سبب آن سوال کردند فرمود
چون وحی از من محبوس نشود و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و بندهای انگشتان
از گناهان پاک نمی کنید روایت شده که پنهان ترین جاها که شیطان
در آن پنهان شود و آدمی را وسوسه کند زیر ناخنها و ناخن دراز و موی بینی
آید و از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر کس شارب نگیرد از ما نباشد
و شارب دراز نکنید که شیطان در آن پنهان شود و ناخن و شارب
گرفتن در روز پنجشنبه و شنبه امانست از درد دندان و درد چشم و ناخن
چیدن در روز جمعه امانست از ریش شدن پشت ناخنها و در روز
پنجشنبه از درد چشم فرزند و اگر روز پنجشنبه ناخن بگیرد و یک ناخن
برای روز جمعه بگذارد خدای تعالی پریشانی از و رفع نماید و روایتی
آمده که روز سه شنبه ناخن بچینید و چهارشنبه بحمام روید و پنجشنبه
حجامت کنید و جمعه بوی خوش بکار برید کسی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
پرسید که مردم میگویند ناخن و شارب در غیر جمعه نباید گرفت فرمود
سبحان الله هر روز که دراز شود بگیرید جمعه باشد یا روزی دیگر و مردان

ناخن را

ناخن را از پنج بگیرند و زنان اندکی بگذارند روایت شده که برای زینت ایشان
بهتر است و هر کس روز جمعه ناخن و شارب بگیرد و بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
وَعَلٰى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِم هر ریزه ناخن و موی که جدا
شود همچنانست که بندهٔ آزاد کرده باشد و هیچ بیماری نکشد مگر بیماری
که در آن موت او مقرر شده باشد و هر کس روز چهارشنبه ناخن
بگیرد و ابتدا از انگشت کوچک راست و اختتام بانگشت کوچک چپ
نماید چشمش درد نکشد و از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که در ناخن چیدن ابتدا
از انگشت سبابهٔ راست کند و بعد از آن انگشت میان و همچنین تا انگشت
کوچک و بعد از آن انگشت کوچک چپ و پهلوی او و همچنین ترتیب تا ختم
بانگشت بزرگ راست شود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
مرویست که اول انگشت کوچک راست و بعد از آن انگشت میان و بعد از آن
انگشت بزرگ بعد از آن پهلوی کوچک بعد از آن سبابه و دست
چپ اول انگشت بزرگ و بعد از آن میان و بعد از آن کوچک
بعد از آن سبابه بعد از آن پهلوی کوچک و سنت است شارب را
بسیار گرفتن تا آنکه برابر لب شود و ریش را بسیار بگیرند طائفه مجوس عکس آن
کنند تا با ایشان شبیه نشوید و آنکه مشهور است استحباب یک قبضه برای ریش
اصل این از احادیث معلوم نیست بلکه در حدیث همین قدر هست که زیاده

انکه قبضه نباشد که زیادی در آتش باشد و موی سفید از ریش کندن مکروهست
روایت شده که موی سفید در اسلام نورست در روز قیامت و کرفتن
موی بینی جمال بیفزاید و نباید کندن که چشم را ضعیف کند و مستحبست دفن
کردن ناخن و موی از هر جا که باشد و خون در خاک فصل چهارم در فضائل خضاب
و آنچه متعلق است بآن از آداب از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
مرویست که یکدرهم که صرف خضاب شود افضل است از هزار درهم که در راه
خدای صرف شود و چهارده خصلت در خضابست بوی دماغ ببرد و پردهٔ
چشم جلا دهد و دماغ را ملائم کند و بوی دهن خوش کند و کوشت دندان
سخت کند و بیماری و لاغری ببرد و وسوسهٔ شیطان کم کند و ملائکه
خشنود شوند و مؤمنان را خوش آید و کافر از او غمناک کند و زینت
بیفزاید و خوشبویی باشد و امان از عذاب قبر بود و منکر و نکیر از آن
شرم دارند و در روایت دیکر آمده که آبروی بیفزاید و باه را قوت
دهد و فرزند را نیکو کند و خضاب کردن ریش بحنا نورست و سیاهی
نور و اسلام و ایمان و موجب رعب دشمنان و محبت زنان باشد و مستحبست
که زنان سر را خضاب نمایند که حیض را اکر بسته باشد بکشاید و دستهای ایشان باید از حنا خالی
نباشد اکرچه همین مالیدن تنها باشد خواه شوهر داشته باشد برای
زینت و اکر نداشته باشد یا پیر باشند برای انکه دستهای ایشان شبیه

بدست

بدست مردان نباشد اما استحباب خضاب دست برای مردان چنانکه
معروف و مشهورست از احادیث معلوم نیست بلکه از بعضی احادیث استشمام
کراهت آن میشود چنانکه از حدیثی مذکور و حدیثی دیکر روایت شده که
مردی دست را خضاب کرده بخدمت یکی از ائمهٔ طاهرین علیهم السلام رفت
حضرت فرمود اکر خدای تعالی دست ترا باین رنک خلق میکرد ترا خوش
می آمد کفت نه فرمود پس آن چه عیب داشت که چنین کردی و جنب و حائض
نشاید که خضاب کنند تا شیطان بر ایشان دست نیابد فصل پنجم در
فضائل موی شانه کردن و آداب آن از اهل بیت طاهرین ع مرویست
که موی را یا کوتاه بدارید یا پاکیزه نکاه دارید و هر وقت نماز مستحبست
شانه کردن و شانه کردن ریش دندانها را محکم کند و بسیار شانه کردن
سرفه ببرد و روزی بیفزاید و قوت مباشرت زیاد کند و بشانهٔ استخوان
شانه کردن تب ببرد و سر را باستخوان شانه کردن موی سر بروید
و کرم دماغ ببرد و نشسته شانه کند که قوت دل باشد و ایستاده
نباشد که ضعف دل آرد و شانه کردن بعد از هر وضو پریشانی ببرد
و چون سر و ریش شانه کند و شانه بسینه فرو دارد دلکیری و تب
ببرد و چون هفتاد مرتبه شانه بر ریش زند و یکیک بشمرد چهل روز
شیطان نزدیک او نشود و شانه را بدست راست کیرد و بکوید

اللّهمّ سرّح عنّی الهموم والغموم ووحشة الصّدور ووسوسة
الشّیطان وسوره الم نشرح وقل هو الله احد بخواند وچون فارغ شود بگوید
سبحان من زیّن الرّجال باللّحی والنّساء بالذّوائب فصل ششم در فضائل سرمه
کشیدن و آینه گرفتن و آداب آن از اهل بیت طاهرین ع مرویست که
سرمه کشیدن در روز زینت است و در شب چشم را نافع بود و در وقت
خواب مانعست از نزول آب بچشم و دهن را خوشبوی کند و نفعش تا چهل روز
بماند و هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد و سرمه بکشد و سنگ سرمه چشم را
جلا دهد و موی مژگان برویاند و قوّت دهد و اعانت طول سجود نماید
و دهن خوشبوی کند و قوت باه بیفزاید و چشمیکه ضعیف باشد در وقت
خواب هفت میل سرمه بکشد چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ
وچون سرمه کشد بسم الله بگوید و این دعا بخواند اللّهمّ انّی اسئلک
بحقّ محمّد وآل محمّد ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تجعل النّور فی بصری
والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسّلامة
فی نفسی والسّعة فی رزقی والشّکر لک ابداً ما ابقیتنی و مستحبّست
نظر در آینه کردن که اگر کثافتی در روی باشد رفع کند تا در نظر مؤمنان
مکروه ننماید وچون آینه بدست گیرد بسم الله بگوید و بدست چپ گیرد
وچون نظر در آینه کند دست را بر سر و روی بکشد و بگوید الحمد لله

الّذی خلقنی فاحسن خلقی وصوّرنی فاحسن صورتی الحمد لله الّذی
زان منّی ما شان من غیری واکرمنی بالاسلام واگر خواهد بگوید اللّهمّ
کما حسّنت خلقی فحسّن خُلقی ورزقی وچون آینه از دست بگذارد
بگوید اللّهمّ لا تغیّر ما بنا من نعمک واجعلنا لانعمک من الشّاکرین
فصل هفتم در بیان قضای حاجت و آداب آن چون تقاضای بول و غائط
شود نشاید آنرا نگاه داشتن از اهل بیت طهارت ع مرویست که اگر کسی
احساس بول و غائط کند نمازش مقبول نشود و چنان باشد که در دهن
داشته باشد وچون اراده آن کند جائی اختیار نماید که کسی ویرا نبیند
و بول بر و ترشّح نکند و در سایها و جایهائی که مردم نشینند و قافله فرود
آید ننشیند که ملعون باشد و در کنار نهرها و راهها ی که مردم تردّد
نمایند و بر در مسجدها و خانها نشاید نشست و در پای درختی که
میوه در و باشد ننشیند که ملائکه در انجا حاضر باشند و در قبرستان و آب
خواه ایستاده و خواه روان هم دیوانگی بود و در آب ملائکه ساکن باشند
و در آب ایستاده بول کردن فراموشی آرد وچون جای مناسب
اختیار کند و خواهد که داخل شود پای چپ پیش گذارد و بگوید
بسم الله وبالله اعوذ بالله من الرّجس النّجس الخبیث المخبث الشّیطان
الرّجیم وچون عورت را برهنه کند بسم الله بگوید تا شیطان نگاه

نکند و رو و پشت بقبله و باد نکند و آفتاب و ماه بجهتی که بر عورت بتابد ننشیند و اگر سهواً روی بقبله نشسته باشد و در آن اثنا خبردار شود و برای تعظیم قبله روی بگرداند مسنون از جای خود برخواسته باشد که گناهانش آمرزیده شود و ایستاده بول کردن بیم دیوانگی بود و چون بنشیند بگوید اَللّٰهُمَّ كَمَا اَطْعَمْتَنِيهِ طَيِّبًا فِي عَافِيَةٍ فَاَخْرِجْهُ مِنِّي خَبِيثًا فِي عَافِيَةٍ و بر هر کسی ملکی موکلست و در روایت دیگر دو ملک وارد شده که گردن او را کج می‌کند تا نگاه بغائط خود کند و میگوید ای آدمی این رزق تست که بمشقت تحصیل نموده ملاحظه کن تا از کجا بهم رسانی و آخرش چه میشود پس نگاه بران کند بگوید اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ وَجَنِّبْنِي الْحَرَامَ و چون برخیزد دست راست بر شکم بمالد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَمَاطَ عَنِّي الْاَذٰى وَهَنَّاَنِي طَعَامِي وَشَرَابِي وَعَافَانِي مِنَ الْبَلْوٰى و در خلا بسیار ننشیند که مورث بواسیر باشد و در روایت دیگر جراحت بجای بواسیر وارد شده و سر برهنه نباشد و انگشتری یا درهمی که در آن نام خدای نقش باشد در کیسه یا بغل پنهان کند مادامی که در خلا باشد بی‌ضرورت با کسی سخن نگوید که هر کس در خلا سخن کند حاجتش بر نیاید و در آن حال قرآن نباید خواند بغیر آیة الکرسی و آیة الحمد لله رب العالمین و اگر آواز اذان بشنود حکایت آن بخواند

نمود

نمود و ذکر خدای کند در هر حال که باشد و مسواک نکند که مورث بوی دهن باشد و چون نظر بر آب کند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِسًا و چون خواهد استنجا کند اول استبرا نماید باین طریق که از پیش مقعد تا پیش عضو و از آنجا تا سر عضو سه مرتبه دست بمالد و سه مرتبه سر عضو را بیفشرد تا قطرات بول هر چه مانده باشد بریزد که چون استبرا کند بعد از آن اگر رطوبتی بیند هر چند بسیار باشد بول نباشد و نباید شست و اعادهٔ وضو نباید کرد و در وقت استنجا بگوید اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَاَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ و استنجا با دست راست نکند و بر عورت نزند و اگر در دست چپ انگشتری باشد که نام خدا بر و نقش باشد بیرون کند و چون خواهد بیرون آید پای راست پیش گذارد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَافَانِي مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ وَاَمَاطَ عَنِّي الْاَذٰى

فصل هشتم در فضائل مسواک کردن و آداب آن

از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که در مسواک دوازده خصلتست سنت انبیاست و دهن را پاک کند و چشم را جلا دهد و خدای راضی شود و گوشت آن را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت حافظه بیفزاید و حسنات مضاعف شود و ملائکه را خوش آید و مستحبست هر وقت وضو و نماز مسواک کردن لا اقل

بانگشت که دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت بی آن و مسواک پیش از وضو باید کرد و اگر بعد از آن کند بعد از آن سه مرتبه دهن را بشوید و حضرت پیغمبر صلعم هر شب سه مرتبه مسواک میفرمود وقت خوابیدن و چون از خواب بیدار می‌شد برای عبادت و وقت نماز صبح و فرموده اگر بدانید که چه قدر منفعت در مسواک است در وقت خوابیدن نیز از خود جدا نکنند و مسواک را بعوض دندان استعمال نمایند و در حمام و بیت الخلا مسواک کردن مورث بوی بد دهن باشد

فصل نهم در فضائل وضو و غسل و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که استعمال طهور بسیار کنید که عمر را دراز کند و اگر توانید روز و شب همیشه با طهارت باشید که اگر کسی با طهارت بمیرد شهید باشد و چون خواهد وضو کند بسم الله بگوید که تمام بدن طاهر شود همچنانکه گویا غسل کرده و اگر بسم الله نگوید همان اعضای که آب رسیده پاک شود و چون دست بر آب گذارد و بسم الله بگوید گناهانی که با دست کرده همه فرو ریزد و شیطان دور شود و چون مضمضه نماید خدای تعالی دل و زبان او را بحکمت منور گرداند و چون استنشاق نماید بوی آتش دوزخ نشنود و چون روی بشوید گناهانی که با چشم و دهن کرده همه بریزد و روز قیامت روسفید باشد و چون ساعدین بشوید گناهان از راست و چپ بریزد و قفلهای

آتش

آتش بر او حرام شود و چون مسح سر کند خدای تعالی او را از سیئات پاک کند و چون مسح پای کند گناهان همه بریزد و از صراط بگذرد در روزی که قدمها در آن بلغزد و چون برای نماز صبح وضو کند کفارهٔ گناهان آن روز باشد سوای کبائر و اگر وضو داشته باشد و بی آنکه حدثی رو دهد تجدید وضو کند خدای تعالی توبهٔ او را تجدید کند بی استغفاری و وضو بر سر وضو نور است بر سر نور و ده حسنه دارد و هرگاه خواهد وضو کند چون نظر بر آب کند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسًا و چون دست در آب گذارد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ التَّوَّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ و اگر در مثل طشت یا کاسه وضو کند مستحب است که آب را جانب راست گذارد و اول دستها را تا بند بشوید اگر بعد از خواب یا بول باشد یک مرتبه و بعد از غایط دو مرتبه و بعد از جنابت سه مرتبه و چون مضمضه کند بگوید اَللّٰهُمَّ لَقِّنِّی حُجَّتِی یَوْمَ اَلْقَاکَ وَاَطْلِقْ لِسَانِی بِذِکْرِکَ و چون استنشاق کند بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُحَرِّمْنِی طَیِّبَاتِ الْجِنَانِ وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ یَشَمُّ رِیحَهَا وَطِیبَهَا وَرَوْحَهَا و چون روی بشوید بگوید اَللّٰهُمَّ بَیِّضْ وَجْهِی یَوْمَ تَسْوَدُّ فِیهِ الْوُجُوهُ وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِی یَوْمَ تَبْیَضُّ فِیهِ الْوُجُوهُ و در وقت شستن روی چشمها را بگشاید که آب وضو بچشم برسد تا آتش

دوزخ نه بیند و چون دست راست شوید بگوید اللّهمّ اعطنی کتابی
بیمینی والخلد فی الجنان بیساری و چون دست چپ شوید بگوید اللّهمّ
لا تعطنی کتابی بشمالی ولا تجعلها مغلولة الی عنقی واعوذ
بك من مقطّعات النیران و مردان آب را بر پشت دست ریزند و زنان
بر روی دست و چون مسح سر کند بگوید اللّهمّ غشّنی برحمتك وبركاتك
وعفوك و چون مسح پا کند بگوید اللّهمّ ثبّت قدمی علی الصراط یوم
تزلّ فیه الاقدام واجعل سعیی فیما یرضیك عنّی یا ذا الجلال والا
کرام چون باین طریق وضو کند و این دعا بخواند از هر قطرهٔ آب فرشته
خلق شود که خدای تعالی را تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر گوید و ثواب آن
همه برای آنکس نوشته شود و چون از وضو فارغ شود بگوید الحمد لله
ربّ العالمین و هر کس بعد از وضو و بعد از غسل جنابت بگوید سبحانك
اللّهمّ وبحمدك اشهد ان لا اله الّا انت استغفرك واتوب الیك
واشهد انّ محمّدا عبدك ورسولك واشهد انّ علیّا ولیّك وخلیفتك
بعد نبیّك علی خلیقتك وانّ اولاده خلفاؤك واوصیاؤه گناهانش
همه فرو ریزد مانند برگ از درخت و بعدد هر قطرهٔ از آب وضو و غسل ملکی
خلق شود که خدای را تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر گوید و صلوات بر محمد
و آل طیّبین فرستد و ثواب آنها از و باشد بعد از آن خدای تعالی فرماید

کران

که آن وضو و غسل را بخاتم ربّ العزّت مختوم گردانند و بعد از آن ببرند بزیر عرش
بجائی که دست دزدان و دشمنان و شیاطین بآن نرسد تا آنکه روز
قیامت باو تسلیم کنند و در بهشت آنقدر ثواب بدهند که حساب آنرا
بغیر خدای کس نداند و گناهانش همه آمرزیده شود تا آنکه نمازش نافله
شود و آب وضو را اگر خشک کنند یک حسنه داشته باشد و اگر خشک نکنند
سی حسنه و چون غسل جنابت از حلال کند بعدد هر قطره خانه در بهشت
برای او بنا کنند و در وقت غسل جنابت بگوید که اللّهمّ طهّر قلبی
وزكّ عملی وتقبّل سعیی واجعل ما عندك خیرا لی و بعد از غسل
دعائی که بعد از وضو ذکر شد بخواند و در غسل جمعه تاکید بسیار وارد شده
برای هر کس از مرد و زن و آزاد و بنده در حضر و سفر مگر آنکه ضرورتی
یا مانعی باشد در سفر زنان را رخصت ترک آن داده اند و کفارهٔ گناهانیست
که از جمعهٔ پیشین تا این جمعه کرده باشند و سهو و نقصان و نسیانی که
در وضوی فریضه شده باشد خدای تعالی آنرا بغسل جمعه تمام نماید
و اگر بعد از غسل بگوید اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شریك له
وانّ محمّدا عبده ورسوله اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد واجعلنی من
التوّابین واجعلنی من المتطهّرین طهارت آن غسل تا جمعهٔ دیگر با او باشد
و در جائی که گمان آب در روز جمعه نباشد روز پنجشنبه برای جمعه غسل

واگر روز جمعه غسل نکرده نماز کرده باشد استغفار کند و دیگر این کار نکند
و غسل را قضا کند و اگر وقت نماز باقی باشد اعاده کند و اگر ترک غسل
عمدا نکرده باشد نمازش تمام بود و اگر روز جمعه غسل مقدور نشود در روز شنبه
قضا نماید و مستحب است که وضو و غسل سیراب باشد آب وضو تخمینا بقدر
یک چهار یک باشد متعفن و کثیف نباشد فصل دهم در فضائل بوی خوش
و آداب استعمال آن از اهل بیت طاهرین ع مرویست که دو رکعت نماز
با بوی خوش افضل است از هفتاد رکعت بی آن و دل را قوت دهد
و کسیکه هر روز استعمال بوی خوش کند قوت مباشرت افزاید و قوت
بر صوم دهد و گلاب آبروی زیاد کند و پریشانی ببرد و چون گلاب
استعمال نماید بر روی دست بمالد و صلوة بر پیغمبر و اهل بیتش
بفرستد و سنت است هر روز استعمال بوی خوش کردن و اگر
مقدور نشود دیگر روز در میان و یکهفته بیشتر تاخیر نماید و حضرت
پیغمبر را مشک دانی بود که بعد از هر وضو از ان استعمال میفرموده
و اگر بوی خوش نمیداشته مقنعهٔ زنان را آب تری کرده بر روی
مبارک میمالیده و فرموده هر کس خواهد بوی مرا بشنود بوی گل سرخ
بشنود و نیز فرموده است که گل سفید از عرق من روئید و گل
سرخ از عرق جبرئیل ع و گل زرد از عرق براق و در روایتی دیگر آمده

که در شب

که در شب معراج عرق آنحضرت بر زمین چکید گل سرخ از آن روئید و چون
کسی را تکلیف بوی خوش کنند رد نباید کرد زیرا که بوی خوش کرامت
و رد اکرام نماید مگر حمار و اگر گل و ریحان کسی دهند بگیرد و ببوید و بر چشم
گذارد و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش فرستد هنوز از دست نگذاشته
باشد گناهانش آمرزیده شود و در روایت دیگر آمده که ببوید و بر چشم
نهد و صلوات فرستد بعدد ریگ بیابان عالج خدای تعالی برای
او حسنات نویسد و سیئات محو نماید و عالج بیابانیست که ریگ
بی نهایت دارد باب سوم در فضائل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی
از ادعیهٔ مخصوصه بساعات و فضائل قرآن و این مجموع ان شاء الله
در چند فصل بیان شود فصل اول در فضائل نماز های فریضهٔ یومیه و ذکر
جماعت و فضائل این سنت سنیه از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
ماثور است که بعد از ایمان و معرفت هیچ عملی و عبادتی بهتر از نماز
نیست و چون مومن مشغول نماز شود خدای تعالی متوجه جانب او شود
و از اطراف آسمان تا اطراف زمین رحمت برو نازل شود و اطراف
او را از پیش قدمش تا اطراف آسمان ملائکه فرو گیرند و ملکی ندا کند
و گوید ای بندهٔ مومن که مشغول نماز گشته اگر بدانی که کیست که متوجه
تو شده و با که در گفتگوئی هرگز از اینجا بجائی دیگر نروی و یکنماز بهتر است

از هزار حج که هر حجی بهتر است از تمام دنیا و هرچه در وست از نعمتها و لذتها

و نماز در میان عباد تنها مانند ستون خیمه است که اگر محکم و برجای باشد

پردها و طنابها و میخها همه برقرار و خیمه برپای باشد هرچند کهنه و زبون

باشد و اگر ستون برجای نباشد و قصور و شکستگی یابد خیمه از هم

بریزد و قرار نگیرد هرچند پاکیزه و نو بوده باشد و هر مومن که نماز

فریضه را بجا آورد بعدد مخالفان شیعه ملائکه در پشت او نماز کنند

و برای او دعا کنند تا از نماز فارغ شود خدای تعالی را فرشتگانست

که در هر وقت نماز از خدای تعالی برات شان گیرد و در آن

برات نوشته است که منم خدای پاینده ای بندگان من شما در پناه

منید و شما را در حفظ و حمایت خود دارم و وا نگذارم و گناهان

شما آمرزیده باشد تا وقت ظهر و چون وقت ظهر شود و برخیزند

و وضو سازند و نماز گذارند برات ایشان گیرد باین مضمون که منم خدای

توانا ای بندگان من سیآت شما را آمرزیدم و بدل بحسنات

نمودم و شما را در دار جلال جای دادم و چون وقت عصر رسد

و وضو کنند و نماز عصر گزارند برات ایشان باین مضمون بگیرد

که منم خدای بزرگوار ای بندگان من جسد شما را بر آتش حرام کردم

و شما را در مسکن نیکان ساکن گردانیدم و شر بدان را از شما دور نمودم

وچون وقت شام رسد و وضو کنند و نماز گزارند برات ایشان باین مضمون

گیرد که منم خدای جبار بزرگ متعالی ای بندگان من فرشتگان از پیش

شما راضی آمدند حق است بر من که شما را راضی گردانم در روز قیامت

آرزوهای شما را بشما رسانم و چون وقت خفتن درآید و وضو سازند

و نماز خفتن گزارند برات ایشان باین مضمون گیرد که منم خدائی که معبودی

غیر من نیست و پروردگاری سوای من نه ای بندگان من در خانهای

خود وضو کردید و بخانهٔ من آمدید و مشغول ذکر من شدید و حق مرا

شناختید و فرائض من بجای آوردید ای ملک تو و سائر ملائکه

همه گواه باشید که من از ایشان راضی شدم و هر مومن که نماز فریضه را

بجا آورد بعد از آن او را دعای مستجاب باشد و هر وقت نماز فرشته

ندا کند و گوید ای مردمان برخیزید و بنماز بنشانید آتشهائی را که

از گناهان بر دوش خود افروخته آید و چون پنج وقت نماز گزار د از

گناهان پاک شود و هر کس نماز را در وقت خود گزارد و محافظت

شروط و ارکان آن نماید آن نماز را روشن و نورانی بآسمان برند و او را

دعا کند و گوید همچنانکه تو مرا محافظت نمودی و ضایع نگردانیدی خدای تعالی

ترا محافظت کند و ضایع نگرداند و اگر بیوقت گزارد و محافظت

آن نکنند سیاه و ظلمانی برگردد و گوید مرا ضایع کردی خدا ترا

ضایع کرداناد و هرکس استخفاف بنماز کند و حدود و ارکان آنرا ضایع کرداند
از حوض کوثر بی نصیب و از شفاعت اهل بیت محروم باشد و حضرت پیغمبر صلعم
روزی در مسجد بود مردی آمد و نماز بشتاب گزارد و در رکوع و سجود
بی تأنی کرد حضرت فرمود این مرد مانند کلاغ دانه می چیند اگر با این نماز
بمیرد بر دین من نباشد و هرکس نماز بی تأنی و بشتاب گزارد خدای تعالی
گوید ای ملائکه ببینید این بندهٔ مرا گمان دارد که حاجتهای او در دست
دیگریست غیر من که باین شتاب عبادت من می کند نمیداند که حاجتش را
غیر من کسی نتواند برآورد و هرکس عمداً ترک نماز کند کافر باشد و ملت
اسلام ازو بیزار شود و افضل همهٔ نمازها نماز جمعه است و بر هر مسلمی
واجبست مگر بر پنج کس مریض و مملوک و مسافر و زنان و اطفال نابالغ و در
بعضی روایات زیاده برین چهار کس دیگر مذکور است اعمی و مجنون
و پیر عاجز و کسیکه خانه‌اش زیاده از دو فرسخ دور باشد و حضرت
پیغمبر صلعم فرموده که خدای تعالی نماز جمعه را بر شما فرض کردانیده پس هرکس
آنرا از روی انکار یا استخفاف ترک کند و امام عادل داشته باشد
در ایام حیوة یا بعد از وفات من خدای تعالی جمعیتش را پریشان کند و کارش را
نظام ندهد و کارهایش را مبارک نگرداند و نماز و روزه و زکوة و حج
و هیچ کار خیری ازو مقبول نباشد تا آنکه توبه کند و هرکس سه جمعه را بی

بی علتی

۵۳

بی علتی ترک کند خدای تعالی دلش را بخاتم نفاق مهر کند و روز جمعه ملائکه
مقربین از آسمان نزول نمایند با قلمهای طلا و کاغذهای نقره بر در مسجدها
بر کرسیهای نور نشینند و نام جماعتی که بنماز جمعه حاضر شوند نویسند
بترتیب هرکس پیشتر رود پیشتر نویسند و هرکس دیرتر آخرتر نویسند
بترتیب و هر روز جمعه بهشت را آئین بندند و زینت کنند برای
جمعی که بنماز جمعه روند و هرکس زودتر داخل شود زودتر داخل بهشت
شود و هرکس بنماز جمعه رود از گناهان پاک شود و هر قدمی که بنماز
جمعه حرکت کند خدای تعالی جسدش را بر آتش حرام کند و کسی در خدمت
حضرت پیغمبر صلعم شکایت کرد و گفت چند مرتبه تهیهٔ حج کردم مقدورم
نشد فرمود نماز جمعه بگزار که حج مساکینست و مسافر اگر نماز جمعه بگزارد
بسبب رغبت و محبتش بآن ثواب صد نماز جمعهٔ مقیم باو عطا فرمایند
و کسیکه وضوی نیکو بسازد و نزدیک بامام نشیند و گوش بخطبه
دارد و خاموش باشد از آن روز تا جمعهٔ دیگر و سه روز زیاده بر آن
گناهانش آمرزیده شود و خدای تعالی دو کفل ثواب باو بدهد
و اگر دور بنشیند و خاموش باشد و گوش کند یک کفل ثواب دهد
و اگر نزدیک نشیند و حرف زند و گوش نکند دو کفل وزر داشته
باشد و اگر بکسی گوید خاموش باش حرف زده باشد و هرکس حرف

زند نماز جمعه اش مقبول نباشد و اما این که مشهور شده که ظهور امام معصوم
شرطست در اقامت جمعه و سبب حرمان کافهٔ اهل اسلام گشته از
فضائل این فریضهٔ عظمی توهمیست که از تقیهٔ شیعیان در زمان غلبهٔ جور
و طغیان ارباب نفاق و عدوان ناشی شده و در حدیث و قرآن
هیچ وجه اصلی ندارد بلکه در قرآن و حدیث همه جا امر فرموده اند
و هیچکس از ائمه غیر آنکس که مذکور شد با اینکه محل تقیه باشد رخصت ترک
نداده اند بلی احادیث امام عادل وارد شده همچنانکه در نماز جماعت
نیز وارد گشته و سنت مؤکد است نماز را بجماعت گزاردن یک رکعت
با جماعت بهتر است از بیست و چهار رکعت بی جماعت که هر رکعتی بهتر است
از چهل ساله عبادت و هر کس بمسجد رود برای اینکه نماز بجماعت گزارد
هر گامی که بر دارد هفتاد هزار حسنه برای او ثبت نمایند و هفتاد هزار
سیئه از او محو کنند و اگر در آن حالت بمیرد خدای تعالی هفتاد هزار فرشته
بر او موکل کرده اند که او را در قبر عیادت کنند و بشارت دهند
و با او مؤانست نمایند و برای او استغفار کنند تا آنکه از قبر بیرون آید
و هر کس نماز صبح و خفتن را بجماعت گزارد در امان خدای باشد پس هر کس
بر او ظلم کند بر خدا ظلم کرده باشد و هر کس او را حقیر شمارد تحقیر خدای
کرده باشد و هر کس نماز صبح را بجماعت گزارد و در جای نماز بنشیند و ذکر

خداکند

خدا کند تا طلوع آفتاب او را در جنت فردوس هفتاد درجه باشد که میان
هر دو درجه آنقدر مسافت باشد که اسب دونده راهوار هفتاد سال
طی کند و اگر نماز ظهر بجماعت گزارد در جنات عدن پنجاه درجه باشد
او را که مابین هر دو درجه پنجاه ساله راه اسب دونده راهوار باشد
و اگر نماز عصر بجماعت گزارد اجر آن داشته باشد که هشتاد بنده
از اولاد اسمعیل آزاد کند که همه صاحب خانه و عیال باشند و اگر نماز شام
بجماعت گزارد ثواب حج و عمرهٔ مقبول داشته باشد و اگر نماز خفتن
بجماعت گزارد همچنان باشد که در لیلة القدر عبادت کرده باشد
و بهترین صفوف صف اول است و بهترین مواضع آنکه با امام نزدیکتر
بود و نماز در صف اول مثل جهاد است در راه خدا و کسیکه قطع
صف و تکبیر اول نماید بجهتی که آزار مؤمنی نکند ثواب مؤذنان داشته
باشد در دنیا و آخرت و ثواب مؤذنان بیاید انشاء الله و فضل
جانب راست هر صف بر جانب چپ مثل فضل جماعت باشد بر فرد فصل
دوم در ذکر نوافل یومیه و فضائل این سنت سنیه از اهل بیت طاهرین علیهم السلم
مأثور است که خدای تعالی شرم دارد که از عبادت بندگان کمتر از
ثلث را قبول نماید باین سبب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در شبانروزی
سی و چهار رکعت نماز سنت کرده اند که دو برابر فرائض یومیه است

تا اگر در فرائض سهو و نقصانی باشد خدای تعالی آنرا بنوافل تمام نماید و ترک
آن بضرورت و عذری معصیت باشد بیچا نکه ترک فریضه کفر است و نماز شب
کفارهٔ گناهان روز و صحت بدن و موجب وسعت رزق است
و شرف و عزت مومنست در دنیا و آخرت و هر کس عملش نماز شب
ختم کرده از اهل بهشت باشد و نماز شب موجب رضای خداست
و چشم را جلا دهد و دل را نورانی کند و هر کس عشر شبی عبادت کند
برای رضای خدا و امید ثواب خدای تعالی گوید ای ملائکه حسنات
بنویسید برای این بندهٔ من بعدد هر دانه و برگی و درختی و گیاهی
و هرچه از زمین روید در شب و هر کس در تسع شبی عبادت نماید خدای تعالی
ده دعای او را اجابت فرماید و روز قیامت نامهٔ اعمالش را بدست
راستش دهند و اگر ثمن شبی عبادت کند خدای تعالی اجر شهیدی
که در راه خدای صبر بر مشقتها و تعبهای نموده و به نیت صادق
خالص جهاد کرده باشد باو عطا فرماید و او را شفیع اهل بیت خود
گرداند و اگر سبع شبی عبادت کند روز قیامت چون از قبر بیرون
آید رویش مثل ماه شب چهارده باشد و همراه مومنانی که ایمنند
از اهوال آن روز از صراط بگذرد و اگر سدس شبی عبادت کند از جمله
اواینان نوشته شود و گناهان گذشتهٔ او همه آمرزیده شود و اگر

خمس

خمس شبی عبادت کند با ابراهیم خلیل در بهشت همدوشی کند و اگر ربع
شبی عبادت کند در اول صف فائزین باشد و چون باد تند از
صراط بگذرد و بیحساب داخل بهشت شود و اگر ثلث شبی عبادت کند
هیچ فرشته نماند مگر این که رشک برد بمنزلت او و از هر در بهشت
که خواهد درون رود و اگر نصف شبی عبادت کند هفتاد هزار
برابر تمام روی زمین طلا برابر ثواب او نشود و افضل از آن باشد که
هفتاد بنده از اولاد اسمعیل علیه السلام آزاد کند و اگر دو ثلث شبی عبادت
کند بعدد ریگ بیابان عالج حسنات باو دهند که کوچکترین آن حسنات
ده مرتبه بزرگتر از کوه احد باشد و اگر یکشب تمام عبادت کند آنقدر
ثواب باو دهند که کمترین آن این باشد که از گناهان پاک شود همچنان
روزی که از مادر متولد شده و بعدد هر چیزی که خدای تعالی آفریده
حسنات برای او نویسند و درجات بلند کنند و گناه و حسد از دلش
بیرون رود و قبرش نورانی باشد و از عذاب قبر ایمن باشد و از
آتش دوزخ خلاص بود و در زمرهٔ آمنین مبعوث گردد و خدای تعالی
گوید ای ملائکه به بینید این بندهٔ مرا این شب را برای رضای من
احیا داشته او را در جنت فردوس جا بدهید و در آن جنت هزار
شهر باو دهند که در هر شهری هرچه دل خواهد و چشم را از دیدن

آن خوش آید و آنچه بخاطر هیچکس نگذشته باشد مهیا باشد و اینها سوای
کرامت و مزید قربتی است که برای او مهیا گشته و خانهٔ که دران نماز
شب گزارند برای ملائکهٔ آسمان درخشان باشد همچنانکه ستارگان
برای اهل زمین و هرکس شب برخیزد و وضوی کامل بسازد و به نیت
صادق و دل سلیم و بدن خاشع و چشم گریان نماز گزارد نه صف ملائکه
پشت سر او نماز گزارند که یکطرف هر صفی در مشرق و طرف دیگر در مغرب باشد
و عدد ایشانرا هیچ کس نداند بغیر خدای و چون از نماز فارغ شود بعدد
آن ملائکه درجات او بلند کنند و کسیکه بنماز شب برخیزد و خواب
برو غلبه کند بحیثیتی که براست و چپ افتد و ذقنش بسینه آید
خدای تعالی امر فرماید که درهای آسمان بگشایند پس گوید ای ملائکه
ببینید این بندهٔ مرا که چه مشقت عبادتی که من برو فرض نکرده ام
میکند بامید آنکه گناهش را بیامرزم یا تجدید توبهٔ اش کنم یا روزیش
بیفزایم گواه باشید که هر سه را باو عطا فرمودم و هرکس بعد از
نماز شام بنشیند و تعقیب بخواند و باکسی سخن نگوید تا آنکه دو رکعت
نافله بگزارد آن نافله را برای او در علیین ثبت نمایند و اگر چهار رکعت
بگزارد حج مبروری برای او نویسند و اگر نافله فوت شود قضای
آن باید که خدا را خوش آید و مباهات کند بآن بنده و گوید ای ملائکه
ببینید

ببینید بندهٔ مرا عبادتی را که من برو فرض نکرده ام قضا می کند گواه باشید
که گناهانش را آمرزیدم و اگر کسی را خواب غلبه کند و برای نافله شب
بیدار نشود و چون نوافل را قضا کند و اهتمام بقضای آن داشته
باشد خدای تعالی بعد ازین او را بیدار کند و عدد نوافل یومیه
سی و چهار رکعت است دو رکعت نافلهٔ صبح و هشت رکعت از ظهر و هشت
رکعت از عصر و این هیجده رکعت پیشتر از فریضه گزارده شود و چهار رکعت
نافلهٔ شام و دو رکعت نشسته وتیرهٔ خفتن که یک رکعت ایستاده
حساب شود و ایستاده افضل باشد و اگر ایستاده گزارند همان
دو رکعت گزارند و این پنج رکعت بعد از فریضه گزارده شود
و هشت رکعت نافلهٔ شب و سه رکعت وتر که دو رکعت را شفع
و یک رکعت را ایضا وتر گویند و سیزده رکعت نافلهٔ ظهر و عصر در سفر
ساقط شود اما سایر نوافل در سفر و حضر همیشه بحال خود باشد
و نوافل را در اثنای راه پیاده و سواره توان گزارد هرگاه ضرورتی
نباشد و رکوع و سجود را بسر ایما کند و ایمای سجود پست تر از رکوع
باشد و نشسته نیز از روی اختیار توان گزارد و اگر خواهد فضیلت
ایستاده را بیابد قرائت را نشسته کند و چون بآخر سوره رسد برخیزد
و سوره را ایستاده تمام کند پس رکوع کند همان فضل ایستاده

داشته باشد **فصل سوم در اوقات نمازها و فضائل آن و احکام متعلق بآن** از اهل بیت
طاهرین صلی الله علیهم اجمعین مرویست که هر نمازیرا دو وقتست و وقت
اول افضلست از وقت دوم آنقدر که آخرت افضلست از دنیا و بهترست
برای مومن از فرزند و مالش و اول وقت رضای خداست و آخر وقت
عفو او و عفو او نباشد مگر از گناهی یعنی کسیکه از اول وقت بعذری
تاخیر کند گناهی کرده باشد پس اگر در آخر وقت بگزارد آن گناه
عفو شود و هیچکس را رخصت نیست که بی ضرورتی تاخیر نماز کند که موجب
غضب الهی باشد و کار خیر هرچند زودتر کرده شود خدا را خوشتر آید
و وقت هر نماز درهای آسمان گشوده شود تا اعمال بندگان را
بالا برند و حضرت امام فرمود نمیخواهم که عمل کسی پیش از عمل من بالا رود
و نام دیگری پیش از نام من ثبت شود و وقت ظهر درهای آسمان
گشوده شود و دعا مستجاب گردد پس خوشا کسیکه در انوقت از و
عمل صالحی بالا برند و اول طلوع صبح وقتیست که ملائکه شب باسمان
روند و ملائکه روز بزمین آیند پس کسیکه نماز صبح را در انوقت
گزارد دو مرتبه طائفه ملائکه شاهد باشند و آن نماز را دو مرتبه
ثبت نمایند و هرکس تاخیر نماز صبح کند تا آنکه ستارها نمایند ملعون
باشد و هرکس تاخیر نماز عصر کند تا آنکه آفتاب زرد شود و یا غروب کند

در بهشت

در بهشت موتور باشد یعنی اهل و مال نداشته باشد و هرکس نماز شام را تاخیر
کند بگمان فضیلت تا آنکه ستاره بسیار شود و دست بهم دهد اهل بیت
از و بیزار باشند و هرکس بخوابد و نماز خفتن را تاخیر کند تا آنکه نصف شب
شود ملکی موکلست که نفرینش کند و گوید خواب بچشمت نشود چون
بیدار شود باید نماز را قضا کند و آنروز را روزه دارد بعقوبت
این عمل اما بیان وقتها اینکه وقت اول نماز صبح از طلوع صبح صادقست
تا آنکه روشنی صبح در آسمان پهن شود و وقت دویمش تا طلوع آفتاب
و وقت اول ظهر از زوال آفتابست تا آنکه سایه چهار قدم زیاده
شود و اگر تا شش قدم تاخیر کند تضییع نماز کرده باشد و وقت
دویمش تا غروب آفتاب و وقت اول شام از غروب آفتابست
تا آنکه سرخی مشرق زائل شود افضل باشد و وقت دویمش تا آنکه
ربع شب بگذرد و تا ثلث شب و نصف شب نیز روایات وارد
شده و وقت اول خفتن از زوال سرخی مغربست تا ثلث شب و وقت
دویمش تا نصف شب و هرچند نمازها باول وقت نزدیکتر باشند
افضل باشد و وقت نوافل شب از نصف شبست تا طلوع صبح صادق
و هرچند بسحر نزدیکتر باشد افضلست و نافله صبح بعد از نماز
شبست تا آنکه سرخی صبح نمایان شود و نوافل ظهر از اول زوال

تا آنکه دو قدم سایه زیاد شود و نوافل عصر بعد از فریضهٔ ظهر تا آنکه چهار قدم
سایه زیاد شود و نوافل شام تا آنکه سرخی مغرب زائل شود و در روز جمعه
چهار رکعت بر نوافل ظهر و عصر بیفزایند و مجموع بیست رکعت را پیش از
ظهر بگزارند باین ترتیب چون آفتاب پهن شود شش رکعت و چون
بلند شود نزدیک بوقت چاشت شش رکعت و نزدیک بظهر شش رکعت
و وقت زوال دو رکعت و اگر همه را در پی یکمرتبه نیز بگزارد مجزی بود
و هر یک از نوافل همین که وقتش بگذرد دیگر ابتدا بفریضه باید کرد و نافله را
بعد از آن قضا کنند و اگر از نوافل ظهر و عصر یک رکعت در وقت خود گزارده
باشد تتمه را نیز زود بگزارد اگرچه وقت بگذرد و اگر وقت نماز شب
تنگ شده باشد و صبح بسیار نزدیک باشد اول شفع و وتر
بگذارد و پس اگر هنوز صبح طلوع نکرده باشد نماز شب را بگزارد
و اگر طلوع کرده باشد نافلهٔ صبح را بگزارد و نماز شب را بعد از فریضه
قضا کنند و اگر چهار رکعت از نماز شب گزارده بود که صبح طلوع کند
بقیهٔ نماز را زود تمام کند و افضل اینست که نافلهٔ صبح بگزارد و تتمه را
قضا کند تا فریضه از وقت نگذرد در شناختن ظهر و عصر و نوافل آن
چنانست که چوبی راست مستوی هموار نصب کند و مقدار چوب را که از
زمین مرتفعست بر روی زمین هفت قسمت نمایند و هر قسمی را یکقدم گویند

وآفتاب

وآفتاب چون طلوع کند سایهٔ چیزها در کمال درازی باشد آهسته آهسته کم
شود و تا وقت ظهر بجائی رسد که از آن کمتر نشود و آن حد را ایشان
کنند همین که از آن حد شروع در زیادتی کند اول ظهر باشد پس آنچه
زیاد میشود بقدر دو قدم چون رسد وقت عصر و نافلهٔ آن شروع بود و سایهٔ
اول ظهر که نهایت حد کوتاهی بود داخل حساب نباشد فصل چهارم
در فضائل مسجد و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام روایتست که یک نماز
در مسجد جامع برابر است با صد نماز و در مسجد محله با بیست و پنج نماز و در
مسجد بازار با دوازده نماز و چون کسی بمسجد رود و بر هیچ موضع
پا نگذارد مگر اینکه آن موضع تا زمین هفتم برای او تسبیح کنند و کسیکه
در خانهٔ خود طهارت بگیرد و بمسجد رود گناهان پاک شود و زیارت
خدای کرده باشد و حق است بر مزور که اکرام زائر نماید و هر کس
بمسجد تردد نماید خدای تعالی یکی از هشت نعمت با و عطا فرماید
یا برادر مؤمن یا علم تازه یا آیهٔ محکمه یا کلمه که او را براه راست هدایت
کند یا رحمت تازه که پیش از آن نبوده باشد یا کلمه که او را از مهلکه
نجات دهد یا ترک گناهی از ترس خدا یا از روی شرم و حیا و بهترین
خانها خانهٔ مساجد است و بهترین اهل مساجد آنانند که پیشتر داخل شوند
و بیشتر بیرون آیند مرویست که هر کس آواز اذان در مسجد بشنود و نماز

نمازند و چون بیرون رود منافق باشند مکر آنکه اراده رجوع داشته باشد
و بهترین مساجد برای نماز زنان خانهای ایشانست و پیشینه خانه افضلست
از اصل خانه و اصل خانه افضلست از ایوان و ایوان افضلست از
صحن خانه و صحن افضلست از بام آن و چون متوجه شود و از خانه بیرون
آید بکوید بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین والذی هو یطعمنی
ویسقین واذا مرضت فهو یشفین والذی یمیتنی ثم یحیین
والذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین رب هب لی
حکما والحقنی بالصالحین واجعل لی لسان صدق فی الآخرین
واجعلنی من ورثة جنة النعیم واغفر لابی که چون این بکوید
خدای تعالی او را بایمان وحق هدایت کند و از اطعمه و اشربه بهشت
سیر کرداند و کفاره کناهانش باشد و خدای تعالی موتش را مثل
موت شهدا و حیوتش را مثل حیوة سعدا کرداند و هر خطیئه که کرده باشد
بیامرزد و اکرچه بیشتر از کف دریا باشد و حکمت و علم باو عطا
فرماید و بصلحای کذشته و آینده ملحق کرداند و او را از جمله صادقان
ثبت نماید و منازل کریم در جنت نعیم باو کرامت فرماید و کناهان
پدر و مادرش را بیامرزد و چون خواهد داخل مسجد شود کفش را ملاحظه
نماید که نجاست و کثافتی نداشته باشد و پای راست پیش کذارد

یحیینی

وبکوید

وبکوید بسم الله وبالله ومن الله والی الله وخیر الاسماء کلها لله توکلت
علی الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم صل علی محمد وآل محمد وافتح لی
ابواب رحمتک وتوبتک واغلق عنی ابواب معصیتک واجعلنی من
زوارک وعمار مساجدک وممن یناجیک فی اللیل والنهار
ومن الذین هم فی صلوتهم خاشعون وادحر عنی الشیطان الرجیم
وجنود ابلیس اجمعین و چون داخل مسجد شود بکوید اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له والله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا
وسبحان الله بکرة واصیلا ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وصلی الله علی سیدنا محمد وآله برابرست با حج مقبول و اکر اراده نشستن
داشته باشد بی طهارت داخل نشود و در مسجد شعر نباید خواند که اکر
کسی در مسجد شعر بخواند روایت شده که باو بکویند فض الله فاک
یعنی خدای تعالی دهنت را بشکند و آب دهن انداختن در مسجد خطیئتست
و کفاره اش آنست که دفنش کند و اکر برای تعظیم مسجد آب دهن و دماغ را
فرو برد خدای تعالی برای او حسنه ثبت فرماید و سیئه محو نماید و قوت
بدنش بیفزاید و هیچ کوفت و علتی نرسد مکر اینکه آنرا زائل کرداند
و روز قیامت خوشحال و خندان مبعوث شود و نامه عملش را بدست راست
دهند و حرف باطل و کفتکوی دنیا نکند که مسجد جای عبادتست

وجستجوی کم شده نکند مرویست که اگر جستجوی کم شده کند باو بگوید لا رد الله
علیک یعنی خدای تعالی کمشده ات را بتو نرساند و آواز بلند نکند
و اطفال و دیوانکان و بیع و شرا از مسجد دور کنند و اگر کسی در مسجد تجارت
کند باو بگوید لا ربح الله تجارتک یعنی خدای تعالی تجارت ترا
سود ندهد و هر کس چراغی در مسجد روشن کند تا روشنی از ان باقی
باشد حمله عرش و ملائکه برای او استغفار نمایند و هر کس مسجد را جاروب
کند ثواب آن دارد که بنده آزاد کند و اگر بقدر ذره که در چشم
افتد کثافتی بیرون برد خدای تعالی دو کفل از رحمت باو دهد و اگر
روز پنجشنبه و شب جمعه جاروب کند و بقدر سرمه که در چشم کشند
کثافت بیرون برد گناهانش آمرزیده شود و چون خواهد از مسجد
بیرون آید بر در مسجد ایستاده بگوید که اللهم دعوتنی فاجبت دعو
تک وصلیت مکتوبتک وانتشرت فی ارضک کما امرتنی فاسئلک
من فضلک العمل بطاعتک واجتناب سخطک والکفاف من الرزق
برحمتک و در بیرون آمدن پای چپ پیش گذارد و بسم الله بگوید و صلوة
بر پیغمبر و اهل بیتش علیهم السلام بفرستد و بگوید اللهم اغفر لی وافتح
لی ابواب فضلک فصل پنجم در کیفیت توجه بنماز و فضائل اذان و اقامت
و احکام متعلق بآن از اهل بیت طاهرین صلی الله علیهم اجمعین مرویست

وچون

٦٠

وچون برای تهیه نماز برخیزی بگوی الحمد لله نور السموات والارض
ومن فیهن انت الحق وان امرک الحق وقولک الحق ولقاءک الحق والجنة
حق والنار حق والساعة حق اللهم لک اسلمت وبک امنت وعلیک
توکلت والیک انبت وبک خاصمت والیک حاکمت فاغفر لی ما قدمت
وما اخرت وما اسررت وما اعلنت انت الهی لا اله الا انت وچون
برخیزی و خواهی مشغول نماز شوی بگوی اللهم انی اقدم الیک محمدا صلی الله
علیه واله بین یدی حاجتی واتوجه به الیک فاجعلنی به وجیها
عندک فی الدنیا والاخرة ومن المقربین واجعل صلواتی به مقبولة
وذنبی به مغفورا ودعائی به مستجابا انک انت الغفور الرحیم و کر
برای نماز شب برخیزی بگوی اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة
واله واقدمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا والاخرة
ومن المقربین اللهم ارحمنی بهم ولا تعذبنی بهم واهدنی بهم ولا تضلنی
بهم ولا تحرمنی بهم واقض لی حوائجی للدنیا والاخرة انک علی کل شیء
قدیر و چون روی بقبله کنی بگوی اللهم الیک توجهت ومرضاتک طلبت
وثوابک ابتغیت وبک امنت وعلیک توکلت اللهم صل علی محمد
وال محمد وافتح مسامع قلبی لذکرک وثبتنی علی دینک ودین نبیک
ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب

وارزقنی بهم

و چون خواهی شروع در نماز کنی برای نماز فریضه اذان و اقامت بگو که اگر کسی اذان
و اقامت هر دو بگوید دو صف ملائکه در پشت او نماز کنند و اگر اقامت
تنها بگوید یک صف ملائکه که هر صفی از مشرق تا مغرب و مؤذنی که برای خدا
اذان گوید نه برای اجرت و ریا در روز قیامت در بهشت بر بالای تل
مشک بایستد و در میان اذان و اقامت اجر شهیدی که در راه خدا
در خون خود غلطیده باشد باو دهد کسی گفت یا رسول الله مردم در اذان
پیش دستی میکنند و فرصت نمیدهند حضرت فرمود زمانی بیاید که
اذان گفتن را از روی تکبر بضعفا واگذارند و گوشت ایشانرا خدای تعالی
بر آتش حرام گردانیده و کسیکه برای خدا اذان گوید خدای تعالی ثواب
چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق باو عطا فرماید و چهل هزار گناهکار را
بشفاعت او بهشت برد و چون بگوید اشهد ان لا اله الا الله
هفتاد هزار فرشته برای او دعا کنند و استغفار نمایند و روز
قیامت در سایهٔ عرش خدای باشند تا حساب مردم تمام شود و چون
بگوید اشهد ان محمداً رسول الله چهل هزار فرشته برای او دعا کنند
و استغفار نمایند و روز قیامت در سایهٔ عرش خدای باشد و چهل هزار
فرشته ثواب آنرا بنویسند و اگر یکسال در شهری از شهرهای اسلام
اذان گوید گناهانش آمرزیده شود اگر چه مثل کوه احد باشد و بهشت

اورا

61

اورا واجب شود و اذانرا باتأنی و بلند باید گفت که آوازش بهر خشک
و تری که برسد برای او شهادت دهد و هر قدر بلند شود آنقدر گناهانش
آمرزیده شود و هر کس با او نماز گزارد برای او حسنه ثبت شود
و خدای تعالی بادی برا اذان موکل گردانیده که آواز آنرا باسمان برد
چون ملائکه بشنوند گویند این آواز امت محمد است که توحید خدا میکنند
پس برای ایشان استغفار کنند تا آنکه از نماز فارغ شود و اگر در
خانه اذان بلند گوید شیطانرا دور کند و برای اطفال نیکو باشد
که صدای اذان و صحبت ایمان همیشه بشنوند و بیماری و پریشانی
زائل کند راوی گوید که من و اهل خانه همیشه بیمار و علیل بودیم و گاه میشد
که هیچکس نمیماند که خدمت کند تا این حدیث را شنیدم و بآن عمل
نمودم بیماری و کوفت از خانه من زائل شد و دیگری از بیماری
و بیفرزندی بخدمت حضرت امام رضا ع شکایت کرد فرمود در خانهٔ
خود اذان بلند بگوی چنین کرد بیماریش زائل شد و اولادش
بسیار شد و اقامت را آهسته تر و روانتر گویند و هر مرتبه
که نام حضرت پیغمبر صلی الله بگوید گوینده و شنونده صلوات بفرستند
و اذانرا نشسته و سواره و در راه و بی‌طهارت و بغیر قبله اگر
در گفتن شهادتین رو بقبله باشد توان گفت اما اقامت را شرائط

وهیئات نماز بگوید و در اثنای اذان و اقامت حرف زدن جایز است
اما ترکش افضلست بتخصیص در اثنای اقامت و چون قد قامت الصلوة
گفته شود احادیث وارد شده که حرف زدن حرام شود بر موذّن
و سایر جماعت همه مگر آنکه برای امامت کسی را گویند پیش بایست
و بعضی از علما تجویز حرف زدن برای سایر چیزهائی که متعلق بنماز
باشد نیز نموده‌اند و اگر حرف زند اقامت را اعاده کند و اگر
چیزی از اذان یا اقامت را فراموش کند رجوع نماید و از آن کلمه
بگوید تا آخر و اگر داخل نماز شود و بخاطرش رسد که اقامت نگفته
صلوة بر پیغمبر بفرستد و اقامت بگوید و بعد از آن نماز کند اگر
هنوز شروع در قراءت نکرده باشد در روایت دیگر آمده
که اگر رکوع نکرده باشد رجوع نماید و اذان و اقامت بگوید
و برای زنان اذان و اقامت آنقدر تاکید ندارد و افضل آنست
که بگویند و میان اذان و اقامت لحظهٔ فاصله کند اقلش این که
نفسی بکشد یا الحمد لله بگوید یا سبحان الله یا بنشیند یا سجده کند
اگر بنشیند بگوید اللّهمّ اجعل قلبی بارًّا وعیشی قارًّا ورزقی دارًّا
واجعل لی عند قبر رسولك صلّی الله علیه وآله مستقرًّا وقرارًا
و اگر سجده کند بگوید لا اله الّا انت ربّی سجدت لك خاضعًا خاشعًا

ذلیلا

ذلیلًا فصلّ علی محمّد وآل محمّد واغفر لی وارحمنی وتب علیّ انّك انت
التوّاب الرّحیم خدای تعالی همه گناهان او را بیامرزد و اگر میان اذان
و اقامت شام بنشیند همچنانست که در راه خدا در خون خود غلطیده
باشد و در ظهر و عصر شش رکعت نافله را پیش از اذان بگذارد و دو رکعت را
میان اذان و اقامت و اگر در جماعتی باشد که موذّن اذان گوید جماعت
همه بنشینند و چون قد قامت الصلوة گوید همه برخیزند و بایستند
و چون موذّن اذان گوید کسیکه شنود هرچه موذّن گوید آهسته
بگوید روزیش زیاد شود و چون موذّن شهادتین گوید شنونده
بگوید از روی تصدیق و اقرار و انا اشهد ان لا اله الّا الله و اشهد — وانا اشهد
انّ محمّدًا رسول الله اکتفی بها عمّن ابی وجحد واعین بها من اقرّ
وشهد بعد هر کس که شهادت داده و ایمان آورده و هر کس انکار
نموده و ایمان نیاورده اجر و ثواب داشته باشد و در روایتی آمده
که چون موذّن حیّعله گوید شنونده حولقه گوید و چون اذان صبح
و شام شنود بگوید اللّهمّ انّی اسئلك باقبال نهارك وادبار
لیلك وحضور صلواتك واصوات دعائك وتسبیح ملائکتك
ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تتوب علیّ انّك انت التوّاب الرّحیم
و در شام بجای باقبال نهارك وادبار لیلك بگوید باقبال لیلك وادبار

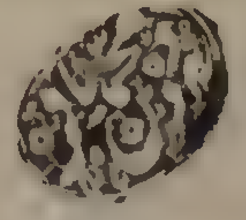
نهار که کردان روز بمیرد تائب و شهید باشد فصل ششم در کیفیت اشتغال
بنماز و آداب آن از اهل بیت نبوت صلی الله علیهم اجمعین مرویست که
هر کس پیش از انکه داخل نماز شود بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیٓ اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ اٰلِ
مُحَمَّدٍ وَ اُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ صَلَوَاتِیْ وَ اَتَقَرَّبُ بِهِمْ اِلَیْكَ فَاجْعَلْنِیْ بِهِمْ وَجِیْهًا
فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِیْنَ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ لِیْ بِطَاعَتِهِمْ
وَ مَعْرِفَتِهِمْ وَ وِلَایَتِهِمْ فَاِنَّهَا السَّعَادَةُ اخْتِمْ لِیْ بِهَا اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ
شَیْءٍ قَدِیْرٌ و بعد از نماز بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ فِیْ كُلِّ عَافِیَةٍ
وَ بَلَاءٍ تا آخر دعا که در فصل تعقیب انشاء الله بیاید با محمد و آل محمد باشد
صلی الله علیهم و نـ[…] در نماز هفت تکبیر واجبست و به تکبیر افضل و پنج افضل
ازان و هفت افضل از همه و یکی از الجمله تکبیر احرام واجبست و باقی مستحب
و بعد از تکبیر سوم بگوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ
وَ بِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوْءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِیْ فَاغْفِرْ لِیْ اِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ
اِلَّا اَنْتَ و بعد از تکبیر پنجم بگوید لَبَّیْكَ وَ سَعْدَیْكَ وَ الْخَیْرُ فِیْ یَدَیْكَ وَ الشَّرُّ
لَیْسَ اِلَیْكَ وَ الْمَهْدِیُّ مَنْ هَدَیْتَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدَیْكَ بَیْنَ یَدَیْكَ
لَا مَلْجَاَ وَ لَا مَنْجَا وَ لَا مَفَرَّ مِنْكَ اِلَّا اِلَیْكَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَیْتَ سُبْحَانَكَ
وَ حَنَانَیْكَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَیْتِ و هر کس پیش از تکبیر احرام بگوید یَا مُحْسِنُ
قَدْ اَتَاكَ الْمُسِیْءُ وَ قَدْ اَمَرْتَ الْمُحْسِنَ اَنْ یَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِیْءِ وَ اَنْتَ

المحسن

الْمُحْسِنُ وَ اَنَا الْمُسِیْءُ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ تَجَاوَزْ
عَنْ قَبِیْحِ مَا تَعْلَمُ مِنِّیْ خدای تعالی بملائکه گوید گواه باشید که گناهش را
عفو کردم و هر کس پیش او حقی یا مظلمهٔ داشته از و راضی نمودم پس اگر
تکبیر هفتم را قصد احرام کند این دعا پیش از ان بخواند و بعد از تکبیر هفتم
بگوید وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضَ عَلٰی مِلَّةِ اِبْرٰهِیْمَ
وَ دِیْنِ مُحَمَّدٍ وَ مِنْهَاجِ عَلِیٍّ وَ الْاِئْتِمَامِ بِالْاَئِمَّةِ مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ الصَّلٰوةُ بعزم قبول امامت ایشان
وَ السَّلَامُ حَنِیْفًا مُسْلِمًا وَ مَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِیْنَ اِنَّ صَلٰوتِیْ وَ نُسُكِیْ
وَ مَحْیَایَ وَ مَمَاتِیْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ لَا شَرِیْكَ لَهٗ وَ بِذٰلِكَ اُمِرْتُ
وَ اَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ و در حال ایستادن
و رکوع کردن پاها را از هم بگشاید بقدر سه انگشت تا یک وجب و زنان
در هر دو حال هم نزدیک گذارند تا فاصله نباشد بعد از ان از شیطان
رجیم پناه بخدا برده بگوید اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِیْعِ الْعَلِیْمِ مِنَ الشَّیْطَانِ
الرَّجِیْمِ و بعد از ان الحمد و سوره در دو رکعت اول هر نماز بخواند
و افضل آنست که در رکعت اول نماز عصر و مغرب سورهای کوتاه
بخواند مثل اذا جاء نصر الله و الهیکم التکاثر و در نماز ظهر و خفتن سورهای
متوسط مثل و الشمس و سبح اسم و در نماز صبح ازین درازتر مثل عم
یتساءلون و هل اتیک حدیث الغاشیه و هل اتی علی الانسان

و در رکعتهای دوم قل هو الله احد زیرا که بعد از آن قنوت خوانده میشود
و دعا بعد از خواندن قل هو الله مستجابست و در نماز شام و صبح جمعه سوره
جمعه و قل هو الله و در نماز خفتن آن جمعه و سبح اسم و در نماز ظهر آن
جمعه و منافقین و در نماز عصر آن سوره جمعه و قل هو الله و مرویست که سوره سوره جمعه
که برای فضل و ثوابش خواهند بخوانند اگر بجای آن انا انزلناه و قل هو الله
بخوانند همان ثواب داشته باشد با ثواب این دو سوره اما در نماز
جمعه و ظهر آن سوره جمعه و منافقین باید خواند که افضلست و بعضی
از مشایخ رحمهم الله واجب دانسته اند و اگر پنج نماز بگزارد که قل
هو الله نخواند بانک فرشته ندا کند و گوید ای بنده خدا تو از جمله نماز
کنندگان نیستی و مردان باید دو رکعت اول نماز شام و خفتن
و نماز صبح را بلند قراءت نمایند و همچنین نماز جمعه و دو رکعت اول
ظهر جمعه را اگر چه منفرد باشند و باقی رکعتها و نمازها را آهسته و اگر
عمدا نماز جهری را اخفات یا اخفاتی را جهر کنند باطل باشد و اعاده
باید کرد و حد آهستگی آنست که خود بشنود اگر آهسته تر از این باشد
مجزی نبود و حد بلندی آنکه بسیار بلند آواز شدید نبود بلکه
حد وسط باشد و چون نمازهای جهری را بلند بخواند آنقدر که آوازش
برسد آتش دوزخ از و دور شود و بر صراط بگذرد در روز قیامت

مرور



۶۴

مسرور و خوشحال باشد تا آنکه داخل بهشت شود و بعد از تمام شدن الحمد
و همچنین بعد از سوره بقدر آنکه نفسی توان کشید ساکت شود و چون
از قراءت فارغ شود ایستاده تکبیر بگوید و رکوع کند و دستها را
بر زانو گذارد و انگشتان را بگشاید چنانکه زانو را در مشت گیرد
و زانو را بعقب میل دهد و پشت را آنقدر خم کند که اگر قطره آبی بر پشتش
بریزد قرار گیرد و بطرفی حرکت نکند و گردن را دراز کند و سر را راست
بگیرد و بالها از هم بگشاید و اعضا بر یکدیگر تکیه نکند و زنان دستها را
بالاتر از زانو بگذارند تا بسیار خم نشوند و اعضای شان بهم جمع تر
باشد و سه مرتبه تا نه بگوید سبحان ربی العظیم و بحمده و اگر تسبیح
رکوع و سجود را یکمرتبه گوید یک ثلث نماز کرده باشد و اگر دو مرتبه
دو ثلث و اگر هیچ نگوید هیچ نماز نکرده باشد و پنج مرتبه افضل است
و هفت مرتبه افضل از آن و هر چند بیشتر گوید افضل بود و مرویست
که هر کس رکوع را تمام کند از وحشت قبر ایمن باشد و چون سر از
رکوع بردارد راست بایستد که هر کس بعد از رکوع پشت راست
نکند نماز نکرده باشد و ایستاده بگوید سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَهُ اَلحَمدُ لِلّٰهِ
رَبِّ العالَمِینَ اَهلِ الجَبَرُوتِ وَ الکِبرِیاءِ وَ العَظَمَةِ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمِینَ
پس همچنان ایستاده تکبیر بگوید و سر از زیر سجود در رود و هر دو دست را

باهم بیشتر از زانو بر زمین کذارد چنانکه برابر رو و زانو باشد و انکشتان
بهم چسپیده برابر قبله باشد و ساعدها را از زمین بردارد و بالها
بکشاید چنانکه هیچ عضو بر عضو دیگر تکیه نکند و زنان اول بنشینند
و زانو را پیشتر از دست بر زمین کذارند و بعد از ان سجده کنند
و اعضا را مجتمع دارند و ساعدها بر زمین بخوابانند و سجده بهفت اعضا
باید کرد پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو انکشت بزرک پا
و سر بینی هفت اول واجب است و آخر سنت مرویست که هر کس بینی را
بر انچه پیشانی میکذارد نکذارد نماز نکرده باشد و مستحبست کف دستها را
بر چیزی کذاشتن که سجده بران صحیح باشد تا روز قیامت عمل او را
بکذارند و در سجده سه مرتبه یا پنج مرتبه یا هفت یا بیشتر بکوید سُبْحانَ
رَبِّیَ الأَعْلی وَبِحَمْدِهِ و کسیکه سجده را طول دهد ابلیس فریاد کند
و کوید ای وای او اطاعت کرد و من معصیت نمودم او سجده کرد
و من سرکشی کردم و مستحبست که سجده بر تربت امام حسین ع باشد که
در میان بنده و خدای حجابها را بکشافد و چون سر از سجده بردارد
پشت راست کند و بر جانب چپ بنشیند چنانکه سرین پا از
جانب راست بیرون آید و پشت پای راست بر کف پای چپ نهد
و نشسته تکبیر بکوید پس بکوید استغفر الله ربی و اتوب الیه

پس همچنان

پس همچنان نشسته تکبیر بکوید و سجدهٔ دیگر بجا آرد بدستور و چون
سر بردارد و تکبیر بکوید و لمحهٔ بنشیند پس رکعت دیگر برخیزد و از
سجده راست بر پا نخیزد که آن بدعت جبارانست و در وقت
برخاستن سر و کف دست بر زمین کذارد و بکوید بِحَوْلِ اللّهِ
وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ و اکر خواهد بکوید اللّهُمَّ رَبِّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ أَقُومُ
وَأَقْعُدُ و اکر خواهد وَأَرْكَعُ وَأَسْجُدُ نیز زیاد کند و چون از قراءت
رکعت دوم فارغ شود تکبیر بکوید و دستها برداشته قنوت بخواند
و هر ذکر و دعائی که خواند مجزی باشد اقلش انکه سه مرتبه سبحان الله
بکوید و هر چند طول بیشتر دهد روز قیامت راحتش بیشتر بود و افضل
نمازها آنست که قنوتش طویلتر باشد و از جملهٔ ذکرهای قنوت
کلمات فرج فضل بسیار دارد و آن کلمات اینست لا اِلهَ اِلّا اللّهُ الحَلیمُ الکَریمُ لا اله الا الله
العَلِیُّ العَظیمُ لا اِلهَ اِلّا اللّهُ الحَلیمُ الکَریمُ سُبْحانَ اللّهِ رَبِّ
السَّمواتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الأَرَضینَ السَّبْعِ وَما فیهِنَّ وَما بَیْنَهُنَّ
وَما تَحْتَهُنَّ وَرَبِّ العَرْشِ العَظیمِ وَالحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ
بعد از ان صلوة بر پیغمبر و آلش بفرستد و هر حاجت و مطلب دنیوی و اخروی
و رحمت و مغفرت برای خود و دیگران خواهد بطلبد و از جملهٔ ادعیهٔ
ماثوره که متضمن همهٔ اینها باشد اینست اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ لی وَلِوالِدَیَّ

وَلِاهلِ بیتی وَلِوَلَدی وَاِخوانی المؤمنین فیك الیقین وَالعفو وَالمعا
فاة وَالرحمة وَالمغفرة وَالعافیة فی الدنیا وَالآخرة و در نماز صبح این
قنوت خواندن مستحبست اللهم انی اسئلك من کان اصبح وله ثقة
ورجاء غیرك فانت ثقتی ورجائی یا اجود من سئل ویا ارحم من استر
حم ارحم ضعفی ومسکنتی وقلة حیلتی وامنن علی بالجنة وفك
رقبتی من النار وعافنی فی نفسی وفی جمیع اموری برحمتك یا ارحم
الراحمین و در نماز جمعه دو قنوت بخواند در رکعت اول پیش از
رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع در قنوت اول کلمات فرج بخواند
و بعد از ان بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد کما هدیتنا به اللهم
صل علی محمد وآل محمد کما اکرمتنا به اللهم اجعلنا ممن اخترته لدینك
وخلقته لجنتك اللهم لا ترغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من
لدنك رحمة انك انت الوهاب و در قنوت دوم بگوید اللهم تم نورك
فهدیت فلك الحمد ربنا وبسطت یدك فاعطیت فلك الحمد ربنا
وعظم حلمك فعفوت فلك الحمد ربنا وجهك اکرم الوجوه
وجهتك خیر الجهات وعطیتك افضل العطیات واهناها
نطاع ربنا فتشکر ونعصی ربنا فتغفر لمن شئت تجیب المضطر
وتکشف الضر وتشفی السقیم وتنجی من الکرب العظیم لا یجزی بالائك

احد

شخصت

احدٌ ولا یحصی نعماءك قول قائل اللهم الیك رفعت الابصار ونقلت
الاقدام ومدت الاعناق ورفعت الایدی وانت دعیت بالالسن
والیك سرهم ونجویهم فی الاعمال ربنا اغفر لنا وارحمنا وافتح بیننا
وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین اللهم انا نشکو الیك غیبة
نبینا وشدة الزمان علینا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الاعداء وکثرة
عدونا وقلة عددنا فافرج ذلك یا رب بفتح منك تعجله ونصر
منك تعزه وامام عدل تظهره اله الحق رب العالمین و از حضرت
امام همام علی بن موسی الرضا علیه السلام مرویست که از کسی پرسید که در نماز
جمعه چه قنوت میخوانی گفت آنچه مردم میخوانند حضرت فرمود این
قنوت بخوان اللهم اصلح عبدك وخلیفتك بما اصلحت به انبیائك
ورسلك وحفه بملائکتك وایده بروح القدس من عندك واسلك
من بین یدیه ومن خلفه رصدا یحفظونه من کل سوء وابدله
من بعد خوفه امنا یعبدك لا یشرك بك شیئا ولا تجعل لاحد من خلقك
علی ولیك سلطانا واذن له فی جهاد عدوك وعدوه واجعلنا
من انصاره انك علی کل شیء قدیر و بعضی از مشائخ رحمهم الله نقل
کرده اند که در قنوت دستها را برابر رو بگیرد چنانکه انگشتان
برابر قبله و بهم چسپیده باشد و چون از قنوت فارغ شود تکبیر

برکوع بگوید و بعد از سجود بهیأتی که قبل ازین مذکور شد بنشیند و تشهد باین طریق بخواند
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَخَيْرُ الْاَسْمَاءِ لِلّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ
بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ وَاَشْهَدُ اَنَّ رَبِّي نِعْمَ الرَّبُّ وَاَنَّ مُحَمَّدًا
نِعْمَ الرَّسُولُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ
بعد از آن دو بار یا سه بار الحمد لله بگوید و چون خواهد برخیزد کف دستها را
بر زمین گذارد و بگوید بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقْعُدُ یا بگوید بِحَوْلِ اللهِ
وَقُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقْعُدُ و در رکعت سوم و چهارم احادیث بسیار
وارد شده که تسبیح و الحمد مساویست هر کدام را خواهند بخوانند اما
از حضرت صاحب الزمان ع مرویست که قرائت الحمد درین دو رکعت
تسبیح را نسخ کرد مگر برای بیماری یا کسیکه بسیار سهو کند پس بنا برین
حدیث احتیاط آنست که بضرورت تسبیح نخوانند و چون خواهد سلام بگوید
چنین بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ
عَلٰى اَنْبِيَاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمَلَا
ئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ اَلسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ
بَعْدَهُ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا
وَعَلٰى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ و سلامی که نماز بآن تمام شود سلام آخرست

خواه امام باشد

خواه امام باشد و خواه مأموم و خواه منفرد باین سلام حضرت پیغمبر و ائمه طاهرین را
قصد کند و سلامهای دیگر مستحبست و اگر امام باشد بعد از سلام نماز
خطاب بمومنین کند و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
و مأموم بعد از سلام نماز دو سلام بگوید یکی جواب امام و اگر در جانب
راستش کسی باشد باین سلام او را نیز قصد کند و یکی بجانب چپ اگر
در آنجا کسی باشد و اگر نباشد این سلام در کار نباشد **فصل هفتم در اشاره
باسرار مقدمات و اعمال نماز و ذکر بقیه آداب و افعال آن** از اهل بیت
طهارت صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که بهترین جامها و زینت
ترین لباسها برای مومنان لباس تقوی و پرهیزکاریست از هر چه
خدای تعالی حرام کرده و آنرا مکروه داشته و لباس ظاهری
نعمتیست که کرامت فرموده تا عورات بدن و اعضا و عیوب و قبایح
آن بآن پوشیده شود و مستور گردد و توبه و تقوی کرامتیست
که احسان فرموده تا گناهان باطن و مساوی اخلاق و هوسهای
فاسده و آرزوهای باطل بآن پنهان گردد و مخفی ماند پس چون عورات
و عیوب ظاهر را از خلق پوشیده داری و پیش کسی اظهار آن نداری
شرم دار ازین که امراض ذنوب باطن را در پیش خدای جلوه دهی آن
هیچ آزرم نداری و مستراح را از آن جهة مستراح گفتند که بدن در آنجا

از ثقل نجاست راحت یابد و از کدورات کثافات استراحت نماید پس
مومن چون بیند که لطیف ترین نعمتهای دنیا و لذیذترین لذتهای
آن باین زودی عاقبتش چه میشود باید عبرت از آن گیرد و دست از
جمع کردن آن باز دارد و دل از تشویش آن فارغ سازد تا بجمعیت خاطر
مشغول عبادت خدای تعالی شود و تحصیل سعادت باقی فرماید چه حاجت
که شکم را از نجاست دنیا خالی کنی و بدن را از گرانی آن راحت دهی و دل را
از وسواس آن لبریز سازی و از تشویش اندیشهٔ آن پر داری
و خدای تعالی آب را طهور گردانیده تا فضلات و نجاسات را آن
بشوئی و از کدورت احداث و کثافات تنزه یابی و جدول توبه
و استغفار جاری ساخته تا نجاست ذنوب و سیئات را بآن تطهیر
دهی و از شناعت آثام و خطیئات وا رهی پس چه نمی اندیشی که تا ازالهٔ نجاست
ظاهر نکنی و دست و رو در وضو نشوئی قابل آن نباشی که روی بدن بقبله
گردانی و با عضای طاهر داخل مسجد شوی و بر سجاده نشینی و با زبان
بآن بوده تسبیح و مناجات نمائی پس از ازالهٔ نجاسات باطن نا نموده
و خاطر از حدث محبت باطل نشسته و شوی نداده و نیت را برای خدای
خالص نگردانیده چگونه لائق آن باشی که روی دل بسوی خدا کنی و بر
بساط قرب و کرامت تکیه نمائی و در حضرت عزت حدیث اسرار سرائی

وبمسواک

ومسواک دندانها را از کثافت آثار طعام جلا و دهان را از کراهت بوی آن صفا
دهی چگونه جوارح را از نجاست عصیان و مخالفت خدا و دل را از اطاعت
شیطان و محبت دنیا بتضرع و خشوع و انابت و خضوع طهارت ندهی
و چون متوجه قبله شوی و بر پای ایستی روی از جمیع چیزها بگردانی و روی
دل از وسوسهٔ دنیا بگردانی و ایستادن موقف عرض اعمال و هویدا
گشتن خفیات اسرار یاد نکنی چون اذان نماز بشنوی از ندای روز
قیامت یاد آر و چون روی بقبله کنی روی دل از هرچه غیر خداست
باز آر و چون بر پای ایستی از روی کمال خضوع و خشوع بایست
و هرچه غیر خداست چنان پندار که نیست و در خدمت خدا ایستاده
و با حضرت او در مکالمه دانائیست که هر ظاهر و باطن داند و توانائیست
که هرچه بخاطر گذرانی تواند پادشاهیست که آسمان و زمین در وسعت
مملکتش و ذره ایست و هر دو جهان از بحار خزائن رحمتش قطره
در خدمتش و چنان بایست که ضعیف ترین بندهٔ در خدمت عظیم ترین
پادشاهی اگر سرش بخارد نخارد و اگر دلش بدرد آید نگیرد کاهل
و خواب آلوده و شکسته بنماز بر مخیز که این از جملهٔ صفات منافقانست
و با ریش و دست بازی مکن و انگشتان در میان یکدیگر میار که این همه
از نماز نقصانست و دستها بر سینه مگذار که این عمل شیوهٔ مجوسانست

وخمیازه با دهن و اعضا کشی که از جملهٔ اعمال شیطانست و اگر کسی در نماز انگشت
بشکند نصیبش از نماز همان باشد و چون تکبیر گوئی بزرگی و عظمت خدارا
بیاد آور و هرچه غیر اوست در پیش بزرگی او ذلیل و خار شمار که اگر دل
با دیگری داری و دیگری را بزرگتر شماری خدای تعالی گوید ای
دروغ گوی مرا میفریبی بزبان الله اکبر میگوئی و دل بدیگری میدهی
بعزت و جلالم قسم که از شیرینی ذکر خود محرومت سازم و از
نزدیکی جناب خود دور و از لذت مناجات بی نصیب و مهجور
گردانم و در نماز دستها را بر روی ران بینداز و انگشتان بهم
چسپیده باشد و سر و گردن و کمر راست بگیر و بطرفی میل و کجی
تکیه مکن و زنان دستها را بسینه بچسپانند تا به پستان متصل شود
و بلندی پستان نماید و در اثنای نماز آب دهن و دماغ میفکن که هرکس
برای تعظیم خدای تعالی در نماز دفع آن کند خدای تعالی او را تا وقت
ممات صحت بدن کرامت فرماید و پاها را برابر هم بگذار که پیش و پس
نباشد و بیضرورت چیزی بر دهن مبند که نقصان نماز بود و نظر
از موضع سجده بر مدار و باطراف التفات مکن که هرکس در نماز باطراف
نگاه کند خدای تعالی گوید ای بندهٔ من بکجا نگاه میکنی و کرا می طلبی
آیا خدائی غیر من میخواهی یا جوادی سوای من میجوئی منم اکرم الاکرمین

ومنم

و منم اجود الاجودین و منم بهترین معطیین منم که آنقدر ثواب دهم ترا که هیچکس قدر
آن نداند روی بجانب من کن که من روی با تو دارم و ملائکهٔ من روی با تو
دارند پس اگر روی بگرداند و متوجه نماز شود گناه آنچه کرده بود زائل
شود و اگر باز التفات بطرفی نماید خدای تعالی همان مکالمه فرماید
و همچنین تا چهار مرتبه و در مرتبهٔ چهارم خدای روی از و بگرداند و ملائکه
رو بگردانند و فرماید که ای بندهٔ من واگذاشتم ترا با آنچه میخواهی
و در روایت دیگر آمده که در مرتبهٔ سوم خدای تعالی رو بگرداند و بعد از آن
هرگز باو نظر نکند نعوذ بالله من ذلک و در نماز دل با خدای دار و خیال
غیر نماز بخاطر میار که دو رکعت نماز با تفکر بهتر است از قیام لیل و هرکس
دو رکعت نماز بگزارد و بداند که چه میگوید میان او و خدا هیچ گناه نماند
مگر آنکه آمرزیده شود و هر قدر از نماز که دل با آن باشد حساب شود
و هرچه از آن غافل باشد بر هم پیچند و بر روی صاحبش زنند و در
رکوع چشم را بپوش یا نظر در میان هر دو پای بدار و دراز کردن
گردن معنیش اینست که گردن از بندگی خدا کشم و سر از اطاعت
او نه پیچم اگرچه گردنم بزنند و هیچ بنده رکوع بحقیقت نکرده مگر اینکه
خدای تعالی او را بنورهای خویش مزین گردانیده و در سایهٔ
کبریای خود پناهش داده و خلعت اصفیا بر و پوشانیده و رکوع

ادبیت و اطاعت و سجود و قربت و عزت کسیکه ادب ضایع کند
اهلیت قرب نداشته باشد و سر بسجده کذاشتن معنیش اینست
که خدایا اصل من همین خاک ذلیل است که هر کسی پا بر وی کذارد و چون
سر بر دارد یعنی مرا ازین خاک آفریده و از خاک بر داشته و چون
سجده دوم کند یعنی باز دیگرم بمیرانی و با خاک یکسان کردانی
و چون سر بر دارد یعنی مرتبهٔ دیگر مرا زنده سازی و در روایتست که و الله زیان
نکرده کسیکه سجودی بحقیقت کرده اکر چه تمام عمر یکمرتبه باشد و سود ننموده
کسیکه حق آن ضایع نموده باشد و مانند فریبندکان غافل از رتبهٔ
ساجدان با خدا خلوت نموده هرکز از خدا دور نشود کسیکه در
سجود بکلی دست از خود بر دارد و خود را یکبارکی بخدا بسپارد و هرکز
بخدا نزدیک نکردد کسیکه حرمت سجود ضایع کند در احوال بغیر
خدا دهد عارفی کفته که رکوع دعوی بندکی است و دو سجده بعد از آن
دو شاهد بر آن و چون قنوت بخوانی ادب آن رعایت نمائی
و بدانکه چه میکوئی و با که در کفتکوئی بشنو هر چه بر زبان رانی ببین
هر چه در دل کذرانی پس نیک احتیاط کن تا آنچه می طلبی خیر و نجات
باشد و زبان در دعا و دل با غیر خدا نباشد که دعای دل غافلان مستجاب
نکردد و چون تشهد خوانی اقرار بیکانکی و پادشاهی خدا کنی و اعتراف

برسالت و نبوت پیغمبر او نمائی و عهد بندکی و طاعت خود تجدید سازی
و چون صلوات بر پیغمبر و آلش فرستی ایشانرا شفیع خویش کردانی
پس چنانکه بزبان اقرار میکنی دل را نیز با زبان موافق دار و در آنچه
میکوئی غافل مدار تا مانند فریبندکان باطنت تکذیب ظاهر ننماید
و درینمقام ذکر حدیثی دیکر کنیم که مشتمل است بر فضائل افعال نماز با آداب
و اسرار آن مرویست از حضرت امام همام حسن بن علی العسکری ع از آباء
کرام خود از حضرت پیغمبر که فرمود چون بندهٔ مومن متوجه مصلای
خود شود تا نماز کزارد خدای تعالی کوید ای ملائکه ببینید این بندهٔ
مرا که از همه خلائق بریده و بامید رحمت و شفقت من روی نیاز
بمن آورده کواه باشید که او را برحمت و کرامت خویش مخصوص
کردانم و چون دست بر دارد و الله اکبر بکوید فرماید که ببینید
چون تبرا و بیزاری می نماید از نسبت شریک و شبیه و نظیر برای من چنانکه
اعدای من نسبت میکنند و مرا از آن بزرک و منزه میدارد کواه
باشید که او را از آثار کناهان پاک سازم و در مملکت بزرکی خود
بزرک کردانم و از عذاب جهنم نجات دهم و چون الحمد و سوره دیکر
بخواند فرماید ببینید بندهٔ مرا که چون از قراءت کلام من لذت
می یابد کواه باشید که روز قیامت باو بکویم که بخوان در بهشت

کلام مرا و بالا رو بر درجات جنان پس بعدد هر حرفی که خواند درجهٔ از طلا
و نقره و درجهٔ از لؤلؤ و درجهٔ از گوهر و درجهٔ از زبرجد سبز و درجهٔ
از زمرّد سبز و درجهٔ از نور ربّ العزّت بالا رود و چون سر از
رکوع بردارد فرماید ببینید چون بر اعدای من ترفّع می‌کند همچنانکه
برای من تواضع می‌نماید و در خدمت من برپا می‌ایستد گواه باشید
که عاقبتش را بهترین عاقبتها گردانم و در بهشت خویش با وی عطا
فرمایم و چون سجده نماید فرماید ببینید که چون تواضع می‌کند
و میگوید اگرچه در دنیا مسکین و ذلیلم اما چون حق عظمت تو بر من ظاهر شود
حقیر و ذلیلم گواه باشید که او را بحق بلند نمایم و باطل را با او دفع گردانم
و چون سر از سجدهٔ اوّل بردارد فرماید ببینید چون می‌گوید که
همچنانکه در پیش عظمت تو تواضع نمودم و در حضرت خدمت تو برای
بندگی و طاعت بحقارت و ذلّت راست گشتم و در این مقام ظاهرا
عبارتی از نسخهای این حدیث افتاده و گویا باین مضمون باشد
که او را عزیز گردانم و برحمت خویش اختصاص دهم و چون سجدهٔ دوم
کند فرماید ببینید بندهٔ مرا چون بتواضع من عود کرد گواه باشید
که رحمت خود را بر وا اعاده فرمایم و چون برای رکعت دوم از
جای برخیزد فرماید ای ملائکه ببینید چون برخاست بنماز او را

از ذلّت

از ذلّت بردارم و بعزّت بلند گردانم و هر رکعتی که گزارد خدای تعالی
همچنان فرماید تا آنکه بتشهّد بنشیند خدای تعالی فرماید ای ملائکه بندهٔ
من خدمت و عبادت مرا بجای آورد و اکنون نشسته و مرا ثنا می‌گوید
و بر پیغمبر من صلوات میفرستد من نیز در ملکوت سموات و ارض
او را ثنا گویم و بر روح او در میان ارواح صلوات فرستم و چون بر
امیر المؤمنین صلوات فرستد فرماید که من صلوة فرستم همچنانکه تو او را
صلوات فرستادی و او را شفیع تو گردانم همچنانکه تو او را شفیع خود
ساختی و چون سلام نماز دهد خدای تعالی و ملائکه بر وی سلام کنند
و در روایت دیگر آمده که سلام بعد از هر نماز امانست یعنی هر کس
فرمان خدا و سنت پیغمبر ص را بخضوع و خشوع بجای آرد امانست او را
از بلای دنیا و عذاب آخرت و مخفی نماند که مراد از صلوات بر امیر
المؤمنین ع اینست که بعد از صلوات بر پیغمبر ص و بر آل او نیز فرستد
زیرا که آل او امیر المؤمنین و فاطمه و یازده امام دیگرند صلّی الله علیهم
و احادیث دیگر وارد شده که سلمان فارسی و سائر شیعیان
نیز از جملهٔ آل آنحضرتند و در صلوات بر ایشان شیعیان را نیز قصد باید کرد
فصل هشتم در فضائل تعقیب و کیفیّت آن از اهل بیت طاهرین ع مرویست
که هر کس بعد از نماز فریضه تا وقت نماز دیگر تعقیب بخواند مهمان خدای باشد

وحق است بر خدای تعالی که مهمان خود را اکرام فرماید و تعقیب خواندن
بعد از هر نماز و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب برای وسعت رزق
بهتر است از مسافرت و تجارت نمودن با اینکه احادیث دیکر آمده
که نه جزو رزق در تجارتست و یک جزو در غیر آن و تعقیب خواندن بعد از
فریضه افضل است از نافله کزاردن و مراد از این نافله غیر نوافل
یومیه باشد و هر کس بعد از نماز صبح بر جای نماز بنشیند و تا طلوع
آفتاب تعقیب بخواند خدای تعالی او را از آتش دوزخ مستور کرداند
و کناهان کذشته اش آمرزیده شود و چنان باشد که زیارت حضرت
پیغمبر ص کرده باشد و اکر آنقدر بنشیند که آفتاب پهن شود دو رکعت
یا چهار رکعت نماز بکزارد کناهان کذشته اش آمرزیده شود و ثواب
حجی داشته باشد و اکر بعد از نماز شام تعقیب بخواند و حرف نزند
تا آنکه دو رکعت نافله بکزارد آن نافله را در علیین ثبت نمایند
و اکر چهار رکعت بکزارد حج مقبولی برای او ثبت کنند و فضل تعقیب
بعد از فریضه بر تعقیب بعد از نافله مثل فریضه است بر نافله و در وقت
تعقیب رو بقبله باشد و حرف نزند که هر چه بنماز مضرت دارد
بکمال تعقیب نیز مضرت دارد مکر آنکه ضرورت و حرکتی روی دهد
پس تا با وضو باشد در تعقیب باشد این بود فضائل تعقیب بر سبیل اجمال

وآداب آن با تفصیل و کیفیت آن چنانست که مرویست از اهل بیت طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس بعد از سلام نماز دست بر دارد و سه مرتبه
الله اکبر بکوید و بعد از آن بکوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ
وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ شکری که واجب است بر وی بسبب
توفیق یافتن اسلام و جنود آن بجای آورده باشد و هر کس بعد از
نماز فریضه تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بکوید و بعد از آن
یکمرتبه بکوید لا اله الا الله بکوید کناهانش همه آمرزیده شود در
روایت دیکر آمده که پیشتر از آنکه پا را از وضعی که در نماز نشسته
بکرداند تسبیح بکوید و بعد از هر نماز هر روز کفتن این تسبیح
بهتر است از آنکه هر روز هزار رکعت نماز کزارد و هر کس این تسبیح را
بر خود لازم کرداند هرکز شقی نکردد و مرویست که اکر ذکری بهتر
از این میبود حضرت پیغمبر ص آن را بحضرت فاطمه عطا میفرمود و مستحبست
که تسبیح از خاک مقدس امام حسین ع باشد که زینت شیعیانست
و اکر با ذکر بکرداند هر دانه بیست حسنه دارد و اکر در اثنای
ذکر ذکر را فراموش کند و همان تسبیح می کردانیده باشد ثواب
آن ذکر داشته باشد در روایت دیکر آمده که اکر با تسبیحی از آن

تربت مبارک استغفار کند هر استغفاری هفتاد مرتبه مضاعف شود
و اگر در دست گیرد و تسبیح نکند هر دانه هفت مرتبه و در روایت
دیگر آمده که هرکس با این تربت مقدسه تسبیح کند چهار صد حسنه برایش
نویسند و چهار صد سیئه محو کنند و چهار صد درجه بلند گردانند
و چهار صد حاجتش برآرند و نیز مرویست که هرکس با این تربت مطهر
تسبیحات اربع بگوید بهر دانه شش هزار حسنه ثبت کنند و آنقدر
سیئه محو نمایند و آنقدر درجه بلند کردهند و آنقدر شفاعت
عطا فرمایند و مرویست که شیعیان ما از چهار چیز مستغنی نباشند
حصیری که جای نماز باشد و انگشتری و مسواک و تسبیحی از خاک قبر امام
حسین ع که سی و سه دانه باشد و در روایت دیگر سی و چهار دانه
باشد و احتمال دارد که یک دانه موذن مراد باشد و هرکس پیش از آنکه پا را
از وضعی که نشسته بگرداند سه مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ
إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ خدای تعالی
گناهان او را بیامرزد اگرچه مثل کف دریا باشد و اگر پیش از آنکه
زانو را از وضع خود تغییر دهد ده مرتبه بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا
اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلٰهاً وَاحِداً أَحَداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً
وَلَا وَلَداً چهل هزار هزار حسنه برای او ثبت شود و چهل هزار هزار سیئه

ازو محو کرده و چنان باشد که دوازده ختم قرآن نموده باشد و اگر بعد از
هر نماز بگوید أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ
الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ خدای تعالی خیر دنیا و آخرت
برای او جمع نماید و اگر الحمد و شهد الله انه لا اله الا هو تا سریع الحساب
و آیة الکرسی و قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب بخواند خدای تعالی
فرماید بعزت و جلال خودم که هر روز بچشم پنهان خود هفتاد مرتبه
باو نظر کنم و هر مرتبه هفتاد حاجت او را برآرم و او را با هر قدر گناه
که دارد قبول نمایم و در روایت دیگر آمده که هر روز هفتاد حاجتش را
برآرم که کمترین آنها مغفرت گناهان او باشد و در حظیرهٔ قدس خویش
جایش دهم و بر دشمنان نصرتش دهم و از ایشان بسلامتش دارم و هیچ چیز
مانع بهشت رفتنش نباشد مگر موت یعنی اگر نه موت مقرر می بود
همچنانکه هست ببهشت می بردم و در روایت دیگر هست که هرکس بعد از
هر فریضه آیة الکرسی بخواند از ضرر [illegible] ایمن باشد و هیچ
چیز مانع بهشت رفتنش نباشد مگر موت و هیچ کس مواظبت بر آن نکند
مگر صدیقی یا عابدی و هرکس ایمان بخدا و روز قیامت دارد ترک
خواندن قل هو الله احد بعد از هر فریضه نکند که خدای تعالی خیر دنیا

وآخرت برای او جمع فرماید و گناهان او و والدین و برادران و خواهرانش
بیامرزد و هر کس بعد از هر فریضه دوازده مرتبه قل هو الله احد
بخواند و بعد از آن دست بر داشته بگوید اللهم انی اسئلک باسمک
المکنون المخزون الطهر الطاهر المبارک واسئلک باسمک العظیم
وسلطانک القدیم ان تصلی علی محمد وآل محمد یا واهب العطایا
یا مطلق الاساری یا فکاک الرقاب من النار اسئلک ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان تعتق رقبتی من النار وان تخرجنی من الدنیا امنا
وتدخلنی الجنة سالما وان تجعل دعائی اوله فلاحا واوسطه
نجاحا واخره صلاحا انک انت علام الغیوب چون از دنیا بیرون
رود از گناهان خالص باشد مانند طلای بیغش و هیچ کس را بر و مظلمه
نباشد و بعد از هر نماز فریضه این دعا بخواند اللهم انی اسئلک برک القدیم
ورأفتک بتربیتک اللطیفة وشفقتک بصنعتک المحکمة وقدرتک
بسترک الجمیل صل علی محمد وآل محمد واحی قلوبنا بذکرک واجعل
ذنوبنا مغفورة وعیوبنا مستورة وفرائضنا مشکورة ونوافلنا
مبرورة وقلوبنا بذکرک معمورة ونفوسنا بطاعتک مسرورة
وعقولنا علی توحیدک مجبورة وارواحنا علی دینک مفطورة وجوارحنا
علی خدمتک مقهورة واسمائنا فی خواصک مشهورة وحوائجنا

لدیک

لدیک میسورة وارزاقنا من خزائنک مدرورة انت الله لا اله الا انت
لقد فاز من والاک وسعد من ناجاک وعز من ناداک وظفر
من رجاک وغنم من قصدک وربح من تاجرک و هر کس بعد از همه نمازها
بگوید یا من لا یشغله سمع عن سمع یا من لا یغلطه السائلون و
یا من لا یبرمه الحاح الملحین اذقنی برد عفوک وحلاوة رحمتک (ومغفرتک)
گناهانش همه آمرزیده شود اگر چه بعدد ستاره آسمان و قطره
باران و خاک زمین و ریگ بیابان باشد و هر کس بعد از هر نماز فریضه
بگوید احیر نفسی ومالی وولدی واهلی وداری وکل ما هو منی
بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له
کفوا احد واحیر نفسی ومالی وولدی وکل ما هو منی
برب الفلق من شر ما خلق تا آخر سوره و برب الناس تا آخر سوره
والله الذی لا اله الا هو الحی القیوم تا آخر آیة الکرسی او و خانه و مال و
اولادش از آفات محفوظ گردد و نیز بعد از نماز فریضه باید (بگفت)
رضیت بالله ربا وبمحمد نبیا وبالاسلام دینا وبالقرآن کتابا
وبعلی والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی
ومحمد وعلی والحسن ومحمد ائمة اللهم ولیک محمد بن الحسن فاحفظه
من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله ومن فوقه ومن

(Margin notes:)
اذقنی برد
وعن علی علیه السلام ما دعا بهذا الدعاء فی دبر کل فریضة الا غفرت ذنوبه ولو کانت عدد نجوم السماء وقطرها وعدد حصی الارض وترابها ودوابها وهو دعاء الحزن تعود
٩ والحجة القائم من بعدهم صلوات الله علیهم
٢ وحجتک القائم من آل بیتک سلا...

محنته وامدد له في عمره واجعله القائم بامرك والمنتصر لدينك
وارِه ما يحب وتقر به عينه في نفسه وذريته وفي اهله وماله
وفي شيعته وفي عدوه وارهم منه ما يحذرون وارِه فيهم ما
يحب وتقر به عينه واشف به صدورنا وصدور قوم مؤمنين
وهركس پیش از آنکه داخل نماز شود بگوید اللهم اني اتوجه اليك بمحمد
وآل محمد تا آخر دعائی که در فصل کیفیت اشتغال بنماز گذشت و بعد از
نماز بگوید این را که اللهم اجعلني مع محمد وآل محمد في كل عافية
وبلاء واجعلني مع محمد وآل محمد في كل مثوى ومنقلب اللهم
اجعل محياي محياهم ومماتي مماتهم واجعلني معهم في المواطن كلها
ولا تفرق بيني وبينهم انك على كل شيء قدير با محمد وآل محمد باشد
وهركس بعد از هر فریضه بگوید رضيت بالله ربا وبمحمد نبيا وبالاسلام دينا
وبالقرآن كتابا وبالكعبة قبلة وبعلي وليا واماما وبالحسن
والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن
والحجة القائم الخلف صلوات الله عليهم ائمة اللهم اني
رضيت بهم ائمة فارضني لهم انك على كل شيء قدير با ایمان
از دنیا بیرون رود و اگر بعد از هر نماز بگوید اللهم اهدني من عندك
وافض علي من فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل علي من بركاتك

روز قیامت

روز قیامت هشت در بهشت بر وی گشوده شود تا از هر کدام خواهد داخل شود
و حضرت صادق ع فرموده از جمله حقوق ما بر دوستان و شیعیان ما اینست
که چون از نماز فریضه فارغ شوند برنخیزند تا این دعا بخوانند اللهم
اني اسئلك باسمك العظيم وبحقك العظيم ان تصلي على محمد وآل محمد
الطاهرين وان تصلي عليهم صلوة دائمة تامة وان تدخل على محمد وآل محمد
واوليائهم حيث كانوا واين كانوا في سهل او جبل او بر او بحر من بركة
دعائي ما تقر به عيونهم احفظ يا مولاي الغائبين منهم واردد هم الى
اهاليهم سالمين ونفس عن المهمومين وفرج عن المكروبين واكس
العارين واشبع الجائعين وارو الظامئين واقض دين الغارمين
وزوج العازبين واشف المرضى وادخل على الاموات ما تقر به عيونهم
وانصر المظلومين من اوليائك آل محمد عليهم السلام واطف نائرة المخا
لفين اللهم وضاعف لعنتك وباسك ونكالك وعذابك على الذين كفروا
نعمتك وخونوا رسولك واتهموا نبيك وباينوه وحلوا عقده في وصيه
ونبذوا عهده في خليفته من بعده وادعوا مقامه وغيروا احكامه وبدلوا
سنته وقلبوا دينه وصغروا قدر حجتك وبدؤا بظلمهم وطرقوا طريق الغدر عليهم
والخلاف عن امرهم والقتل لهم وارهاج الحروب عليهم ومنع
خليفتك من سد الثلم وتقويم العوج وتثقيف الاود وامضاء

الاحکامِ واظهارِ دینِ الاسلامِ واقامةِ حدودِ القرآنِ والعنهما

وابنیهما وکلّ من مال الیهم وحذا حذوهم وسلک طریقهم ببدعهم وتصدّرهم

لعناً لا یخطر ببالٍ ویستعیذ منه اهل النارِ اللّهمّ العن من دان بقولهم أحدهم

واتّبع امرهم ودعا الی ولایتهم وشکّ فی کفرهم من الاوّلین والآخرین

و سمراز انحضرت صلوات الله علیه مرویست که از جملهٔ حقوق ما بر شیعیان

اینست که بعد از فریضه دست بر زنخ بگیرند و سه مرتبه بگویند یا ربّ

محمّدٍ عجّل فرج آلِ محمّدٍ یا ربّ محمّدٍ احفظ غیبة محمّدٍ یا ربّ محمّدٍ انتقم لابنة

محمّدٍ مؤلف اینمجموعه گوید همچنانکه از قرآن مبین و احادیث اهل بیت

طاهرین معلوم است و هیچ شکی دران نیست اینست که این دعا و هر دعائی

که باین مضمون باشد یعنی مشتمل باشد بر ولایت اهل البیت علیهم السلام

و دعای ایشان و شیعیان و براءت و لعنت بر اعدا و غاصبان

حق ایشان افضل است از همه ادعیه و اذکار و اجل است از جمیع افعال

و اعمال زیرا که ایمان باین تمامست و اگر نعوذ بالله درین قصوری باشد

هیچ عبادتی بقدر ذرّه سود ندهد و مرویست که حضرت صادق ع

بعد از هر فریضه چهار کس از مردان ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه

و چهار کس از زنان عایشه و حفصه و هند و ام الحکم خواهر معاویه را بخصوص

لعن مینمودند و مرویست که چون از فریضه فارغ شوند تا بنی امیّه را

لعن

لعن بکنند نسید بجای مروید مرویست که در آسمان فرشته ایست که هزار هزار

سر دارد و در هر سری هزار هزار دهن و در هر دهنی هزار هزار زبان

با هر زبان بهزار هزار لغت خدایرا تسبیح می کنند وقتی از جناب الهی سؤال

نمود که آیا کسی از بندگان تو باشد که مثل من عبادت کند از جناب

خطاب رسید که در زمین مرا بنده ایست که تسبیحش بیشترست و ثوابش

عظیم‌تر آن فرشته رخصت دیدن آن بنده یافته آمد و سه روز با او

بود زیاده برین عبادتی از و ندید که بعد از هر فریضه این تسبیح میگفت

سُبْحانَ اللهِ کُلَّما سَبَّحَ اللهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ اللهُ اَنْ یُسَبَّحَ وَکَما

هُوَ اَهْلُهُ وَکَما یَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ کُلَّما حَمِدَ اللهَ

شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ اللهُ اَنْ یُحْمَدَ وَکَما هُوَ اَهْلُهُ وَکَما یَنْبَغِی

لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَلا اِلهَ اِلَّا اللهُ کُلَّما هَلَّلَ اللهَ شَیْءٌ وَکَما

یُحِبُّ اللهُ اَنْ یُهَلَّلَ وَکَما هُوَ اَهْلُهُ وَکَما یَنْبَغِی لِکَرَمِ

وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَاللهُ اَکْبَرُ کُلَّما کَبَّرَ اللهَ شَیْءٌ وَکَما

یُحِبُّ اللهُ اَنْ یُکَبَّرَ وَکَما هُوَ اَهْلُهُ وَکَما یَنْبَغِی لِکَرَمِ

إلّا الله صح وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ وَاللهُ اَکْبَرُ

عَلی کُلِّ نِعْمَةٍ اَنْعَمَ بِها عَلَیَّ وَعَلی کُلِّ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ

کانَ اَوْ یَکُونُ اِلی یَوْمِ الْقِیمَةِ اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی

محمد وآل محمد واسئلك خير ما ارجوا وخير ما لا ارجوا واعوذ بك
من شر ما احذر ومن شر ما لا احذر و هر کس بعد از هر نماز سی مرتبه بگوید
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر از سوختن
و غرق شدن و خراب ماندن و خوردن جانوران درنده و مردن
بوجهی بد و ناخوش و بلیه که دران روز نازل شود ایمن باشد مرویست
که مسافر این تسبیحات را بعد از هر نماز که قصر میکند سی مرتبه بخواند نمازش
بآن تمام میشود و هر کس بعد از نماز صبح و شام پیش از انکه حرف زند
و پا از وضعی که نشسته تغییر دهد صد مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم صد نوع بلا ازو دفع شود که
سهلترین آن برص و جذام و شیطان و جور سلطان باشد و اگر هفت
مرتبه بگوید هفتاد نوع بلا دفع شود که سهلترین آن جنون و جذام و برص
باشد و اگر شقی باشد از دیوان اشقیا محو کرده و در زمرهٔ سعدا
ثبت شود و اگر بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید با اسم اعظم نزدیکتر
باشد از سیاهی چشم بسفیدیش و اسم اعظم دران داخل باشد و اگر
بعد از نماز صبح و شام پیش از انکه حرف زند با کسی و پا را نگردانَد
بگوید ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا
علیه وسلموا تسلیما اللهم صل علی محمد وذریته خدای تعالی صد حاجت

اورا

اورا مقصود در دنیا و سی در آخرت بر آرد و اگر بعد از نماز صبح و شام بگوید
اللهم انی اسئلك بحق محمد وآل محمد علیك صل علی محمد وآل محمد واجعل
النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص
فی عملی والسعة فی رزقی والسلامة فی نفسی والشکر لك ابدا
ما ابقیتنی از درد چشم ایمن باشد و خیر دنیا و آخرت برای او جمع
شود و اگر بعد از نماز صبح و ظهر بگوید اللهم اجعل صلواتك وصلوة
ملائکتك ورسلك علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم از دنیا نرود
تا بخدمت حضرت صاحب الزمان ع برسد و اگر بعد از نماز صبح پیش از انکه
با کسی حرف زند بگوید رب صل علی محمد واهل بیته خدای تعالی
روی او را از تابش آتش دوزخ نگاه دارد و اگر بعد از نماز صبح
ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم وبحمده لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم از کوری و دیوانگی و جذام و پریشانی و ضعف
پیری ایمن گردد و اگر بعد از نماز صبح این دعا بخواند هر حاجتی
که خواهد بر آورده شود و خدای تعالی کفایت مهمات فرماید
بسم الله وصلی الله علی محمد وآله وافوض امری الی الله ان الله بصیر
بالعباد فوقیه الله سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحانك
انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذالك

و اگر بعد از این دو نماز یکبار گفتم او برا و بنویسید بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد

نُنجی المؤمنین حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمةٍ من الله وفضلٍ
لم یمسسهم سوءٌ ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما
شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله وان کره الناس حسبی الرب من
المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق من المرزوقین
حسبی الذی لم یزل حسبی حسبی من کان مذ کنت حسبی حسبی الله الذی
لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم و هر کس هر روز
بعد از نماز عصر بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن
الرحیم ذا الجلال والاکرام واسئله ان یتوب علی توبة عبدٍ ذلیلٍ
خاضعٍ فقیرٍ بائسٍ مسکینٍ مستجیرٍ لا یملک لنفسه نفعاً ولا ضرّاً
ولا حیوةً ولا موتاً ولا نشوراً خدای تعالی ملکین را فرماید تا نامه گناهان
او را هرچه باشد در آتش سوزانند و هر کس بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه
استغفار کند هفتصد گناهش در آن روز آمرزیده شود و اگر او را
نباشد از مادرش و اگر او را نباشد از پدرش و اگر او را نباشد از
برادرش و اگر او را نبود از خواهرانش و اگر او را نبود از خویشانش
الاقرب فالاقرب و هر کس بعد از نماز عصر ده مرتبه انا انزلناه بخواند
بعدد هر کس نماز عصر گزارده برای او حسنه ثبت نمایند و روایت
دیگر آمده که مثل اعمال همه خلائق برای او ثبت نمایند و روایت شده

کردو آیه

کرد و آیه سوره بقره آمن الرسول تا آخر سوره را خدای تعالی از گنجهای بهشت
فرستاده و دو هزار سال پیش از آنکه خلائق را بیافریند بدست خود
نوشته هر کس بعد از نماز خفتن بخواند مجزی باشد او را از قیام لیل و هر کس
روز جمعه بخواند بعد از نماز صبح پیش از آنکه حرف زند و بگوید اللهم
ما قلت فی جمعتی هذه من قولٍ او حلفت فیها من حلفٍ او نذرت
فیها من نذرٍ فمشیتک بین یدی ذلک کله فما شئت منه ان یکون
کان وما لم تشأ منه لم یکن اللهم اغفر لی وتجاوز عنی اللهم من صلیت
علیه فصلواتی علیه ومن لعنته فلعنتی علیه کفاره گناهانی باشد که
در آن هفته کرده و هر کس بعد از عصر روز جمعه هفت مرتبه بگوید
اللهم صل علی محمد وآل محمد الاوصیاء المرضیین بافضل صلوا
تک وبارک علیهم بافضل برکاتک والسلام علیه وعلیهم
ورحمة الله وبرکاته خدای تعالی برای او صد هزار حسنه ثبت نماید
و صد هزار سیئه از او محو فرماید و صد هزار درجه بلند گرداند و صد هزار
حاجتش بر آرد و بعدد هر کسی او را حسنه باشد و اعمال او در آن روز
مقبول گردد و چون روز قیامت بیاید میان هر دو چشمش نوری
درخشان باشد و چون از نماز و تعقیبات آن فارغ شوند سنت موکد است
سجده شکر کردن که نماز بآن تمام شود و موجب رضای خدا باشد

و ملائکه را از آن خوش آید و خدای تعالی حجاب از میان او و ملائکه بردارد
و گوید ببینید بندهٔ مرا که عبادت من بجای آورد و اکنون سجده میکند
مرا بشکرانهٔ اینکه توفیقش داده‌ام پس جزای آن چه باشد ملائکه گویند
خدایا رحمت تو فرماید دیگر چه گویند بهشت گوید دیگر چه گویند کفایت
مهماتش و همچنین خدای تعالی سوال کند و ملائکه گویند تا آنکه هیچ نماند
مگر آنکه گفته شود باز سوال فرماید گویند خدایا بیش ازین علم ما و فا نکند
پس خدای تعالی فرماید شکر او کنم همچنانکه او شکر من میکند و بفضل
خویش روی با وی کنم و جمال خود با او نمایم و نیز مرویست که خدای تعالی
بحضرت موسی علی نبینا و علیه السلام وحی فرمود و گفت میدانی
بچه سبب ترا بمناجات و کلام خود اختیار نمودم گفت خدایا میدانم
فرمود همه بندگان خود را تجسس کردم و امتحان فرمودم هیچکس متواضعتر
و ذلیل نفس‌تر از تو نیافتم زیرا که چون نماز گزاردی مرد و روی خود
بر خاک نهی و سجدهٔ شکر چنین کنند که مرد و ساعد و سینه و شکم ملاصق
زمین باشد و در سجدهٔ اول صد مرتبه بگوید الحَمْدُ لِلّٰهِ شُکْراً و هر ده
مرتبه یکبار بگوید شُکْراً لِلْمُجِیبِ و چون صد مرتبه تمام شود بگوید یا ذَا المَنِّ
الَّذِی لا یَنْقَطِعُ اَبَداً وَلا یُحْصِیهِ غَیْرُهُ وَیا ذَا المَعْرُوفِ الَّذِی لا یَنْفَدُ
اَبَداً یا کَرِیمُ یا کَرِیمُ پس حاجتی که خواهد بطلبد و بعد از آن بگوید لَکَ الْحَمْدُ

اِنْ اَطَعْتُکَ وَلَکَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَیْتُکَ لا صُنْعَ لِی وَلا لِغَیْرِی فِی اِحْسانٍ مِنْکَ
اِلَیَّ فِی حالِ الْحَسَنَةِ یا کَرِیمُ یا کَرِیمُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَصِلْ
بِجَمِیعِ ما سَئَلْتُکَ مَنْ فِی مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْ
مِناتِ وَابْدَأْ بِهِمْ وَثَنِّ بِی بِرَحْمَتِکَ و چون روی راست بر زمین گذارد
بگوید اَللّٰهُمَّ لا تَسْلُبْنِی ما اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ مِنْ وِلایَتِکَ وَوِلایَةِ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ پس روی چپ بر زمین گذارد و همین بگوید پس بار
دیگر سجده کند و صد مرتبه بگوید که شکراً شکراً طریقهٔ دیگر اینکه در سجدهٔ
اول بگوید اَسْئَلُکَ بِحَقِّ حَبِیبِکَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ اِلّا بَدَّلْتَ
سَیِّئاتِی حَسَناتٍ وَحاسَبْتَنِی حِساباً یَسِیراً و چون روی راست
بر زمین گذارد بگوید اَسْئَلُکَ بِحَقِّ حَبِیبِکَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ
لَمّا غَفَرْتَ لِیَ الْکَثِیرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْقَلِیلَ وَقَبِلْتَ مِنْ عَمَلِیَ الْیَسِیرَ
و چون مرتبه دیگر سجده کند بگوید اَسْئَلُکَ بِحَقِّ حَبِیبِکَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ
عَلَیْهِ وَآلِهِ لَمّا اَدْخَلْتَنِی الْجَنَّةَ وَجَعَلْتَنِی مِنْ سُکّانِها وَلَمّا نَجَّیْتَنِی
مِنْ سَفَعاتِ النّارِ بِرَحْمَتِکَ و اقل سجدهٔ شکر آنست که سه مرتبه بگوید
شُکْراً لِلّٰهِ شُکْراً لِلّٰهِ و چون سر از سجده بردارد سه مرتبه بگوید بِسْمِ
اللّٰهِ الَّذِی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ اَللّٰهُمَّ
اَذْهِبْ عَنِّی الْهَمَّ وَالْحَزَنَ و هر مرتبه دست راست بر موضع سجده بمالد

سر بر زمین گذارد بگوید الا کفیتنی مؤونة الدنیا و کل هول دون الجنة برحمتک ... اسئلک بحق حبیبک محمد صلواتک علیه و آله ...

وبر جانب چپ روی بمالد پس بر روی بکشد تا جانب راست که هم و حزن را
زائل کند و چون از نماز برخیزد بگوید سُبحانَ رَبِّكَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا
يَصِفونَ وَسَلامٌ عَلَى المُرسَلينَ وَالحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمينَ که هر کس آخر
کلامش این بود خدای به بیشترین کیلها او را ثواب دهد و بعدد هر مسلمی
برای او حسنه ثبت نماید فصل نهم در فضائل اذکار ساعات شبانه روزی
و اوراد صبح و شام و ذکر فضائل شبانه روز جمعه و ادعیه مخصوص بآن
در میان لیالی و ایام از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که هیچ روز
بر بنی آدم وارد نشود مگر آنکه گوید ای آدمی زاد من روزی تازه ام و شاهد
اعمال توام پس تا من با توام هرچه گوئی خیر گوی و هرچه کنی خیر کن تا روز
قیامت شاهد تو باشم و چون از تو جدا شوم دیگر ترا بر من دسترس
نباشد و هم از ایشان ع مرویست که شیطان لعنه الله هر روز از
طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب شفق مغرب
جنود و اتباع خود را در زمین منتشر سازد برای اضلال مردمان
پس درین دو وقت ذکر خدا بسیار کنید و خود و کودکان خود را
پناه بخدا دهید و استعاذه نمائید تا از کید و شر شیطان محافظت
فرماید که این دو ساعت غفلتند و هم از ایشان ع مرویست که خدای تعالی
فرماید یکساعت بعد از صبح و یکساعت بعد از عصر ذکر من کنید

تا من کفایت

تا من کفایت مهمات شما نمایم و نیز فرموده اند چون آفتاب بلند شود ذکر خدا کنید
واگر با جمعی باشید که شما را مشغول سازند از میان ایشان برخیزید و مشغول
ذکر و دعا شوید در وقت طلوع صبح بگوید اَلحَمدُ لِلّٰهِ فالِقِ الاِصباحِ
سُبحانَ رَبِّ المَساءِ وَرَبِّ الصَّباحِ اَللّٰهُمَّ صَبِّحْ آلَ مُحَمَّدٍ بِبَرَكَةٍ وَعافِيَةٍ
وَسُعودٍ وَقُرَّةِ عَينٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تُنزِلُ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ ما تَشاءُ فَاَنزِلْ
عَلَيَّ وَعَلى اَهلِ بَيتي مِن بَرَكَةِ السَّمٰواتِ وَالاَرضِ رِزقاً حَلالاً طَيِّباً
تُغنيني بِهِ عَن جَميعِ خَلقِكَ و از جمله ادعیه مخصوص صبح دعائیست
عظیم الفضائل جسیم الفواضل شریف المضامین منسوب بحضرت امیر المؤمنین ع
اَللّٰهُمَّ يا مَن دَلَعَ لِسانَ الصَّباحِ بِنُطقِ تَبَلُّجِهِ وَسَرَّحَ قِطَعَ اللَّيلِ
المُظلِمِ بِغَياهِبِ تَلَجلُجِهِ وَاَتقَنَ صُنعَ الفَلَكِ الدَّوّارِ في مَقاديرِ
تَبَرُّجِهِ وَشَعشَعَ ضِياءَ الشَّمسِ بِنورِ تَاَجُّجِهِ يا مَن دَلَّ عَلى ذاتِهِ
بِذاتِهِ وَتَنَزَّهَ عَن مُجانَسَةِ مَخلوقاتِهِ وَجَلَّ عَن مُلائَمَةِ كَيفِيّاتِهِ
يا مَن قَرُبَ مِن خَواطِرِ الظُّنونِ وَبَعُدَ عَن مُلاحَظَةِ العُيونِ وَعَلِمَ
بِما كانَ قَبلَ اَن يَكونَ يا مَن اَرقَدَني في مِهادِ اَمنِهِ وَاَمانِهِ وَاَيقَظَني
اِلى ما مَنَحَني بِهِ مِن مِنَنِهِ وَاِحسانِهِ وَكَفَّ اَكُفَّ السّوءِ عَنّي بِيَدِهِ
وَسُلطانِهِ صَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَى الدَّليلِ اِلَيكَ فِي اللَّيلِ الاَليَلِ وَالمُتَمَسِّكِ
والماسك نخ
مِن اَسبابِكَ بِحَبلِ الشَّرَفِ الاَطوَلِ وَالنّاصِعِ الحَسَبِ في ذِروَةِ الكاهِلِ

الاغبش والثابت القدم على زحاليفها في الزمن الاول وعلى آله الاخيار
المصطفين الابرار وافتح اللهم لي مصاريع الصباح بمفاتيح
الرحمة والفلاح والبسني بافضل خلع الهداية والصلاح واغرس
اللهم لعظمتك في شرب جناني ينابيع الخشوع واجر لهيبتك من آماقي
زفرات الدموع وادب نزق الخرق مني بازمة القنوع الهي ان لم
تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق فمن السالك بي اليك في واضح
الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد الامل والمنى فمن المقيل عثراتي
من كبوات الهوى وان خذلني نصرك عند محاربة النفس والشيطان
فقد وكلني خذلانك الى حيث النصب والحرمان الهي اتراني ما اتيتك
الا من حيث الآمال ام علقت باسباب حبالك انامل ولائي الا
حين باعدتني ذنوبي عن دار الوصال فبئس المطية التي امتطت
نفسي من هواها فواها لها لما سولت لها ظنونها ومناها وتبا لها
لجرأتها على سيدها ومولاها الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي
وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائي وعلقت باطراف حبالك
انامل ولائي فاصفح اللهم عما كان من زللي وخطائي واقلني
اللهم عما كان من صرعة ردائي فانك سيدي ومولاي ومعتمدي
ورجائي في منقلبي ومثواي وانت غاية مناي الهي كيف تطرد

المجيبين صح
اللهم من صح
اللهم صح
اللهم صح
كبوة صح
باطراف صح
وعسرة بلائي صح

مسكينا

مسكينا التجأ اليك من الذنوب هاربا ام كيف ترد ظمآنا ورد الى حياضك
شاربا كلا وحياضك مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب
والوغول وانت غاية السؤل ونهاية المأمول الهي هذه ازمة نفسي
عقلتها بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها برحمتك وهذه
الاهواء المضلة وكلتها الى جناب لطفك ورحمتك فاجعل اللهم
صباحي هذا نازلا علي بضياء الهدى والسلامة في الدين والدنيا
ومسائي جنة من كيد العدى ووقاية من مرديات الهوى انك قادر
على كل شيء قدير وبالاجابة جدير اللهم مالك الملك تؤتي الملك
من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء
بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار
في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من
تشاء بغير حساب الهي من ذا يعرف قدرك فلا يخافك ومن ذا
يعلم ما انت فلا يهابك الفت بقدرتك الفرق وفلقت برحمتك
الفلق وانرت بكرمك دياجي الغسق وانهرت المياه من الصم
الصياخيد عذبا واجاجا وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت
الشمس والقمر للبرية سراجا وهاجا من غير ان تمارس فيما ابتدأت به
لغوبا ولا علاجا فيا من توحد بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت

البكاء صح
اهوائي صح
ما تشاء تؤتي الملك صح
لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك جل ثناؤك صح

وَ الْفَنَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْاَتْقِيَاءِ وَ اسْتَمِعْ نِدَائِي وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي وَ حَقِّقْ
بِفَضْلِكَ اَمَلِي وَ رَجَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ وَ الْمَأْمُولِ
لِكُلِّ عُسْرٍ وَ يُسْرٍ بِكَ اَنْزَلْتُ حَاجَتِي فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سَنِيِّ مَوَاهِبِكَ خَائِبًا
يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَ مَظْهَرِ لُطْفِهِ
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا و نيز اين دعا از صحيفه كامله برسم
بجا آنكه فضائل بجد و فواضل بعيد دارد الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ
وَ النَّهَارَ بِقُدْرَتِهِ تا آخر و نيز در صباح اين دعا بخوانند كه مرويست از
امامين همامين موسى بن جعفر و على بن موسى الرضا عليهم السلام بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوبِي وَ كَثْرَتَهَا قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَ حَجَبَتْنِي
عَنِ اسْتِيهَالِ رَحْمَتِكَ وَ بَاعَدَتْنِي عَنِ اسْتِيجَابِ مَغْفِرَتِكَ وَ لَوْ لَا تَعَلُّقِي بِآلَا
ئِكَ وَ تَمَسُّكِي بِالرَّجَاءِ لِمَا وَعَدْتَ اَمْثَالِي مِنَ الْمُسْرِفِينَ وَ اَشْبَاهِي مِنَ
الْخَاطِئِينَ بِقَوْلِكَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اَسْرَفُوا عَلَى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا
مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
وَ حَذَّرْتَ الْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ فَقُلْتَ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ
اِلَّا الضَّالُّونَ ثُمَّ نَدَبْتَنَا بِرَحْمَتِكَ اِلَى دُعَائِكَ فَقُلْتَ ادْعُونِي اَسْتَجِبْ
لَكُمْ اِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ لَكَانَ
ذُلُّ الْاِيَاسِ عَلَيَّ مُشْتَمِلًا وَ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ بِي مُلْتَحِفًا اِلٰهِي وَعَدْتَ

المحسن

الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ ثَوَابًا اللّٰهُمَّ وَ قَدْ اَسْبَلَ دَمْعِي حُسْنُ الظَّنِّ بِكَ فِي عِتْقِ رَقَبَتِي
مِنَ النَّارِ وَ تَغَمُّدِ زَلَلِي وَ اِقَالَةِ عَثْرَتِي قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا خُلْفَ
لَهُ وَ لَا تَبْدِيلَ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ ذٰلِكَ يَوْمُ النُّشُورِ اِذَا
نُفِخَ فِي الصُّورِ وَ بُعْثِرَ مَنْ فِي الْقُبُورِ اللّٰهُمَّ اِنِّي اُقِرُّ وَ اَشْهَدُ وَ اَعْتَرِفُ
وَ لَا اَجْحَدُ وَ اُسِرُّ وَ اُظْهِرُ وَ اُعْلِنُ وَ اُبْطِنُ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ اَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ قَاتِلُ الْمُشْرِكِينَ وَ اِمَامُ الْمُتَّقِينَ
وَ مُجَاهِدُ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ اِمَامِي وَ حُجَّتِي وَ عُرْوَتِي
وَ صِرَاطِي وَ دَلِيلِي وَ مَحَجَّتِي وَ مَنْ لَا اَثِقُ بِالْاَعْمَالِ وَ اِنْ زَكَتْ وَ لَا اَرَاهَا مُنْجِيَةً
لِي وَ اِنْ صَلُحَتْ اِلَّا بِوِلَايَتِهِ وَ الْاِيتِمَامِ بِهِ وَ الْاِقْرَارِ بِفَضَائِلِهِ وَ الْقَبُولِ
مِنْ حَمَلَتِهَا وَ التَّسْلِيمِ لِرُوَاتِهَا اللّٰهُمَّ وَ اُقِرُّ بِاَوْصِيَائِهِ مِنْ اَبْنَائِهِ اَئِمَّةً
وَ حُجَجًا وَ اَدِلَّةً وَ سُرُجًا وَ اَعْلَامًا وَ مَنَارًا وَ سَادَةً وَ اَبْرَارًا وَ اُؤْمِنُ
بِسِرِّهِمْ وَ جَهْرِهِمْ وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ
لَا شَكَّ فِي ذٰلِكَ وَ لَا ارْتِيَابَ وَ لَا تَحَوُّلَ عَنْهُ وَ لَا انْقِلَابَ اللّٰهُمَّ فَادْعُنِي
يَوْمَ حَشْرِي وَ حِينَ نَشْرِي بِاِمَامَتِهِمْ وَ احْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَ اكْتُبْنِي
فِي اَصْحَابِهِمْ وَ اجْعَلْنِي مِنْ اِخْوَانِهِمْ وَ اَنْقِذْنِي بِهِمْ مِنْ حَرِّ النِّيرَانِ وَ لَا
تَرْزُقْنِي رَوْحَ الْجِنَانِ فَاِنَّكَ اِنْ اَعْتَقْتَنِي مِنَ النَّارِ كُنْتُ مِنَ الْفَائِزِينَ

اللهم وقد اصبحت في يومي هذا ولا ثقة لي ولا رجاء ولا مفزع ولا ملجأ ولا منجأ
ولا ملتجأ غير من توسلت بهم اليك وهم رسولك وآله علي امير المؤمنين
وسيدتي فاطمة الزهراء سيدة النساء والحسن والحسين وعلي ومحمد
وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن ومقيم الحجة من بعدهم
الحجة المستورة من ولدهم والمرجو للامة من ذريتهم صلواتك عليهم السلام
اللهم فاجعلهم في هذا اليوم وما بعده حصني من المكاره ومعقلي
من المخاوف ونجني بهم من كل عدو وطاغ وفاسق وباغ ومن
شر ما اعرف وما انكر وما استتر علي وما ابصر ومن شر كل دابة
ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم اللهم فبتوسلي بهم اليك
وتقربي بمحبتهم وتحصني بامامتهم افتح علي في هذا اليوم
ابواب رزقك وانشر علي رحمتك ومغفرتك وحببني الى خلقك
وجنبني عداوتهم وبغضهم انك على كل شيء قدير اللهم ولكل متوسل
ثواب ولكل ذي شفاعة حق فاسئلك بمن جعلتهم اليك سببي وقدمتهم
امام طلبتي ان تعرفني بركة يومي هذا وشهري هذا وعامي هذا
اللهم فهم مفزعي ومعولي في شدتي ورخائي وعافيتي وبلائي
ونومي ويقظتي وظعني واقامتي وعسري ويسري وعلانيتي
وسري وصباحي ومسائي ومنقلبي ومثواي اللهم فلا تخيبني

متقربا الى رسولك محمد صلى الله عليه وآله ثم علي امير المؤمنين
كمن بعدهم
خيرتك
عليه وم
عيني
انت
شفاعتي
جعلته
وقدمتهم
ومعونتي
وظعني
وجهري
... خود را در آخرت
... خود را در دنيا

بهم

بهم من نائلك ولا تخلني هم من نعمتك ولا تقطع رجائي من رحمتك ولا تؤيسني
من روحك ولا تبتلني بانغلاق ابواب الرزق وانسداد مسالكها
وارتتاج مذاهبها وافتح لي من لدنك فتحا يسيرا واجعل لي من كل ضنك
مخرجا والى كل سعة منهجا برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم واجعل الليل
والنهار مختلفين علي برحمتك ومعافاتك ومنك وفضلك ولا تفقرني
الى احد من خلقك برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير وبكل شيء
محيط پوشیده نباشد که برای شیعیان و دوستان اهل بیت این دعا
وامثال این افضل همه ادعیه و اوراد و اکمل همه وسائل و اذکار است بسبب
اشتمال آن بر توسل بحبل المتین ولایت و تمسک بعروة الوثقی امامت ایشان
که معیار هر شرف و سعادت و مدار قبول عبادتست و هر کس هر روز بعد از
نماز صبح این دعا بخواند از جمله انصار حضرت صاحب الزمان
صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت
بمیرد در آنزمان خدای تعالی زنده گرداند و بعدد هر کلمه هزار حسنه
عطا فرماید و هزار سیئه محو فرماید دعا اینست بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع ورب البحر
المسجور ومنزل التورية والانجيل والزبور ورب الظل
والحرور ومنزل الفرقان العظيم ورب الملائكة المقربين

الارزاق
ولا تبتلني
وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين آمين رب العالمين
حسبنا الله ونعم الوكيل

والانبياء والمرسلين اللهم اني اسئلك بوجهك الكريم وبنور وجهك المنير
وملكك القديم يا حي يا قيوم اسئلك باسمك الذي اشرقت به السموات
والارضون وباسمك الذي صلح به الاولون والاخرون يا حي لا حي
قبل كل حي ويا حي بعد كل حي يا حي حين
يا محيي الموتى ومميت الاحياء يا حي يا لا اله الا انت صل على محمد
وال محمد وعجل اللهم فرجهم اللهم بلغ مولانا الامام الهادي المهدي
الحجة القائم بامرك صلواتك عليه وعلى ابائه الطاهرين عن جميع
المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها وسهلها وجبلها
وبرها وبحرها وحيهم وميتهم وعني وعن والدي واهلي واخواني
وولدي من الصلوات والتحيات زنة عرشك وعدد كلماتك وما
احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم اني اجدد له في صبيحة
يومي هذا وما عشت فيه من ايام حيوتي عهدا وعقدا وبيعة
له في عنقي لا احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلني من انصاره واعوانه
الذابين عنه والمسارعين في حوائجه والممتثلين لاوامره ونواهيه
والسابقين الى ارادته والمجاهدين معه والحامين عنه
والمستشهدين بين يديه اللهم فان حال بيني وبينه الموت الذي
جعلته على عبادك حتما مقضيا فاخرجني من قبري مؤتزرا كفني
شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا دعوة الداعي في الحاضر والبادي
اللهم

اللهم ارني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل مرهي بنظرة مني
اليه وعجل فرجه وسهل مخرجه واوسع منهجه واسلكني محجته
وانفذ امره واشدد ازره وقو ظهره وطول عمره واعمر اللهم به
بلادك واحي به عبادك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد في
البر والبحر بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن وليك
وابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك صلواتك عليه واله في الدنيا
والاخرة حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه ويحق الله الحق
ويحققه اللهم واجعله مفزعا للمظلوم من عبادك وناصرا
لمن لا يجد له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من احكام كتابك
ومشيدا لما ورد من اعلام دينك وسنن نبيك محمد صلى الله عليه
واله واجعله اللهم ممن حصنته من باس المعتدين اللهم وسر
نبيك محمدا صلواتك عليه برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم
استكانتنا من بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة
بحضوره وعجل اللهم ظهوره انهم يرونه بعيدا ونريه قريبا برحمتك
يا ارحم الراحمين بعد از ان سه مرتبه دست بر زانوی راست زند وبگويد
العجل العجل العجل يا مولاي يا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث
صلوات الله عليك انا المنتظر لك حتى يمكنني الله من دولتك

وَسَعَادَتِكَ وَيُمْنِكَ وَبَرَكَتِكَ يَا مَوْلَايَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ السَّاعَةَ

السَّاعَةَ السَّاعَةَ و بعد از ان بسیار بگوید یا صاحب الزمان الامان

الامان الامان الغوث الغوث الغوث ادرکنی بحقک و بحق آبائک

الطاهرین المعصومین المکرمین و از اهل بیت طاهرین ع مرویست که

سه چیز هست که همه پیغمبران از آدم تا حضرت خاتم از یکدیگر میراث کرده اند

و آن اینست که هر صبح بگویند اللهم انی اسئلک ایمانا تباشر به قلبی

و یقینا حتی اعلم انه لا یصیبنی الا کتبت لی و رضاء بما قسمت لی

و در بعضی روایات این عبارت نیز زیاده بران آمده حتی لا

احب تعجیل ما اخرت و لا تاخیر ما عجلت یا حی یا قیوم برحمتک

استغیث اصلح لی شانی کله و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا

و صلی الله علی محمد و آله و هر کس هر روز پیش از طلوع آفتاب بگوید

الله اکبر الله اکبر کبیرا و سبحان الله بکرة و اصیلا و الحمد لله

رب العالمین کثیرا لا شریک له و صلی الله علی محمد و آله فرشته

آنرا بگیرد و در میان بال خویش گذاشته بآسمان رود و چون بآسمان

دنیا رود ملائکه گویند با خود چه داری گوید این کلماترا که مومنی

گفته پس ملائکه دعا کنند و گویند خدای تعالی بران مومن رحمت کند

و گناهانش بیامرزد و همچنین هر آسمان که رسد ملائکه آن آسمان

همین

همین دعا کنند تا انکه بحاملان عرش رسد ایشان نیز این دعا کنند

و گویند برین کلمات را بخزینه داران قول مومنان بسپار تا در دیوان

خزینه ثبت نمایند که این از کلمات خزینه هست و هر کس در صبح و عصر

سه مرتبه بخواند اللهم صل علی محمد و آل محمد فی الاولین و صل علی

محمد و آل محمد فی الاخرین و صل علی محمد و آل محمد فی المرسلین اللهم اعط

محمدا الوسیلة و الفضیلة و الشرف و الرفعة و الدرجة الکبیرة

اللهم انی امنت بمحمد و لم اره فلا تحرمنی یوم القیمة رؤیته و ارزقنی

صحبته و توفنی علی ملته و اسقنی من ماء حوضه مشربا رویا

سائغا هنیئا لا اظمأ بعده ابدا انک علی کل شیء قدیر اللهم

کما امنت بمحمد و لم اره فعرفنی فی الجنان وجهه اللهم

بلغ روح محمد عنی تحیة کثیرة و سلاما گناهانش فرو ریزد و خطا

هایش محو گردد و سرورش دایم شود و بر دشمنان نصرت یابد و اسباب

خیرات برای او مهیا شود و آرزویش برآید و روزیش وسیع گردد

و در بهشت از رفقای آل محمد و آل محمد باشد و از حضرت امام جعفر

صادق ع مرویست که سنتی و حسنتیست پیش از طلوع و پیش از غروب آفتاب

ده مرتبه خواندن این تهلیل لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک

و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء

قدیر و بعد از آن ده مرتبه این استعاذه بگوید اعوذ بالله السمیع
العلیم من همزات الشیاطین واعوذ بالله ان یحضرون ان الله
هو السمیع العلیم و اگر فراموش شود قضا کنند همچنانکه نماز را
قضا می‌کنند و در روایت دیگر آمده که هر کس این تهلیل ده مرتبه
پیش از طلوع و غروب آفتاب بخواند گناهانش آمرزیده شود و هر کس
پیش از طلوع آفتاب صد مرتبه الله اکبر بگوید همچنانست که صد بنده آزاد
کند و هر کس هر صبح و شام سه مرتبه بگوید سبحان الله حین تمسون
وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین
تظهرون در آن شبانه روز هیچ چیزی از و فوت نشود و هیچ شری
باو نرسد و هر کس هر صبح و شام چهار مرتبه بگوید الحمد لله
رب العالمین شکر آن شبانه روز بجا آورده باشد مرویست که کسی
با بو درد اگفت آتش افتاده و خانهات سوخته گفت خانهٔ من سوخته
دیگری آمد و همین خبر آورد و دیگری نیز آمده همین خبر آوردند و هر سه
همین جواب شنیدند چون معلوم شد خانهای حوالی خانهٔ او همه سوخته
بود و خانهٔ او در میان سالم مانده پرسیدند چون دانستی که خانهات
نسوخته گفت از حضرت پیغمبر صلی الله شنیدم که هر کس هر صبح و شام
بگوید اللهم انت ربی لا اله الا انت علیک توکلت وانت رب العرش

العظیم

العظیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله کان وما لم یشا
لم یکن اعلم ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما
اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی ومن شر کل دابة انت اخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم در آن شبانه روز هیچ آفت بوی نرسد
و من این گفته بودم و نیز هر صبح و شام این دعا سه مرتبه بخواند
اصبحت اللهم معتصما بذمامک المنیع الذی لا یحاول ولا یطاول
من سائر — من شر کل غاشم وطارق من خلقت وما خلقت من خلقک الصامت
والناطق فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بیت
الی اذیتهم — نبیک علیه وعلیهم السلام ومحتجبا من کل قاصد لی بجد
حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقهم والتمسک بحبلهم موقنا
ان الحق معهم وفیهم وبهم اوالی من والوا واجانب من جانبوا فصل
علی محمد وآل محمد واعذنی اللهم بهم من شر کل ما اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی
عنی ببدیع السموات والارض انا جعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و در وقت شام بجای
اصبحت امسیت بگوید از همه مخاوف و مکاره ایمن شود انشاء الله
تعالی و از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که اگر همه چیز را ترک کنی
این دعا را در صبح و شام ترک مکن اللهم انی اصبحت استغفرک فی

هذا الصباح وفي هذا اليوم لاهل رحمتك وابرء اليك من اهل لعنتك
اللهم اني اصبحت ابرء اليك في هذا اليوم وفي هذا الصباح ممن نحن
بين ظهرانيهم من المشركين ومما كانوا يعبدون انهم كانوا قوم
سوء فاسقين اللهم اجعل ما انزلت من السماء الى الارض في هذا
الصباح وفي هذا اليوم بركة على اوليائك وعقابا على اعدائك
اللهم وال من والاك وعاد من عاداك اللهم اختم لي بالامن والايمان
كلما طلعت شمس او غربت اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما
كما ربياني صغيرا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات
الاحياء منهم والاموات انك تعلم متقلبهم ومثويهم اللهم احفظ
امام المسلمين بحفظ الايمان وانصره نصرا عزيزا وافتح له
فتحا يسيرا قريبا واجعل له ولنا من لدنك سلطانا نصيرا اللهم
العن ابا بكر وعمر والفرق المختلفة على رسولك وولاة الامر
بعد رسولك والائمة من بعده وشيعتهم واسئلك الزيادة من فضلك
والاقرار بما جاء من عندك والتسليم لامرك والمحافظة على
ما امرت به لا ابتغي به بدلا ولا اشتري به ثمنا قليلا اللهم اهدني
فيمن هديت وقني شر ما قضيت انك تقضي ولا يقضى عليك
ولا يذل من واليت تباركت وتعاليت سبحانك رب البيت تقبل مني

دعائي وما تقربت به اليك من خير فضاعفه لي اضعافا كثيرة واتنا
من لدنك اجرا عظيما رب ما احسن ما ابليتني واعظم ما اعطيتني
واطول ما عافيتني واكثر ما سترت علي فلك الحمد يا الهي كثيرا طيبا
مباركا عليه ملاء السموات والارض وملاء ما شاء ربي وكما يحب
ربي ويرضى وكما ينبغي لوجه ربي ذي الجلال والاكرام وچون اين دعا را
در وقت شام بگويد در همه مواضع بجاى اصبحت امسيت و بجاى اليوم
هذا الليل و بجاى طلعت شمس او غربت هذا المساء هذا الصباح طلعت گويند
و نيز هر صبح و شام بگويد الحمد لله الذي يفعل ما يشاء ولا يفعل
ما يشاء غيره الحمد لله الذي كما يحب الله والحمد لله كما هو اهله اللهم
ادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وال محمد واخرجني من كل
سوء اخرجت منه محمدا وال محمد صلى الله على محمد وال محمد و مرويست
كه حضرت پيغمبر چون آفتاب را بر سر كوه ديدى كه زرد شده گريه بر چشم
مباركش روان شدى و گفتى امسى ظلمي مستجيرا بعفوك وامست
ذنوبي مستجيرة بمغفرتك وامسى خوفي مستجيرا بامانك وامسى ذلي
مستجيرا بعزك وامسى فقري مستجيرا بغناك وامسى وجهي الفاني
مستجيرا بوجهك الدائم الباقي اللهم البسني عافيتك وغشني برحمتك
وجللني كرامتك وقني شر خلقك من الجن والانس يا الله يا رحمن يا رحيم

مرویست که در وقت ظهر گفتن این تسبیح را محافظت نمای همچنانکه چشم خود را
محافظت می کنی سُبحانَ اللهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَالحَمدُ لِلّهِ الَّذی لَم یَتَّخِذ
وَلَدًا وَلَم یَکُن لَهُ شَریکٌ فِی المُلکِ وَلَم یَکُن لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرهُ تَکبیرًا
اما فضائل شبانه روز جمعه و اوراد آن مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که هیچ روز آفتاب نکند افضل از روز جمعه و سید روزهاست و خدای تعالی
در روز جمعه حسنات را مضاعف کند و سیئات محو نماید و درجات
بلند گرداند و دعوات اجابت فرماید و بلیات رفع کند و حاجات
عظیم برآورد و رحمت و فضل زیاده گرداند و هیچ کس درین روز دعا نکند
و طلب ننماید و حال انکه حق و حرمت این روز را شناسد مگر اینکه بر خدا
لازم باشد که او را از آتش آزاد گرداند پس اگر در روز جمعه یا شب آن
بمیرد شهید باشد و از عذاب قبر و آتش دوزخ ایمن باشد و هر قدر
توانند درین روز طاعات و عبادات و سائر خیرات زیاده کنند که
ثواب حسنات مضاعف باشد و ترک معاصی و مناهی و جمیع ملاهی نمایند
که عقوبت سیئات مضاعف گردد و بسا باشد که مومنی دعا کند
و خدای تعالی تاخیر اجابت آن کند تا روز جمعه دیگر برای فضیلت
آن روز و شب جمعه نیز در فضل و شرف مثل روزش باشد و خدای تعالی
هر شب جمعه از اول شب تا طلوع صبح از بالای عرش ندا کند و گوید

ای

ای بندهٔ مومنی که حاجتی داری برای آخرت یا دنیا طلب نمای تا اجابت
کنم و اگر گناهی کردهٔ استغفار نمای تا قبول نمایم و اگر معاشت تنگ
بود سوال نمای تا زیاده فرمایم و اگر بیماری دعا کن تا شفا دهم و اگر محبوس
و مغموم باشی استغاثه کن تا نجات دهم و اگر مظلوم باشی استغاثه
کن تا نصرت دهم و در ثلث آخر هر شب و در شب جمعه از اول شب تا طلوع
صبح ملکی را فرستد تا از جانب جناب او ندا کند و گوید هر کس را
حاجتی باشد بخواهد تا اجابت شود و اگر گناهی کرده توبه نماید تا مقبول
گردد ای طالبان خیر مشغول خیر شوید و ای طالبان شر ترک شرور
نمائید و چون صبح طلوع کند بمقام خود در ملکوت سما رجوع
نماید و مستحب است در روز جمعه بجهة عیال و اطفال میوه و تحفه تازه
که در روزهای دیگر نبوده باشد آوردن تا درین روز شاد
و خوشحال باشند و محبت شان با آن زیاده گردد و هر کس استخفاف
بحرمت این روز کند و حق آن ضایع گرداند بر خدای لازم باشد
که او را بجهنم برد مگر انکه توبه کند و اگر درین روز یک بیت شعر
بخواند نصیبش از فضائل آن همان باشد و افضل اعمال درین شبانه روز
جمعه صلواة فرستادنست بر پیغمبر و آلش چون عصر پنجشنبه شود
ملائکه از آسمان نازل شوند بعدد مور با قلمهای طلا و لوحهای نقره

و تا شب شنبه کار ایشان همین باشد که هر کس صلوة فرستد نویسند و این
ملائکه در روزهای دیگر نازل نشوند و سنت است روز جمعه هزار مرتبه
و سایر روزها صد مرتبه صلوة فرستادن و هر کس هر شب جمعه سوره
بنی اسرائیل بخواند از اصحاب حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه گردد
و هر کس هر شب جمعه یا روز جمعه بعد از عصر سوره کهف بخواند تا جمعهٔ دیگر
محفوظ باشد و اگر هر شب جمعه بخواند درجهٔ شهدا یابد و در زمرهٔ
شهدا محشور شود و کفاره گناهانش باشد از جمعه سابق تا این جمعه.
و هر کس هر شب جمعه یا هر شب عید فطر و اضحی ده مرتبه بگوید یا دائم
الفضل علی البریة یا باسط الیدین بالعطیة یا صاحب المواهب السنیة صل علی محمد و آله خیر الوری سجیة و اغفر لنا
یا ذا العلی فی هذه العشیة هزار هزار حسنه برای او ثبت نمایند
و هزار هزار سیئه محو فرمایند و هزار هزار درجه بلند گردانند
و چون روز قیامت شود با ابراهیم خلیل در مجلس مزاحمت نماید و روزه
این روز برابر است با ده روز از روزهای مبارک و مستحب است روز
جمعه زیارت حضرت پیغمبر و اهل بیتش و چون خواهد زیارت کند
غسل کند و جامهای پاکیزه بپوشد و بصحرا بیرون رود و در روایت
دیگر بربام خانه و در روایت دیگر در اندرون خانه که کسی نه بیند نیز

آمده

آمده و چهار رکعت نماز نیز بگزارد پس روی بقبله بایستد و بگوید السلام
علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علیک ایها النبی
المرسل و الوصی المرتضی و السیدة الکبری و السیدة الزهرا
و السبطان المنتجبان و الاولاد الاعلام و الامناء المنتجبون جئت
انقطاعا الیکم و الی آبائکم و ولدکم الخلف علی برکة الحق فقلبی
لکم مسلم و نصرتی لکم معدة حتی یحکم الله لدینه فمعکم معکم
لا مع عدوکم انی لمن القائلین بفضلکم مقر برجعتکم لا انکر
لله قدرة و لا ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذی الملک و الملکوت
یسبح الله باسمائه جمیع خلقه و السلام علی ارواحکم و اجسادکم
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته و مستحب است روز جمعه انواع
تطهیر و تنظیف و تعطیر چنانکه بتفصیل در باب اول بیان شد و بهترین
جامها که مقدور باشد پوشیدن و با سکینه و وقار متوجه مسجد شدن
و چون تهیهٔ نماز و متوجه مسجد شود بگوید اللهم من تهیأ و تعبأ
و اعد و استعد لوفادة الی مخلوق رجاء رفده و طلب نائله
و جوائزه و فواضله فالیک یا سیدی وفادتی و تهیئتی و تعبئتی
و اعدادی و استعدادی رجاء رفدک و جوائزک و نوافلک
فلا تخیب الیوم رجائی یا من لا یخیب علیه سائل و لا ینقصه

نائل فان لم آتك اليوم بعمل صالح قدمته ولا شفاعة مخلوق رجوته
ولكن اتيتك مقرا بالظلم والاساءة لا حجة لي ولا عذر فاسئلك
يا رب ان تعطيني مسالتي وتقلبني برغبتي ولا تردني مجبوها ولا خائبا
يا عظيم يا عظيم يا عظيم ارجوك للعظيم اسئلك يا عظيم ان تغفر
لي العظيم لا اله الا انت اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني خير
هذا اليوم الذي شرفته وعظمته وتغسلني فيه من جميع ذنوبي
وخطاياي وزدني من فضلك انك انت الوهاب و در روز جمعه دو
ساعتست كه دعا در آن البته مستجاب شود يكى وقت زوال و دوم آخر روز
تا آنكه آفتاب غروب كند و مستحبست در ساعت آخر اين روز خواندن
دعاى سمات مرويست از حضرت امام همام محمد بن على الباقر عليهما السلام
كه اين دعا از عميق مكنون و مخزون علمست پس براى حاجات و مشكل دشمنان
بخوانيد و با اطفال و سفها و ظالمان اظهار آن مكنيد و اگر قسم ياد كنم
كه اسم اعظم درين دعاست راست گفته باشم و دعا اينست اللهم
اني اسئلك باسمك العظيم الاعظم الاعز الاجل الاكرم الذي
اذا دعيت به على مغالق ابواب السماء للفتح انفتحت واذا
دعيت به على مضائق ابواب الارض للفرج انفرجت واذا دعيت
به على العسر لليسر تيسرت واذا دعيت به على الاموات للنشور

بالرحمة

انتشرت

انتشرت واذا دعيت به على كشف البأساء والضراء انكشفت وبجلال
وجهك الكريم اكرم الوجوه واعز الوجوه الذي عنت له الوجوه وخضعت
له الرقاب وخشعت له الاصوات ووجلت له القلوب من مخافتك
وبقوتك التي تمسك بها السماء ان تقع على الارض الا باذنك و
تمسك السموات والارض ان تزولا وبمشيتك التي دان لها العالمون
وبكلمتك التي خلقت بها السموات والارض وبحكمتك التي صنعت بها
العجائب وخلقت بها الظلمة وجعلتها ليلا وجعلت الليل سكنا
وخلقت بها النور وجعلته نهارا وجعلت النهار نشورا مبصرا
وخلقت بها الشمس وجعلت الشمس ضياء وخلقت بها القمر
وجعلت القمر نورا وخلقت بها الكواكب وجعلتها نجوما وبروجا
ومصابيح وزينة ورجوما وجعلت لها مشارق ومغارب وجعلت
لها مطالع ومجاري وجعلت لها فلكا ومسابح وقدرتها في
السماء منازل فاحسنت تقديرها وصورتها فاحسنت تصويرها
واحصيتها باسمائك احصاء ودبرتها بحكمتك تدبيرا فاحسنت
تدبيرها وسخرتها بسلطان الليل وسلطان النهار وعرفت بها
عدد السنين والحساب وجعلت رؤيتها لجميع الناس مرأى
واحدا واسئلك اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك ورسولك

موسى بن عمران عليه السلام في المقدسين وفوق احساس الكروبيين
وفوق غمائم النور وفوق تابوت الشهادة في عمود النار وفي
طور سيناء وفي جبل حوريث في الوادي المقدس في البقعة المبا
ركة من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر بتسع ايات
بينات ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات التي صنعت
بها العجائب في بحر سوف وعقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت
ببني اسرائيل البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا واورثتهم
مشارق الارض ومغاربها التي باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون
وجنوده ومراكبه في اليم وباسمك العظيم الاعظم الاعز
الاجل الاكرم وبمجدك الذي تجليت به لموسى كليمك عليه السلام
في طور سيناء ولابرهيم خليلك عليه السلام من قبل في مسجد
الخيف ولاسحق صفيك عليه السلام في بئر شيع وليعقوب
نبيك عليه السلام بميثاقك ولاسحق عليه السلام بشهادتك
وللمؤمنين بوعدك وللداعين باسمائك فاجبت وبمجدك الذي
ظهر لموسى بن عمران على قبة الرمان وباياتك التي وقعت على ارض
مصر بمجد العزة والغلبة بايات عزيزة وبسلطان القوة وبعزة
القدرة وبشان الكلمة التامة وبكلماتك التي تفضلت بها على

في بيت ايل واوفيت لابراهيم عليه السلام

بحلفك وليعقوب عليه السلام

اهل

91

اهل السموات والارض واهل الدنيا والاخرة وبرحمتك التي مننت
بها على جميع خلقك وباستطاعتك التي اقمت بها العالمين
وبنورك الذي قد خر من فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريا
ئك وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها الارض وانخفضت لها
السموات وانزجر لها العمق الاكبر وركدت لها البحار والانهار
وخضعت لها الجبال وسكنت لها الارض بمناكبها واستسلمت
لها الخلائق وخفقت لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران
في اوطانها وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة دهر الدهور
وحمدت به في السموات والارضين وبكلمتك كلمة الصدق التي
سبقت لابينا ادم وذريته بالرحمة واسئلك بكلمتك التي غلبت
كل شيء وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر موسى
صعقا وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك
ورسولك موسى بن عمران وبطلعتك في ساعير وظهورك في جبل
فاران بربوات المقدسين وجنود الملائكة الصافين وخشوع
الملائكة المسبحين وبركاتك التي باركت فيها على ابرهيم خليلك
في امة عيسى عليه السلام وباركت لحبيبك محمد صلواتك
عليه وآله في عترته وذريته وامته اللهم وكما غبنا عن ذلك

عالم

كلها

محمد صلواتك عليه واله

وليعقوب اسرائيلك في امة موسى [illegible]
وباركت

وَلَا نَتَّهِمُهُ وَامَنَّا بِهِ وَلَا نَرُدُّ صِدْقاً وَعَدْلاً اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ مَا
صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ
وَاَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ شَهِيدٌ و بعد از ان بكويد اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
بِحُرْمَةِ هٰذَا الدُّعَاءِ وَبِمَا فَاتَ مِنْهُ مِنَ الْاَسْمَاءِ وَبِمَا يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ
مِنَ التَّفْسِيرِ وَالتَّدْبِيرِ الَّذِي لَا يُحِيطُ بِهِ اِلَّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَهُمْ فِي عَافِيَةٍ وَتُهْلِكَ اَعْدَائَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ
الْاٰخِرَةِ وَاَنْ تَرْزُقَنَا بِهِمْ خَيْرَ مَا نَرْجُوا وَخَيْرَ مَا لَا نَرْجُوا وَتَصْرِفَ
بِهِمْ عَنَّا شَرَّ مَا نَحْذَرُ وَشَرَّ مَا لَا نَحْذَرُ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَاَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ فصل دهم در نوافل یومیه بر سبیل تفصیل
و بیان ذکر و آداب و ادعیه متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین
که افتتاح نوافل بهفت تکبیر و ادعیهٔ آن در سه موضع باید نمود اول
نوافل ظهر دوم اول نوافل شب و یکرکعت وتر و در نوافل بعد از
الحمد هر سوره که خواهد بخواند اما افضل اینست که در رکعت اول نوافل
ظهر قل هو الله و در دوم قل یا ایها الکافرون بخواند و در اول نوافل
عصر اذا جاء نصر الله یا الهیکم التکاثر و در اول نوافل مغرب
قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون و در روایت دیگر آمده

وآل ابراهیم

دراول

در اول سه قل هو الله و در دوم یک انا انزلناه و در رکعت سوم اول
سورهٔ حدید تا و هو علیم بذات الصدور و در چهارم آخر سورهٔ
حشر لو انزلنا هذا القرآن تا آخر و در رکعت اول تیره سوره الملک
یا واقعه و در دوم قل هو الله احد و در اول نوافل شب قل
هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون و در روایت دیگر آمده
که هر کس در دو رکعت اول نوافل شب در هر رکعتی سی مرتبه قل هو الله
بخواند میان او و خدای تعالی هیچ گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شود
و در رکعتهای دیگر مستحب است خواندن سورهای طویل مثل کهف
و یس و مانند آن اگر وقت وفا کند و اگر وقت وفا نکند در همه قل هو الله
کافی بود و در رکعت شفع معوذتین و در رکعت وتر قل هو الله احد
که هر کس درین سه رکعت این سوره بخواند فرشته ندا کند که ای بندهٔ
مومن مژده باد ترا که وترت مقبول گشت و در روایت دیگر آمده
که در هر سه رکعت قل هو الله بخوانند و در رکعت اول نافلهٔ صبح
قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله بخوانند و مرویست که
هر کس سورهٔ اذا زلزلت در نوافل میخوانده باشد هرگز بزلزله مبتلا
نشود و بزلزله و صاعقه و بهیچ آفتی از آفات نمیرد تا آنکه باجل
مقدر از دنیا رود و چون وقت موتش رسد فرشتهٔ کریمی

از پیش خدای تعالی آید و بر بالینش نشیند و گوید ای ملک الموت با ولیّ
خدا ملایمت کن که مرا بسیار یاد می کرد و سوره اذا زلزلة بسیار
میخواند و سوره نیز همین مکالمه نماید پس ملک الموت گوید من از جانب
الهی مأمورم که اطاعت او نمایم و تا اذن ندهد قبض روحش نکنم پس
حجاب از پیش نظرش برداشته شود تا منزل خویش در بهشت ملاحظه
نماید پس اذن دهد و قبض روحش نماید با کمال ملایمت پس هفتاد هزار
فرشته مشایعتش نمایند تا داخل بهشت شود و هر کس سوره و العصر
در نوافل بخواند رویش در بهشت در روز قیامت نورانی باشد
و شکفته و خندان به بهشت رود و هر کس سوره انا اعطینا در فرائض
و نوافل بسیار بخواند خدای تعالی از کوثر آبش دهد و مقامش در سایه
طوبی در پیش حضرت پیغمبر صلعم باشد و فضائل بعضی دیگر از سورهای قرآن
در فرائض و نوافل انشاء الله بعد از این بیاید و در همه نوافل
اکتفا بالحمد تنها مجزی بود و تخفیف اگر وقت تنگ باشد یا شغل
ضروری باشد اما تعقیبات و اذکار و نوافل بیانش اینکه بعد از
هر دو رکعت نافله ظهر بگوید اللهم انی ضعیف فقوّ فی رضاک
ضعفی وخذ الی الخیر بناصیتی واجعل الایمان منتهی رضای
وبارک فیما قسمت لی وبلّغنی برحمتک کلّ الذی ارجوا منک واجعل

لی ودّاً فی صدور المؤمنین وعهداً عندک و اگر در سجده آخر نوافل مغرب
هر شب وبخصوص در شب جمعه هفت مرتبه بگوید اللهم انی اسئلک بوجهک
الکریم وباسمک العظیم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی
ذنبی العظیم گناهانش آمرزیده شود و بعد از هر دو رکعت نوافل
شب بگوید اللهم انی اسئلک ولم یسئل مثلک انت موضع مسئلة
السائلین ومنتهی رغبة الراغبین ادعوک ولم یدع مثلک
وارغب الیک ولم یرغب الی مثلک انت مجیب دعوة المضطرین
وارحم الراحمین اسئلک بافضل المسائل وانجحها واعظمها
یا الله یا رحمن یا رحیم وباسمائک الحسنی وامثالک العلیا ونعمک
التی لا تحصی وباکرم اسمائک علیک واحبّها الیک واقربها منک
وسیلة واشرفها عندک منزلة واجزلها لدیک ثواباً واسرعها
فی الامور اجابة وباسمک المکنون الاکبر الاعزّ الاجلّ الاکرم
الذی تحبّه وتهواه وترضی به عمّن دعاک فاستجبت له دعاءه
وحقّ علیک ان لا تحرم سائلک ولا تردّه وبکل اسم هو لک فی
التوریة والانجیل والزبور والفرقان العظیم وبکل اسم دعاک
به حملة عرشک وملائکتک وانبیاؤک ورسلک واهل طاعتک من
خلقک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعجّل فرج ولیّک وابن

ولیك وتعجل خزي اعدائه وتجعلنا من اصحابه وانصاره وتر
زقنا به رجائنا وتستجيب به دعاءنا و بعد از رکعت هشتم بگوید اللهم
اني اسئلك بحرمة من عاذ بك ولجأ الى عزك واستظل بفيئك واعتصم
بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا يا مطلق الاسارى يا من
سمى نفسه من جوده وهابا ادعوك رغبا ورهبا وخوفا وطمعا
والحاحا والحافا وتضرعا وتملقا وقائما وقاعدا وراكعا وساجدا
وراكبا وماشيا وذاهبا وجائيا وفي كل حالاتي واسئلك
ان تصلي على محمد وال محمد وان ترزقني من فضلك خير ما سئلك
سائل واعذني برحمتك مما استعاذ منه عائذ و بعد از رکعتی
شفع نیز بگوید الهي تعرض لك في هذا الليل المتعرضون وقصدك
فيه القاصدون وامل فضلك ومعروفك الطالبون
ولك في هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب تمن بها
على من تشاء من عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية منك
وها انا ذا عبدك الفقير اليك المؤمل فضلك ومعروفك
فان كنت يا مولاي تفضلت على احد من خلقك وعدت عليه
بعائدة من عطفك فصل على محمد وال محمد الطيبين الطاهرين
الخيرين الفاضلين وجد علي بفضلك ومعروفك وكرمك

يا رب

يا رب العالمين وصل على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين الذين
اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا انك حميد مجيد
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني انك لا تخلف
الميعاد و در قنوت وتر بگوید لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا
الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الار
ضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم اللهم
انت الله نور السموات والارض وانت الله زين السموات والارض وانت
الله جمال السموات والارض وانت الله عماد السموات والارض وانت
الله قوام السموات والارض وانت الله غياث المستغيثين وانت الله
المروح عن المغمومين وانت الله مجيب دعوة المضطرين وانت
الله اله العالمين وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله كاشف السوء
وانت الله بك تنزل كل حاجة يا الله ليس يرد غضبك الا حلمك
ولا ينجي من عذابك الا رحمتك ولا ينجي منك الا التضرع اليك
فهب لي من لدنك يا الهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك
بالقدرة التي بها احييت جميع ما في البلاد وبها تنشر ميت
العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الاستجابة
في دعائي وترزقني العافية الى منتهى اجلي واقلني عثرتي

ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي اللهم ان رفعتني فمن
ذا الذي يضعني وان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وان اهلكتني
فمن ذا الذي يحول بينك وبيني او يتعرض لك في شيء من امري وقد
علمت ان ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة انما يعجل من يخاف
الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت عن ذلك يا
الهي فلا تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني
واقلني عثرتي ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي
وقلة حيلتي استعيذ بك الليلة فاعذني واستجير بك من النار
فاجرني واسئلك الجنة فلا تحرمني بعد از ان دستها را اندكى
بلند تر كند وبگويد وجهت وجهي للذي فطر السموات والارض
حنيفا مسلما وما انا من المشركين ان صلوتي ونسكي ومحياى
ومماتي لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت وانا من
المسلمين اللهم صل على محمد وال محمد وصل على ملائكتك
المقربين واولي العزم من المرسلين والانبياء المنتجبين
والائمة الراشدين اولهم واخرهم اللهم عذب كفرة اهل الكتاب
وجميع المشركين ومن ضارعهم من المنافقين فانهم يتقلبون
في نعمتك ويجعلون الحمد لغيرك فتعاليت عما يقولون وعما يصفون

علوا

علوا كبيرا اللهم العن الرؤساء والقادة والاتباع من الاولين والا
خرين الذين صدوا عن سبيلك اللهم انزل بهم باسك ونقمتك فانهم كذبوا
على رسولك وبدلوا نعمتك وافسدوا عبادك وحرفوا كتابك وغيروا سنة
نبيك اللهم العنهم واتباعهم واوليائهم واعوانهم ومحبيهم واحشرهم واتباعهم
الى جهنم زرقا اللهم صل على محمد عبدك ورسولك بافضل صلواتك
وعلى ائمة الهدى الراشدين المهديين بعد از ان براى چهل كس از مؤمنان
دعا كند بعربي يا فارسي هرچه داند مجزي بود كه بعد از دعاى چهل مؤمن
دعائي كه براى خود كند مستجاب شود وبعد از ان دست چپ را همچنان
بقنوت باز دارد وبا دست راست تسبيح بشمرد وهفتاد مرتبه
بگويد استغفر الله ربي واتوب اليه كه يكسان در قنوت وتر هفتاد
استغفار مداومت نمايد از جناب الهى مغفرت گناهانش واجب
شود واز جمله مؤمنان باشد كه خداى تعالى در قرآن مجيد وصف
نموده وفرموده والمستغفرين بالاسحار وچون سر از ركوع بر دارد
ايستاده بگويد هذا مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته
بعمله وذنبه عظيم وشكره قليل وليس لذلك الا عفوك
ورحمتك الهي طموح الامال قد خابت الا لديك ومعاكف الهمم
قد تعطلت الا عليك ومذاهب العقول قد سمت الا اليك فانت

الرجاء وإليك الملتجا يا أكرم مقصود ويا أجود مسئول هربت
إليك بنفسي يا ملجأ الهاربين بأثقال الذنوب أحملها على ظهري لا أجد
لي إليك شافعا سوى معرفتي أنك أقرب من لجأ إليه المضطرون وأمل
ما لديه الراغبون يا من فتق العقول بمعرفته وأطلق الألسن بحمده
وجعل ما امتن به على خلقه كفاء لتأدية حقه صل على محمد وآل محمد
ولا تجعل للهموم على عقلي سبيلا ولا للباطل على عملي دليلا اللهم
إنك قلت في محكم كتابك المنزل على لسان نبيك المرسل عليه وآله
السلام كانوا قليلا من الليل ما يهجعون وبالأسحار هم يستغفرون
طال هجوعي وقل قيامي وهذا السحر وأنا أستغفرك لذنوبي استغفار
من لا يملك لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا حيوة ولا نشورا وبعد از آنکه
سلام دهد بگوید أناديك يا موجودا في كل مكان لعلك تسمع
ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي يا مولاي يا مولاي أي الأهوال
أتذكر وأيها أنسى ولو لم يكن إلا الموت لكفى كيف وما بعد
الموت أعظم وأدهى مولاي يا مولاي حتى ومتى وإلى متى أقول
لك العتبى مرة بعد أخرى ثم لا تجد عندي صدقا ولا وفاء فيا
غوثاه ثم واغوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدو قد
استكلب علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس أمارة بالسوء إلا

ما رحم

ما رحم ربي مولاي يا مولاي إن كنت رحمت مثلي فارحمني وإن كنت
قبلت مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني يا من لم أزل أتعرف منه
الحسنى يا من يغذيني بالنعم صباحا ومساء ارحمني يوم آتيك فردا
شاخصا إليك بصري مقلدا عملي قد تبرأ جميع الخلق مني نعم وأبي
وأمي ومن كان له كدي وسعيي فإن لم ترحمني فمن يرحمني ومن
يؤنس في القبر وحشتي ومن ينطق لساني إذا خلوت بعملي وسألتني
عما أنت أعلم به مني فإن قلت نعم فأين المهرب من عدلك وإن قلت
لم أفعل قلت ألم أكن الشاهد عليك فعفوك عفوك يا مولاي قبل
أن تغل الأيدي إلى الأعناق يا أرحم الراحمين وخير الغافرين وبعد از
نافله صبح مستحب است که بر جانب راست روی بقبله تکیه کند چنانکه میت
در لحد بخوابد و دست راست بزیر روی گذارد و پنج آیه از سوره
آل عمران بخواند إن في خلق السموات والأرض تا إنك لا تخلف الميعاد
بخواند و پس بگوید استمسکت بالعروة الوثقى التي لا انفصام لها
واعتصمت بحبل الله المتين وأعوذ بك من شر فسقة العرب
والعجم ومن شر فسقة الجن والإنس ربي الله ربي الله ربي الله
آمنت بالله توكلت على الله لا حول ولا قوة إلا بالله ومن يتوكل على
الله فهو حسبه إن الله بالغ أمره قد جعل الله لكل شيء قدرا حسبي الله

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ وَلَهُ حَاجَةٌ إِلَى مَخْلُوقٍ فَإِنَّ حَاجَتِي
وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِفَالِقِ
الْإِصْبَاحِ الْحَمْدُ لِنَاشِرِ الْأَرْوَاحِ الْحَمْدُ لِقَاسِمِ الْمَعَاشِ الْحَمْدُ لِلَّهِ جَاعِلِ
اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي
لِسَانِي نُورًا وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ نُورًا وَمِنْ خَلْفِي نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا
وَعَنْ شِمَالِي نُورًا وَمِنْ فَوْقِي نُورًا وَمِنْ تَحْتِي نُورًا وَعَظِّمْ لِيَ النُّورَ
وَاجْعَلْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَلَا تَحْرِمْنِي نُورَكَ يَوْمَ أَلْقَاكَ
و هر کس بعد از هر نافلهٔ صبح صد مرتبه صلوة بر پیغمبر و آلش فرستد
خدای تعالی روی او را از حرارت دوزخ نگاه دارد و اگر صد مرتبه بگوید
سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ خانه در بهشت
برایش بنا کنند و اگر چهل مرتبه بخواند گناهانش آمرزیده شود و چون از
مجموع سیزده رکعت نماز شب فارغ شود این دعا از صحیفهٔ کامله بخواند
اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ وَالسُّلْطَانِ تا آخر دعا فصل یازدهم
در ذکر بعضی افعال که در اثنای نماز توان کرد مرویست از اهل بیت طاهرین
که در اثنای نماز در هر مقامش که باشد هرچه دعا و مناجات با خدا
و ذکر خدا و ذکر حضرت پیغمبر صلعم باشد توان کرد و از نماز خارج نباشد

و اگر بیست و یک مرتبه قل هو الله احد بخواند خانهٔ دیگر بنا کنند صح

و هر کسی

و هر کس در اثنای فعلی از افعال نماز مثل رکوع و سجود و غیر آن بگوید صلی الله علی
محمد و آل محمد آن فعل مضاعف نوشته شود و اگر در نماز ذکر آنحضرت بکنند و صلوة
فرستد ده حسنه نوشته شود و هفتاد فرشته موکلند که هر کس در اثنای نماز
صلوة فرستد بجانب او بشتابند تا هر کدام را که نصیب باشد ثبت کنند
و هر حاجت که خواهد برای دنیا و آخرت توان خواست خصوصا در سجده
که بنده در سجده نزدیکتر است بخدای تعالی از جمیع اعمال و گریه کردن
در نماز از ترس خدا و برای شوق جنت و خوف نار نور چشم مومن
و افضل اعمال است اما برای ذکر اموات نماز را قطع کند و اگر کسی بر او سلام
کند جواب بگوید بهمان لفظ که او گفته سلام علیکم یا السلام علیکم و آواز
بلند نکند بلکه اگر تواند آهسته بگوید و بجانب او بانگشت اشاره کند
اما روایات آمده که چون کسی در نماز باشد بر و سلام مکنید فصل
دوازدهم در آداب جماعت و آن دو قسمت یکی آداب متعلق بامام
دوم آداب متعلق بماموم و چون امام بآداب خود اعرفست از آنکه
در مجموعه حاجت بذکر باشد اکتفا بذکر آداب ماموم نموده گوئیم
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اگر کسی نماز با نفراد کرده
باشد بعد از آن جماعتی رو دهد افضل آنست که اعاده کند که خدای
تعالی هر کدام را دوست دارد بفریضه و آن دیگر را بنافله حساب کند

واگر دو رکعت بانفراد گزارده بود نیت نافله کند و سلام دهد پس بجماعت
بگزارد و اگر یک رکعت گزارده باشد نیت نافله نموده یک رکعت دیگر
با آن ضم کند و سلام دهد و اگر ماموم یک مرد باشد در پهلوی راست امام
بایستد و اگر یک زن باشد در پشت سر امام بایستد بجانب راست و اگر
یک مرد باشد و زن خواه یکی و خواه بیشتر مرد در پهلوی راست و زنان در عقب
بایستند و اگر زیاده از یک مرد باشد همه در عقب بایستند و اگر ماموم
در پهلوی امام ایستاده باشد و در اثناء نماز دیگری برسد یا امام
پیشتر رود یا مأموم پس تر آید و این مرد آخر بعد از رکوع رکعت
آخر برسد نه امام پیش رود و نه ماموم پس آید بلکه این مرد در پشت
امام بنشیند و چون امام سلام دهد برخاسته نماز خود را تمام کند
و میان امام و صف اوّل و همچنین هر دو صف فاصله زیاده از آنکه
سجده توان کرد نباشد مرویست که اگر فاصله بیشتر باشد آن امام
برایشان نباشد و اهل هر صف دوش بدوش بایستند پیش و پس
نباشند و در میانه فرجه خالی نگذارند تا شیطان برایشان دست
نیابد و اگر در اثنای نماز در صف پیشتر موضعی خالی ببیند برود تا آن
موضع را بگیرد امّا بصف عقب نتوان رفت مگر آنکه جا تنگی کند
که درین موضع درین وقت پیش و پس هر جا وسعتی گمان کند تواند

حرکت

حرکت کرد و یک کس تنها در صف نه ایستد مگر آنکه در صفوف جا نیابد
که درین وقت تواند تنها ایستاد امّا چنان بایستد که محاذی امام باشد
و اگر امام در زمینی پست بایستد و ماموین در موضعی بلند مثل بام یا سکوئی
بایستند جائز بود امّا عکس آن جائز نبود مگر آنکه یک زمین سرازیر باشد که
بعضی موضعش بقدر یک انگشت یا کمتر یا بیشتر پست تر باشد که درین وقت جائزست
که امام در موضع پست تر بایستد و میان امام و ماموم اگر پرده یا دیواری
فاصله باشد نماز ماموم جائز نباشد مگر کسیکه در برابر در باشد امّا ستونها
که در مساجد میان صفوف واقع میشود ضرر ندارد و چون امام قرائت
کند ماموم را جائز نباشد قرائت کردن مرویست که اگر کسی امامی
که باو راضی باشد اقتدا می کند قرأت می کند چون بمیرد بر غیر
فطرت اسلام محشور شود بلکه اگر در نماز اخفاتی باشد ماموم برای
خود ذکر کند و اگر جهری باشد و صدای امام بشنود اگرچه همین
همهمه را بشنود و کلمات را تمیز نکند گوش کند و اگر جهری باشد
و صدای امام حتّی همهمه اش هم نرسد افضل اینست که مأموم خود
آهسته قرأت خود کند و اگر اکتفا بقرأت امام نیز کند مجزی بود
و سائر اذکار و افعال را خود بجا بیارد و باید در همه افعال قیام
و قعود و رکوع و سجود تابع امام باشد پیشتر نکند و پیشتر سر بر ندارد

مگر در تشهد که اگر امام تشهد را طول دهد و ماموم را ضرورتی باشد تواند
که پیش از امام سلام دهد و برود و ماموم باید ادعیه و اذکار را آهسته
گوید و صدای خود با امام نرساند و چون امام از قرأت حمد فارغ شود
و همچنین چون بعد از رکوع سمع الله لمن حمده گوید ماموم بگوید الحمد لله
رب العالمین و ماموم سمع الله لمن حمده نگوید و اگر ماموم در اثنای
نماز با امام رسد تکبیر احرام بگوید و داخل نماز شود هر جای نماز که باشد
پس اگر رکوع را با امام دریابد آن رکعت را حساب کند و اگر بعد از
رکوع امام او در سجود یا تشهد داخل شود آن فعل را با امام بجا بیارد اگر چه
سجده آخر باشد یا تشهد آخر نماز باشد که فضل جماعت را با آن دریابد
اما آن را رکعتی حساب نکند و آن زیادتی بنمازش ضرر نکند و چون
امام سلام دهد او سلام نداده برخیزد و هر چه از نمازش مانده تمام
کند اگر چه بعد از سلام عمدا حرف هم زده باشد چون سلامش از روی
سهو شده باشد ضرر ندارد و بعد از نماز سجده سهو کند و اگر تکبیر
رکوع را از امام نشنیده باشد احتیاط اینست که در آن رکوع
داخل نشود بلکه چون امام سر بر دارد داخل شود و هر گاه امام تشهد
خواند او نیز بخواند اگر چه موضع تشهد خودش نباشد که تشهد برکتست
اما در ینصورت بر سر پا نشیند و درست بر زمین ننشیند و چون

موضع

موضع تشهد خودش رسد نشسته تشهد بخواند و زود برخیزد تا با امام
ملحق شود و اگر در رکعت دوم امام برسد با امام قنوت بخواند
و همین قنوت از قنوت خودش مجزی بود و اگر رکعت سوم و چهارم
امام اول و دوم او باشد پس اگر امام تسبیح گوید او خود الحمد
و سوره بخواند و اگر امام رکوع کند و فرصت سوره خواندن
نشود همان الحمد مجزی بود اما اگر قرات کند امام و نماز اخفاتی
باشد او قرات نکند و اگر جهری باشد چون قرات امام نمی‌شنود
خود قرات کند و اگر کسی از دور رسد و بیند که امام در رکوعست
یا رکوع میرود و ترسد که تا بصف رسیدن امام سر بر دارد
و در همانجا که باشد رکوع کند و اگر خواهد سجود نیز بکند بعد از آن
برخاسته بصف ملحق شود پس اگر ایستاده باشند بایستد و اگر
نشسته باشند بنشیند و اگر خواهد همچنان در رکوع برود تا ملحق
شود و اگر پیش از آنکه امام سر از رکوع یا سجود بر دارد ماموم سر بر دارد
و باز سر بگذارد تا با امام برخیزد و اگر کسی با امام رکوع کند
و بسبب کثرت و ازدحام سجود نتواند کرد تا آنکه امام داخل
رکعت دیگر شود در این رکعت با امام رکوع نکند و به نیت
رکعت سابق سجود با امام کند که آن رکوع با این سجود مجموع

یکرکعت شود و اگر سجده به نیت همین رکعت کرده باشد این سجده بهیچ گونه
حساب نشود بلکه سجده دیگر به نیت رکعت سابق کند تا آن تمام شود
و اگر بسبب ازدحام رکوع نیز از وفوت شود تنها رکوع و سجود کند
بعد از آن با امام ملحق شود و اگر در نماز جمعه یکرکعت را با امام دریابد
چون امام سلام دهد یکرکعت دیگر تنها بگزارد و اگر بعد از رکوع آخر
با امام رسد چهار رکعت نماز ظهر گزارد فصل سیزدهم در احکام سهو
و شک و عروض بعضی حوادث در نماز اما احکام سهو و شک
بدانکه احادیث اهل بیت ع و اقوال علمای کرام درین احکام اختلاف عظیم
دارد و انشاء الله آنچه باصول احادیث انسب و باحتیاط اقرب باشد
در تفصیل بیان نمائیم و پیش از شروع در مطلب شرح این الفاظ نموده
گوئیم سهو آنست که یقین داند که چیزی را زیاده یا کم کرده و شک
آنست که خاطر متردد باشد میان دو چیز یا بیشتر بحیثیتی که هیچ کدام را
بر دیگری ترجیح نتواند داد و ظن آنست که بعضی را رجحان دهد
و گمانش آن بیشتر باشد اما یقین نداند و ظن در جمیع احکامی که مذکور خواهد
حکم یقین دارد باین معنی که هر جا یقین داشته باشد چه باید کرد
اگر ظن داشته باشد همان کند چون این جمله دانستی بدانکه سهو
و شک در نماز یا متعلق است بعدد رکعات یا باجزای نماز اگر

در عدد

در عدد رکعات باشد پس اگر یکرکعت یا بیشتر از نماز نقصان کند خواه نماز
دو رکعتی و سه رکعتی باشد خواه بیشتر اگر هنوز رو از قبله نگردانیده باشد
هر آنچه نقصان شده بجا بیارد تا نمازش تمام باشد اگرچه فاصله بسیار
شده باشد و اگرچه حرف زده باشد یا حدثی کرده باشد اما اگر
حرف زده باشد بعد از نماز سجده سهو کند و اگر حدث کرده باشد
وضو و اگر رو از قبله گردانیده باشد احتیاط اینست که نماز را
اعاده کند و اگر یکرکعت یا بیشتر در نماز یقین داند که زیاده شده هر نماز
که باشد پس اگر در رکعتی سلام بایست و او تشهد خوانده باشد
نمازش تمام بود و چیزی بر او لازم نباشد و این زیادتی اگر یکرکعت
باشد اگر خواهد یکرکعت دیگر با آن ضم کند تا نافله گردد و اگر در آن
رکعت تشهد نخوانده باشد بلکه رکعت زیادتی را با اصل نماز متصل
کرده باشد نماز را اعاده کند و اگر نداند که تشهد خوانده یا نه بنشیند
و تشهد و سلام بگوید بعد از آن دو رکعت نشسته بگزارد و با رکعة
زائد اضافه کند تا نافله شود و همه این شقوق در صورتیست که سهو
بعد از تمام شدن رکعت زائد بخاطر رسد اما اگر در میان دو سجده
بخاطر رسد احتیاط اینست که بهمین تفصیل عمل نماید و اگر بعد از رکوع یا پیش
از آن بخاطر رسد سلام دهد و احتیاطا سجده کند و اگر شک کند که

نماز کم یا زیاده شده یا شک کند که تمام یا کم یا زیاده شده و هیچ کدام را
یقین نداند سلام دهد و سجده سهو کند و اگر در نماز دو رکعتی خواه صبح
و خواه جمعه و خواه نماز سفر و همچنین در نماز شام و همچنین دو رکعت اول
نماز چهار رکعتی شک کند بحیثیتی که یقین نداند که دو رکعت نماز
تمام گزارده افضل و اقرب باحتیاط اینست که نماز را اعاده کند اما اگر
در نماز چهار رکعتی دو رکعت تمام یقین داند و شک کند میان دو
و سه باینمعنی که رکعتی که تمام شده نداند که دوم بود یا سیم یا میان
سه و چهار یا میان دو و چهار یا میان دو و سه و چهار شک کند
بنا بر اکثر گذارد و تا چهار رکعت تمام کند و سلام دهد بعد از آن
اگر شک میان دو و سه یا میان دو و چهار باشد دو رکعت
نشسته و اگر در میان دو و سه و چهار باشد دو رکعت ایستاده
و دو رکعت نشسته پس اگر نماز تمام باشد رکعتهای احتیاط نافله
حساب شود و اگر کم باشد برکعت احتیاط تمام شود و در رکعتهای
احتیاط همه تکبیر احرام بگوید و الحمد تنها بخواند و در هیچ کدام از این
شقوق سجده سهو نباید و اگر سهو و شک در افعال نماز باشد پس در
هر فعلی که سهو یا شک کند و محل آن فعل گذشته باشد آن فعل را بجا بیارد
و اگر بعد از آن بخاطر رسد که آن فعل را کرده بوده است این زیادتی

ضرر نکند

ضرر نکند و هیچ بر و نباشد و محل تکبیر احرام وقتیست که شروع در قرات
کند و محل قرات و قنوت تا وقتیکه برای رکوع دستها بزانو
رسد و اگر هنوز دست بزانو نرسیده باشد اگر چه خم شده
باشد محل باقی بود و محل رکوع تا آنکه برای سجود سر از زیر شود و اگر چه
هنوز بسر بسجده نرسیده باشد و محل سجود و تشهد در سهو
تا آنکه در رکعت دیگر برکوع رود و اگر قراءت و قنوت کرده باشد
و در شک تا آنکه راست بایستد اگر چه شروع بقرات نکرده باشد
و اگر محل فعل گذشته باشد و شک کند اعتبار ندارد و همچنانکه هست
نماز را تمام کند و اگر بعد از آن چیزی بخاطر رسد حکم سهو دارد چنانکه
بیان میشود اما اگر سهو کرده باشد و بعد از گذشتن محل بخاطر
رسد پس اگر سهو در نیت یا تکبیر احرام یا رکوع یا در دو سجده
باهم در یک رکعت کند نماز را اعاده کند و اگر در قرائت حمد یا سوره
یا هر دو باشد و بعد از رکوع بخاطر رسد که حمد نخوانده نماز صحیح بود
و تلافی ندارد و اگر بعد از سوره پیش از رکوع بخاطر رسد که حمد نخوانده
بخواند و ظاهر اینست که بعد از آن سوره را اعاده باید کرد و اگر کلمه
یا آیه از سوره فراموش کند پس اگر خواهد بهمان چه خوانده اکتفا
نماید و اگر خواهد آنرا که فراموش کرده در میان بگذارد و تتمه را تمام

کند واکر خواهد رجوع بسورهٔ دیکر کند هر سه شق صحیح باشد واکر قنوت را
فراموش کند بعد از رکوع بخواند و رکوع را اعاده نباید کرد واکر بعد از
نماز بخاطر رسد اکرچه از جای خود برخاسته و رفته باشد هرجا که بخاطر
رسد رو بقبله نموده قنوت بخواند واکر در رکعتی یک سجده را
تنها سهو کند و محلش کذشته باشد آن سجده را قضا کند واکر تشهد را
سهو کند در رکعت دوم بعد از نماز سجدهٔ سهو کند و ظاهر احادیث
اینست که همین تشهدی که در سجده خوانده میشود کافی باشد و محتاج
بقضای تشهد دیکر نباشد اکرچه اکثر علما قضا را واجب دانسته اند
واکر تشهد رکعت آخر را سهو کند در همان مکان اکر نزدیک باشد
وکرنه در مکان پاکی هرجا باشد نشسته تشهد بخواند و در هر صورت
سجده سهو بباید واکر در اثنای نماز سهوا کلمهٔ غیر ذکر و دعا کوید
سجده سهو کند اما در سایر افعال نماز مثل ذکر رکوع و سجود و سلام
و غیر آن اکر سهوی شود حکمی ندارد و نماز صحیح بود و در روایتی
دیکر آمده که هر زیاده و نقصانی که در نماز شود مثل نشستن و بر
خاستن و قراءت کردن و غیر آن سجده سهو کنند و این روایت
اکرچه ضعیف است اما چون معارضی ندارد اکر بآن عمل نمایند قصوری
ندارد و اما این که در میان فقها مشهور کشته که زیادی و نقصان

در رکن سهوا و عمدا مبطل نماز و موجب اعاده است اصلش در احادیث
واخبار اهل بیت صلوات الله علیهم معلوم نیست بلکه حقیقت آن
بر وجه موافقت اخبار و رعایت احتیاط بنحویست که بتفصیل مذکور شد
والله اعلم بالصواب واکر مسافر عمدا نماز را تمام کند پس اکر ندانسته
باشد که قصر واجبست نمازش صحیح بود واکر دانسته باشد اعاده کند خواه
وقت باقی باشد و خواه نه واکر سهوا تمام کند پس اکر وقت باشد
اعاده کند واکر کذشته باشد صحیح باشد و در نوافل و رکعت احتیاط
سهو و شک اعتبار ندارد و دران سجده سهو و رکعت احتیاط نباشد
و همچنین کسیکه شک بسیار کند التفات بآن نکند و آنچه را شک کرده
درست حساب کند اکرچه وقت باقی باشد مرویست که شک از
شیطانست و شیطان خبیث را بخود راه مدهید و بوسوسهٔ خود عادت
مدهید که هرچند بیشتر اطاعتش کنید بیشتر جرأت کند و وسوسه نماید
و چون بیند که مخالفتش می کنید و اطاعتش نمیکنید دست از شما باز دارد
و کسی از بسیاری شک شکایت بحضرت رسول نمود آنحضرت فرمود چون داخل
نماز شوی با انکشت شهادت ران چپ را بفشار و بکوی بسم الله
و بالله توکلت علی الله اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم
شیطان دور شود و از وسوسه او ایمن کردی انشاء الله تعالی

وکسی که بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سهو در نماز مغرب فرمود
بعد از الحمد قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون بخوان چنان کرد نجات یافت
و کیفیت سجدهٔ سهو آنست که دو سجده بکنند و در هر سجده بگوید بسم الله
و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد یا بگوید بسم الله و بالله السلام
علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته و بعد از هر دو سجده تشهد خفیف
بخواند باین طریق اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله
اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلام دهد و اگر امام باشد چون سر
بسجده گذارد و چون بر دارد تکبیر بگوید تا ماموم بدانند که سهو کرده
و وقت سجده سهو بعد از نماز است بی فاصله پیش از حرف زدن
و اگر فراموش شود هر گاه بخاطر رسد و اما احکام حوادث در نماز
اگر در اثنای نماز حدثی سانح شود که وضو را باطل کند یا خون از
دماغ یا از عضوی دیگر بیرون آید پس اگر پی آنکه عمدا حرف زند
یا بتمام بدن رو از قبله بگرداند تواند وضو یا ازالهٔ نجاست کند و تتمه
نماز هر چه مانده باشد تمام کند و اگر عمدا حرف زند یا رو از قبله
بتمام بدن بگرداند نماز را از سر گیرد و اگر درین عرض سهوا حرف زند
سجده سهو کند و از سر نباید گرفت و اگر خون کم باشد و جاری نشود
محتاج شستن نباشد بلکه بخرقه یا چیزی دیگر پاک کند و نماز را تمام کند

والحمد لله فصل چهاردهم در ذکر بعضی دیگر از نمازهای مفروضه و مندوبه
اول نماز کسوف و خسوف و زلزله و آیات مثل بادهای عظیم و ظلمتهای
شدید و غیر آن که سبب خوف اکثر مردم شود و این نماز دو رکعت است
بیک تشهد و سلام در هر رکعت پنج رکوع و دو سجده و در هر دو
رکوع یک قنوت که در مجموع ده رکوع و پنج قنوت باشد و قرائت
آن بدو وجه جائز است یکی آنکه در هر رکعت یک الحمد بخواند و بعد از آن
یکسوره را پنج حصه نماید پیش از هر رکوع یک حصه را بخواند که در مجموع نماز
دو الحمد و دو سوره خوانده شود وجه دوم آنکه پیش از هر رکوع یک
الحمد و یکسوره تمام بخواند که مجموع ده الحمد و ده سوره باشد و هر بار
که برکوع رود و هر بار که سر بر دارد تکبیر بگوید و بعد از رکوع
سمع الله بگوید مگر در رکوع پنجم و دهم که بعد ازین دو رکوع تکبیر
نباید گفت و سمع الله لمن حمده باید گفت و چون بسجود رود
تکبیر بگوید و مستحبست این نماز را در زیر آسمان گزاردن که سقف
نباشد و بجماعت گزاردن و طول دادن بقدر آنکه آیت منجلی شود
و اگر زودتر از نماز فارغ شود مستحبست اعاده کردن تا آنکه منجلی
شود و مستحبست این نماز را در زیر آسمان گزاردن تا آنکه منجلی
شود پس اگر تمام قرص گرفته باشد و خبر دار باشده و در نماز تقصیر

کرده باشد بکفارهٔ آن غسل کند و نماز را قضا کند و اگر خبر نداشته باشد
قضا ندارد و اگر این نماز در وقت فریضه واقع شود پس اگر وقت
فضیلت فریضه تنگ نشده باشد اوّل این نماز را بگزارد و اگر در اثنای
این نماز باشد که وقت فریضه تنگ شود نماز را قطع کند و فریضه را
بگزارد و بعد از آن هرچه از آن نماز مانده باشد تمام کند و از سر نباید
گرفت و چون برای زلزله گزارد بعد از هر نماز سجده کند و در
سجده بگوید یَا مَنْ یُمْسِکُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا
اِنْ اَمْسَکَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ کَانَ حَلِیمًا غَفُورًا یَا مَنْ یُمْسِکُ
السَّمَاءَ اَنْ تَقَعَ عَلَی الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهِ اَمْسِکْ عَنَّا السُّوءَ اِنَّکَ
عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ دوم نماز امیر المومنین صلوات الله علیه هر کس
این نماز را بگزارد از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد شده و حوایجش
بر آورده شود و آن چهار رکعت است در هر رکعت بعد از الحمد
قل هو الله احد پنجاه مرتبه و مستحب است تعقیب این نماز باین تسبیح
که مرویست از آنحضرت سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِیدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ
خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ
سُبْحَانَ مَنْ لَا یُشَارِکُهُ اَحَدٌ فِی اَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا اِلٰهَ غَیْرُهُ و این نماز را
هر وقت خواهد تواند گزارد و افضل اوقاتش شبانه روز جمعه و ماه

مبارک

مبارک رمضانست که حسنات مضاعف باشد سیم نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها
هر کس این نماز را بگزارد میان او و خدای تعالی هیچ گناه نماند مگر که
آمرزیده شود و آن دو رکعتست در اوّل بعد از الحمد صد مرتبه انا
انزلناه و در دوم صد مرتبه قل هو الله و بعد از نماز تسبیح آنحضرت
بگوید چهارم نماز تسبیح و این نمازیست که حضرت پیغمبر صلی الله جعفر بن
ابی طالب عطا فرموده و فرمود اگر این نماز را هر روز یا هر شب
یا در هر دو روز یا در هر هفته یا هر ماه یا هر سال یا هر وقت که خواهی
بگزاری هر گناهی که درین میانه کرده باشی همه آمرزیده شود و هر کس
این نماز بگزارد گناهانش همه آمرزیده شود اگرچه مثل ریگ بیابان عالج
یا مثل کف دریا باشد و دوازده هزار حسنه برایش بنویسند که کمترین
آنها مثل کوه احد باشد و آن چهار رکعت است بدو سلام در رکعت
اوّل بعد از حمد اذا زلزلة و در دوم اذا جاء نصر الله و در سوم انا
انزلناه و در چهارم قل هو الله احد بخواند در روایت دیگر در دوم
والعادیات و در سوم اذا جاء نصر الله وارد شده و در هر رکعت
پیش از قرائت پانزده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَاللّٰهُ اَکْبَرُ و در روایت دیگر تسبیحات بعد از قرائت وارد شده
بهر کدام عمل نماید خوبست و تسبیحات را در رکوع و بعد از رکوع ایستاده

و در هر سجده و بعد از هر سجده نشسته ده مرتبه ملو ده مرتبه بگوید که در هر
رکعت هفتاد و پنج مرتبه و در تمام نماز سیصد مرتبه باشد و اگر خواهد این
نماز را بگزارد و بنوافل شبانه روز حساب کند و اگر دو رکعت
گزارده باشد که حاجتی یا حرکتی سانح شود برود و چون فارغ شود
دو رکعت دیگر را بگزارد و اگر شتابی داشته باشد نماز را بی تسبیحات
بگزارد و تسبیحات را بعد از آن بگوید و مستحبست که در سجده آخرین نماز بعد از
تسبیحات بگوید سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ
بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصَى كُلَّ
شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ
سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ
الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ و هر حاجت که خواهد بخواهد
و مستحبست بعد ازین نماز خواندن این دعا سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدَّى
بِهِ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا
لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَخَلَقَهُ بِقُدْرَتِهِ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ
وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ

من

مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ
التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ
وَاَنْ تَجْمَعَ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بَعْدَ عُمْرٍ طَوِيلٍ اللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ
وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْاَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا وَاحِدُ
يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ يَا اَهْلَ
التَّقْوَى وَاَهْلَ الْمَغْفِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا غَفُورُ يَا عَفُوُّ يَا وَدُودُ
يَا شَكُورُ اَنْتَ رَبِّي مِنْ اَبِي وَاُمِّي وَمِنَ النَّاسِ اَجْمَعِينَ يَا كَرِيمُ يَا
جَوَادُ اللّٰهُمَّ اِنِّي صَلَّيْتُ هٰذِهِ الصَّلٰوةَ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَطَلَبَ نَائِلِكَ
وَمَعْرُوفِكَ وَرَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَائِزَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ وَقَدِيمِ
غُفْرَانِكَ اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْفَعْهَا لِي فِي عِلِّيِّينَ وَتَقَبَّلْهَا
مِنِّي وَاجْعَلْ نَائِلَكَ وَمَعْرُوفَكَ وَرَجَاءَ مَا اَرْجُوا مِنْكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي
مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَمَا جَمَعْتَ فِيهَا مِنْ اَنْوَاعِ النَّعِيمِ وَمِنْ
حُسْنِ الْحُورِ الْعِينِ وَاجْعَلْ جَائِزَتِي مِنْكَ الْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانَ
ذُنُوبِي وَذُنُوبِ وَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَجَمِيعِ اِخْوَانِي وَاَخَوَاتِي الْمُؤْ
مِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ
وَاَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَرْحَمَ صَرْخَتِي وَنِدَائِي وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا خَاسِرًا

وَاقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مَرْحُومًا مُسْتَجَابًا دُعَائِي مَغْفُورًا لِي يَا اَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ قَدْ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ

فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْكَ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ

بِالرَّحْمَةِ يَا نَفَّاحًا بِالْخَيْرَاتِ يَا مُعْطِيَ السُّؤُلَاتِ يَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ

النَّارِ وَاَعْطِنِي سُؤْلِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَارْحَمْ صَرْخَتِي وَتَضَرُّعِي

وَنِدَائِي وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا لِدِينِي وَدُنْيَايَ وَاٰخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ

مِنْهَا وَمَا لَمْ اَذْكُرْ وَاجْعَلْ فِي ذٰلِكَ الْخِيَرَةَ وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا خَاسِرًا

وَاقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي دُعَائِي مَغْفُورًا لِي مَرْحُومًا يَا اَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا اَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللّٰهِ يَا عَلِيُّ يَا اَبَا الْحَسَنِ

اَنَا عَبْدُكُمَا وَمَوْلَاكُمَا غَيْرُ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ بَلْ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ عَبْدٌ

مُقِرٌّ مُتَمَسِّكٌ بِحَبْلِكُمَا مُعْتَصِمٌ مِنْ ذُنُوبِي بِوِلَايَتِكُمَا اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ

فَاشْفَعَا لِي فِي فِكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانِ ذُنُوبِي وَاِجَابَةِ دُعَائِي

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَتَقَبَّلْ دُعَائِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **پنجم نمازی**

که حضرت پیغمبر ص باعرابی عطا فرموده وفرموده هر مومن و مومنه که روز جمعه

این نماز بگزارد من برای او ضامن بهشت شوم و هنوز از جای خود برنخاسته

باشد که گناهان او و والدینش همه آمرزیده شود و آن ده رکعت چون روز

بلند شود اول دو رکعت بیکسلام گزارد در اول بعد از الحمد قل اعوذ برب الفلق

هفت مرتبه

هفت مرتبه و در رکعت دوم قل اعوذ برب الناس بعد از حمد هفت مرتبه و بعد از آن

هشت رکعت دیگر بدو سلام در هر رکعت بعد از الحمد اذا جاء نصر الله

یکمرتبه و قل هو الله احد بیست و پنج مرتبه بخوانند و چون از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه

بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

ششم نماز غفیله و آن دو رکعت در ساعت غفلت میان شام و خفتن مرویست

که درین ساعت دو رکعت نماز را ترک نکنید که مورث دار کرامت

در رکعت اول بعد از الحمد این آیه وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ

نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ

مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

و در رکعت دوم بعد از حمد این آیه بخواند وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ

لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ

اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ اِلَّا فِي

كِتَابٍ مُبِينٍ و در قنوت این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَفَا

تِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْمَعَ

لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ و اگر خواهد بجای این فقره بعد از صلوات بر پیغمبر ص

و آلش هر حاجت که خواهد بطلبد و بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِيُّ

نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ

بتیه صلواتك كما قضيتها لي و هرچه خواهد سوال کند که مستجاب شود هفتم
نماز وصیت مرویست از اهل بیت طاهرین ع که حضرت پیغمبر ص فرمود وصیت
میکنم شما را بدو رکعت نماز در میان شام و خفتن در رکعت اول بعد از
الحمد اذا زلزلت سیزده مرتبه و در دوم قل هو الله احد پانزده مرتبه
که هر کس این نماز را در سالی یکمرتبه بگزارد از جمله محسنین نوشته
شود و اگر در ماهی یکمرتبه بگزارد از جملهٔ متقین و اگر در هر هفته
یکمرتبه از جمله مصلین و اگر در هر شب بگزارد در بهشت با من مزاحمت
نماید و ثواب آنرا هیچکس نداند بجز خدای تعالی هشتم هر کس میان
نماز شام و خفتن در شب پنجشنبه دو رکعت نماز بگزارد در هر رکعت
بعد از الحمد آیة الکرسی قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد معوذتین
هر یک را پنجمرتبه بخواند و بعد از نماز پانزده مرتبه استغفار کند
و ثوابش را بوالدین خود هدیه کند حق آنها را از آنجا آورده باشد
نهم مرویست که هر کس وقت خوابیدن وضو کند چنانست که تا وقت
بیدار شدن در عبادت باشد پس اگر در اثنای شب برخیزد
و ذکر خدا کند خطاهایش همه بریزد و اگر آخر شب برخیزد و دو رکعت
نماز کند پس حمد و ثنای خدا کند و صلوات بر پیغمبر ص و آلش فرستد
هیچ چیز از خدا سوال نکند مگر آنکه عطا فرماید یا نماز ابعینه یا بهتر از آن

در بهشت عوض دهد دهم هر کس دو رکعت نماز گزارد در هر وقت باشد در هر رکعت
شصت مرتبه قل هو الله احد بخواند میان او و خدای تعالی هیچ گناه نماند مگر که
آمرزیده شود و در روایت دیگر قل هو الله احد در هر رکعت یکمرتبه وارد شده
و بعضی دیگر نمازهای مخصوص هر یک در جای خود انشاء الله بیاید فصل یازدهم
در فضائل قرآن و آداب تلاوت آن مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین که چون روز قیامت خلائق همه صف بصف ایستاده باشند
قرآن بهترین صورتی بحشر آید چون بر صف مسلمین گذرد و او را
ببینند گویند بصورت و صفت می‌شناسیم و میدانیم که از جملهٔ
مسلمین است اما عبادت و طاعتش بیشتر بوده که این نور و جمال
او را عطا شده و ما را نصیب نگشته پس بر صف شهدا گذرد گویند
این را می‌شناسیم که از جملهٔ شهداست اما مصیبتش عظیمتر بوده که
این نور و جمال کرامت یافته و همچنین بر صف انبیا و رسل گذرد
مثل این گفتگو کنند پس همهٔ صفوف مجتمع گشته بخدمت حضرت
پیغمبر ص آمده گویند این کیست که ما نمیدانیم آنحضرت فرماید این حجت
خداست بر بندگانش پس سلام دهد و از آنجا گذشته بر صفوف
ملائکه بصورت ملکی مقرب گذرد ملائکه نیز چنین گفتگو نمایند پس از آنجا
گذشته تا پیش عرش رسیده بسجده درآید پس خدای تعالی گوید

ای حجت من و ای کلام صادق ناطق من سر بردار و هرچه خواهی سؤال کن
و هرکرا خواهی شفاعت کن که هرچه طلب کنی باجابت مقرونست پس سر
برداشته کوید خدایا بندکان تو بعضی مرا محافظت نمودند و بقدر طاقت
خود حرمت من داشتند و حق من رعایت کردند و بعضی حرمت من
نداشتند و حق مرا ضایع کردند پس خدای تعالی فرماید بعزت و جلال
خودم که هرکس ترا ازو راضی باشی جزای رضای تو باو رسانم و اورا
از تو راضی کردانم و هرکس ازو راضی نباشی انتقام ترا ازو کشم
پس بصورت جوانی که اهل محشر شناسند پیش شیعیان آید و کوید
منم آنکه بشغل تلاوت من شبها بجای خواب بیداری کشیده روزها
بعوض آب شربت تشنکی چشیده در دنیا بسبب من مشقتها دیده و از
دشمنان مصیبتها رسیده پس ایشانرا برداشته پیش خدای تعالی
برد و کوید خداوندا اینان بندکان تو اند و تو ایشانرا بهتر می شناسی
و دانی که در محافظت و رعایت من چها کشیده اند پس فرماید
تا ایشانرا ببهشت برده حلهای بهشت در ایشان پوشند و تاجهای
کرامت بر سر ایشان نهند پس بقرآن نمایند و کویند ازین اکرام
که باولیای تو کردیم راضی شدی کوید خدایا مرا با ایشان بیش ازین
توقع احسانست خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که احسان

بسیار

بسیار با ایشان کنم و ترا از خود راضی کردانم پس هریک از ایشان دست
راستش را مملو از امان و رضوان و دست چپش را مملو رحمت و خلود در جنان
کردانند و والدینش را بازای تعلیم قرآن که بفرزند خود کرده اند
دو حله از بهشت پوشانند و هم از ایشان ع مرویست که هرکس در
نماز نشسته قرآن بخواند بعدد هر حرف برایش پنجاه حسنه نوشته
شود و پنجاه سیئه محو کردد و پنجاه درجه بلند شود و اکر ایستاده
بخواند بعدد هر حرف صد حسنه نویسند و صد سیئه محو کنند و ده درجه
بلند کردانند و اکر خود تلاوت نکند و کوش بتلاوت دیکری دارد
بعدد هر حرف یکحسنه عطا فرمایند و یکسیئه محو نمایند و یکدرجه بلند کردانند
و چون قرآنرا ختم کند اورا دعا مستجاب بود و اکر ختم در روز واقع
شود تا شب و اکر در شب واقع شود تا روز ملائکه برو صلوة
فرستند از حضرت امام پرسیدند که این فضائل برای کسی است
که قرآن داند فرمود خدای تعالی کریمست هرکس آنچه میداند
هرکاه ختم کند چنانست که ختم قرآن کرده باشد و این فضائل باو
عطا فرمایند و هرکس در مکه معظمه از جمعه تا جمعه یا کمتر یا بیشتر ختم کند
و ختم در روز جمعه واقع شود از جمعه اول دنیا تا جمعه آخر آن برای او
ثواب و حسنات نویسند و همچنین اکر در روز دیکر باشد از مثل آن

تا مثل آن هم از ایشان هم مرویست که هرکس در شبی ده آیه بخواند از جملهٔ ذاکرین
نوشته شود و اگر صد آیه بخواند از جملهٔ قانتین و اگر دویست آیه بخواند
از خاشعین و قرآن در روز قیامت با او مخاصمت نکند و اگر سیصد آیه
بخواند از فائزین و اگر پانصد آیه بخواند از عابدین و اگر هزار آیه بخواند
یک قنطار ثواب بر بهشتش نویسند و قنطار پانزده هزار مثقال است و مثقال
بیست و چهار قیراط و کوچکترین قیراط مثل کوه احد است و بزرگترش
از زمین تا آسمان و کسیکه قرآن بمشقت بیاموزد ثوابش مضاعف
باشد و در خانه که قرآن خوانند و ذکر خدا کنند ملائکه حاضر شوند
و شیاطین دور شوند و برکت زیاد شود و آنخانه برای اهل
آسمان نورانی باشد مثل ستاره برای اهل زمین و خانه که قرآن
نخوانند و ذکر خدا نکنند ملائکه بیرون روند و شیاطین حاضر شوند و برکت
کم شود و سه چیز از اهل خود بخدا شکایت کنند مسجدی که دران نماز نگزارند
و عالمی که قدرش ندانند و قرآن در خانه که تلاوت نکنند تا غبار گیرد
این بود بعضی از فضائل جملهٔ قرآن و هر یک از سور و آیات را نیز فضل
بی نهایت روایت شده که حوصلهٔ این رساله اگرچه وسعت حکایت
همه آن ندارد اما چون از همه آن نیز محروم نتوان گذشت روایت
بعضی مشرف گردانیم و گوییم هر مؤمن که بسم الله الرحمن الرحیم بگوید

بعدد

بعدد هر حرف او را حسنه عطا فرماید که هر حسنه بهتر باشد از تمام دنیا
و نعمتهای آن و خدای تعالی کارهایش را مبارک و تمام گرداند و اگر گوش
کند که دیگری بخواند ثلث ثواب خواننده داشته باشد **در فضیلت الحمد**
هرکس از روی اقرار و اعتراف بخواند خدای تعالی نعمتهای آخرت را
برای او اضافهٔ نعمتهای دنیا گرداند و بلاهای آخرت را باضافهٔ بلاهای
دنیا دفع کند و رحمت وافر و عطیهٔ کامل احسان فرماید و روز قیامت
حسابش را آسان کند و حسناتش را قبول فرماید و سیئاتش را محو فرماید .
و ثوابی کرامت فرماید که همه مخالفین بران حسرت برند و در شدائد
کارها معین و دستگیرش باشد و براه راست و طریقهٔ اهل بیت هدایتش
کند و چنانست که دو ثلث قرآن خوانده و بهر مؤمن و مؤمنه صدقه
داده باشد **بقره و آل عمران** هرکس بخواند روز قیامت مثل دو پاره
ابر از حرارت آفتاب بر سرش سایه کنند **سورهٔ یس** هرکس بخواند
گناهانش آمرزیده شود و چنانست که دوازده مرتبه ختم قرآن
کرده باشد و اگر کسی روز بخواند تا شب محفوظ باشد و مرزوق
و اگر شب پیش از آنکه بخواب رود بخواند هزار ملک بر او موکل شوند که از شیاطین
و آفات محافظتش کنند و اگر در آنشب بمیرد سی هزار ملک در غسلش
حاضر شوند و برای او استغفار کنند و تا قبر مشایعتش نمایند بعد از ان

در قبرش ساکن شوند و عبادت خدا کنند و ثوابش برای او نوشته شود و تا
چشم کار کند قبرش را وسیع کنند و از فشار قبر ایمن شود و تا روز قیامت
نوری از قبرش تا اطراف آسمان درخشان باشد و چون از قبر بیرون آید
ملائکه با او متابعت نمایند و مژدهٔ خیر و رحمت دهند تا از میزان و صراط
بگذرد و پس پیش خدای تعالی در مقامی باز دارند که هیچ کس نزدیکتر
از و بخدا نباشد مگر ملائکهٔ مقربین و انبیاء و مرسلین و ائمهٔ طاهرین و با ایشان
باشد و از هر خوف و حزن ایمن باشد پس خدای تعالی گوید ای بندهٔ من
هر چه خواهی سؤال کن تا عطا نمایم و هر کرا خواهی شفاعت نمای تا اجابت
فرمایم و از مذلت موقف ایمن باشد و بر هیچ خطیئه ملامت نبیند
تا آنکه همه کس گویند سبحان الله این بندهٔ خدا هیچ خطائی نداشته
پس از جملهٔ رفقای حضرت محمد صلی الله باشد و در روایت دیگر آمده که
هر که در مدت عمر خود یکمرتبه این سوره بخواند بعدد هر خلقی در دنیا
و آخرت برایش دو هزار هزار حسنه نویسند و دو هزار هزار سیئه
محو کنند و از جنون و جذام و آفات و آلام ایمن گردد و سکرات موت
بر او آسان گردد و خدای تعالی خود متوجه قبض روحش شود و وسعت
معیشتش دهد و روز قیامت خوشحال باشد آنقدر ثواب باو دهد که
راضی گردد پس بجمیع ملائکهٔ آسمان و زمین گوید برای این بندهٔ من استغفار

کیند

کیند که من از او راضی گشتم سوره ص هر کس بخواند خدای تعالی بوزن هر کوهی
که مسخر داود کرده بود حسنات عطا فرماید و هر کس شب جمعه بخواند آنقدر
خیر دنیا و آخرت باو دهد که بهیچکس نداده باشد مگر نبی مرسل و ملک مقرب
و او را و هر کرا او خواهد از اهل بیتش حتی خادمش اگر چه از عیال و اهل
شفاعت و نباشد ببهشت برد سوره واقعه سوره حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه است هر کس هر شب جمعه بخواند از رفقای آنحضرت باشد
و از آفات و مکاره دنیا ایمن گردد و هر کس هر شب بخواند پیش
از آنکه بخوابد رویش در روز قیامت مثل بدر تمام باشد سوره صف
هر کس بخواند حضرت عیسی او را دعا کند و برایش استغفار نماید تا در دنیا
باشد و روز قیامت رفیق آنحضرت باشد و هر کس باین سوره در فرایض
و نوافل مداومت کند در صف ملائکه و انبیاء و مرسلین باشد سوره
هل اتی هر کس بخواند جزایش بهشت و حریر بهشت باشد و اگر در نماز صبح
دوشنبه بخواند از شر آن روز ایمن گردد و اگر صبح پنجشنبه بخواند
در خدمت حضرت پیغمبر صلعم باشد و هشتصد بکر و چهار ثیب از حور العین
باو عطا کند سوره جمعه هر کس بخواند بعدد هر کس که در نماز جمعه آید
و هر کس نیاید در دیار اسلام ده حسنه باو عطا کند سوره منافقین
هر کس بخواند از نفاق بری شود سبح اسم ربک الاعلی هر کس بخواند

بعد و هر حرف که بر حضرت ابراهیم و موسی و محمد نازل کشته حسنه عطا فرمایند
و هر کس در نافله یا فریضه بخواند روز قیامت کویند از مرد کهٔ خواهی
داخل بهشت شو و حضرت امام جعفر صادق ع فرموده بر شیعهٔ ما واجب
و لازمست که شب جمعه نماز بسوره جمعه و سبح اسم و ظهر جمعه بجمعه و منافقین
کزارند و هر کس چنین کند چنانست که عمل رسول الله صلی الله کرده باشد
و جزایش بهشت بود سوره الحاقه برای معامله حضرت امیر المومنین صلوات
الله علیه و معاویه لعنه الله نازل کشته هر کس در فرائض و نوافل بسیار
بخواند ایمان از و مسلوب نشود سوره تبارک هر کس بخواند از عذاب
قبر ایمن شود و اکر در نماز خفتن بخواند در امان خدای تعالی باشد تا صبح
و روز قیامت تا آنکه داخل بهشت شود سوره الفجر سوره حضرت
امام حسین ع است هر کس در فرائض و نوافل بخواند با آنحضرت در یک درجه
از بهشت باشد و هر کس در ده شب ذی الحجه بخواند کناهانش آمرزیده
شود سوره انا انزلناه سوره اهل بیت طاهرین است هر کس بخواند
چنانست که ماه مبارک رمضان را روزه کرفته و لیلة القدر را احیا
داشته باشد و هر کس یکمرتبه آهسته بخواند چنانست که در راه خدا
شمشیر از غلاف کشیده باشد و اکر ده مرتبه بخواند هزار کناهش آمرزیده
شود و اکر در نماز فریضه بخواند منادی ندا کند که اعمال از سر کیر که کناهانت

ثم قرئه

همه آمرزیده کشت و فضائل این سوره زیاده از آنست که در حوصلهٔ این
رساله کنجد و بعضی از انجمله نیز در مباحث سابقه کذشته و بعضی هم در جای
خود انشاء الله بیاید سوره والتین هر کس بخواند خدای تعالی در دنیا
عافیت و یقین و در آخرت بعد د هر کس اینسوره را خوانده ثواب
یکروز روزه با و عطا فرماید و هر کس در فرائض و نوافل بخواند هر جای بهشت
که خواهد با و عطا کنند سوره والعادیات سوره حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه است هر کس بخواندن آن مداومت کند از رفقای آنحضرت
و در پناه او باشد الهیکم التکاثر هر کس بخواند چنانست که هزار آیه از
قرآن خوانده باشد و خدای تعالی بر نعمتهائی که در دنیا باو داده او را
محاسبه نفرماید و اکر در فریضه بخواند چهل صف ملائکه با و اقتدا کنند
و اجر صد شهید داشته باشد و اکر در نافله بخواند اجر پنجاه شهید سوره
جحد هر کس بخواند چنانست که ربع قرآن خوانده باشد و شیاطین
از و دور شوند و از شرک بری کردد و از فزع اکبر ایمن کردد و هر کس
سوره جحد و توحید در فریضهٔ از فرائض بخواند کناهان او و والدین
و اولاد ایشان همه آمرزیده شود و اکر شقی باشد از دیوان اشقیا
محو کردد و در دیوان سعدا ثبت کردد و در زمرهٔ ایشان محشور
شود سوره توحید هر کس یکمرتبه بخواند چنانست که ثلث قرآن خوانده

تنبه اسمع افهم یا عبد الله هل انت علی العهد
الذی فارقتنا علیه من شهادة ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له وان محمدا عبده و رسوله و سید النبیین
و خاتم المرسلین و ان علیا امیر المؤمنین و سید الوصیین
و امام افترض الله طاعته علی الخلق اجمعین و ان
الحسن و الحسین و علی ابن الحسین و محمد ابن علی و جعفر ابن محمد
و موسی ابن جعفر و علی ابن موسی و محمد ابن علی و علی ابن محمد و الحسن ابن علی و محمد
القائم المهدی صلوات الله علیهم اجمعین ائمتک
ائمة هدی ابرار اذا اتاک الملکان المقربان
رسولین من عند الله و سئلاک عن ربک و عن نبیک
و عن دینک و عن کتابک [illegible] و عن ائمتک فلا تخف و لا تحزن و قل فی جوابهما الله
ربی و محمد نبیی و الاسلام دینی و القرآن
کتابی و الکعبة قبلتی و علی ابن ابی طالب امامی [illegible]
المنتظر امامی هؤلاء صلوات الله علیهم ائمتی
سادتی و قادتی و شفعائی بهم اتولی و من اعدائهم
اتبرأ فی الدنیا و الآخرة ثم اعلم یا عبد الله ان الله
تبارک و تعالی نعم الرب و ان محمدا نعم الرسول
و ان علیا امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام
و اولاده [illegible] نعم الائمة و ان ما جاء
به محمد صلی الله علیه و آله حق و ان الموت [illegible]

باشد و بعد هر مومنی ده حسنه عطا کنند و چون سه مرتبه بخواند ختم قرآن
کرده باشد و هرکس یکمرتبه بخواند خدای تعالی بر وی برکت و رحمت زیاد کند
و اگر دو مرتبه بخواند بر وی و بر اهل بیتش و اگر سه مرتبه بخواند بر ایشان و بر
همسایگانش و اگر دوازده مرتبه بخواند دوازده قصر در بهشت عطا
فرماید و چون حضرت پیغمبر ص بر سعد بن معاذ نماز گزارد دید که هفتاد
هزار ملک که جبرئیل ع از آن جمله بود بر وی نماز گزاردند از جبرئیل پرسید
که سعد بچه چیز مستحق کرامت گشته گفت باین که در جمیع احوال نشستن
و برخاستن و آمدن و رفتن و سواره و پیاده همیشه قل هو الله میخواند
سوره اذا جاء نصر الله هرکس بخواند چنانست که با حضرت پیغمبر ص در فتح
مکه حاضر باشد و اگر در فریضه یا نافله بخواند بر همه دشمنان نصرت
یابد و نورانی از قبر بیرون آید و از جسر جهنم و اهوال آن ایمن گردد
و در دنیا آنقدر اسباب خیر بر وی مفتوح شود که هرگز بخاطرش
نگذشته و آرزویش نداشته باشد و چون روز قیامت محشور شود
بر هیچ خیر نگذرد مگر که او را حصهٔ خیر دهد تا داخل بهشت شود
معوذتین هرکس بخواند چنانست که جمیع کتابهائی که بر انبیا نازل گشته
خوانده باشد آیة الکرسی هرکس یکمرتبه بخواند خدای تعالی هزار
مکروه در دنیا که سهل ترین آن فقر و هزار مکروه در آخرت که سهل

ترین

ترین آن عذاب قبر باشد از وی رفع فرماید این بود مجملی از فضائل بعضی
سور و آیات قرآن عظیم و بسیاری نیز در مباحث سابقه گذشته
و بعضی نیز در مباحث مناسب انشاء الله بیاید اما ذکر همهٔ آن در حوصله
این رساله در نیاید اما آداب تلاوت قرآن و بعضی دیگر از احکام متعلق
بآن آنکه چون کسی آیه یا سوره از قرآن بیاموزد و یاد گیرد باید که
مداومت بآن کند تا فراموش نشود که اگر فراموش شود آن سوره
یا آیه خود را در بهشت بصورتی جمیل در درجهٔ رفیع باو نماید و بر وی سلام
کند پس او گوید چه خوب نعمتی تو چیستی و کیستی کاش از من می‌بودی
گوید من فلان سوره یا آیه‌ام اگر فراموشم نمیکردی باین درجه‌ات
میرسانیدم و مخفی نماند که ظاهر این حدیث اعمست از یاد گرفتن حکمش
یا لفظش یا بخاطر گرفتنش و هر سه معنی حق و صحیحست و درجه‌اش در رفعت
و عظمت مختلف و هر کدام درجه‌اش رفیع‌تر حسرت نسیانش عظیم‌تر و هم
از ایشان ع مرویست که مؤمن را سزاوار است که هر روز خصوص صبح
بعد از فراغ از تعقیب وردی از قرآن تلاوت کند اقلش پنجاه آیه
و افضل اعمال آنست که کسی همیشه قرآن را ختم کند و باز از سر گیرد
مستحبست که مدت ختم قرآن کمتر از یکماه نباشد تا بتدبر و تفکر
خوانده شود اما در ماه مبارک رمضان هر شش روز و سه روز

با هرچه مقدور شود در حضیت نشده و فضائل تلاوت بحزن و حسن صوت
در باب اوّل گذشت و قرآن را بشتاب و بی تأنّی نشاید خواند و مقصود
نباید آخر سوره و جزو باشد بلکه بترتیل و تأنّی و تفکّر و تأمّل باید تلاوت
نمود و مرویست که آیات قرآن خزائن جواهر معرفت و حکمت است
هر خزینه را که بگشایند از جواهر آن بگذرید و نیز مرویست که بسا کسی
قرآن خواند و قرآن از وی بیزاری کند بلکه با دل آگاه و از روی خضوع
و خشوع تلاوت باید نمود و چون بآیه رحمت و مغفرت و ذکر نعیم جنّت
رسی آن رغبت نموده از روی شوق از خدا مسئلت کنی و چون بآیه
عذاب و ذکر عقوبت و حساب رسی اندیشه کنی و از آن استعاذه
نمائی و از مناهی معاصی توبه و استغفار کنی و چون بمواعظ و نصایح
مرور کنی موعظه و نصیحت گیری و چون بحکایات و قصص بگذری از آن
عبرت گیری و بر قیاس هر آیه که رسی مناسب آن حالت عمل نمائی و اگر
مقدور باشد الفاظ قرآن را فصیح و سلیس ادا کند مرویست که قرآن را
چنان بخوانید که عرب میخوانند و اگر مقدور نباشد آنچه تواند ترک نکند
مرویست که عجمان قرآن را عجمی خوانند و ملائکه آن را عربی بالا برند
و از جمله آداب این که با طهارت و مکان خلوت و اطمینان خاطر
و روی بقبله بدو زانو نشسته تلاوت کند که عذاب الدین

تخفیف

تخفیف یابد اگرچه کافر باشند و نظر بر خطّ قرآن عبادتست و اگر در
جائی تلاوت کنند باید ساکت بود و گوش داشت و چون قرآن را برای
تلاوت برگیرد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اُشْهِدُكَ اَنَّ هٰذا كِتابُكَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِكَ
عَلٰى رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ كَلامُكَ النّاطِقُ عَلٰى لِسانِ نَبِيِّكَ جَعَلْتَها
دِيًا مِنْكَ اِلٰى خَلْقِكَ وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فيما بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبادِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي
نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتابَكَ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَظَري فيهِ عِبادَةً وَقِراءَتي فيهِ
ذِكْرًا وَفِكْري فيهِ اعْتِبارًا وَاجْعَلْني مِمَّنْ يَتَّعِظُ بِبَيانِ مَواعِظِكَ فيهِ
وَيَجْتَنِبُ مَعاصِيَكَ وَلا تَطْبَعْ عِنْدَ قِراءَتي عَلٰى قَلْبي وَلا عَلٰى سَمْعي وَلا تَجْعَلْ
عَلٰى بَصَري غِشاوَةً وَلا تَجْعَلْ قِراءَتي قِراءَةً لا تَدَبُّرَ فيها بَلِ اجْعَلْني اَتَدَبَّرُ
اٰياتِهِ وَاَحْكامَهُ اٰخِذًا بِشَرايِعِ دينِكَ وَلا تَجْعَلْ نَظَري فيهِ غَفْلَةً وَلا قِراءَتي
هَذَرًا اِنَّكَ اَنْتَ الرَّؤُفُ الرَّحيمُ و چون خواهد شروع در تلاوت کند از
وساوس شیطان و غفلت قلب و قساوت آن پناه بخدا برده بگوید
اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّميعِ الْعَليمِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ و چون بآیه سجده رسد
یا از دیگری بشنود سجده کند و در سجده بگوید لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ حَقًّا
حَقًّا لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِيمانًا وَتَصْديقًا لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا
سَجَدْتُ لَكَ يا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لا مُسْتَنْكِفًا وَلا مُسْتَكْبِرًا بَلْ اَنَا
عَبْدٌ ذَليلٌ خائِفٌ مُسْتَجيرٌ و بعد از فراغ از تلاوت بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّي قَدْ

قراءت ما قضیته من کتابك الذی انزلته علی نبیك الصادق صلی الله
علیه واله فلك الحمد ربنا اللهم اجعلنی ممن یحل حلاله ویحرم حرامه ویؤمن بمحکمه
ومتشابهه واجعله انسا فی قبری وانسا فی حشری واجعلنی ممن ترقیه
بکل آیة درجة فی اعلا علیین آمین رب العالمین وچون ختم کند این دعا
از صحیفه کامله بخواند اللهم انك اعنتنی علی ختم کتابك الخ باب چهارم
فضائل ذکر و دعا و احکام متعلق بآن و مجموع انشاء الله در دو فصل بیان شود
فصل اول در فضائل ذکر مرویست از اهل بیت طاهرین ع که هرکس ذکر خدای
بسیار کند از نفاق و از آتش دوزخ ایمن گردد وحضرت امام جعفر صادق ع
فرموده دلهای خود را رعایت کنید و بذکر خدا زنده دارید و بترسید
از آنکه غافل نقض عهد ایمان در دل شما راه یابد که چون دل از ذکر خدا
غافل شود نه مومن باشد و نه کافر مثل جامه کهنه یا استخوانی پوسیده
پس درین حالت خدا را یاد کنید و از نقض عهد بترسید که چون دل را
چنین حالتی رو دهد پس اگر خدا با آن بنده اراده خیر داشته باشد
ایمان در دلش اندازد و گرنه کفر و خدای تعالی فرموده ای پسر آدم
تو در دل خود مرا یاد کن تا من در دل خود ترا یاد کنم و تو در مجالس خود
مرا یاد کن تا من در مجالس ملائکه ترا یاد کنم و خانه که دران ذکر خدای تعالی
و تلاوت قرآن کنند برکت بسیار شود و ملائکه نزدیک و شیاطین

دور شوند

دور شوند و آنخانه برای اهل آسمان نورانی باشد چنانکه ستاره برای اهل
زمین و شیطان بهر دلی آویخته چون ذکر خدا کند از و دور شود و چون
ترک ذکر کند گمراهش کند و خدای تعالی فرموده مال بسیار گناه را
فراموش کند و ترک ذکر من قساوت دل آورد و هرکس خدا را در
دل یاد کند ثواب آنرا غیر خدا کسی نداند و هرکس در میان غافلان و مشغولان
دنیا ذکر خدا کند خدای تعالی هزار حسنه برایش نویسد و روز قیامت
بیامرزدش آمرزشی که بخاطر هیچ کس نگذرد و چنانست که در جرگه
جهادی که همه گریخته باشند ثابت قدم ایستاده با اعدای خدا مقاتله
کرده باشد و بهشت او را واجب شود و مومن بهر بلیه مبتلا شود بکسیکه
مشغول ذکر باشد بصاعقه مبتلا نشود و هیچ جمعی در مجلسی مشغول ذکر
نشوند مگر آنکه جمعی ملائکه با ایشان نشسته شریک شوند و بگریه ایشان
بگریند و دعا شانرا آمین گویند و منادی از آسمان ندا کند که سیئات
شما همه آمرزیده شد و بحسنات بدل گشت و اگر کسی در میان ایشان
باشد و ذکر نکند او نیز بسبب مجالست با ایشان آمرزیده شود و حضرت
موسی سوال نموده گفت خدایا آیا نزدیکی تا مناجات کنم یا دوری
تا آواز رسانم فرمود من همنشینم با کسیکه ذکر من کند و هم آنحضرت
مناجات نموده گفت روزی که هیچ کس را پناهی نباشد در پناه

رحمت تو که باشد فرمود آنانکه ذکر من کنند و من ذکر ایشان کنم و برای من
باهم محبت کنند و من با ایشان محبت کنم ایشانند که اگر خواهم بر اهل زمین
عذاب فرستم چون ایشان را بیاد آرم عذاب برگیرم و نیز مناجات نموده
گفت خدایا مرا در بعضی احوال شرم آید که ذکر تو کنم فرمود در هیچ حال
بی ذکر من مباش ذکر من در همه حال خوبست و بباید دانست که ذکر
بر سه قسمت ذکر با دل که معنی خدا را بیاد داشتن است و با زبان
مثل تهلیل و تسبیح و تلاوت قرآن و مذاکره مسائل دین و امر
معروف و نهی منکر و غیر آن هرچه خدا را بیاد آرد و با اعضا و ارکان
مثل عبادات و طاعات و ترک مناهی و سیئآت و افضل همه ذکر با دلست
که معنی نیت شعبه ایست از آن و ذکر با دل بمنزلهٔ بدن که چون قول
و فعل بی نیت خدا و یاد او باشد مثل صورتی باشد بی جان و ازین
جهتست که اعمال ریا و اغراض دنیا و همچنین عبادات مخالفین و فاسقین
مثل مستان و اطفال مقبول نباشد و خدای تعالی فرموده من هر کلام حکمت را
قبول نکنم بلکه نظر بر دلش کنم اگر برای من و بیاد من کرده اجر دهم
وگرنه بآن واگذارم که برای او کرده و حضرت پیغمبر صلعم فرموده نیت مؤمن
بهتر است از عملش که عمل بی نیت مقبول نبود و با نیت اگر عمل مقدور
نباشد همان اجر یابد چنانکه مرویست که وقتی در مدینه قحط شد کسی روزی

روزی در صحرا ابتل خاکی گذشت گفت کاش این همه گندم بود تا بمردم
دادمی این خبر بحضرت پیغمبر صلعم رسید فرمود همان ثواب یابد و وجوه دیگر
نیز برای بهتری نیت روایت شده که این مقام ذکر آنها نیست و نیز
در باب سابق گذشت که هر قدر از نماز که با آگاهی دل باشد بالا برند
و هرچه بی آن باشد بر هم پیچند و بر روی صاحبش زنند و نیز در مبحث ورع
و تقوی گذشت که ذکر خدا همین سبحان الله و الحمد لله نیست بلکه اصل ذکر آنست
که در افعال و اعمال هرچه رو دهد خدا را یاد کنی اگر رضای خدا باشد ارتکاب
کنی وگرنه اجتناب نمائی و امثال این اخبار و احادیث بسیار است
و بعضی از آن گذشته و بعضی نیز در مباحث خود انشاء الله بیاید
و افضل همه اذکار آنست که ذکر دل و زبان و ارکان همه باهم جمع شود
بحیثیتی که در افعال و اقوال خدا منظور باشد و برضای او شود و این جمله
که گفته شد بحمد الله بسیار واضحست و توقع که رعنایان را درین
مقام باشد با آنکه کسی قمار بازد و معاصی کند و باین مغرور باشد
که هر روز هفتاد هزار تهلیل میگوید و دیگران نیز فریفته آن شوند
در نهایت سخافتست چنانکه ازین احادیث و سائر احادیث
که در مبحث ورع و غیر آن مذکور شد در غایت وضوحست و الحمد لله
فصل دوم در فضائل بعضی اذکار مخصوصه مرویست از اهل بیت طاهرین

که جماعتی فقرا بخدمت حضرت پیغمبر رفته معروض داشتند که اغنیا حج گزارند
و بندگان آزاد کنند و صدقات دهند و جهاد کنند و ما ازین جمله
محرومیم فرمود کسیکه صد مرتبه بگوید الله اکبر افضلست ازانکه صد شتر
در مکه قربان کند و اگر صد مرتبه بگوید الحمد لله افضلست ازانکه صد اسپ
با زین و لجام و مردان بران سوار بجهاد فرستد و اگر صد مرتبه
بگوید لا اله الا الله عملش درانروز افضل از جمیع ناس باشد مگر کسیکه
بیشتر گوید و هم آنحضرت فرموده هرکس تسبیحات اربع بگوید بعوض
هر یک درختی در بهشت برایش نشانده شود کسی گفت یا رسول الله
درخت بسیار در بهشت داریم فرمود بلی اما آتشی مفرستید که
همه را بسوزد و هرکس بگاه که از چیزی تعجب کند سبحان الله بگوید
مرغی ازان مخلوق شود و تا روز قیامت خدارا تسبیح کند و ثواب
آنهمه ازو باشد و همچنین اگر لا اله الا الله یا الحمد لله یا الله اکبر بگوید
و هرکس لا اله الا الله باخلاص بگوید بهشت اورا واجب شود و اخلاصش
آنست که اورا باز دارد از معاصی سبحان الله نصف میزان را
پر کند و الحمد لله تمام میزان را و لا اله الا الله ما بین زمین و آسمان را
و هرکس لا اله الا الله بگوید درختی برایش در بهشت بنشانند در زمینی سفیدتر
از برف و شیرین تر از شهد و خوشبوی تر از مشک که بار آن مثل پستان

دختران

دختران بکر باشد در هر یک ازان هفتاد حلّه از حلّهای بهشت و هرکس
بگوید الحمد لله کما هو اهله کتاب آسمان دست از نوشتن باز دارند و گویند
خدایا ما نمیدانیم که ثواب این را چه قدر نویسیم خدای تعالی فرماید
شما گفته اورا بنویسید من دانم چه قدر ثواب دهم و هرکس بگوید
سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ سه هزار حسنه نویسند و سه هزار
سیئه محو کنند و سه هزار درجه بلند گردانند و طایری در بهشت خلق شود
که خدارا تسبیح کند و ثوابش ازو باشد و هرکس روزی ده مرتبه بگوید که
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا
لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا چهل و پنج هزار حسنه ثبت شود و چهل و پنج هزار
سیئه محو گردد و چهل و پنج هزار درجه بلند شود و درانروز حرز
او باشد از شیطان و سلطان و کبیره دامن گیرش نشود و حسنات
که درانروز دوازده ختم قرآن کرده باشد و خانه در بهشت برایش
بنا کنند و هرکس هر روز بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا
اللهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ إِيمَانًا وَتَصْدِيقًا خدای تعالی
از روی کرم متوجه او شود و هرگز رو ازو نگرداند تا داخل بهشت شود
و هرکس بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ نود و نه نوع
بلا ازو دفع شود که سهل ترین آن مردن بجنون باشد و هرکس بگوید

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰهِ دو هزار هزار
حسنه ثبت شود

فصل سوم در فضائل ذکر اهل بیت و صلوة بر ایشان و بعضی امور مناسب آن صلوات الله علیهم اجمعین

مرویست از ایشان صلی الله علیهم که هیچ مجلسی نیست که جمعی بنشینند و ذکر خدای تعالی و ذکر ما نکرده و صلوات بر پیغمبر نفرستاده برخیزند مگر اینکه آن مجلس روز قیامت بر ایشان حسرت باشد و نیز فرموده اند که ذکر ما ذکر خداست و ذکر اعدای ما ذکر شیطان که دشمن خداست و چون دو مومن باهم ملاقات و ذکر خدا و ذکر فضائل ما کنند هر گوشتی که در روی ابلیس است بگدازد تا انکه روحش از شدت الم بناله آید و ملائکه آسمان و خزان جنان از ان مطلع گشته و همه ملائکه مقربین او را لعنت کنند و حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود هر کس در مجلسی بنشیند که فضائل و اخبار ما مذکور شود و ولایت و حق ما در انجلس زنده باشد دلش نمیرد در روزی که همه دلها بمیرد و حضرت پیغمبر فرمود هر کس ذکر فضیلتی از فضائل علی بن ابی طالب علیه السلم کند و اقرار آن داشته باشد گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود اگر چه بقدر گناه جن و انس باشد و هر کس فضیلتی از فضائل او را بشنود گناهانی که با گوش کرده آمرزیده شود و هر کس نگاه بر نوشته

مرده باشد

فضیلتی

فضیلتی از و کند گناهانی که با چشم کرده آمرزیده شود و بعد از ان فرمود نظر بر علی بن ابی طالب عبادتست و ذکر او عبادتست و ایمان هیچ بنده مقبول نشود مگر بولایت او و برائت از اعدای او و حضرت امام حسن ع فرمود هر کس در دل با ما محبت دارد و با دست و زبان نصرت کند یکدرجه از ان پست تر باشد و هر کس در دل محبت دارد و با دست و زبان نصرت نکند در بهشت باشد و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود هر کس با زبان اعانت ما کند خدای تعالی روز قیامت زبانش را بحجتش گویا کند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس یکمرتبه صلوة بر حضرت پیغمبر فرستد خدای تعالی با هزار صف ملائکه هر یک هزار صلوة برو فرستند بعد از ان هیچ مخلوقی نماند مگر که برو صلوة فرستند پس هر کس باین نعمت رغبت نکند جاهل و مغرور باشد و خدا و رسول و اهل بیتش ازو بیزار باشند و هیچ چیز در میزان قیامت سنگین تر از صلوة بر آنحضرت نبود و چون اعمال ما را در میزان گذارند اگر حسنات سبک و سیئات سنگین باشد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم هر صلوة که برو فرستاده باشند بر سر حسنات گذارد تا بر سیئات زیادتی کند پس بهشتش برد و صلوات آنحضرت صلی الله گناهان را بیشتر محو کند که آب آتش را و نیز مرویست که هر کس

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله دو هزار هزار
حسنه ثبت شود **فصل سوم در فضائل ذکر اهل بیت و صلوة بر ایشان
و بعضی امور مناسب آن صلوات الله علیهم اجمعین** مرویست از ایشان
صلی الله علیهم که هیچ مجلسی نیست که جمعی بنشینند و ذکر خدای تعالی و ذکر
ما نکرده و صلوات بر پیغمبر ص نفرستاده برخیزند مگر اینکه آن مجلس
روز قیامت بر ایشان حسرت باشد و نیز فرموده اند که ذکر ما ذکر
خداست و ذکر اعدای ما ذکر شیطان که دشمن خداست و چون دو مؤمن
با هم ملاقات و ذکر خدا و ذکر فضائل ما کنند هر گوشتی که در روی
ابلیس است بگدازد تا انکه روحش از شدت الم بناله آید و ملائکه
آسمان و خزان جنان از ان مطلع گشته و همه ملائکه مقربین او را
لعنت کنند و حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود هر کس
در مجلسی بنشیند که فضائل و اخبار ما مذکور شود و ولایت و حق ما
در ان مجلس زنده باشد دلش نمیرد در روزی که همه دلها بمیرد و حضرت مرده باشد
پیغمبر ص فرمود هر کس ذکر فضیلتی از فضائل علی بن ابی طالب علیه السلم
کند و اقرار بآن داشته باشد گناه گذشته و آینده اش آمرزیده
شود اگر چه گناه جن و انس باشد و هر کس فضیلتی از فضائل او را
بشنود گناهانی که با گوش کرده آمرزیده شود و هر کس نگاه بر نوشته

فضیلتی

فضیلتی از و کند گناهانی که با چشم کرده آمرزیده شود و بعد از ان فرمود
نظر بر علی بن ابی طالب عبادتست و ذکر او عبادتست و ایمان
هیچ بنده مقبول نشود مگر بولایت او و برائت از اعدای او و حضرت
امام حسن ع فرمود هر کس در دل ما محبت دارد و با دست و زبان
نصرت کند یک درجه از ان بیت تر باشد و هر کس در دل محبت دارد
و با دست و زبان نصرت نکند در بهشت باشد و حضرت امام جعفر
صادق ع فرمود هر کس با زبان اعانت ما کند خدای تعالی روز قیامت
زبانش را بحجتش گویا کند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس
یکمرتبه صلوة بر حضرت پیغمبر ص فرستد خدای تعالی با هزار صف ملائکه
هر یک هزار صلوة برو فرستند بعد از ان هیچ مخلوقی نماند مگر که
برو صلوة فرستند پس هر کس باین نعمت رغبت نکند جاهل و مغرور
باشد و خدا و رسول و اهل بیتش ازو بیزار باشند و هیچ چیز در
میزان قیامت سنگین تر از صلوة بر آنحضرت نبود و چون اعمال او را
در میزان گذارند اگر حسنات سبک و سیئات سنگین باشد آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم هر صلوة که برو فرستاده باشند بر سر حسنات
گذارد تا بر سیئات زیادتی کند پس به بهشتش برد و صلوات آنحضرت
صلی الله گناهان را بیشتر محو کند که آب آتش را و نیز مرویست که هر کس

قادر بر کفاره گناهان نباشد صلوة بر آنحضرت و آلش صلی الله علیهم فرستد
که صلوة بر ایشان گناه را می ریزد و صلوات بر ایشان برابرست
با تهلیل و تسبیح و تکبیر و هرکس آنحضرت در پیشش مذکور شود و صلوة
نفرستد راه بهشت برو خطا شود و هرکس دعا کند دعایش محجوب
ماند و بالا نرود تا صلوة فرستد و آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود
در وقت دعا مرا مثل کوزهٔ مسافر مگردانید که چون همه اسباب را
بار کند و بعد از همه کوزه را عقب بار آویزد که هرگاه تشنه شود
بردارد بلکه مرا در اول و میان و آخر دعا یاد کنید و نیز فرمود
که هرکس بر من صلوة بیشتر فرستد روز قیامت بمن نزدیکتر باشد
و هرکس از خدای تعالی حاجتی خواهد اگر بعوض آن صلوة فرستد
حاجتش اجابت شود و ثواب آن صلوة نیز داشته باشد کسی بحضرت
امام جعفر [illegible] گفت چون از خانهٔ کعبه بیرون آمدم دعائی بخاطر
[illegible]ستم غیر صلوة بر آنحضرت فرمود هیچکس بخ بی تو بیرون نیامده
و هرکس در صلوة بر آنحضرت آلش را با او شریک گرداند درهای
آسمان گشوده شود و گناهش مثل برگ از درخت بریزد و ملائکه
هفتاد صلوة برو فرستند و خدای تعالی فرماید اگر شما هفتاد
صلوة بر بندهٔ من فرستادید من هفتصد صلوة برو فرستم و اگر

بر آتش

بر آتش صلوة نفرستد بوی بهشت را نشنود و حال آنکه بوی بهشت را
از پانصد سال راه توان شنید و میان او و آسمان هفتاد حجاب نصب
شود و خدای تعالی فرماید که ای ملائکه دعای این بنده را بالا میارید
تا بر عترت پیغمبر من صلوة نفرستد و مرویست که هرکس بگوید صلی الله
علی محمد و علی اهل بیته هزار حسنه نوشته شود و فضائل دیگر برای صلوة
و بعضی صلوات مخصوصه در تعقیبات و اعمال جمعه و غیر آن گذشت **فصل
چهارم در فضائل دعا و بعضی امور متعلق بآن** مرویست از اهل بیت
طاهرین ع که دعا افضل عبادتست و خدای تعالی هیچ چیز را دوست تر
از آن ندارد که بنده از و مسئلت حاجت کند و هیچ چیز را بدتر از آن
ندارد که بنده استکبار نماید و ترک مسئلت نماید و در قرآن مجید
فرموده اگر نه این بود که شما دعا می کنید خدا هیچ اعتنا بشما
نمیکرد و دعا سلاح مومن و عمود دین و نور سموات و ارضینست
و قضای مبرم بدعا رد شود و تاثیر دعا در قضای حاجت بیشترست
از تاثیر سنان در گوشت از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند
که دو کس باهم شروع در نماز کردند و باهم فارغ شدند یکی دعا
بیشتر کرد و دیگری قراءت فرمود آنکه دعا بیشتر کرده افضلست
و هر بلیه که بر کسی نازل شود و خدای تعالی در دلش اندازد که دعا کند

آن بلیه بشود زائل گردد و اگر در دعا تأخیر شود بلیه بطول کشد و چون بنده دست بدعا بردارد خدا را شرم آید که آنرا خالی رد کند و دعا یا حسنه که پنهانی کنند هفتاد مثل آنست که علانیه **فصل پنجم در اسباب اجابت دعا و بعضی احکام متعلق بآن** و اسباب اجابت دعا که مرویست از اهل بیت طاهرین سه قسمت **اول** حالات و صفات دعا که مرویست از اهل بیت طاهرین که جمعی بخدمت یکی از ائمهٔ طاهرین رفته گفتند یا بن رسول الله خدای تعالی فرموده دعا کنید که من اجابت میکنم و ما دعا میکنیم و مستجاب نمیشود فرمود دلهای شما بسبب ده چیز مرده است دعوی خداشناسی میکنید و اطاعت خدا نمیکنید و قرآن میخوانید و عمل بآن نمیکنید و دعوی عداوت شیطان میکنید و پیرویش میکنید و دعوی محبت بهشت میکنید و برای آن سعی نمیکنید و دعوی خوف دوزخ میکنید و خود را در ان می افکنید و مشغول عیوب دیگران میشوید و از عیوب خود چشم میپوشید و دعوی بغض دنیا میکنید و دست از ان نمی کشید و اقرار بموت میکنید و از ان عبرت نمیگیرید از ینست که دعای شما مستجاب نشود و در روایت دیگر آمده که کسب خود را حلال کنید تا دعای شما مستجاب شود که چون کسی یک لقمهٔ حرام خورد چهل روز دعایش مستجاب نشود

و تهیهٔ این سفر نمیکنید و موت خود را و دین میکنید صح

وخدای تعالی

وخدای تعالی فرموده دعای هیچکس از من محجوب نماند مگر کسیکه لقمهٔ حرام خورد و اجابت نکنم دعای کسی را که مظلمهٔ یکی از بندگان من بر ذمّهٔ او باشد و تا رد آن مظلمه نکند و داخل خانهٔ من نشود و ما دامی که در نماز نباشد او را لعنت کنم و کسی از بنی اسرائیل سه سال دعا کرد مستجاب نشد آخر مناجات کرده گفت خدایا آیا من از تو دورم که آوازم نمیرسد یا نزدیکی و اجابت نمی کنی خدای تعالی کسی را فرستاده باو گفت بازبانی فحاش و دلی آلوده بسرکشی و نیتی مغشوش دعا می کنی مستجاب نمیشود و نیز مرویست که با تقوی و نیکی آنقدر دعا کفایت که نمک در طعام **دوم** اوقات مخصوصه که دعا را در ان غنیمت باید دانست و فرصت باید شمرد از انجمله وقت زوال در هر روز خصوصا در روز جمعه تا وقتیکه امام از منبر فرود آید و ساعت آخر روز جمعه و تمام شب جمعه و از نصف آخر هر شب تا ثلث آخر شب در ین ساعت هیچ مؤمنی دعا نکند مگر آنکه البته مستجاب شود و وقت سحر تا طلوع آفتاب درین ساعت درهای آسمان گشوده میشود و رزق مردم قسمت کرده و حاجتهای عظیم مستجاب شود و میان اذان و اقامت و بعد از هر فریضه خصوصا بعد از نماز صبح و ظهر و مغرب و در قنوت نماز وتر و بعد از تلاوت قرآن و وقت

وزیدن باد و نزول باران و غیر آن از اوقات که بعضی به تقریبات گذشته
و بعضی نیز در مقام خود ان شاء الله بیاید سیم امور چند که در حال
اشتغال به دعا و بعد از فراغ رعایت باید نمود از آنجمله وضو یا غسل
داشتن و جامههای پاک پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و صدقه
دادن هر قدر که مقدور باشد و مکانی متبرک مثل مسجد یا غیر آن
اختیار کردن و دست بجانب آسمان برداشتن که خدای تعالی
کریمست شرم دارد که دست مومن را خالی رد کند و حاجت را
بخصوص نام بردن که خدا را خوش آید اگر چه حاجات همه کس را میداند
و در دعا اجتماع نمودن که هرگز چهل مومن در دعا اجتماع نکنند
مگر آنکه البته مستجاب شود و اگر چهل کس نباشند چهار کس ده مرتبه
دعا کنند مگر آنکه البته مستجاب شود و اگر چهار کس نباشند
یک کس چهل مرتبه دعا کند و روایت دیگر آمده که هرگز چهار
مومن در دعا اجتماع نکنند مگر آنکه باجابت مقرون شود و کسیکه
آمین گوید در دعا شریک باشد و از جمله اسباب اینکه اول حمد
و ثنای خدا کنی کسی بحضرت امام جعفر صادق عرض داشت
که خدای تعالی فرموده دعا کنید که من اجابت میکنم ما دعا میکنیم
و مستجاب نمیشود فرمود گمان داری که خدای تعالی خلاف وعده کند

گفت نه

گفت نه فرمود پس چرا مستجاب نمیشود گفت نمیدانم فرمود کسیکه اطاعت
امر خدا کند و از راهی که میباید دعا کند البته مستجاب میشود گفت راهش
کدامست فرمود اول حمد خدا و ذکر نعمتهای او کند و خدا را بران شکر کند
پس صلوة بر پیغمبر و آلش فرستد و گناهان خود را مذکور سازد و اقرار
بآن و استغفار از آن کند بعد از آن حاجت بخواهد مستجاب شود و سید
اسباب توسل جستن است بحضرت پیغمبر و آلش صلی الله علیهم اجمعین مرویست
که کسی هفتاد خریف در دوزخ بماند بعد از آن مناجات نموده گوید
خدایا بحق محمد و اهل بیتش که بر من رحم کن پس خدای تعالی جبرئیل را
فرماید که او را از آتش بیرون آرد و گوید بعزت خودم که اگر بحق
ایشان سوال نمیکردی بسیار در آتش میماندی اما من بر خود واجب
گردانیدهام که هر کس بحق ایشان سوال کند اجابت فرمایم و این
مضمون در احادیث بسیار آمده و مرویست که هر دعا از آسمان
محجوبست تا صلوة بر آن حضرت و آلش فرستد و نیز مرویست
که صلوة بر ایشان رد نمیشود پس چون در اول و آخر دعا صلوة
فرستد خدا را شرم آید که اول و آخر دعا را قبول فرماید و میانه را
رد کند و از جمله اسباب اینست که دعا را عام کند و دیگران را
در آنچه میطلبد با خود شریک گرداند بلکه ایشان را مقدم [illegible] برای

ایشان و برای خودش هر دو مستجاب شود و بعضی از علما در همین نکته گفته اند
که ذکرش مناسب مقامست اینکه خدای تعالی بندگان خود را نهی فرموده
که چون چند جنس را با هم بیک صیغه بیع کنند بعضی را نگاه دارند و بعضی را
رد نمایند و دعا برای مومن غائبانه البته مستجابست چنانکه بیاید
پس چون کسی خود را با دیگری در دعا جمع کند لائق بجلال آنجناب نبود
که چیزی که بندگان را منع کند خود آنرا بکند و از جمله اسباب اینکه در
وقت دعا دل خبردار و رقیق و محزون باشد که دعای از دل غافل
و سخت و فرخاک مستجاب نشود و خدای تعالی دل محزون را دوست
دارد و چشمی را که گریان باشد و اگر گریه نیاید سعی کند و خود را بر گریه
دارد و چون اشک آید دعا را غنیمت باید دانست اگر چه بقدر
سر مگسی باشد که خدای تعالی چشم گریان را دوست دارد و بگریه
یک کس بر امتی رحم فرماید و از جمله آنکه از روی ادب و انصاف
سوال کند مثلا رتبهٔ انبیا سوال نکند و چیزی که از حوصله و مرتبه
او بیرونست طمع نکند که مستحق حرمان شود و از جمله این که اطمینان
و حسن ظن باجابت داشته باشد که خدا پیش ظن بندهٔ مومن است
هر چه گمان داشته باشد چنان کند و مرویست که چون دعا کردی
حاجت را بر در خانه دان و از جمله اینکه پیش از وقت در حال عافیت

در غایت

در عافیت همیشه دعا میکرده باشد تا چون در بلیّه و شدت دعا کند
مستجاب شود و از آسمان محجوب نماند و گر نه ملائکه که بر اجابت دعوات
موکّلند گویند این چه آوازیست که نمی شناسیم و این کیست و پس از این
کجا بود که بدرگاه الهی رجوع نمی نمود و از جمله این که در آخر دعا
بگوید مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ که خدای تعالی فرماید
ای ملائکه این بندهٔ مرا دریابید و اعانت کنید و حاجتش برآرید
که کارهای خود را بمن و خواهش من تسلیم کرد و اعتراف نمود که غیر
من کسی اجابت حاجتش نتواند و چون از دعا فارغ شود هر دو دست
بر سر و رو و در روایت دیگر بر رو و سینه مالد که دست
بدعا برخاسته از رحمت خالی نباشد و از جمله اینکه در دعا
الحاح کند که خدا را خوش آید و البتّه اجابت فرماید و نیز مرویست
که بسا باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی از و اعراض فرماید
باز دعا کند و اعراض فرماید پس در مرتبه چهارم و بروایت
دیگر در مرتبه سیم فرماید ای ملائکه بندهٔ من مکرّر دعا کرد و اعراض
نمودم همان دعا می کند میداند که گناهش را غیر من کسی نیامرزد
گواه باشید که او را آمرزیدم و اگر در اجابت تاخیر شود مایوس
و نومید نباید شد مگر کفّار و گمراهان را و بسا باشد که بنده دعا کند

وخدای تعالی برای آنکه دعا و مناجات او را دوست دارد در اجابت
تاخیر فرماید بیشتر دعا و تضرع کند و دعای مومن البته اجابت شود و اگر
در همانچه خواسته مصلحت باشد همان را عطا کند و اگر بلیه مقدر باشد که
بر فع آن ضرورتر بود و خود از آن خبر ندارد آنرا رفع فرماید و اگر هیچ
کدام نباشد در بهشت اضعاف مضاعف عوض دهد و در روایت دیگر
آمده که اگر در آنچه خواسته مصلحت نباشد کفاره گناهانش شود و اگر
دعا زود مستجاب شود مشعوف و مغرور نباید گشت که شاید استدراج
باشد چنانکه در باب اول گذشت و نیز باشد که بنده دعا کند و خدای
برای این که آواز او را دوست دارد زود اجابت فرماید تا الحاح او را
نه پسندد بلکه اگر زود شود شکر و حمد و اگر دیر شود صبر و توکل باید کرد
و در هر حال تضرع و انابت و تملق و اطاعت باید نمود فصل ششم
در ذکر جمعی که دعاشان مستجاب شود و جمعیکه مستجاب نشود مرویست
از اهل بیت طاهرین که چند کس اند که دعاشان مستجاب شود اهل
حج و عمره و جهاد پس مترصد احوال عیال ایشان باشید و سعی
در حوائج ایشان نمائید و مریض پس او را مرنجانید و امام عادل
و ولد صالح برای والدین و والد صالح برای ولد و صایم تا وقتیکه
افطار کند و مومنی که برای مومنی غائبانه دعا کند مرویست که هیچ

دعا بسرعت اجابت این دعا نیست چون کسی مومنی را غائبانه ذکر خیر و دعا
کند ملائکه گویند چه خوب برادری تو که برادر خود را غائبانه مدح و دعا
میکنی خدای تعالی دو برابر آن ترا عطا کند و دو مثل آن ترا مدح
فرماید و اگر دعای بد و ذکر شر کند گویند چه بد برادری تو بر خود
رحم کن و ترک این گفتگو کن و نیز مرویست که دعای مومن برای خود
یک دعاست و چون برای مومنی غایبانه دعا کند از آسمان اول ملکی
ندا کند که صد هزار مثل آن ترا باشد و از آسمان دوم ندا کنند
که ترا دویست هزار مثل آن بود و همچنین تا آسمان هفتم صد هزار هزار
بیفزایند بعد از آن خدای تعالی فرماید منم غنی که هرگز فقیر نشوم ترا
هزار هزار مثل آن عطا فرمایم و دعای مظلوم بر ظالم که خدای تعالی
فرماید دعایش را به بالای ابر بیایید تا اجابت فرمایم و گوید انتقام
تو بکشم اگر چه بعد از مدتی باشد و دعای والدین بر ولد که برنده تر است
از شمشیر و چند کس اند که دعاشان مستجاب نشود کسیکه دست
از کسب و سعی کشیده باشد و در خانه نشیند و دعا کند خدای تعالی
فرماید من راه سعی و تحصیل برای تو گشوده ام راه سرکن و سعی نمای
تا حاجتت برآرم و کسیکه خدای تعالی مالی باو داده و او در باطل صرف
کرده چون دعا کند فرماید روزیت دادم ضایع کردی که

زن یا بنده یا همسایه را نفرین کند فرماید رها خلاصی نمودم زن را طلاق
گوی و بنده را بفروش و از جوار همسایه نقل کن و کسیکه بی شاهد و بیّنه
بکسی قرض دهد فرماید بایست که شاهد و بیّنه بگیری تا مالت ضائع
نشود و کسیکه از زیر دیوار شکسته بشتاب نرود یا در مهلکه احتیاط
نکند فرماید گفته بودم که خود را در مهلکه میفکن تا هلاک نگردی فصل هفتم
در فضائل دعا برای مومنان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر مؤمن که برای مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات احیا و اموات ایشان
دعا کند خدای تعالی بعدد هر مومن و مومنه از اول دنیا تا آخر دنیا حسنه
برایش ثبت کنند و بعدد هر کس مثل آنچه دعا کرده باو عطا فرماید
و اگر روز قیامت او را بدوزخ امر میکنند و می کشیده باشند تا بدوزخ
برند مؤمنین و مؤمنات اجتماع نموده گویند خدایا این کس در دنیا
ما را دعا میکرد امروز ما را شفیع او گردان خدای تعالی شفاعت
ایشانرا قبول فرماید و او را نجات دهد و هر کس هر روز بیست
و پنج مرتبه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات
بعدد هر مومنی گذشته و آینده تا روز قیامت برایش حسنه
ثبت کنند و سیّئه محو نمایند و درجه بلند گردانند فصل هشتم در ذکر
بعضی ادعیه و وسائل [illegible]ات مرویست که کسی بخدمت حضرت امیر

المؤمنین

۱۲۳

المؤمنین صلوات الله علیه شکایت نمود که اجابت دعایم دیر میشود فرمود
چرا دعای سریع الاجابت نمیخوانی گفت کدامست فرمود بگو اللهم
انی اسئلک باسمک العظیم الاعظم الاجل الاکرم المخزون المکنون
النور الحق البرهان المبین الذی هو نور مع نور و نور من نور
و نور فی نور و نور علی نور و نور فوق کل نور و نور علی
کل نور و نور تضیء به کل ظلمة و یکسر به کل شدة و کل شیطان
مرید و کل جبار عنید و لا تقر به ارض و لا تقوم به سماء
و یامن به کل خائف و یبطل به سحر کل ساحر و بغی کل
باغ و حسد کل حاسد و یتصدع لعظمته البر و البحر و یستقل
به الفلک حین یتکلم به الملک فلا یکون للموج علیه سبیل
و هو اسمک الاعظم الاعظم الاجل الاجل النور الاکبر الذی
سمیت به نفسک و استویت علی عرشک و اتوجه الیک بمحمد و اهل
بیته و اسئلک بک و بهم ان تصلی علی محمد و آل محمد و حاجتی که دارد
طلب نماید مرویست از حضرت امام جعفر علیه السلام که چون کسی را حاجتی
رو دهد پناه بحضرت پیغمبر برده غسل کند و دو رکعت نماز گزارد
و مثل نماز فریضه افتتاح کند و تشهد خواند و بعد از سلام ثواب
آنرا بروح مقدس آنحضرت هدیه نموده بگوید انت السلام و منک

السّلامُ وَ اِلَیکَ یَرجِعُ السَّلامُ اَللّهُمَّ صَلِّ علی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغ رُوحَ
مُحَمَّدٍ مِنّی السَّلامَ وَ لِاَرواحِ الاَئِمَّةِ الصّادِقینَ سَلامی وَ اُردُد عَلَیَّ مِنهُم
السَّلامُ وَ السَّلامُ عَلَیهِم وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ اَللّهُمَّ اِنَّ هاتَینِ الرَّکعَتَینِ
هَدِیَّةٌ مِنّی اِلی رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ فَاَثِبنی عَلَیهِما ما اَمَّلتُ
وَ رَجَوتُ مِنکَ وَ فی رَسُولِکَ یا وَلِیَّ المُؤمِنینَ بعد ازان سجده کند و چهل
مرتبه بگوید یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا حَیّاً لا یَمُوتُ یا حَیُّ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ یا ذَا الجَلالِ
وَ الاِکرامِ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ بعد ازان روی راست را بگذارد و همین را
چهل مرتبه بگوید بعد ازان روی چپ را بگذارد و چهل مرتبه بگوید و بعد ازان
سر بر داشته دستها بر دارد و چهل مرتبه بگوید بعد ازان دست را تا بیش گردن
بیارد و چهل مرتبه بگوید و بعد ازان محاسن را بدست گرفته گریه کنان
و اگر گریه نیاید خود را چنان ساخته بگوید یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللهِ اَشکُو اِلَی اللهِ
وَ اِلَیکَ حاجَتی وَ اِلی اَهلِ بَیتِکَ الرّاشِدینَ حاجَتی وَ بِکُم اَتَوَجَّهُ اِلَی اللهِ
فی حاجَتی و بعد ازان سجده کند و بگوید یا الله یا الله تا نفس تنگ شود
صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقضِ حاجَتی و حاجت بخواهد من ضامنم که هنوز
از جای خود بر نخاسته باشد که حاجتش بر آورده شود و هم از آنحضرت
مرویست که فرمود شما را چون مرضی عارض شود بطبیب رجوع کنید
و تکلفات می نمائید و چون حاجتی باشد بخانهٔ سلاطین رو ویلان بان

و انگشت سبابه را بجوی که بحری است بنشیند
از رو و بانغ عشکا چهار دو
صح

ایشان

ایشان رشوه دهید پس اگر مرضی یا حاجتی یا شدتی بلیغ شود بنیاه بخدا
برده طهارت بسازید و چیزی تصدق کنید بهر چه مقدور شود
پس بمسجد رفته دو رکعت نماز گزارید بعد ازان حمد و ثنای خدا گوئید
و صلوة بر پیغمبر و اهل بیتش فرستید و حاجت خود طلب کنید البته مستجاب
شود و این مبنی است که بر خدای تعالی واجبست اجابت آن و هم از آنحضرت
مرویست که هر کس را شدتی و حاجتی باشد غسل کند و دو رکعت نماز
گزارد پس دست راست را بر زیر روی راست گرفته بخواند و بگوید
یا مُعِزَّ کُلِّ ذَلیلٍ وَ یا مُذِلَّ کُلِّ عَزیزٍ وَ حَقِّکَ لَقَد شَقَّ
عَلَیَّ کَذا و حاجت خود را مذکور سازد مستجاب شود و از حضرت
صاحب الزمان عم مرویست که هر کس را حاجتی باشد شب جمعه بعد از نصف
شب غسل کند و بمصلای خود رفته دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعتی
الحمد بخواند و چون بایاک نعبد و ایاک نستعین رسد این آیه را صد مرتبه
تکرار کند و در مرتبهٔ آخر سوره را تمام کند و بعد ازان قل هو الله
احد بخواند و تسبیح رکوع و سجود را هفت بگوید و چون سلام
دهد بگوید اَللّهُمَّ اِن اَطَعتُکَ فَالمَحمَدَةُ لَکَ وَ اِن عَصَیتُکَ
فَالحُجَّةُ لَکَ مِنکَ الرَّوحُ وَ مِنکَ الفَرَجُ وَ سُبحانَ مَن اَنعَمَ
وَ شَکَرَ سُبحانَ مَن قَدَرَ وَ غَفَرَ اَللّهُمَّ اِن کُنتُ عَصَیتُکَ

فقد اطعتك في احب الاشيا اليك وهو الايمان بك لم اتخذ لك
ولدا ولم ادع لك شريكا منا منك به علي لا منا مني به عليك وقد
عصيتك يا الهي علي غير وجه المكابرة والخروج عن عبوديتك
ولا الجحود لربوبيتك ولكن اطعت هواي وازلني الشيطان فلك
الحجة علي والبيان فان تعذبني فبذنوبي غير ظالم لي وان
تغفر لي وترحمني فانك جواد كريم يا كريم يا كريم تا نفس منقطع شود
يا امنا من كل شيء وخوف كل شيء منك ان تصلي علي محمد
وال محمد وان تعطيني امانا لنفسي واهلي وولدي وساير ما
انعمت به علي حتي لا اخاف ولا احذر من شيء ابدا انك علي
كل شيء قدير وحسبنا الله ونعم الوكيل يا كافي ابرهيم
نمرود يا كافي موسي فرعون اسئلك ان تصلي علي محمد وال محمد
وان تكفيني شر فلان بن فلان وكسيكه از خوف داشته باشد نام برد
بعد از ان سجده كند واز روي تضرع حاجت بطلبد كه هيچ مومن و مومنه
باين طريق باخلاص عمل نكند مكر انكه درهاي آسمان براي جابتش كشوده
شود وهمان وقت مستجاب شود هرچه طلب كند بعد از ان فرمود اين از
فضل خداست برما وبر شيعيان ما وهركس در يك مجلس سه مرتبه بكويد ما
شاء الله توفيق حج يابد مرويست كه ابو الغمقام مردي بود بي طالع

[margin: وحطني منك ... [illegible]]

هركز بكاري نمي رفت كه از ان خير ببيند بحضرت امام موسي شكايت كرد فرمود
بعد از نماز صبح ده مرتبه بكوي سبحان الله العظيم وبحمده استغفر الله
واسئله من فضله كويد اندك زماني بيش نكذشت كه از جائي كه هيچ
كمان نداشتم خداي تعالي مرا غني كردانيد يكي از اصحاب حضرت پيغمبر ص
مدتي بخدمت آنحضرت ص نرفت بعد از انكه رفت پرسيد چه مانعت
كه پيش ما نمي آئي كفت بيماري و پريشاني فرمود اين كلمات را بكوي
هردو زائل شود لا حول ولا قوة الا بالله توكلت علي الحي الذي لا يموت
والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا
كسي از حضرت امام جعفر صادق ع دعائي خواست براي وسعت رزق
فرمود بكوي اللهم ارزقني من فضلك الواسع الحلال الطيب رزقا
واسعا حلالا طيبا بلاغا للدنيا والاخرة صبا صبا هنيئا مريئا
من غير كد ولا من من احد من خلقك الا سعة من فضلك الواسع
فانك قلت واسئلوا الله من فضله فمن فضلك اسال ومن
عطيتك اسال ومن يدك الملاء اسال راوي كويد براي اين مطلب
هيچ چيز مثل اين دعا نديدم وحضرت پيغمبر صلي الله عليه واله وسلم بحضرت امير
المومنين صلوات الله عليه كفت براي اداي دين بكوي اللهم اغنني
بحلالك عن حرامك وبفضلك عمن سواك اكر مثل كوه صبر دين داشته

[margin: اسال]

باشد اداشود وضیر کوهی است درین که در بلاد اعظم ازان کوهی هست

وهم انحضرت صلعم بدیگری فرموده دو رکعت نماز بکزار بعد ازان آیة

الملک بخوان و بعد ازان بکوی یا رحمن الدنیا والاخرة ورحیمهما

تعطی منهما ما تشاء وتمنع منهما ما تشاء اقض عنی دینی

تا اگر مثل روی زمین طلا دین داشته باشد ادا شود و کسی بحضرت امام

جعفر صادق ع شکایت نمود که دین چند بر مردم دارم و وصول نمیشود

فرمود بکوی اللهم لحظة من لحظاتك تیسر علی غرمائی بها

القضاء وتیسر لی بها الاقتضاء انك علی کل شیء قدیر و هم

از انحضرت ع مرویست که هر کس دو ماه متوالی هر روز چهار صد مرتبه بکوید

استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم بدیع السموات

والارض ذا الجلال والاکرام لجمیع ظلمی وجرمی واسرافی

علی نفسی واتوب الیه خدای تعالی مال بسیار یا علم بسیار عطا نماید

وهم از انحضرت مرویست که هر پیغمبری با اهل بیت خود دعای مستجاب

عطا فرموده و پیغمبر ما محمد صلی الله علیه وآله دو دعای مستجاب عطا کرده

یکی برای شداید امور و آن اینست یا دائما لم یزل یا الهی واله

ابائی یا حی یا قیوم صل علی محمد وال محمد وافعل بی کذا دوم برای

حوایج وقضای دین و آن اینست یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی

منه

منه شیء یا الله یا رب صل علی محمد واله واقض عنی الدین وافعل

بی کذا وهم از انحضرت مرویست که هر کس معیشت تنگ شود یا حاجتی

از حوایج دنیا و آخرت داشته باشد این رقعه را بر کاغذی سفید بنویسد

چنانکه اسماء در یکسطر باشد و وقت طلوع آفتاب در آب جاری اندازد

بسم الله الرحمن الرحیم الملك الحق الجلیل المبین من العبد الذلیل الی

المولی الجلیل سلام علی محمد وعلی والحسن والحسین وعلی ومحمد وطهرة

وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والقائم سیدنا

ومولانا صلوات الله علیهم ربی انی مسنی الضر والخوف فاکشف

ضری وامن خوفی بحق محمد وال محمد وبکل نبی ووصی وصدیق اسئلك

وشهید ان تصلی علی محمد وال محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا

لی یا ساداتی بالشان الذی لکم عند الله فان لکم عند الله لشانا من الله

الشان فقد مسنی الضر یا ساداتی والله ارحم الراحمین فافعل

بی یا رب کذا وکذا مرویست که چون کسی را حاجتی باشد

بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه پناه برده این عریضه

بر قبر یکی از ائمه طاهرین ع بکذارد یا بپیچد و سرش را مختوم ساخته

در کلی پاک کرفته در نهر یا چاهی عمیق یا آب بسیاری اندازد که بعرض

حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه میرسد و انحضرت خود

متوجه قضای آن شود بسم الله الرحمن الرحیم کتبت یا مولای
صلوات الله علیك مستغیثاً وشکوت ما نزل بی مستجیراً بالله
عز وجل ثم بك من امر قد دهمنی وشغل قلبی واطال فکری وسلبنی
بعض لبی وغیر خطیر نعمة الله عندی اسلمنی عند تخیل وروده
الخلیل وتبرأ منی عند ترائی اقباله الی الحمیم وعجزت عن دفاعه حیلتی
وخاننی فی تحمله صبری وقوتی فلجأت فیه الیك وتوکلت
فی المسئلة لله جل ثناؤه علیه وعلیك فی دفاعه عنی علما بمکانك
من الله رب العالمین ولی التدبیر ومالك الامور واثقا بك
فی المسارعة فی الشفاعة الیه جل ثناؤه فی امری متیقنا لا
جابته تبارك وتعالی ایاك باعطائی سؤلی وانت یا مولای جدیر
بتحقیق ظنی وتصدیق املی فیك فی امری کذا وکذا و حاجت را
بنویسد و بعد از ان بنویسد فیما لا طاقة لی بحمله ولا صبر علیه وان کنت
مستحقا له ولاضعافه بقبیح افعالی وتفریطی فی الواجبات
التی علی لله تعالی فاغثنی یا مولای صلوات الله علیك عند اللهف
وقدم المسئلة لله عز وجل فی امری قبل حلول التلف وشماتة
الاعداء فبك بسطت النعمة علی واسال الله جل جلاله لی نصراً عزیزاً
وفتحا قریبا فیه بلوغ الامال وخیر المبادی وخواتم الاعمال والامن

من

من المخاوف کلها فی کل حال انه جل ثناؤه لما یشاء فعال وهو حسبی
ونعم الوکیل فی المبداء والمآل و در وقت انداختن عریضه بیکی
از نائبان آنحضرت صلوات الله علیه که در زمان غیبت صغری بوده اند
که عثمان بن سعید عمری یا پسرش محمد بن عثمان یا حسین بن روح یا علی بن محمد باشند
متوسل شده بگوید یا فلان بن فلان سلام علیك اشهد ان وفاتك
فی سبیل الله وانك حی عند الله مرزوق وقد خاطبتك فی حیاتك
عند الله عز وجل وهذه رقعتی وحاجتی الی مولانا علیه السلام
فسلمها الیه فانت الثقة الامین و بعد از ان عریضه را بیفکند که
انشاء الله بر آورده شود و هم از انحضرت صلوات الله علیه مرویست
که چون خواهی برای مطلبی و حاجتی بکسی نامه یا رقعه نویسی اول با قلم بی مداد
بر سر نامه بنویس این را که بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون جعلنا الله
وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون راوی گوید بعد
از انکه این حدیث شنیدم هرگز برای مطلبی نامه ننوشتم مگر انکه باجابت
مقرون گشت فصل نهم در تعوید و حرز از مخاوف و مکاره از جمله
وسائل بسیار مرویست از اهل بیت اطهار صلوات الله علیهم درین
باب چند چیز که اهم باشد انشاء الله ذکر کنیم حرز خوف از سلاطین کسی بحضرت

امام جعفر صادق ع معروض داشت که سلطان مرا طلبیده و من اندیشه
دارم فرمود چون از خانه بیرون می روی قل هو الله احد از پیش رو
و جانب راست و جانب چپ و پشت سر و بالای سر و زیر پا بخوان
که در انروز حصاریست برای تو از سلطان و شیطان و نیز مرویست
که چون بسلاطین ملاقات کنید هفت مرتبه آهسته بگوئید خیرك بین
عینیك وشرك تحت قدمیك وبالله استعین علیك اللهم اکفنیه
بما شئت فانه لا قوة الا بك چون از غضب ایشان ترسد بگوید اطفاء
غضبك بلا اله الا هو حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو
رب العرش العظیم و چون نظر بر ایشان افتد سه مرتبه قل هو الله احد
بخواند و با دست چپ انگشت بشمرد تا وقتیکه از انجا بیرون آید مگر میخوانده
باشد و نیز مرویست که کسی را سلطان بعتاب طلبید حضرت امام جعفر
صادق ع قدری تربت مقدس امام حسین ع فرستاد و فرمود با او
برساند که امانست از هر خوف و نیز آنحضرت ع از در خانه
سلطان میگذشت دید که کسی را عقوبت کرده بیرون آمد عرض نمود اگر
انگشتر عقیق با خود میداشت ازین حادثه ایمن میبود خوف از اعدا
حضرت امام زین العابدین ع فرموده اگر تمام جن و انس بر من
جمع شوند چون این کلمات بگویم هیچ باک نداشته باشم بسم الله وبالله

بعون الله

ومن الله والی الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله اللهم الیك
اسلمت نفسی والیك وجهت وجهی والیك الجأت ظهری والیك
فوضت امری اللهم احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی ومن خلفی
وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی وما قبلی وادفع
عنی بحولك وقوتك فانه لا حول ولا قوة الا بك و نیز حضرت امام
موسی کاظم ع فرمود که جدم امیر المومنین صلوات الله علیه چون این دعا
میخواند بر هیچ لشکری حمله میکرد مگر آنکه منهزم میساخت و این دعا
کفایت بلایاست اللهم بك اساور وبك احاول وبك اصول اجاور وبك
وبك انتصر وبك اموت وبك احیی اسلمت نفسی الیك وفوضت
امری الیك لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انك خلقتنی
ورزقتنی وسترتنی عن العباد بلطف ما خولتنی اغنیتنی اذا هویت رددتنی
واذا عثرت قومتنی واذا مرضت شفیتنی واذا دعوت
اجبتنی یا سیدی ارض عنی فقد ارضیتنی خوف از سباع
وکلاب بگوید وقل للذین امنوا یغفروا للذین لا یرجون ایام
الله لیجزی قوما بما کانوا یکسبون واذا قرأت القرآن جعلنا
بینك وبین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا
علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا وان یروا کل